

چگونه بوده است آن حکایت گفت آورده اند که در زمان پیشین ستمکاری بود که هیزم درویشان
باستلم وحیف خریدی و در بهای آن مضایقه بسیار نموده کمتر از آنچه قیمت بود دادی و در زمستان
بر توانگران طرح کردی باضعاف آنچه قیمت عدل میشد بها بستدی هم درویشان از جور او بجان آمده
و هم توانگران از جفای او بفغان هیچ سینه دلسوختگان زو کباب کلبه محنت زدگان زو خراب
روزی هیزم درویشی را بکشید بزور و نیمه بها بدان فقیر بینوا پیش نهاد درویش دست دعا بر آسمان
برد و روی نیاز بقبله خضوع و خشوع آورد فرد ای ظالم از دعای بد ایمن مشو که شب گریان دعا کنند
که خون زند تا چه در این محل صاحب دلی رسید و بر آن حال وقوف یافت زبان ملامت بر آن ظالم
بگشاد و گفت فرد بترس از تیر باران ضعیفان و کمین شب که هرچند ضعیف را اثر قوی تر زخم میکنانش بیچاره
که جز درگاه حضرت آنکه پناه ندارد بدین منوال سلوک مکن و بر دردمندان که همه شب چون شمع از سوز دل
اشکبارند بدین گونه ستم روا مدار خانه سینه غریبان را باآسیب بیداد ویران مساز و خون دل یتیمان را
بجای شراب لعل در جام انتقام مریز مصرع مخور زین قدح که فردا خمار خواهی آمد آن ستمگر پر غرور از
سخن آن عزیز بر پیچید و از روی استکبار و حمیت جاهلیت روی در هم کشید هیچ پروای سخن شیخ از آن
پیش نه هیزم که دو صد خرمن افسانه پیکجو نخرم درویش روی از وی بتافت و بگوشه خلوت
خود شتافت قضارا در همان شب آتش در انبار هیزمش افتاد و از آنجا بخانه سرایت کرده هر متاعی که
داشت پاک بسوخت و آن بیداد گر را از بستر نرم بر خاکستر گرم نشاند قضا را بامداد همان عزیز که روز گذشته
نصیحت میفرمود بر محله رسید ظالم را دید که با متعلقان خود میگوید ندانم این آتش از کجا در سرای
من افتاد آن عزیز فرمود که از دود دل درویشان و سوز سینه ایشان فرد حذر کن ز سوز درونهای خسته
ریش که ریش درون عاقبت سر کند ظالم سر در پیش افکنده و با خود گفت از مقام انصاف نباید
گذشت تخم جفا نیکو کاشته ایم بهتر از این بر نخواهد داد هیچ همه تخم نادانشی کاشتیم همین
لاجرم تا چه برداشتیم و این مثل بدان آوردم تا بدانی آنچه بفرزندان تو رسیده در مکافات آن است

کیمیاگران

بسمه تعالی
هذا کتاب آیات الفضائل
من تألیف المیرزا علی الشهیر بپیشخدمت
اعلی حضرت ظل الله دام اقباله
و دولته

هو العلی الاعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بی قیاس خداوندی را سزاست که بنیان کریاس سپهر را بامر کاف و نون بی عماد و ستون
پدید آورد و اساس عالم امکان را بحکم دلیل آن کن فکان نمود انما امره اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون ایجاد فرمود و فراش ستایش خالقی را لایق است که از جمیع
بندگان غنی است مر او را رسد کبریا و منی که ملکش قدیم است و ذاتش غنی
در نیشان وصفش زبان از تعریف قاصر است و بنان از توصیف عاجز مخلوق را
بر خالق چه معرفت و خالق را از مخلوق چه منفعت واجب الوجود پاک از نابود
خاک چه ثمر چیند با خورشید درخشان از زلات ذرات چه نقصان بیند در این
درگاه عجز و انکسار باید نه فخر و استکبار و راه در ذاتش شاید نه راه گفتار العجز
اخر حیلة الانسان و درود نامعدود بر هادی سبل و سید رسل مولای جزء
و کل خواجه کائنات نخبهٔ موجودات قدوهٔ ممکنات خلاصهٔ آفرینش مصباح بینش شیرازهٔ
عالم امکان لنگر زمین و نعمان آسمان فتوت آفتاب نبوت ختم انبیا محمد مصطفی ص
صلی الله علیه و آله و اتم تحیات و اکمل صلوات بر افضل اوصیا و اول اولیا
امام بحق ولی مطلق قائد ما سبق و محل فحول در حیا عقول منبع نجابت و معدن برکات
عروة الوثقی معراج تقوی حامل لواء الدین ضارب اعناق المشرکین ابن عم رسول

زوج

زوج البتول سیف الله المسلول قاسم جنت و نار حیدر کرار مطلوب کل
طالب علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آله و سلام بعدد حساب بر اولاد
اطیاب او باد که ائمهٔ دین اند و ادلهٔ مهتدین و وجوه ساجدین و جباه ماجدین و
شموس عالمین سلام الله علیهم اجمعین و بعد در عهد همایون اعلیحضرت
سلطان سلاطین حامی مسلمین ماحی مشرکین قامع کافرین غوث الوری نور
الظلم ذخر العرب فخر العجم السلطان ناصر الدین شاه قاجار خلد الله
ملکه و سلطانه که در آن عهد خجسته بنیان کفر شکسته شد و دست ظلم
بسته آمد و در تشیید ارکان شریعت نبوی و ملت مرتضوی و طریقت
جعفری سلام الله علیهم از سلاطین سلف برتری جست و بر ملوک
صفوی اعلی الله درجاتهم در سلوک مناهج علوی و ترویج مسالک اثنا
عشری سبقت فرمود و علی الدوام فی اللیالی و الایام در استحکام قوائم
خلافت سعی بلیغ و اهتمام مالا کلام دارند و این حقیر کثیر التقصیر علی
ابن رستم تبریزی معروف به پیشخدمت که علی الدوام ملازم حضور باهر
النور میباشد نظر بمضمون الناس علی دین ملوکهم بملاحظه و مشاهدهٔ
عقیدهٔ مستقیمهٔ حضرت شاهنشاه روح العالمین فداه مبتهج
شدند و مشوق گشتند که تالیفی برشته در آورد و بآیات الفضائل
مسمی نمود و متمسک بولایت مطلقه گردید و ما التوفیق الا بالله و التوکل
و التوکل علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اتبعه

فضایل و مناقب و مدایح سید عالمیان و مولای متقیان شفیع انس و جان حافظ قران
و مروج دین و ایمان لنگر زمین و آسمان وصی مطلق حبیب خدا و مدحق مظهر عجایب و غرایب
مطلوب هر طالب جناب علی بن ابیطالب علیه الصلوة و السلام استعانت به تحریر و تقریر
کافه موجودات و کائنات خداوندی کما یحصر و احصا نیاید کما قال رسول الله صلی الله
علیه لو ان الغیاض اقلام و البحر مداد و الجن حساب و الانس کتاب ما
احصوا فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی پیغمبر خدا فرموده هرگاه درختهای
جنگلها قلم باشد و دریاها مرکب باشد و جن حساب کنندگان و انس نویسندگان
باشند نمیتوانند احصا نمایند فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام را و لکن هر کرم
بقدر عقل زجرو و کل از بیخ بقعه ارتضا و از بن باغ هدی دامن طمع و از نیاز کرده
گل چیند و نسیم غالیت نبیند و روزی خود را مانند گداها کرفته بر این کوی جهات بر
اند تا کوی سلامت و امان بر آید و از گفتگوی هر در وجهان بیاساید و زینکه جمعه بود
و اثنی عشر شهر رمضان هزار و دویست و هفتاد مطابق هجریه از اعمال شنیعه خود
کمال یاس و حرمان حاصل کردم و خود را مطرود درگاه خداوند عالم و مردود پیشگاه
خالق بی ادم دیدم خیال تند رو از معالجه این مرض قلبی کند و طبیب عقلم از مداوا
اینک زرد قاصر و عاجز آمد چاره بجز طبیبانه و لایت بچیزی نرسید که تمسک نمایم و معتضد
شوم بحر ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام شاید به جراحات لم مرهمی و بر
شکستگیهای قلبم رحمی فرمایند به خود شرط و عهد نمودم بعضی در مدایح و شمه از مناقب
آنمولا که گنجایش این صفحه باشد از هر کتب بیننم و آیات قران که راجع بر آن بزرگوار است

درینجا

[illegible]

و آنچه از روات عامه آنجناب را وصف نموده اند و آنچه از افواه خلایق استماع نمایم بنویسم
و بدون ملاحظه ترتیب و مراعات قاعده کتابت تحریر آوردم و داخل تحت نبوی باشم
که هر کس فضیلتی از فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام بنویسد گناهان دنیا و که کرده
همه میریزد و ملائکه استغفار برای و میکنند مادامیکه آن کتابت باقیست و هجیز
در حدیث صحیح وارد است که خواندن فضایل آنحضرت گناهان چشم او میریزد و نیز هر کس
بشنود گناهان گوش او برطرف شود و دوازده هزار ختم قران در نامه عمل و ثبت میشود
اما آنکه در قران راجع و مبتنی جناب امیر المومنین علیه السلام است بقدریکه امکان
میپذیرد و به بیان آید هر چه عبارت از صراط مستقیم که نازل شده کلها مراد آنحضرتست
بتفضیل بعضی از ان مسطور گردید از آنجمله در سوره مبارکه فاتحة الکتاب اهدنا
الصراط المستقیم خود ائمه علیهم السلام فرموده اند نحن الصراط المستقیم از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که صراط بدو معنیست صراط دنیا و صراط
اخرت اما صراط دنیا امام مفترض الطاعه است کسیکه بشناسد او را در دنیا و
پیروی کند بهدایتش و میکند در برصراط که پل جهنم است در اخرت و کسیکه نشناسد
او را در دنیا میلغزد قدم او از صراط در اخرت پس می افتد در آتش جهنم و بروایت
دیگر از آنحضرت علیه السلام صراط اخرت که جسر جهنم است از مو نازکتر و از دم شمشیر
تیز تر است بعضی از خلایق مرور میکنند از آنجا مثل برق و بعضی مانند دویدن اسب و
بعضی مرور میکنند براه رفتن و بعضی میروند بدو دست و شکم خود تا آنکه مراد اینست
که راه میروند مثل اطفال در راه رفتن بمقعد خود و سینه ایشان را دادن بقدریکه تر زمین لند

میشود که بروا فتند و بعضی میکشند در حالیکه او بخته باشند در جهنم و دستهای
خود را بصراط گرفته پس میکشد آتش از وجنبها را و فرو کنار میکند چیزی را مؤلف
گوید خلافی که در گذشتن از صراط مذکور شد بحسب خلاف خلافت است در
مقدار معرفت امام و نور ایمان پس هر که معرفت او بیشتر و نور ایمان او زیاد تر است
بهتر میگذرد و هر کس امام علیه السلم را بشناسد و محبت او ندارد برسانند از صراط گذشته
است و هر کس خلاف این باشد العیاذ بالله گذرگاه او بر آتش جهنم است آیه
مبارکه قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم در
هر جا از آیات که صراط مستقیم بیان شده عبارت از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است الم ذلک الکتاب لا ریب فیه که اول سوره مبارکه بقره است الم آن حروف
است از حروف اسم الله الاعظم که مقطعه است و از اسرار است میان خدا و رسول
سر حبیب است با حبیب مطلع نمیشود رقیب از سر محبین از حضرت صادق صلوات
الله علیه منقول است که مراد از ذلک الکتاب کتاب علی علیه السلام است مؤلف
گوید ممکن است که معنی حقیقی این باشد کتابیکه آن علی بن ابیطالب صلوات الله علیه
است که هیچ شکی در او نیست که حق است و اطلاق کتاب بر انسان کامل بسیار است
چنانکه جناب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده أتزعم انک جرم صغیر وفیک
انطوی العالم الاکبر وانت الکتاب المبین الذی باحرفه یظهر المضمر در اخبار
و غیر آن یعنی خود آنحضرت کتابست که شک ندارد آیه مبارکه واستعینوا
بالصبر والصلوة معنی ظاهر آنستکه استعانت بجوئید بصبر و نماز در بندگی خداوند

و وقوع شدائد و سختیها و در بعضی اخبار صبر تفسیر بروزه شده است پس معنی این میشود
که استعانت جوئید بروزه و نماز و صلوة تاویل بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
شده بنا بر این معنی اینست و الله العالم که استعانت بجوئید بامیر المؤمنین در تمام
در ماندگیها چه در دنیا و چه در آخرت آیه مبارکه ان الصلوة تنهی
عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر معنی ظاهر همان صلوة است که مکلفین بجا
می آورند معنی باطنی اشاره بسوی جناب علی علیه السلام است ولذکر الله اکبر یعنی
ذکر خدا هر آینه بزرگتر است در آخر حدیث که از حضرت امام محمد باقر علیه السلم روایت
شده آنحضرت فرموده نحن ذکر الله ونحن اکبر یعنی ما ائیم ذکر خدا و ما ائیم بزرگتر
آیه مبارکه اذکرونی اذکرکم خدا فرموده یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را
ذکر خدا تعالی ذکر آنجنابست چنانچه خدای تعالی در حدیث قدسی فرموده ذکر علی
ابن ابیطالب ذکری یعنی ذکر علی بن ابیطالب ذکر من است هر کس او را یاد کند مرا یاد
کرده آیه مبارکه والذین آمنوا اشد حبا لله یعنی کسانیکه ایمان بخدا آورده
اند شد بیشتر است دوست داشتن ایشان مر خدا را مراد از آنکسانیکه ایمان
آورده اند آنجناب و اولاد او علیهم السلم هستند چون حقیقت ایمان بنا بر آنچه در
بعضی اخبار تفسیر شده اقرار است بزبان و اعتقاد است بدل و عمل است باعضا
و جوارح و در غیر ایشان کامل نبوده زیرا که عصمت منحصر بایشان بوده آیه مبارکه
ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله از طرق عامه و خاصه روایت
شده که این آیه شریفه در شان حضرت امیر المؤمنین علیه السلم نازل شده وقتیکه در فراش

جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهند ند و تخصیص بغا رتشر بعضی بر ند و نفس
خود را در راه خدا فروختند بجهت طلب خشنودی خدا آیهٔ مبارکه یا ایها الذین
آمنوا ادخلوا فی السلم کافة و لا تتبعوا خطوات الشیطان یعنی ای کسانی که
ایمان آورده اید داخل شوید در طاعت بندگی از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام روایت شده که مراد از سلم ولایت امیر المؤمنین و ائمه و اوصیا
بعد از و علیهم السلام است از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که از جمله چیزهای
که مخصوص در مقام تفسیر این آیهٔ کریمه فرموده آنست پس بدرستیکه نمیباشد مسلمان کسی
که بگوید ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله پس اعتراف کند برسالت آنجناب و اعتراف
و اقرار نکند با آنکه علی علیه السلام وصی و جانشین او و بهترین امت است و خطوات
الشیطان دوستی اول و ثانی است علیهما اللعنة و العذاب چنانچه در روایت وارد شده که
دوستی این دو نفر خطرها دارند آیهٔ مبارکه فان زللتم من بعد ما جاءتکم
البینات یعنی پس هرگاه میلغزید از جادهٔ شرع اسلام که ولایت امیر المؤمنین و اولاد
طاهرین او صلوات الله علیهم بوده باشد بعد از آنکه آمد بسوی شما بینات یعنی دلیلهای
روشن و آشکار بر اینجا بخبر آنکه میخواند شما را بسوی آن رسول خدا صلی الله علیه و آله
از رسالت خود و ولایت امیر المؤمنین و سایر احکام خدا و تکیه همه که بر حق است آیهٔ
مبارکه فاعلموا ان الله عزیز حکیم یعنی بدانید بدرستیکه خداوند غالب است
توی که عاجز از انتقام کشیدن شما نیست و حکم کننده است بطریق حق آیهٔ مبارکه فمن
یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی عروة الوثقی دستی

جناب

جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد طاهرین آنجناب است جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرموده من احب ان یتمسک بالعروة الوثقی التی لا انفصام لها فلیتمسک بولایة اخی
و وصیی علی بن ابیطالب علیه السلام فانه لا یهلک من احبه و تولاه و لا ینجو من
ابغضه و عاداه یعنی هر کس دوست دارد که چنگ زند و بر گیرد عروة الوثقی را که بمعنی حبل
متین است انقطاع ندارد و نباشد پس باید متمسک شود بولایت برادر من و وصی من علی
ابن ابیطالب علیه السلام پس بدرستیکه کسیکه او را دوست دارد و ولایت او را داشته
باشد و نجات نمییابد کسیکه او را دشمن دارد و بغض او در دلش باشد آیهٔ مبارکه
و الذین کفروا اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک
اصحاب النار هم فیها خالدون یعنی کسانیکه کافر شده اند دوستان ایشان طاغوت است
و مراد از طاغوت بروایت قمی ظالمان آل محمد اند صلی الله علیه و آله خارج میکنند ایشان را
یعنی کافران را از روشنی بسوی تاریکی و ایشان اصحاب آتش هستند که در آتش مخلد اند و در
وده تحت شیعه یکر وارد شده است که پس دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام ایشانند مخلد در
آتش اگر چه در دنیای خود شان برغایت زهد و ورع و عبادت باشند آیهٔ مبارکه
و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا خیر کثیر بروایت قمی معرفت جناب امیر المؤمنین علیه
السلام و اولاد آنجناب است آیهٔ مبارکه الذین ینفقون اموالهم باللیل و
النهار سرا و علانیة فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
مرویست از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیهما السلام و ابن عباس و غیر او که این
آیهٔ کریمه نازل شده است در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام که چهار درهم داشت فقط

یکبار در شب تصدق بفقرا کرد یکبار در روز یکبار در پنهان و یکبار در آشکار آیهٔ
مبارکه هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر
متشابهات بروایت کافی وعیاشی محکمات عبارتست از امیر المؤمنین و اولاد او
علیهم السلام و متشابهات اول و ثانی و اتباع آنها است علیهم اللعنة العذاب آیهٔ
مبارکه وما یعلم تاویله الا الله والراسخون فی العلم یعنی تاویل قرآن را نمیدانند
مگر خدا و کسانیکه در علم ثابت هستند از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود
ما ئیم راسخون فی العلم مراد از لفظ نحن که حضرت فرمودند جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد
آنجناب علیهم السلام است آیهٔ مبارکه ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابرهیم
و آل عمران علی العالمین منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند ما آل ابرهیم
هستیم و ما بقیهٔ آن عترت هستیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که آن حضرت
فرمودند گفت محمد بن اشعث بن قیس کندی لعنه الله بجناب حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام
که ای حسین پسر فاطمه کدام حرمتست برای شما از رسول خدا برای غیر شما که نیست پس جناب امام
حسین علیه السلام این آیهٔ مبارکه را خواندند ان الله اصطفی آدم و نوحا تا آخر آیه بعد از آن فرمودند
والله بدرستیکه محمد از آل ابرهیم است و بدرستیکه عترت هادیه هر آینه از آل محمد
است در حدیث دیگر هست که آیهٔ مبارکه در اصل چنین نازل شده بود ان الله اصطفی
آدم و نوحا و آل ابرهیم و آل عمران و آل محمد علی العالمین ذریة بعضها من بعض
لفظ آل محمد را جماعت منافقین علیهم اللعنة اسقاط کردند و اما اخند مؤلف گوید
گمان کرده اند که بواسطهٔ اسقاط اخفاء فضایل اهل بیت می نمایند دیگر نمیدانستند که همین

در سورهٔ آل عمران است

در سورهٔ آل عمران است

در سورهٔ آل عمران است

بعینه

بقیهٔ امه که آل ابرهیم است دلالت دارد بر آل محمد آیهٔ مبارکه لن تنالوا البر حتی
تنفقوا مما تحبون در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که لباس حریری خوش آیند
طبع مبارک کردند پس در راه خدا تصدق فرمودند بعد ابن عباس را فرمودند سمعت
رسول الله یقول من آثر علی نفسه آثره الله یوم القیمة بالجنة ومن احب شیئا
فجعله لله قال الله یوم القیمة قد کان العباد یکافئون فیما بینهم بالمعروف و
انا اکافئک الیوم بالجنة یعنی شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
هرکس مقدم بدارد بر نفس خود بندگان خدا را بجهة رضای خدا تفضیل میدهد
مقدم میدارد خدا وند او را در روز قیامت بر دیگران ببهشت و هرکس دوست دارد چیزی
را پس برای رضای خدا قرار دهد خدا وند در روز قیامت میفرماید که مردم با همدیگر
بقدر خود شان مکافات بعطا و بخشش میکنند ومن مکافات میکنم بر تو امروز ببهشت
و همچنین آیهٔ مبارکه و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة یعنی مقدم میدارند
و تفضیل میدهند بر نفس خود شان محتاجان را هرچند خود شان را فقر و احتیاج باشد مراد
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است منقولست که شخصی خدمت رسول خدا صلی الله
علیه و آله آمد پس شکایت کرد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد از
گرسنگی پس فرستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بخانه زوجات خود که غذا از برای
این مرد بیاورند پس زوجات گفتند نیست در نزد ما مگر آب خالی پس حضرت فرمودند
من لهذا الرجل اللیلة یعنی کیست برای این مرد در این شب که او را مهمان کند جناب امیر
المؤمنین علیه السلام عرض کرد من برای او هستم و او را مهمان میکنم پس حضرت آمدند بخانه

در سورهٔ آل عمران است

کفتای دختر پیغمبر خدا در خانه چه هست عرض کرد چیزی ندارم مگر قوت امشب لکن
مهمانرا مقدم میداریم بر خود فقال علی علیه السلام یا بنت محمد نومي الصبية و
اطفئ المصباح یعنی کودکانرا بخوابان وچراغرا خاموش کن بعد از آن فردا این آیه
مبارکه نازل شد آیهٔ مبارکه ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم
یعنی هر کس متمسك شود بخدا بتحقیق هدایت یافته میشود بسوی راه راست مراد جناب
امیرالمؤمنین علیه السلام است آیهٔ مبارکه واعتصموا بحبل الله در حدیث
که حبل الله المتین علی بن ابیطالب علیه السلام است و مفهوم از این حدیث اینست که هر کس
تمسك بر آن حبل محکم نماید سلامت از هلاکت و گمراهی یابد آیهٔ مبارکه اینما
ثقفوا الا بحبل من الله وحبل من الناس از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است
حبل من الله مراد کتاب الله است وحبل من الناس علی علیه السلام است مؤلف گوید
که در حقیقت کتاب الله هم آنحضرت است آیهٔ مبارکه افمن اتبع رضوان الله کمن
باء بسخط من الله ومأویه جهنم وبئس المصیر هم درجات عند الله یعنی آیا پس آنکسیکه
تابع رضای خدا باشد مثل آنکسیست که رجوع کند بسخط خدا تعالی و ملازم با غضب خدا
تعالی باشد و این کنایه از دوام معصیت است و مأوی و منزل او جهنم است و بد جائیست
جهنم و آنانکه تابع رضای خدا هستند صاحبان درجاتند نزد خدا تعالی از حضرت صادق
مرویست فرموده اند آنکسانیکه پیروی کردند رضوان وخشنودی خدا را ایشان ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم و ایشانند والله درجات عند الله از برای مؤمنین تا اینجا که میفرماید
والذین باؤا بسخط من الله هم الذین جحدوا حق علي والائمة علیهم السلام منا اهل البیت یعنی

المنزلة

در سوره آل عمران

در سوره آل عمران

در سوره آل عمران

آنکسانیکه رجوع کردند بغضب خدا آنانی هستند که انکار حق جناب امیرالمؤمنین وحق ائمه از
ما اهل بیت علیهم السلام را نمودند تا آخر حدیث آیهٔ مبارکه ولئن قتلتم فی سبیل الله
او متم لمغفرة من الله ورحمة خیر مما یجمعون یعنی هرگاه کشته شوید و یا بمیرید در راه خدا
هر آینه مغفرت و رحمت از خداوند بهتر است از چیزیکه دیگران در آن جمع نمایند از منافع دنیوی
عیاشی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که سبیل الله جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام و ذریه او است که هر کس کشته شود یا بمیرد در ولایت آنجناب در راه خدا مرده
است آیهٔ مبارکه وانما توفون اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار وادخل
الجنة فقد فاز یعنی جز این نیست که داده میشوید پاداش اعمال خود را از نیك و بد بتمام و کمال
در روز قیامت پس هر کس دور شود از آتش و داخل بهشت کرده شد بتحقیق نجات یافت
و بمقصود خود رسید عن المجالس عن النبي صلی الله علیه واله حاکیا عن الله عز وجل فی حدیث
فبعزتی حلفت وبجلالی اقسمت انه لا یتولی علیا علیه السلام عبد من عبادی الا زحزحته
عن النار وادخلته الجنة ولا یبغضه عبد من عبادی الا ابغضته وادخلته النار و
بئس المصیر از کتاب مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت است که از خدای
عالم حکایت فرموده اند که بعزت وجلال خود قسم خورده ام که دوست نمیدارد بنده از
بندگان من علی بن ابیطالب صلوات الله علیه را مگر آنکه او را از آتش جهنم دور میگردانم و داخل
بهشت میکنم و دشمن نمیدارد بنده از بندگان من آنجناب را مگر اینکه دشمن میدارم او را
و داخل میکنم در آتش و بد جائیست آتش آیهٔ مبارکه ان الله لا یغفر ان یشرك به
ویغفر ما دون ذلك لمن یشاء یعنی بدرستیکه خدای عز وجل نمی بخشد کسی را که با او شریك

در سوره آل عمران

در سوره آل عمران

در سوره نساء

قرار بدهد و میبخشد گناهی را که پستتر از شرک باشد از برای هر که بخواهد روایت شده از
جناب امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودهاند بتحقیق از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و
آله شنیدم فرمودند و از جمله چیزها که خصوصیات امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول خدا صلی
الله علیه و آله حکایت میفرمایند اینست که هر کس باخلاص لا اله الا الله بگوید او بری است
از شرک و هر کس بیرون رود از دنیا و بخدا شریک قرار ندهد بچیزی داخل بهشت شود بعد
از آن این آیه را خواندند و بعد از لفظ لمن یشاء فرمودند من شیعتک و محبیک یا علی یعنی خدا
نمی آمرزد کسی را که بخداوند شریک قرار بدهد و میبخشد گناهی را که پستتر از شرک باشد
از برای هر که بخواهد از شیعیان و محبان تو یا علی تا آخر حدیث و از عیاشی از حضرت باقر
علیه السلام مرویست که فرمود ان الله لا یغفر ان یشرک به یعنی خدا نمی بخشد کسی را که منکر
ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد و میبخشد پستتر از آن را از برای هر کس که بخواهد یعنی
از برای دوستان جناب امیر المؤمنین علیه السلام آیه مبارکه و یقولون للذین کفروا
هؤلاء اهدی من الذین آمنوا سبیلا اولئک الذین لعنهم الله و من یلعن الله فلن
تجد له نصیرا ام لهم نصیب من الملک فاذا لا یؤتون الناس نقیرا از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام مرویست که میگویند کسانیکه تابع پیشوایان ضلالتند راه ایشان
راستتر است از آل محمد صلی الله علیه و آله اما آنکه این سخنان میگویند کسانی اند که
لعنت کرده ایشان را خدای تعالی پس نمی یابی پیغمبر هرگز معینی از برای و یاوری از برای ایشان
نصیبی از ملک هست مراد از لفظ ملک بنا بر آنچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
شده امامت و خلافت است فاذا لا یؤتون الناس نقیرا پس آنوقت نمیدهند مردم را یعنی آل

در سوره نساء

محمد

محمد را بنا بر آنچه در حدیث سابق وارد شده است که آنحضرت فرمودند ماییم مردم که
خدا قصد کرده از خلافت و امامت بقدر نقطه که در وسط هسته خرما است یعنی چنین
است ایشان را از ملک نصیبی نیست ملک و خلافت و سلطنت و عظمت مخصوص آل محمد صلی الله
علیه و آله است و دیگران را حقی نیست آیه مبارکه ام یحسدون الناس علی ما آتاهم
الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب و الحکمة و آتیناهم ملکا عظیما یعنی آیا
حسد میبرند بر ناس که مراد محمد و آل محمد است صلی الله علیه و آله است بر آنچیزیکه داده
است ایشان را خداوند از فضل خودش بتحقیق که عطا کردیم ما آل ابراهیم کتاب و حکمت را و عطا
فرمودیم ایشان را ملک عظیم مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند در تفسیر این
آیه شریفه یعنی گردانیدیم پیغمبران و رسولان و امامان از آل ابراهیم پس چگونه اقرار میکنند
در آل ابراهیم عطاهای خداوند را و انکار میکنند آنرا در آل محمد صلی الله علیه و آله و فرمودند
ملک عظیم که خدا با آل ابراهیم داده آن بود که گردانید در ایشان امامان چندی و کسیکه
اطاعت کند ایشان را اطاعت خدا کرده و کسیکه معصیت کند ایشان را معصیت خدا کرده پس
اینست ملک عظیم و روایت دیگر وارد شده که ملک عظیم طاعتی است که فرض شده است
از کافی و از عیاشی و غیر این که در چندین روایت وارد شده از ائمه سلام الله علیهم که فرموده
اند نحن المحسودون الذین قال الله علی ما آتاهم الله من الامامة یعنی ماییم آنکسانی هستیم که
مردم حسد میبرند بما بر چیزیکه عطا فرموده است ما را خداوند از امامت آیه مبارکه
ان الذین کفروا بآیاتنا سوف نصلیهم نارا یعنی بدرستیکه کسانیکه کافر شدند بآیات
ما زود باشد که داخل کنیم و جا دهیم ایشان را در آتش جهنم که روایت شده مراد از آیات چند

و در سوره نساء

در سوره نساء

در سورهٔ نساء

علی بن ابی طالب و اولاد او علیهم السلام است آیهٔ مبارکه إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ
إِلَىٰ أَهْلِهَا یعنی بدرستیکه خداوند امر میکند شما را اینکه رد کنید امانتها را بر اهل
خود در کتاب کافی و غیر او در چندین روایات عدیده هست بدرستیکه خطاب و حکم بسوی
ائمه صلوات الله علیهم است تا مأمور شده هر یک از ایشان اینکه ادا کنند بسوی امام بعد
از خود امانت و وصیت کند بسوی او پس این آیه جاریست بر سایر امانات ظاهره که رد نماید
و خیانت نکنند چنانچه از ائمه سلام الله علیهم وارد شده لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ
وَسُجُودِهِ فَإِنَّ ذَٰلِكَ شَيْءٌ اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَٰلِكَ وَلَٰكِنْ انْظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ
حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ یعنی نظر مکنید بر طول دادن رکوع و سجود مرد بدرستیکه این
چیزیست که عادت او است هر گاه ترک کند مستوحش میشود از برای آن و لکن نظر نمائید

در سورهٔ نساء

بر راستی قول و ادا کردن امانت آیهٔ مبارکه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّٰهَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید اطاعت کنید
خدا را و اطاعت کنید رسول را و صاحبان امر را در کتاب کافی از حضرت باقر علیه السلام
روایت کرده شده است این آیه شریفه که ما ائمه را بالخصوص قصد کرده است و فرموده جمیع مؤمنین
را تا روز قیامت با طاعت ما باشند عیاشی از آنجناب روایت کرده است این آیهٔ شریفه
فرمودند که در شان جناب علی بن ابیطالب و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهم السلام
نازل شده است بخدمت آنحضرت علیه السلام عرض شد بدرستیکه مردم میگویند پس چه میشود
خداوند تعالی ابا اینکه معصومین از این آیه و امثال او ائمه اظهار نکرده است در کتاب محکم خود
اسم مبارک جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین آنجناب را ظاهر نبرده پس آنجناب فرمودند

که پس

که پس شما بگوئید با ایشان که نماز نازل شد یعنی امر فرمود خداوند تعالی بنماز و اسم نبرده
که سه رکعت و یا چهار رکعت بگذارند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین
و تفسیر فرمودند آنرا برای ایشان و همچنین حکم زکوة نازل شد خداوند عالم نام نبرده از برای
ایشان که از هر چهل درهم یک درهم بدهند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمودند تا آنجائیکه میفرمایند و آیهٔ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نازل
شد در شان جناب علی علیه السلام و جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام پس جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَقَالَ أُوصِيكُمْ
بِكِتَابِ اللّٰهِ وَأَهْلِ بَيْتِي فَإِنِّي سَأَلْتُ اللّٰهَ تَعَالَىٰ أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّىٰ يُورِدَهُمَا عَلَيَّ
الْحَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَٰلِكَ وَقَالَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ وَقَالَ إِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ
مِنْ بَابِ هُدًى وَلَنْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ یعنی هر کس را که من آقای او هستم پس
علی آقای او است و فرمود وصیت میکنم شما را بقرآن مجید خدا و باهل بیت خود من
بدرستیکه من سؤال کرده ام از خداوند تعالی که جدا نکند میان این دو تا وارد
کند ایشان را با هم در روز قیامت بر حوض کوثر پس خداوند تعالی هم عطا فرمود بمن این
سؤال مرا باز فرمودند شما تعلیم مکنید اهل بیت مرا پس بدرستیکه ایشان از شما
اعلم هستند و فرمودند تا نهایت درستی که شما را از در هدایت خارج نمیکنند هرگز
داخل نمیکنند شما را بدر گمراهی بعد از نقل کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
پس هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا ساکت میشدند و بیان نمیفرمودند که
کیستند اهل بیت آنجناب هر آینه ادعا میکردند آل فلان و آل فلان که مائیم اهل بیت رسول

خدا

خدا ولکن خداوند عالمیان بجهت تصدیق کلام نبی خود نازل نمود این آیهٔ مبارکه را اِنَّمَا
یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا یعنی جز این نیست میخواهد
ببرد خباثت و ناپاکی را از شما که اهل بیت رسول هستید و پاک گرداند شما را پاک
گردانیدنی همین آیه در شان جناب علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
است که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند ایشان را بزیر عبا داخل در خانهٔ جناب
ام سلمه پس فرمودند اللّٰهُمَّ اِنَّ لِکُلِّ نَبِیٍّ اَهْلًا وَثِقْلًا وَهٰؤُلَاءِ اَهْلُ بَیْتِیْ وَثِقْلِیْ یعنی بار
الها بدرستیکه برای هر پیغمبری خویشان و عزیزان میباشد و اینها اهل خانه و
عزیزان من هستند پس ام سلمه عرض کرد فدای تو شوم آیا من از اهل تو نیستم پس جناب
فرمودند تو بسوی خیر هستی و لکن اینها اهل بیت منند در کتاب اکمال از جابر بن عبد
الله الانصاری روایت شده است زمانیکه آیهٔ اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَ
اُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ نازل شد بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم فدای
تو شوم شناختیم خدا و رسول را که اطاعت کنیم پس اولی الامر کیانند که خدا تعالی
برابر گردانیده طاعت ایشان را با طاعت شما پس حضرت فرمودند که اینها جانشینان من
هستند ای جابر و پیشوایان مسلمانانند بعد از من که اول ایشان علی بن ابیطالب علیه
السلام است بعد از او حسن و بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی صلوات
الله علیهم که در توریت معروف است بباقر و زود باشد که برسی با او ای جابر پس زمانی
که او را ملاقات کنی از جانب من باو سلام برسان بعد جعفر بن صادق بن محمد بعد موسی
بن جعفر بعد محمد بن علی بعد علی بن محمد بعد حسن بن علی بعد هم نام من محمد و هم کنیت من

است یعنی کنیة او نیز ابو القاسم میباشد حُجَّةُ اللّٰهِ فِیْ اَرْضِهٖ وَبَقِیَّةُ اللّٰهِ فِیْ عِبَادِهٖ یعنی او
حجة خدا است در زمین او و رحمت خدا تعالی در بندگان او که فرزند حسن بن علی علیه
السلام است انکس است که فتح میکند خدا بر دست او مشارق و مغارب ارض را او
انکس است که غایب میشود از شیعیان و دوستان خود چنان غایب شدنی که ثابت نمیماند
بر اعتقاد بامامت او در زمان غیبت مگر کسی که تصفیه و خالص کرده باشد خدا تعالی
قلب او را برای ایمان تا آخر حدیث مؤلف گوید یعنی امامت او را کسی قائل می
شود که خدا قلبش را خالص از غل و غش شرک کرده باشد و منزلگاه دلش را خالی کرده
باشد بجهت قرار گرفتن ایمان در آن ایهٔ دیگر هیچ باشد وَاِذَا جَآءَهُمْ اَمْرٌ مِّنَ الْاَمْنِ اَوِ
الْخَوْفِ اَذَاعُوْا بِهٖ وَلَوْ رَدُّوْهُ اِلَی الرَّسُوْلِ وَاِلٰی اُولِی الْاَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِیْنَ
یَسْتَنْبِطُوْنَهٗ مِنْهُمْ یعنی زمانیکه میاید بسوی ضعفای مسلمین امری از امن یا خوف
یعنی خبریکه موجب سکون ایشان میشود یا خبریکه موجب سستی ایشان میشود که از رسول خدا صلی
الله علیه و آله بایشان میرسد یا از غیر آنجناب افشا میکنند و در افشای آن امر مفسده
است هرگاه رد نمایند و واگذارند آن امر را بسوی رسول و بسوی صاحبان امر از ایشان
هر اینه میدانند آن امر را کسانی که استنباط و استخراج میکنند تدبیر آن را بتجربهای خود
یعنی اگر خوفست تدبیر میکنند که زایل شود و اگر امن است قسمی میکنند که عکس مقصود نشود
از جناب باقر علیه السلام منقول است که فرموده اند مقصود از کسانیکه استنباط میکنند
امامان معصوم اند یعنی جناب علی بن ابیطالب و اولاد او علیهم السلام است ایهٔ
مبارکه وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَتُهٗ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّیْطَانَ اِلَّا قَلِیْلًا یعنی هرگاه نبود

فضل و رحمت خدا بر شما هر اینه تابع میشدید شیطان را مگر قلیلی از جناب موسی کاظم
علیه السلام مرویست که فرموده‌اند رحمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله است و
فضل جناب علی بن ابی طالب علیه السلام مؤلف گوید هر گاه اندکی شعور باشد بنده را معلوم
که این کلام از مصدر حقیقت ذات ناقص صادر شده زیرا که هیچ فضل و رحمت خدا بهتر و
بزرگتر از آن دو بزرگوار نمیشود که جمیع امور دنیوی و اخروی خلایق از برکت آنها است
و باعث نجات و هدایت مردم هستند آیه مبارکه ان الذین امنوا ثم کفروا
ثم امنوا ثم کفروا ثم ازدادوا کفرا لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم سبیلا
عن الصادق علیه السلام نزلت فی فلان و فلان و فلان امنوا برسول الله صلی الله علیه و
اله فی اول الامر ثم کفروا حین عرضت علیهم الولایة حیث قال من کنت مولاه
فعلی مولاه ثم امنوا بالبیعة لامیر المؤمنین علیه السلام حیث قالوا له بامر
الله و امر رسوله فبایعوه ثم کفروا حیث مضی رسول الله صلی الله علیه و اله
فلم یقروا بالبیعة ثم ازدادوا کفرا باخذهم من بایعوه بالبیعة لهم فهولاء
لم یبق فیهم من الایمان شیء معنی این شریفه اینست بدرستیکه کسانیکه ایمان آوردند
بعد از آن کافر شدند بعد ایمان آوردند بعد کافر شدند بعد زیاد کردند کفر خود را
البته نمیباشد خدا تعالی اینکه ببخشد ایشان را و نمیباشد البته که نشان دهد بایشان
راهی را از جناب صادق علیه السلام منقولست که فرمودند آیه مبارکه نازل شده است در
شان اول و ثانی و ثالث که ایمان آوردند برسول خدا صلی الله علیه و اله در اول امر
بعد از آن کافر شدند وقتیکه نشان داده شدند ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را

زمانیکه

زمانیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند هر کس من مولای او هستم
علی مولای او است بعد از آن ایمان آوردند و گردن نهادند به بیعت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام وقتیکه بخدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله عرض کردند که آیا بامر
خدا و رسول او است و حضرت فرمودند بلی پس بیعت کردند با جناب امیر المؤمنین صلوات
الله علیهم بعد کافر شدند وقتیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله رحلت فرمودند
پس اقرار نکردند به بیعتی که کرده بودند با آنجناب بعد از آن زیاد کردند کفر را باینکه بیعت
گرفتند از کسیکه با او بیعت کرده بودند که جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه باشد
پس در آنها باقی نماند چیزی از ایمان لعنهم الله و ادخلهم بالنیران آیه مبارکه
وقد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم ایات الله یکفر بها و یستهزء بها فلا تقعدوا
معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره یعنی بتحقیق نازل کرد خداوند تعالی بر شما
در قران اینکه وقتیکه شنیدید ایات خداوند را انکار کرده میشود و استهزا کرده میشود
با آنها نه نشینید و مجالست با آنها نکنید تا اینکه داخل شوند در کلامی غیر از کفر و غیره
از استهزاء با ایات خدا ایات الله عبارتست از جناب علی بن ابیطالب و اولاد او علیهم السلام است
بنابر روایتیکه فی عن الکافی عن الصادق علیه السلام و العیاشی عن الرضا علیه السلام فی تفسیرها
اذا سمعت الرجل یجحد الحق و یکذب به و یقع فی اهله فقم من عنده ولا تقاعده از کافی
از حضرت صادق و عیاشی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده زمانیکه شنیدی
شخصی را که انکار حق میکند و تکذیب با و مینماید و مذمت مینماید اهل حق را پس برخیز
از نزد او و با او همنشینی مکن آیه مبارکه یا ایها الناس قد جاءکم برهان من

ربکم

ربكم وانزلنا اليكم نورا مبينا يعنى اى مردم بتحقيق آمد بسوى شما برهان از پروردگار شما
و نازل كرديم بسوى شما نور آشكارا از جناب صادق عليه السلام روايتست كه برهان
جناب رسول خدا صلى الله عليه وآله است و نور مبين على بن ابيطالب عليه السلام است

در سورهٔ نساء

آيهٔ مباركه فاما الذين آمنوا بالله واعتصموا به فسيدخلهم فى رحمة منه و
فضل ويهديهم اليه صراطا مستقيما يعنى پس اما كسانيكه ايمان آورده اند و تمسك
كرده اند باو پس زود داخل ميكند ايشانرا در رحمتى و فضلى از خود و هدايت ميكند
ايشانرا براه راست بسوى خود و مراد از اعتصام تمسك بولايت جناب على بن ابيطالب
عليه السلام و ولايت امامان بعد آنجناب است بنابر روايت قمى و در تتمهٔ حديث سابق كه از
حضرت صادق عليه السلام روايت شد مذكور است كه صراط مستقيم نيز آنجناب
عليه السلام است بنابر روايت فى معنى آيه اينست كه كسانى تمسك بولايت آنجناب
كنند خداوند عالم ايشانرا داخل رحمت و فضل خود ميفرمايد و براه راست هدايت ميكند

در سورهٔ مائده

آيهٔ مباركه اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتى ورضيت لكم
الاسلام دينا از جناب امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله عليهما منقول است
كه آن دو بزرگوار فرمودند چنين نيست كه آيهٔ مباركه نازل گرديد پس از آنكه جناب
رسول خدا صلى الله عليه وآله نصب فرمودند جناب امير المؤمنين عليه السلام را علامت
و نشانه از فتن راه از براى مردمان در روز غدير خم وقتيكه بر ميگشتند آنجناب از حجة
الوداع پس فرمودند آن دو بزرگوار كه اين يعنى ولايت آنجناب آخر فريضه بود كه نازل كرد آنرا
اورا خداى تعالى پس بعد از آن فريضه نازل نكرد معنى آيه اينست امروز كامل گردانيدم

در سورهٔ مائده

براى شما دين شما را و تمام كردم از براى شما نعمت خودم را و راضى شدم از براى شما
اسلام را كه دين شما باشد آيهٔ مباركه قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين يعنى
بتحقيق آمد بسوى شما از خداى تعالى نور و كتاب آشكار كننده حق از على بن ابرهيم قمى
حكايت شده كه او در تفسير اين آيه فرموده كه نور عبارتست از جناب امير المؤمنين و ائمه

در سورهٔ مائده

طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين است پس بنابرين ميبايد كه لفظ نور كه در تتمهٔ
آيهٔ مباركه يهدى به الله من اتبع رضوانه سبل السلام ويخرجهم من الظلمات
الى النور ويهديهم الى صراط مستقيم نيز اشاره بسوى آنحضرت باشد و صراط مستقيم
نيز آنحضرت است بنابر آنچه در تفسير آيات سابقه مذكور شد معنى ظاهر آيه اين
است والله العالم كه نشان ميدهد خداى عز وجل باين كتاب يا بآن نور كسيرا كه

در سورهٔ مائده

متابعت كند خشنودى او را راههاى سلامت از عذاب را و بيرون مى آورد ايشانرا
از ظلمات كفر بسوى نور ايمان و هدايت ميكند ايشانرا بسوى راه راست آيهٔ مباركه
انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة
وهم راكعون يعنى جز اين نيست كه اولى هستند بشما كسانى ميباشند كه برپا ميدارند
نماز را و زكاة از امام بحق ناطق امام جعفر صادق عليه السلام مرويست كه تفسير بعضى
از كلمات اين آيه و امثال اين را فرموده اند و اين حقير نيز با تفسير تفسير آن بزرگوار را در
ضمن ترجمهٔ آيه درج مينمايد يعنى جز اين نيست كه اولى يعنى نزديكتر و احق بشما و بامور
شما از جانهاى و مالهاى شما خداوند و رسول واست و كسانيكه ايمان آورده اند يعنى
جناب على بن ابيطالب عليه السلام و اولاد آنجناب كه امامان هستند تا روز قيامت پس

بیان فرموده اینها را خدا تعالی پس فرموده الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و
هم راکعون یعنی مؤمنان آنکه اولی هستند بشما کسانی میباشند که بر پا میدارند نماز را و می
دهند زکوة را و حال آنکه ایشان در رکوع هستند که جناب علی بن ابیطالب و اولاد آنجناب
است بعد از تمامی ائمه آنحضرت فرمودند و بودند امیر المؤمنین علیه السلام در نماز ظهر
و تحقیق که دو رکعت را بجا آورده بودند در حال رکوع بودند و در بدن مبارک آنحضرت حله
بود که قیمت آن چنانکه در قاموس گفته عبارتست از ازار و رداء که دو نوع از بالاپوش
است یا یکی که استر داشته باشد یاری حله بود که قیمت آن هزار دینار بود و دینار
عبارتست از هیجده نخود طلا و با اشرفیهای این زمان موافق بوده و بالجمله آن حله را
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنحضرت عطا فرموده بود و آن حله ثبوت که نجاشی
بهدیه برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاده بود پس آمد سائلی و عرض کرد یا
ولی الله و اولی بالمؤمنین من انفسهم تصدق بر مسکینی و فقیر بفرما پس آنحضرت انگشتر
را بطرف او انداختند و اشاره فرمودند بدست مبارک بسوی سائل اینکه بردار انگشتر را
پس این آیه را خداوند عالم در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام نازل فرمود تا
اینجا که حضرت صادق علیه السلام میفرماید آن سائلیکه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
سؤال کرد ملکی بود از ملائکه تا آخر حدیث و در بعضی از روایات وارد شده که آنجناب
رکوع انگشتر بسائل عطا فرمودند و این حدیث منافات ندارد با حدیث سابق که
حضرت حله را بسائل عطا نمودند زیرا که ممکن است یکمرتبه در رکوع حله را عطا فرموده باشد
و مرتبه دیگر در رکوع انگشتر را و آیه مبارکه در دو مرتبه تا به نازل شده باشد لفظ یؤتون که

فعل

فعل مضارع است اشعار بر این معنی دارد زیرا که متضمن تکرار و تجدد است و آوردن
آن بصیغه جمع بعلت آنستکه شامل ائمه از اولاد آنحضرت شود چنانچه در حدیث سابق
کلامی فرموده بودند که حاصل مضمونش اینست هرکس از اولاد آنجناب برسد بمرتبه امامت
تصدق میکند در حال رکوع و سائل از آن ملکی از ملائکه باشد از حضرت صادق علیه
السلام مرویست که او از پدر بزرگوار خود و او از جد خود جناب رسول صلی الله علیه و آله
نقل فرموده در قول خدا تعالی یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها زمانیکه آیه مبارکه انما ولیکم
الله و رسوله نازل گردید چند نفر که عدد ایشان [illegible] نفر بعضی از اصحاب رسول خدا صلوات
الله علیه از منافقین جمع شدند در مسجد مدینه پس بعضی از ایشان گفتند که اگر منکر این
آیه شویم کافر میشویم بینات آیات و هرگاه ایمان بیاوریم پس بدرستیکه این ذلت است برای ما در
هنگامیکه مسلط مینماید آنحضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام را پس گفتند بتحقیق دانستیم بدرستیکه محمد صلی الله علیه و آله صادق
است در آنچه میفرماید ولیکن ما دوست میداریم آنحضرت را و اطاعت نمیکنیم علی را در
آنچه بما امر فرماید بعد از آن این آیه مبارکه نازل گردید یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها
یعنی نعمت خداوند را میشناسند بعد از آن انکار میکنند آنرا یعنی ولایت جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام را منکر میشوند و بیشتر ایشان کافرانند بولایت آنجناب از حضرت باقر علیه
السلام روایتست چنانچه از کتاب مجالس نقل شده که آنحضرت فرمود در مقام بیان شان
نزول آیه مبارکه انما ولیکم الله و رسوله بدرستیکه چند نفر که از سر تا هفت [illegible] یا
کمتر بودند از طائفه یهود مسلمان شدند از جمله ایشان عبد الله بن سلام و اسد و ثعلبه

این یامین و ابن صوریا پس بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شدند
و عرض کردند یا نبی الله بدرستیکه حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام وصیت نمود
بیوشع بن نون پس وصی شما بعد از شما کیست یا رسول الله صاحب اختیار ما
بعد از شما کیست پس این آیه مبارکه انما ولیکم الله نازل گردید حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمودند برخیزید پس برخواستند و بمسجد آمدند که ناگهان سائلی از
مسجد بیرون آمده بود حضرت فرمود ای سائل آیا کسی بتو چیزی نداد سائل عرض کرد آری
این خاتم را داد حضرت فرمودند که بتو داد این خاتم را عرض کرد آنجنابیکه مشغول
نماز است حضرت فرمود بر کدام حالت عطا کرد سائل عرض کرد در حالت رکوع پس حضرت
تکبیر گفتند پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمودند علی بن ابیطالب علیه السلام
ولی شما است بعد از من مردم گفتند راضی شدیم بخدا از حیثیت ربوبیت و باسلام
از حیثیت دین و بمحمد صلی الله علیه و آله از حیثیت نبوت و بعلی بن ابیطالب علیه السلام
از حیثیت ولایت پس خداوند تعالی نازل فرمود آیه مبارکه و من یتول الله
و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون یعنی آنکسیکه ولی میگیرد خدا
رسول خدا را و آنکسانیکه ایمان آورده اند پس بدرستیکه لشکر خدا ایشانند غلبه
کنندگان از خلیفه ثانی روایت شده بدرستیکه او گفت والله بتحقیق تصدق کردم
بچهل انگشتر و حال آنکه رکوع کننده بودم تا آنکه نازل بشود در شان من آنچه که در شان
علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده آیه مبارکه یا ایها الرسول بلغ ما انزل
الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس ان الله

لا یهدی

لا یهدی القوم الکافرین یعنی ای پیغمبر تبلیغ کن و برسان بامت خود آنچه که نازل
کرده شده از نزد پروردگار خود در شان علی بن ابیطالب علیه السلام و هرگاه نرسانی
آنچه نازل شده در شان آنجناب پس تبلیغ نکرده رسالت خدای عز و جل و پیغمبری او
بجا نیاورده و خداوند تعالی حفظ میکند ترا از شر مردم بدرستیکه خداوند عز و جل
هدایت نمیکند گروه کافرانرا از کتاب جوامع از ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت
است بدرستیکه خداوند عالم امر فرمود رسول خود را که نصب نماید علی علیه السلام را
برای مردم و خبر دهد ایشان از ولایت آنجناب پس رسول خدا صلی الله علیه و آله تخوف
نمود از اینکه مردم بگویند میل کرده است بسوی ابن عم خود و اینکه گران و شاق بیاید
نصب کردن حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیرالمومنین صلوات الله علیه را بر
جماعتی از اصحابش پس این آیه مبارکه نازل گردید پس دست مبارک علی بن ابیطالب
علیه السلام را گرفتند در روز غدیر خم و فرمودند من کنت مولاه فعلی مولاه
و خواندند این آیه را و در حدیثست که این آیه مبارکه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت
علیکم نعمتی در همان روز خدای متعال نازل کرد یعنی امروز کامل گردانیدم برای
شما دین شما را و تمام گردانیدم نعمت خود را و کمال دین و تمامی نعمت بولایت جناب علی بن
ابیطالب علیه السلام بود از کتاب احتجاج نقل شده که در اخبار و احادیث ظاهر است از امام محمد
باقر علیه السلام شده است بدرستیکه آنجناب فرمود بتحقیق که حج کرد رسول خدا صلی
الله علیه و آله و حال آنکه رسانیده بود جمیع شرایع یعنی احکام الهی و فرایض را از زکوة و
نماز و سایر احکام را بامت خود غیر از حج و ولایت امیرالمومنین علیه السلام را پس جبرئیل

جبرئیل علیه السلام نازل شد پس گفت یا محمد بدرستیکه خداوند عزوجل سلامت میرساند
و میفرماید ترا بدرستیکه من قبض نکردم هیچ پیغمبری را از پیغمبران خود و هیچ رسولی را از
رسولان خود مگر بعد از اکمال دین خود و تاکید نمودن حجت خود و بتحقیق باقی مانده است
بر تو دو فریضه از چیزهائیکه احتیاج هست بسوی اینکه برسانی آندو چیز را بقوم خود
یکی فریضه حج است یکی فریضه ولایت و خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از تو
پس بدرستیکه من خالی نگذاشته ام در زمانهای گذشته زمین خود را از حجت و نخواهم
خالی گذاشت زمین را هرگز پس بدرستیکه خداوند امر میکند ترا اینکه تبلیغ کنی بقوم خود
حج را خود حج را بجا می آوری و حج میکنند با تو هر کس که استطاعت حج دارد از اهل شهرها
از اطراف و از اعراب و تعلیم میکنی ایشانرا از حج ایشان چنانکه تعلیم کردی ایشانرا از نماز
و زکوة و روزه و وقوف و واقف و مطلع میگردانی بر طریقه اینها چنانکه واقف کردی ایشان
ایشانرا بر او از جمیع آنچیزیکه رسانیدی بایشان از شرایع پس منادی رسول خدا صلی الله
علیه و آله ندا داد که آگاه باشید بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله اراده
حج دارد اینکه تعلیم نماید شما را از آن مانند آنچیزیکه تعلیم کرد شما را از شرایع دین شما
و مطلع گردانید شما را از آن بر آنچیزیکه مطلع گردانید شما را بر او از غیر حج پس خارج شد
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و مردم هم با آنجناب بیرون شدند و میل کردند
بسوی آنجناب تا نگاه کنند که چه بجا می آورد تا متابعت کنند پس بجا آورند مثل آن پس حج داد ایشانرا
و رسید عدد کسانیکه حج کردند با رسول خدا صلی الله علیه و آله از اهل مدینه طیبه
و اهل اطراف و اعراب بهفتاد هزار نفر و یا زیاده بر هفتاد هزار عدد اصحاب موسی علی نبینا

و علیه

علیهما السلام که هفتاد هزار بودند و آنچنان کسانی بودند که گرفت بر ایشان بیعت هرون
علی نبینا و آله و علیه السلام پس شکستند بیعت هارون و پیروی گوساله و سامری نمودند و
همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفت بیعت را از برای علی بن ابیطالب علیه السلام
بخلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله بعدد موسی علیه السلام پس شکستند
بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام را و پیروی کردند گوساله علیه اللعنه را و موافق شد
طریقه این امت با طریقه اصحاب جناب موسی و حکایت اینها در شکستن بیعت با حکایت
آنها و در پیوست صدا لبیک حاجیان در میان مکه و مدینه پس زمانیکه حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در موقف ایستاده ندا آمد بسوی او و جبرئیل علیه السلام از جانب خدا
پس عرض کرد یا محمد بدرستیکه خدا تعالی سلامت میرساند و میفرماید بتحقیق نزدیک شده
استاجل تو و نهایت عمر تو و من طلب میکنم قدوم ترا بر چیزیکه چاره و گریز نیست از
آن مؤلف گوید که این کنایه از مرگست بعد از آن فرمود پس وصیت کن وصیت خود را
وصی و مقدم بدار وصیت خود را پس قصد کن بسوی آنچیزیکه در نزد تست از علم و میراث انبیا که
پیش از تو بوده اند و سلاح و تابوت و جمیع آنچیزیکه نزد تست از علامات انبیا پس تسلیم
کن آنها را بسوی وصی و خلیفه خود که بعد از تو خواهد بود که حجت بالغه من است بر همه خلق
من و آن علی بن ابیطالب است پس برافراز او را بجهت هدایت خلق و تجدید کن عهد و میثاق
و بیعت او را و یاد آور ایشان را آنچیزیرا که گرفتم بر ایشان از بیعت و عهد من ان عهد و
میثاقی که بستم ایشانرا با آن و بیعتی که گرفتن من که پیش گرفتم بسوی ایشان از ولایت ولی
من و صاحب اختیار ایشان و آقای هر مؤمن و مؤمنه پس بدرستیکه من قبض نکردم هیچ پیغمبری را

از پیغمبران من

از پیغمبران مگر بعد از اکمال دین و اتمام نعمت خود بدوستی دوستانم و دشمنی دشمنانم
و انست کمال توحید من یگانگی کمال دین من و تمام کردانیدن نعمتم را بر مخلوق خود بپیروی
دوستم و طاعت او و آن یعنی کامل شدن دینم به پیروی دوستم بجهت اینست که من بندهٔ
خود را مهمل نگذاردم زمین را بی کسیکه قیام نماید بامور دین تا اینکه بوده باشد حجت از برای
بر خلق من پس امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را
بولایت دوستم و اقای هر مؤمن و مؤمنه علی علیه السلام بنده من و وصی پیغمبر من و
جانشین بعد از و حجت بالغهٔ من بر مخلوق همه و شراست طاعت او بطاعت محمد
صلی الله علیه و آله پیغمبر من و مقرونست طاعت ان دو بزرگوار بطاعت من هر کس اطاعت
کند او را اطاعت کرده است مرا هر کس عصیان کند او را عصیان کرده است مرا او را
منصوب و علم کردانیدم در میان خود و خلق خود هر که او را بشناسد میباشد مؤمن و
هر که او را نشناسد کافر است و هر کس شریک قرار دهد با او در بیعت او مشرکست
و هر کس ملاقات کند مرا بولایت او داخل بهشت میشود و هر کس ملاقات کند مرا بعداوت
او داخل اتش میشود پس بر افراز ای محمد علی را بجهت نشان راه هدایت و بگیر بر ایشان
بیعت او را و تازه بگردان بر ایشان عهد و میثاق مرا آن میثاقی که بسته ام ایشان را بر آن پس
بدرستی که من قبض کننده ام روح شریف ترا در حالتیکه منتقل بسوی خود نمایم و طالب
قدوم و بر گشتن تو هستم بسوی خود جناب رسول خدا ترسید از قوم خود از اهل نفاق
و کردهٔ شقاق از اینکه متفرق شوند و بر گردند بر طریقهٔ که پیش از اسلام بودند و دست
از دین بر دارند بجهت اینکه دانسته بود عداوت ایشان مرا بجهت اینکه مخفی بود در نفسهای

ایشان

ایشان از شدت دشمنی با علی علیه السلام و خواهش کرد از جبرئیل اینکه خواهش بکند
از پروردگارش حفظ انجناب را از شر مردم و انتظار کشید تا اینکه بیاورد جبرئیل علیه السلام
بسوی او از جناب رب جلیل وعدهٔ نگاهداشتن او را از شر مردم پس تاخیر انداخت نصب
کردن حضرت را تا انکه رسید بمسجد خیف و آن مسجدیست در منی پس امد بسوی حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله جبرئیل در مسجد خیف پس از جانب خدا امر کرد پیغمبر را اینکه وصیت
کند وصیت خود را و بر افرازد علی علیه السلام را از برای مردم و نیاورد وعدهٔ حفظ
از مردم از جانب خداوند جل جلاله انچنان حفظی را که پیغمبر صلی الله علیه و آله خواسته
بود تا انکه جناب ختمی مآب بکراع الغمیم امدند و آن وادیست که میان آن و مدینه مقدار
صد و هفتاد میل است میانه او و مکه مقدار دو میل است پس جبرئیل امد بسوی انجناب
و امر کرد او را بانچه نزد او بود او را از جانب خدای عز و جل و نیاورد از برای ان
جناب وعدهٔ حفظ را پس حضرت فرمود با جبرئیل بدرستیکه من میترسم از قوم خود اینکه تکذیب
کنند مرا و قبول نکنند گفته مرا در حق جناب علی علیه السلام پس حضرت از انجا کوچ کردند
پس تا اینکه رسیدند بغدیر خم که پیش از جحفه است به سه میل و آن موضعیست که هشتاد و دو
میل از مکه دور است و آن میقات اهل شام است که از انجا احرام می بندند
امد بسوی جناب ختمی مآب جبرئیل در پنج ساعت از روز گذشته با تندی و تیزی و وعدهٔ حفظ
از مردم پس عرض کرد یا محمد بدرستیکه خدا تعالی سلامت میرساند و میگوید مر ترا یا
ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک [في علي] و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک
من الناس و اوائل قافله نزدیک جحفه بود پس امر کرد جبرئیل انحضرت را باینکه برگرداند

کسی را پیش رفته و نگه دارد هر کس از عقب می آید در آن مکان یعنی غدیر خم تا اینکه نصب نماید
علی علیه السلام را از برای مردم و برسانید بایشان آنچیزیرا که خدا تعالی نازل کرده
است در شان علی علیه السلام و خبر داد جبرئیل آنحضرت را باینکه خدای عز و جل حفظ
کرده است او را از شر مردم پس امر فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتیکه وعده حفظ
از برای او آمد منادی را که ندا کند مردم را بنماز جماعت و برگرداند هر کس را که پیش
رفته است و نگه دارد هر که از عقب است پس آنجناب بکناری رفت از دست چپ راه
بسوی مسجد غدیر بامر جبرئیل از جانب رب جلیل در جائیکه چند درخت سلم بود و آن درختی
است پر خار و هیزم خوبی است چوبهای آن پس امر فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه
و آله اینکه جاروب شود زیر آن درختها و نصب شود از برای آنجناب سنگها بصورت منبر تا مشرف
شود بر مردم پس برگشتند مردم و آنانکه از عقب آمده بودند نگاه داشتند در آن مکان پس
ایستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای سنگها پس خطبه بلیغی ادا فرمود پس فرمود که
خداوند وحی نمود بسوی من این آیه را و خواند این آیه مبارکه را پس فرمود ای گروه مردم تقصیر
نکردم در رسانیدن آنچیزیکه خدا بر من نازل کرده و من بیان میکنم از برای شما سبب نزول
این آیه را بدرستیکه جبرئیل نازل شد بسوی من سه مرتبه امر میکرد مرا از جانب خدای تعالی
باینکه بایستم در حضور مردم پس اعلام و دانا کنم هر سفید و سیاهی را اینکه علی بن ابی
طالب علیه السلام برادر من و وصی من و خلیفه من است و امام و پیشوا است بعد از من
آنچنان کسی است که مرتبه او نسبت بمن مثل نسبت هارون است نسبت بمرتبه موسی علی نبینا و آله
و علیه السلام است مگر آنکه پیغمبری بعد از من نیست و او است صاحب اختیار شما بعد از

خدا

خدا و رسول و بتحقیق نازل کرده است خداوند تبارک و تعالی بر من باین مضمون آیه
از کتاب خود را إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ و علی بن ابیطالب علیه السلام برپا داشته است نماز را و عطا
نموده زکوة را در حال رکوع و مقصود او خدا است در همه حال و خواهش کردم از جبرئیل
اینکه استعفا کند از برای من یعنی خواهش کند از خدا که بگذرد از رسانیدن این معنی
بسوی شما بجهت اینکه میدانستم کمی پرهیزکاران و زیادتی منافقانرا و خیانتهای گناهکاران
و حیلهای کسانیکه استهزا مینمایند بدین اسلام آنچنان کسانیرا که بیان کرده است ایشانرا
خداوند تعالی در کتاب مجید خود بأنهم يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَهُ
هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ یعنی میگویند بزبانهای خود چیزیرا که نیست در دلهای ایشان
و گمان میکنند آنرا سست و این مخالفت زبان ایشان با دلهای ایشان نزد خدا تعالی
عظیم و بزرگ است پس فرمود بجهت بسیاری اذیت کردن ایشان مرا نه یکدفعه حتی نمودند تا
تا اینکه نام مرا گوش نهادند تا آنجائیکه میفرمایند و هرگاه خواسته باشم که نام ببرم
منافقانرا بنامهای ایشان هر آینه نام میبردم و هرگاه خواسته باشم اشاره کنم بسوی
اشخاص آنها هر آینه اشاره میکردم و اینکه دلالت کنم مردم را بر ایشان که بشناسند آنها را
هر آینه نشان میدادم ولی من والله در امور ایشان اعراض و دوری کردم از اینکه ایشانرا
رسوا کنم و با همه اینها خداوند از من راضی نمیشود مگر اینکه برسانم آنچه نازل کرده بسوی
من پس خواند این آیه مبارکه را يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ تا آخر آنرا پس بدانید ای گروه مردم بدرستیکه
خدا برپا کرده است او را از برای شما صاحب اختیار و پیشوا و واجب است طاعت او بر همه

و انصار و بر تابعان ایشان باحسان و بر بادیه نشینان و اهل شهرها و بر عجم و عرب
و آزاد و بنده و کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و ماضی و کذرنده است حکم او و جاری است
قول او و نافذ است امر او و سیوم لعن کوید این سه لفظ که ماضی و جایز و نافذ باشد یک
معنی دارد یعنی کذرنده و فرمود ملعونست هر که مخالفت او نماید و مرحوم است هر که پیروی
او کند و تصدیق او نماید پس بتحقیق که امر زید است خدای تعالی علی علیه السلام را و هر کس
بشنود از و و اطاعت او نماید ای کروه مردم بدرستیکه شان اینست که این آخر ایستادنی
است که ایستادم اندرین محضر پس بشنوید و اطاعت کنید و منقاد باشید برای
امر پروردکار تان پس بدرستیکه خداوند عز و جل او است پروردکار شما و خدا و صاحب
اختیار شما پس بعد از و عز و جل محمد صلی الله علیه و آله صاحب اختیار شما است و آن
کسیست که ایستاده است و خطاب میکند با شما پس بعد از من علی علیه السلام ولی شما
و امام شما بامر خدا و پروردکار شما بعد از و امامت در ذریه من است از اولاد او تا
روز قیامت بعد از آن ملاقات میکنید خدا و رسول او را نیست حلال مکر آنچیزی که
خدا حلال کرده است و نیست حرام مکر آنچیزیکه خدا حرام کرده است شناسانید خدا
حلال و حرام را بر من و من در خلوت آنچه خدا بمن تعلیم کرده بود از کتابش و حلال و حرام
با همه باو تعلیم کردم ایکروه مردم نیست علمی مکر آنکه خداوند تعالی شمرده است در من یعنی
تعلیم من کرده است و هر علمی که تعلیم کرده شدم پس بتحقیق شمردم او را در علی علیه السلام
پیشوای متقیان نیست علمی مکر آنکه بتحقیق تعلیم کردم علی علیه السلام را و او است
امام مبین و واضح ایکروه مردم اعراض نکنید از و متفرق نشوید از دور او و استکبار

بکنید

نکنید از ولایت او پس او است آنچنانکسیکه هدایت میکند بسوی حق و عمل میکند باو و
مضمحل میکند باطل را و نهی میکند از آن و نمیکیرد او را در راه خدا ملامت کننده
پس بدرستیکه او کسی است که ایمان آورده است بخدا و رسول او و اوست آنچنان کسی که
جان خود را فدای رسول کرد و آنچنان کسی بود با رسول خدا و نبود کسیکه بندکی خدا کند
با پیغمبرش از مردان غیر او ایکروه مردم تفضیل بدهید او را پس بتحقیق تفضیل داده است
او را خدای تعالی و قبول کنید او را پس بتحقیق نصب کرده است او را خدای تعالی ایکروه
مردم بدرستیکه او امام است از جانب خدای تعالی و قبول نمیکند هرکز خدا توبه کسی را
که منکر ولایت او باشد و هرکز نمی آمرزد خدا او را و لازم است بر خدا که این عمل کند با کسی
که مخالفت امر او نماید و اینکه عذاب کند او را همیشه او قات و جاوید روزکارها پس
بترسید از اینکه مخالفت نمائید او را پس انداخته میشوید در آتشیکه هیزم آن مردم
و سنکست مهیا شده آن آتش برای کافران ای مردم والله بشارت دادند پیغمبران
از پیغمبران و رسولان و من آخر پیغمبران و رسولانم و حجتم بر همه مخلوقات از اهل
آسمانها و زمینها پس هر که شک کند در آن پس او کافر است بکفر جاهلیت بکرد در زمان جاهلیت
بران بودند و هر که شک کند در این کفته من پس او شک کرده است در همه کفتهای من و شک
کننده در همه کفتهای من از برای او است آتش تا آنجا ایکه میفرماید ایکروه مردم تفضیل
دهید علی علیه السلام را پس بدرستیکه او فاضل تر است از همه مردم بعد از من از مرد
و زن بسبب ما خدا نازل کرده است رزق را و باقی مانده خلق ملعونست ملعونست
غضب خدا بر کسیست که رد نماید این کفته مرا و موافقت نکند آکاه باشید بدرستیکه

جبرئیل خبر داد مرا از جانب خدا تعالی باین گفته من و هر کس دشمنی کند با علی علیه السلام
و او را دوست ندارد پس بر او باد لعنت و غضب من پس باید نظر کند هر نفسی آنچه را
پیش فرستاده از برای فردای خود و بپرهیزید از خدا باینکه مخالفت نمایید او را پس بلغزد
قدمهای شما بعد از استوار بودن آنها بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنید ای گروه
مردم بدرستیکه علی است جنب الله که نازل شده است در کتاب خدا ان تقول نفس
یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله یعنی اینکه بگوید کسی وا حسرتا بر تفریطی که کردم
در جنب خدا ای گروه مردم تامل کنید در قرآن و بفهمید آیات آنرا و نظر کنید بمحکمات آن
و متابعت مکنید متشابه آنرا پس قسم بخدا هرگز بیان نمیکند از برای شما نواهی آنرا و
واضح نمیکند از برای شما تفسیر آنرا مگر آنکسیکه من گرفته ام دست او را و بلند کرده ام
او را بسوی خود و بلند کرده ام بازوی او را و تعلیم کننده ام شما را بدرستی که هر کس من
مولای او بودم پس این علی علیه السلام مولای او است و او علی بن ابیطالب است برادر من
و وصی من است و دوستی او از جانب خدای عز و جل است نازل کرده شده است آنرا
بر من ای گروه مردم بدرستی که علی علیه السلام و پاکیزگان از اولاد من ایشانند ثقل
اصغر و قرآن او است ثقل اکبر پس هر یک از این دو ثقل خبر دهنده است از صاحب خود و
موافقت دارد با او هرگز این دو جدا نمیشوند از همدیگر تا کنار حوض کوثر وارد بر من
شوند ایشان یعنی علی و اولاد او علیهم السلام امینهای خدا هستند در خلق او و حاکم اند از جانب
او در بندگان در زمین او آگاه باشید بتحقیق ادای رسالت کردم آگاه باشید بتحقیق رسانیدم آگاه
باشید بتحقیق شنوانیدم آگاه باشید بتحقیق واضح گردانیدم آگاه باشید بدرستیکه خدا

مرز:

فرموده پنهانها را و من گفتم از جانب خدای عز و جل آگاه باشید بدرستیکه نیست فرمان
فرمای مؤمنان غیر از برادرم این یعنی جناب علی علیه السلام و حلال نیست امارت و فرمان
فرمائی مؤمنان بعد از من از برای احدی غیر از این جناب پس دست مبارک از دنیا زد و امیر
المؤمنین علیه السلام و بلند کرد بازوی او را و از ابتدا آنکه جناب رسول صلی الله علیه و
آله بالای منبر رفته بودند بلند کرده بودند جناب علی علیه السلام را تا آنکه پای آن
حضرت محاذی زانوی رسول خدا گردیده بود پس فرمود ای گروه مردم این علی برادر من و وصی من است
و حافظ علم من و جانشین من است بر امت من و علی علیه السلام تفسیر کتاب خدا است
و خواننده است مردم را بسوی خدا و عمل کننده است بآنچیزیکه خشنود میسازد خدا را و جنگ
کننده است با دشمنان خدا و دوستی کننده است بر طاعت خدا و نهی کننده است از
معصیت خدا خلیفه رسول خدا است و امیر مؤمنان است و امام هدایت کننده است و
کشنده شکنندگان بیعت و برگشتگان از حق و بیرون روندگان از دین است بامر خدا
تعالی میگویم و تبدیل کرده نمیشود گفته نزد من بامر خدا پروردگار من میگویم بار الها دوست
دار هر که او را دوست دارد و دشمنی کن با هر کس که با او دشمن است و لعن کن کسی را که انکار
او نماید و غضب کن بر کسیکه انکار حق او نماید بار الها بدرستی که تو نازل کرده بر من اینکه
امامت از برای علی است که دوست است نزد بیان کردن من آنرا و نصب کردن من او را
بسبب آنچیزیکه کامل کردی از برای بندگانت از دین ایشان و تمام کردی نعمت را و راضی
شدی اسلام را که دین ایشان باشد پس فرمودی هر کس طلب کند غیر از اسلام دینی را پس
هرگز قبول نمیشود از او و او در آخرت از زیانکاران است بار الها بدرستیکه من شاهد میگیرم

که بعد رسیدی و تحقیق من رسانیدم پیغام ترا تا انجا که فرمودند ای مردم بپرهیزید از خدا و
بیعت نمایید با علی امیر المؤمنین علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و امامان که ایشان
کلمه باقیه میباشند مؤلف گوید یعنی امامت در اولاد حسین علیهم السلام باقیست تا
روز قیامت و اینست مراد از کلمه باقیه چنانچه علما گفته اند بعد از ان بلا فاصله فرمودند
هلاک میکند خدا کسی را که خدعه مکر نماید و رحم میفرماید کسی را که وفا نماید بعد این آیه
مبارکه را فرمودند و من نکث فانما ینکث علی نفسه تا انجا که میفرماید یکرمه مردم هر
کس اطاعت کند خدا و رسول خدا را و علی بن ابیطالب علیه السلام را و ائمه را که ذکر کردم ایشان را
پس بتحقیق رستکار میشود رستکار شدنی عظیمی تا اخر حدیث و بعضی از فقرات حدیث که از
علی بن ابرهیم قمی منقول است اینست که عمر بن خطاب از میان قوم عرض کرد و پرسید یا
رسول الله این امر از خدا است و یا از رسول خدا است حضرت فرمودند بلی از خدا است
و از رسول خدا است بدرستیکه علی بن ابیطالب علیه السلام امیر المؤمنین است و امام
المتقین و قائد الغر المحجلین است مینشاند او را خداوند عالم روز قیامت بر صراط پس داخل
میکند دوستان خود را به بهشت و دشمنان خود را بجهنم آیه مبارکه در سوره مائده در سوره مائده
قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوریة و الانجیل و ما انزل الیکم
من ربکم یعنی بگو ای محمد صلعم ای صاحبان کتابیکه از خدا نازل شده است نیستید شما بر
چیزی تا انکه برپا دارید توریت و انجیل را و آنچیزی را که نازل شده است بسوی شما از پروردگار
شما از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که مراد از قول حق تعالی ما انزل الیکم
من ربکم ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است آیه مبارکه در سوره اعراف الذین یصدون در سوره اعراف
عن سبیل الله

عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالاخرة کافرون و بینهما حجاب و علی الاعراف
رجال یعرفون کلا بسیماهم یعنی انکسانیکه اعراض میکنند از راه خدا و میخواهند کجی
از او و حال انکه ایشان باخرت کافرانند و میان ان دو فرقه که مؤمنان و کافران میباشند
ساتر است و بر بالای ان حجاب که اعراف باشد مردانی هستند که میشناسند هر یک
از ان دو فرقه را بعلامت ایشان که خدا از برای ایشان گذاشته از کتاب مجمع نقل شده
که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست ما ایستاده میشویم در روز قیامت
میان بهشت و جهنم پس هر کس که ما را یاری میکند میشناسیم او را بعلامت و پس داخل
میکنیم او را ببهشت و هر کس دشمن دارد ما را میشناسیم او را بعلامت و پس داخل جهنم
میکنیم او را باز از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرموده اند در تفسیر این
آیه که ماییم بر اعراف میشناسیم یاوران خود را بعلامت ایشان و ماییم اعرافی که مردم
نمیشناسند خداوند عز و جل را مگر براه معرفت ما و ماییم اعراف که نگه دارد خداوند
ما را در روز قیامت بر صراط پس داخل بهشت نمیشود مگر کسیکه بشناسد ما را و ما او را
بشناسیم و داخل اتش نمیشود مگر کسیکه نشناسد ما را و ما نشناسیم او را از کتاب بصائر
بلند است نقل شده که از حضرت باقر علیه السلام روایتست که رجال که در آیه مبارکه است ایشانند
امامان از آل محمد صلی الله علیه و آله اعراف صراطی است میانه بهشت و دوزخ پس هر کس
در سوره اعراف شفاعت کنند برای او امامان از ما اهل بیت و انکس از مؤمنان گناهکاران باشد نجات
مییابد و هر کس را شفاعت نکنند از برای وی افتد در جهنم آیه مبارکه در سوره
اعراف فالذین امنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک

در سوره انفال

اولئک هم المفلحون یعنی کسانیکه ایمان آورده اند به پیغمبر و تعظیم کردند آنجناب را
و یاری نموده اند آنحضرت را و تابع شده اند نوری را که نازل شده با او و آنکسان ایشانند
رستگاران از جناب باقر علیه السلام مرویست که فرموده که نور جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام است آیهٔ مبارکه در سورهٔ انفال انما المؤمنون الذین اذا ذکر
الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلو
یعنی جز این نیست که مؤمنان کسانی هستند که هر وقت ذکر میشود در نزد ایشان خداوند
عالم میترسد دلهای ایشان و هر زمان که خوانده میشود بر ایشان آیات خدا ایمان ایشان
زیاد میشود و به پروردگار خود توکل میکنند و تفویض امر میکنند و میفهمانند تا آخر آیهٔ
مبارکه بروایتی این آیهٔ شریفه در شان جناب امیر المؤمنین و جناب ابی ذر و سلمان

در سوره توبه

و مقداد علیهم الرحمة نازل شده است آیهٔ مبارکه و قل اعملوا فسیری الله
عملکم و رسوله و المؤمنون یعنی یا رسول الله بگو عمل نمایند پس زود باشد که ببینند
خدا و رسول خدا و مؤمنون عمل شما را از جناب باقر علیه السلام روایتست که ذکر شد این آیه
نزد آنجناب پس فرمودند و الله او علی بن ابیطالب علیه السلام است و از حضرت صادق علیه السلام
پرسیده شد از معنی این آیه پس فرمودند مؤمنان ایشانند ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند بدرستیکه اعمال بندگان را نشان
میدهند هر روز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نیکان و بدان ایشان پس بترسید
و باید حیا کند یکی از شما از اینکه عمل قبیح او عرض شود بر پیغمبر او از حضرت باقر علیه السلام
مرویست که فرمودند هیچ مؤمنی و کافری نیست که در قبر گذارده شود تا اینکه نشان داده

شود

در سوره توبه

شود اعمال او بر رسول خدا و بر امیر المؤمنین و بر یکی یکی از امامان تا آخر آنکسیکه قائم
کرده است خدا طاعت ورا بر بندگان تا داده نشود آیهٔ مبارکه در سورهٔ
توبه است یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین یعنی ای آنکسانی
که ایمان آورده اید بپرهیزید از خدا و با صادقین باشید از حضرت باقر علیه السلام روا
روایت شده که ما اهل بیت خداوند جل شانه از لفظ صادقین قصد کرده یعنی با آل

در سوره یونس

محمد صلی الله علیه و آله باشید آیهٔ مبارکه در سورهٔ یونس است یا ایها النا
قد جاءتکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمة للمؤمنین
یعنی آمد بسوی شما موعظه از پروردگار شما و شفا مر آنچیزیکه در سینهها است و هدایت
و رحمت از برای جمیع اقسام مخلوقات آیهٔ مبارکه متصل بآیهٔ سابق است قل بفضل الله
و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله بگو بفضل
و رحمت خدا پس باین باید شاد شوند آن بهتر است از آنچیزیکه جمع میکنند از مال دنیا
از جناب باقر علیه السلام منقولست که فرمودند فضل الله جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله است و رحمت او جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و در روا
یتی یاد کرده این فقره را پس باین فضل و رحمت خدا باید شیعیان ما شاد شوند آن
بهتر است از آنچیزیکه داده شده اند دشمنان ما از طلا و نقره از پیغمبر صلی الله علیه
الله علیه و آله مرویست که فضل خدا نبوت پیغمبر شما است و رحمت او ولایت علی بن
ابی طالب علیه السلام است پس باین یعنی بنبوت و ولایت باید شاد شوند یعنی شیعیان آن
بهتر است از آنچیزیکه جمع میکنند مخالفان ایشان از مال و اولاد و اهل که گذارد در دنیا

در شیعه معترف نیست

آیهٔ مبارکه در سورهٔ یونس است الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا
هم یحزنون یعنی آگاه باشید بدرستی که دوستان خدا ترسی بر ایشان نیست و اندو
ناک نمیشوند از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود اینها یعنی دوستان خدا
ما اهل بیت هستیم و متابعان ما از کسانیکه پیروی کردند ما را خوشا حال ما و ایشان

در شیعه علی

تا آخر حدیث آیهٔ مبارکه انما انت منذر ولکل قوم هاد یعنی جز این نیست که تو
ای پیغمبر ترسانندهٔ هستی و برای هر قومی هدایت کنندهٔ هست از کتاب مجمع نقل شده است
و قتیکه این آیه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند انا المنذر و علی
الهادی من بعدی یعنی من منذرم و علی علیه السلام هادیست بعد از من از کتاب کافی نقل
شده از جناب باقر علیه السلام روایتست که رسول الله منذر است و در هر زمان
از ما اهل البیت هدایت کنندهٔ هست که هدایت میکند ایشان را بسوی آنچه که پیغمبر
آورده است و اول پس هدایت کنندگان بعد از پیغمبر جناب علی علیه السلام است

در شیعه علی

بعد از آنجناب وصیای او است واحد بعد واحد آیهٔ مبارکه در سورهٔ رعد است الذین
آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب یعنی کسانیکه ایمان
آورده اند و ساکن میشود دلهای ایشان بیاد خدا آگاه باشید که بیاد خدا دلها ساکن
میشود بروایت صحیح آنکسانیکه ایمان آورده اند شیعیان اند و ذکر الله جناب امیر المؤمنین
و اولاد طاهرین او سلام الله علیهم است مؤلف گوید بنا بر این معنی مراد اینست که

در شیعه علی

شیعیان بسبب امامان خود که ذکر خدا اند دلهای ایشان مطمئن میشود از اهوال قیامت
و از سایر امور مفزعه و مهلکه آیهٔ مبارکه الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی

لهم

لهم و حسن مآب معنی ظاهر است کسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند از برای
ایشان است خوبی و بازگشت خوب از برای ایشانست از حضرت صادق علیه السلام روایت
شده است فرمودند طوبی از برای کسیست که چنگ زند با مر ما در زمان غیبت حضرت قائم
عجل الله فرجه که از ما است پس میل نکند دل او از حق بعد از هدایت پس سؤال نمودند
که طوبی چیست فرمودند که طوبی درختی است در جنت بیخ آن در خانه علی بن ابیطالب
علیه السلام است و نیست مؤمنی مگر اینکه در خانه او شاخهٔ از آن درخت هست از کتاب
مجمع منقول است از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده که آنجناب از حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت کرده بدرستیکه از آنحضرت سؤال کردند طوبی چیست فرمودند درختی
است که بیخ آن در خانهٔ من است و شاخ آن بر سر اهل بهشت است پس سؤال کرده شد
از طوبی مرتبهٔ دیگر پس فرمود بیخ آن در خانهٔ علی است پس عرض شد بخدمت حضرت که در
مرتبهٔ پیش فرمود که در خانهٔ من است اکنون میفرمائید در خانهٔ علی است پس حضرت فرمود

در شیعه علی

که خانهٔ من و علی در بهشت یکجا میباشد آیهٔ مبارکه در آخر سورهٔ رعد است یقول
الذین کفروا لست مرسلا قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب
یعنی میگویند کسانیکه کافر شده اند نیستی تو رسول و فرستادهٔ خدا بگو ای محمد کفایت میکند
شهادت کسیکه نزد او است علم کتاب مرویست سؤال نمودم مردی از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام از بهترین مناقب و مفاخری که از برای آنحضرت ثابتست پس آنجناب این آیه را خواندند
و فرمودند که مرا قصد کرده است از لفظ من عنده علم الکتاب از جناب رسول خدا
منقول است سؤال کرده شد از این آیه که و من عنده علم الکتاب حضرت فرمودند آن برادر

در سورهٔ ابرهیم

من علی بن ابیطالب علیه السلام است آیهٔ مبارکه در سورهٔ ابرهیم است الم تر کیف ضرب
الله مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها
کل حین یعنی آیا ندیدی و ندانستی ای بندهٔ بینا چگونه بزد خدا مثلی را یعنی کردانید خدا
کلمهٔ پاکیزه را مانند درخت پاکی که بیخ آن در زمین استوار و محکم و پا برجا باشد و
بالای آن بجانب آسمان کشیده میشد هر میوه خود را در هر وقتی که خدا حکم کرده بمیوه
دادن آن از جناب صادق علیه السلام مرویست که سؤال کردند ازین آیه پس فرمودند
جناب رسول الله صلی الله علیه و آله بیخ آن شجره است و بالای آن جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام است و ائمهٔ اطهار از ذریهٔ آنجناب شاخهای آن شجره است و علم ائمه ثمر آن است و
شیعیان ایشان که مؤمنان اند ورقهٔ آن شجره است یعنی بمنزلهٔ برگها میباشند آنجناب
فرمودند قسم بخدا بدرستی که هر وقت مؤمنی که متولد میشود پس برگی بعمل می آید
در آن شجره و بدرستیکه مؤمنی چون فوت شود ورقهٔ از آن ساقط میشود آیهٔ مبارکه

در سورهٔ حجر

در سورهٔ حجر است رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم
الوقت المعلوم قال رب بما اغویتنی لازینن لهم فی الارض و لاغوینهم اجمعین
الا عبادک منهم المخلصین قال هذا صراط علی مستقیم یعنی گفت ابلیس ای
پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته میشوند مردمان گفت خدا در
جواب و بدرستیکه تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت دانسته شده مقرر
کردانیده شده پس آنگاه اول گفت ای پروردگار من سوگند خورم باغوای تو مرا و نومید
ساختن تو مرا از رحمت هر آینه آراسته کردانم برای آدمیان گناهان را در زمین و هر آینه

همه ایشان را گمراه کردانم مگر بندگان تو از ایشان که خالص شدگان باشند از شرک خفی
و جلی که مکر و فریب من ایشان را اثری نباشد گفت خدا تعالی این اخلاص و ایمان راهی
است که حق است بر من رعایت آن یعنی بر استقامت کجی ندارد و رونده صاحب خود را بمنزل مراد میرساند
و ترا بر بندگان من تسلطی نیست صراط مستقیم عبارت از امیر المؤمنین علیه السلام
چنانچه از سید سجاد علیه السلام روایت شده و بعضی از قراء لفظ علی را برفع بر وزن فعیل
قرائت کرده اند بنابرین معنی اینست که این راه بلند است و راست و این قرائت منسوب
بحضرت صادق علیه السلام است و بلندی راه کنایه از شرف است از کافی نقل شده که از
جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که آیهٔ مبارکه هذا صراط علی مستقیم
احتمال دارد که موافق قرائت بعضی که علی را برفع که صفهٔ مشبهه باشد فرموده باشند
و از اینجا نسبت این قراءت را بحضرت داده اند و احتمال اضافه هم دارد مثل غلام زید یعنی

در سورهٔ نحل

صراط علی بن ابیطالب مستقیم است مؤلف گوید که ترجیح در نظر اینست که احتمال اول
مراد باشد آیهٔ مبارکه در سورهٔ نحل است یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها و اکثرهم
الکافرون یعنی میشناسند نعمت خدا را و انکار میکنند از او بیشتر ایشان جاحد اند

در سورهٔ نحل

از روی عناد از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرمودند بخدا قسم نعمة الله هستیم آن
چنان نعمتی که عطا کرده و داده است خداوند عالم آنرا بر بندگان خود تا آخر حدیث آیهٔ
مبارکه در سورهٔ نحل است و نزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شیء و هدی و رحمة
و بشری للمسلمین یعنی یا محمد فرو فرستادیم بر تو قرآن را در حالتیکه بیان روشن است
برای هر چیزی و راه نموده است و بخشایش بر همه اگر بدان بگروند و مژده است به بهشت

مر مسلمانان را از عیاشی حکایت شده است که از حضرت صادق علیه السلام روایت است که
فرموده اند ما اهل بیت قسم بخدا میدانیم آنچه در آسمانها و زمینها و آنچه [illegible] که
در بهشت و جهنم و آنچه در میان آنها است بعد از آن فرمودند بدرستیکه این در
کتاب خدا است پس این آیه را خواندند آیه مبارکه در سوره انفال است یا ایها الذین
آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید
اجابت نمائید مر خدای و مر رسول را بطاعت و قبول اوامر و نواهی چون بخواند رسول
او شما را امری که زنده گرداند شما را بروایت فی جنات بمعنی بهشت است از حضرت سوره
صادق علیه السلام روایت شده که نازل شده است این آیه در ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام مؤلف گوید که ایمان آوردن بر ولایت بجناب جنات و زندگی ابدیست
آیه مبارکه در سوره نحل است هل یستوی هو ومن یأمر بالعدل وهو علی صراط در سوره نحل
مستقیم یعنی آیا برابر است این شخص چنین و کسیکه امر میفرماید براستی و او در رفتن
خود براه راست و سپرده روش و طریقه پسندیده که بهر مطلب توجه نماید زود به
مقصود برسد در حدیث وارد است آنکسیکه امر میفرماید بعدل جناب امیر المؤمنین
علیه السلام و امامان بعد از او میباشند آیه مبارکه در سوره نحل است ان الله یأمر در سوره نحل
بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم
لعلکم تذکرون یعنی بدرستیکه خداوند امر میفرماید براستی و میفرماید به نیکوئی کردن
در طاعات و میفرماید بعطا دادن بر خویشان نزدیک و نهی میفرماید شما را از عمل زشت
و از چیزی که انکار میکنند بر مباشران در شرع و عقل و از ستمکاری پند میدهد شما را

شما

شاید که شما پند گیرید در حدیث وارد است از حضرت باقر علیه السلام که عدل
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است پس هر که اطاعت او کند پس بتحقیق براستی
رفته است و احسان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است پس هر کس دوست دارد
حضرت او را پس بتحقیق نیکی کرده است و نیکوکار در بهشت است ایتاء ذی القربی قرابت
ما اهل بیت است امر فرموده خدا تعالی بندگان را بدوستی ما و عطا کردن بما امامان
حدیث و در روایت دیگر در تفسیر و نهی فرمودن خدا تعالی از فحشا و منکر و بغی در سوره نحل
فرمودند فحشاء اول است و منکر ثانی است و بغی ثالث است لعنهم الله آیه مبارکه که
در سوره نحل است واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد
توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون یعنی وفا کنید
پیمان خدا چون عهد بستید و مشکنید سوگندها را یعنی پیوندها را پس از استو
ار کنید بخدا و حال آنکه بتحقیق گردانیده اید حضرت عزت را بر پیمانهای خود گواه
بدرستیکه خدا میداند آنچه میکنید از نقض عهد و سوگند و شما را ابدان جزا خواهد
داد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست چون نازل شد ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام
و بود از جمله فرمودهای رسول خدا صلی الله علیه و آله که سلام کنید بر علی علیه السلام
بامارت مؤمنین یعنی بگوئید السلام علیک یا امیر المؤمنین پس بود از جمله خیرها
که استوار کرده خدا تعالی بر ایشان در آن روز فرموده جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله مر آن دو نفر را که اول و دویمی بوده باشد که برخیزید پس سلام بر این جناب
بامارت مؤمنین نمائید پس گفتند آیا این امر از جانب خدا میباشد یا از جانب رسول

رسول خدا است پس رسول خدا فرمود از جانب خدا و رسول واست پس خدا تعالی
نازل کرد این آیه را ولا تنقضوا الایمان تا آخر آیه مقصود از لفظ ایمان قول جناب
پیغمبر است با ایشان و مقصود از لفظ توکید قول ایشان است که ما یا این از جانب خدا
یا از جانب رسول واست آیه مبارکه در سوره نحل است ولا تکونوا کالتی

در سوره نحل

نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان تکون امة
هی اربی من امة انما یبلوکم الله به ولیبینن لکم یوم القیمة ما کنتم فیه تختلفون
یعنی مباشید مانند زنیکه باز کشاد ریسمان خود را پس از قوت در حالتیکه رشته
ریسمانها تاب باز داشته باشد یعنی مانند زنیکه ریسمانها را بعد از انکه تاب داده باشد
و محکم و قوی ساخته تا ... ردهد و پاره پاره کرده اند مرو بنسا ز حضرت با فر علیه
زنی بود از طائفه بنی تمیم بن مره نامیده میشد ریطه دختر کعب بن اسد بن تمیم بن لوی
ابن غالب بود صاحب خرافت پس چون ریسمان خود را میریسید میخواست تا باور را
باز میکرد بعد از انکه تاب او را محکم کرده بود پس بر منکشت و دوباره میریسید پس
فرمود بدرستیکه خدای تعالی امر فرمود بوفای پیمان و نهی فرموده از شکستن ان
پس این مثل را زده است از برای ایشان پس فرموده مباشید مثل آن زن مولف
گوید خداوند عالم این مثل را فرموده برای کسانیکه در ولایت جناب امیرالمومنین
سست اعتقادند و ضعیف ایمان هستند رشته ولایت او در دلشان رشته و
بعد سست کرده باز مینمایند آیه مبارکه در اول سوره بنی اسرائیل است بسم الله

در سوره بنی اسرائیل

الرحمن الرحیم سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا

الذی یعنی

یعنی منزه است خداوندیکه برد بنده خود را که محمد صلی الله علیه و آله است از مسجد
الحرام تا مسجد اقصی که در آسمانست از کتاب کشف الغمه نقل شده که از جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله سوال شد که در شب معراج جناب احدیت با کدام لغت
با تو تکلم میفرمود حضرت فرمودند با من خداوند عالم در شب معراج بلغت و لهجه
جناب علی بن ابیطالب تکلم میفرمودند پس الهام شدم اینکه عرض کردم در همانجا
پروردگارا تو با من تکلم میکنی و یا پسر عمم علی است پس فرمود یا احمد من چیزی هستم
که نیستم مثل اشیا و من قیاس نمیشوم بمردم و بیان کرده نمیشوم باشیا خلق کردم
من ترا از نور خود و علی را از نور تو پس مطلع شدم بر سرائر قلب تو پس نیافتم بسوی
قلب تو کسی را که زیاده ترا از علی دوست بداری پس خطاب نمودم بر تو بلسان علی تا اینکه
قلب تو مطمئن شود آیه مبارکه در سوره بنی اسرائیل است ان هذا القرآن یهدی

در سوره بنی اسرائیل

للتی هی اقوم یعنی بدرستیکه این قرآن مردم را هدایت میکند بسوی طریقه که آن قوی
و محکمترین راهها و طریقهاست در حدیث وارد شده که آیه مبارکه در ولایت جناب
امیرالمومنین علیه السلام نازل شده است که این قرآن مردم را بسوی ولایت آنحضرت
هدایت میکند یعنی ولایت آنحضرت محکمترین طرق و اقوم صراطهای مستقیم است

در سوره بنی اسرائیل

آیه مبارکه ولقد صرفنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل فابی اکثر
الناس الا کفورا یعنی فابی اکثر الناس بولایة علی الا کفورا یعنی تحقیق بیان کرده‌ایم
برای خلق در این قرآن از هر مثل پس امتناع نمودند اکثر مردم نسبت بولایت علی بن
ابیطالب از هر چیز مگر از کفران ورزیدن آیه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله

در سوره کهف

الذی انزل علی عبده الکتاب و لم یجعل له عوجا قیما لینذر بأسا شدیدا باس شدید
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که کفار را باس و عذاب شدید داده است و دشمنان
دین را قاتل است آیه مبارکه الذین کانت اعینهم فی غطاء عن ذکری و کانوا

سوره کهف

لا یستطیعون سمعا از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده ذکر خدا ولایت
علی علیه السلام است یعنی ذکر میشود علی بن ابیطالب چشمهای منافقین پوشیده
است و گوش آنها استطاعت سماع ندارند از کثرت بغض و عداوت که دارند آیه
مبارکه اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم

سوره کهف

لهم یوم القیمة وزنا در حدیث تفسیر شده کسانیکه کافر شده اند بولایت
علی بن ابیطالب علیه السلام و بملاقات پروردگار خود ملاقات میکنند رب خود را بی
ولایت جناب پس باطل شد اعمال ایشان پس در روز قیامت برای اعمال آنها نمیکذاریم
میزانی ز عمل خیر پس آنها سگهای جهنم هستند آیه مبارکه ان الذین آمنوا و

سوره کهف

عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا یعنی کسانیکه ایمان آورده
اند و عمل صالح نموده اند برای ایشانست جنات فردوس پیشکشی و منزل که ساکن
شوند در آن در کتاب مجمع از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که جنت
صد درجه است میان هر درجه بقدر مسافت میان زمین و آسمانست فردوس بالا
تر جنانست از جهت درجه از آن جاری میشود نهرهای بهشت وقتیکه بخواهید
از خداوند کریم پس فردوس را سؤال نمائید و بخواهید و در کتاب فتنی حکایت شده که
از حضرت صادق علیه السلام روایتست که این آیه مبارکه در شان ابی ذر و مقداد و عمار بن

یاسر

یاسر و سلمان فارسی نازل شد این جنات فردوس منزل و مأوی ایشانست مؤلف
این احادیث و آیات مبارکه چه درجه و فضیلت برای جناب علی بن ابیطالب علیه السلام قرار
دهد و ولایت جناب را چه توصیف کند جائیکه ابی ذر و مقداد و سلمان و عمار بن یاسر که
از اصحاب و اتباع و خدام جناب امیر المؤمنین علیه السلام بودند این منازل و مدارج را متصاحب
اند همین در شان آنحضرت کافیست آیه مبارکه قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی

سوره کهف

لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا یعنی بگو هرگاه دریا
مرکب باشد برای کلمات پروردگار من هر آینه تمام میشود دریا و کلمات پروردگار
من تمام نمیشود مؤلف گوید همین مناسبت دارد بشان جناب امیر المؤمنین صلوات الله
علیه که هرگاه دریاها مداد و درختها قلم باشد هر آینه احصای فضیلت و جمع منقبت
آن سید و مولای بنی آدم نمیتوان نمود در احادیث معتبره وارد است که این آیه مبارکه
در شان جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه نازل شد چه نیکو گفته بعضی از شعرا

سوره کهف

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنی سر انگشت و صفحه بشماری آیه مبارکه در
سوره کهف است قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان
یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا جز این نیست که من
بشرم مثل شما وحی میشود بسوی من باینکه خدای شما خدای یگانه است پس هر کس که
امید لقای خدای خود را دارد عمل خود را نیکو نماید و شریک قرار ندهد در عبادت
خدای خود احدی را از جناب صادق علیه السلام روایت شده که از آنحضرت سؤال کردند
از این آیه مبارکه فرمودند عمل صالح معرفت و ولایت ائمه علیهم السلام است لا یشرک بعبادة

ربه احدا یعنی خالص نماید خود را برای جناب علی علیه السلم و در خلافت جناب علی بن ابی
طالب علیه السلم شریک قرار ندهد کسی را که نیست خلافت از برای او و نیست او را اهل
آن بازا آنحضرت فرمودند که عمل صالح معرفت حق ائمه است و هر کس در ولایت جناب
علی بن ابیطالب شریک قرار دهد هر دیگری را با خدا شریک قرار داده یعنی شریک قرار
دادن در خلافت و انکار نمودن ولایت آنحضرت را شرک بخدا است و اطاعت آنحضرت
اطاعت خداوند است **آیه مبارکه** یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا ونسوق
المجرمین الی جهنم وردا از جناب صادق علیه السلم روایتست که فرمودند که جناب امیر
المؤمنین علیه السلم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال نمودند از معنی این آیه
مبارکه یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا فرمودند یا علی ان الوفد لا یکونون الا رکبانا
اولئک رجال اتقوا الله فاحبهم الله واختصهم ورضی اعمالهم فسماهم المتقین
معنی آیه مبارکه اینست روزی که محشور میکنیم متقین را در حالتیکه وارد شده
باشند بر خدا یعنی بر منازل قرب خود که در بهشت داشته باشند و برانیم کافران بسوی
دوزخ چنانکه بهائم را رانند در حالتیکه تشنگان باشند یعنی آنها را تشنه وارد
بدوزخ کنیم در حدیث دیگر هم هست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
یا علی اینها یعنی متقیان شیعیان تو هستند **آیه مبارکه** لا یملکون الشفاعة الا
من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی مالک نمیشوند شفاعت را مگر کسیکه در نزد خدا
قبول عهد نماید یعنی قبول کند ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلم را معنی عهد ولایت
آنحضرت است شفاعت برای آنها است که قبول کنند ولایت را **آیه مبارکه**

در سوره مریم

در سوره مریم

در سوره مریم

ان

ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا یعنی کسانیکه ایمان
آورده اند و عمل صالح بجای آورده اند زود بگرداند خداوند رحمن از برای ایشان در
دلهای مردمان یعنی آنها را دوست و محبوب گرداند خلق بنماید سبب نزول آیه
مبارکه اینست که روزی جناب مولای متقیان در خدمت جناب رسول خدا صلی الله
علیهما نشسته بودند حضرت فرمودند از خدا بخواه ترا محبوب در نزد مؤمنین بفرماید
بگو اللهم اجعل لی فی قلوب المؤمنین ودا این حضرت خواندند بعد از آن این آیه
مبارکه نازل شد در کتاب کافی منقولست که مقصود از ود ولایت جناب امیر المؤمنین
علیه السلم است در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله در آخر نماز بصوت بلند دعا میکردند که مردم میشنیدند اللهم
هب لعلی المودة فی صدور المؤمنین والهیبة والعظمة فی صدور المنافقین
یعنی خدایا عطا کن بعلی مودت را در سینه های مؤمنین و هیبت و عظمت را در سینه های
منافقان بعد از آن این آیه مبارکه نازل شد که خداوند عالم فرمودند زود باشد که بگردانیم
او را محبوب **آیه مبارکه** فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین وتنذر به
قوما لدا قوم لدا را به بنی امیه تفسیر کرده اند یعنی پس جز این نیست که آسان کردیم بر
تو قرآن را که بلغت تو فرستادیم تا اینکه بشارت دهی با او متقین را و بترسانی قومی را
که خصومت و دشمنی ایشان سخت است و آنها منافقین هستند در کتاب کافی از جناب
صادق علیه السلم روایتست که فرمودند جز این نیست که خداوند عالم آسان کرد قرآن را بر
زبان حضرت رسالت هنگامیکه بر پا نمود جناب امیر المؤمنین علیه السلم را علم هدایت پس

در سوره مریم

بشارة

کلام مجید سوره طه

بشارت دادند با نحضرت مؤمنین را و ترسانیدند کافرین را ایه مبارکه و انی لغفار
لمن تاب و امن و عمل صالحا ثم اهتدی خداوند عالم میفرماید یعنی بدرستیکه من هر اینه
غفارم برای کسیکه توبه کند و ایمان اورد و عمل صالح نماید بعد از ان قبول هدایت
کند مراد از ثم اهتدی انستکه راه بیابد بسوی ولایت اهل بیت علیهم السلام در کتاب مجالس
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله روایتست که فرمودند بجناب امیر المؤمنین
علیه السلم یا علی بتحقیق هر کس گمراه از تو شد گمراه ابدی شد و دیگر هدایت نمییابد بسوی
خدا کسیکه بسوی تو هدایت نیافت در کتاب مجمع از حضرت باقر علیه السلام عبارت
روایت کرده ثم اهتدی یعنی بسوی ولایت ما اهل بیت قسم بخدای حق که هرگاه کسی عبادت
خدا کند مادام العمر در بین رکن و مقام بعد بمیرد در حالتیکه در ولایت ما نباشد

کلام مجید سوره طه

خداوند عالم او را برو در اتش جهنم می اندازد ایه مبارکه و لقد عهدنا الی ادم
من قبل فنسی و لم نجد له عزما یعنی بتحقیق که عهد کردیم ما بسوی ادم از پیش پس
فراموش کرد و نیافتیم از برای او عزمی یعنی ثبات در امر از جناب صادق علیه السلم روایت
شده که خدا تعالی فرموده ما عهد گرفتیم از ادم در محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و
ائمه علیهم السلم پس فراموش کرد ادم و در حدیث دیگر هم هست که جناب باقر علیه السلم
فرموده که خداوند عالم عهد کرد بسوی حضرت ادم در حق محمد صلی الله علیه و اله و در حق
ائمه علیهم السلم پس فراموش کرد و فرو گذاشت باین سبب صاحب عزم نشد و سایر انبیا انانی
که اولوا العزم هستند قبول نمودند ولایت را و فراموش نکردند در حدیث دیگر هم هست
از انجناب وقتیکه عهد و میثاق از انبیای اولوا العزم گرفته شد خداوند عالم فرمود

کلام الهی

مضمون

مضمون قار بینی او این باشد که من رب شما هستم و محمد صلی الله علیه و اله رسول من
است و علی علیه السلام امیر المؤمنین است و اولاد او والیان امر هستند و خزان علم من
و مهدی از ذریه اینها است نصرت میدهم باو دین خود را و قوی میکنم دولت خود را باو
انتقام میکشم باو از اعدای خود عرض کردند بلی پروردگارا اقرار کردیم باو در ایمان و در
باینها و شهادت دادیم پس حضرت ادم تامل نمودند نه انکار و نه اقرار این بود که صاحب عزم نشد

عزم

پس ثابت شد عزمیت بر پیغمبر که جناب نوح و جناب خلیل و جناب موسی و جناب عیسی و
جناب محمد صلی الله علیه و اله بنابرین حضرت ادم صاحب عزم نشد که خدا تعالی میفرماید

کلام مجید سوره طه

و لم نجد له عزما ایه مبارکه فمن اتبع هدای فلا یضل و لا یشقی یعنی پس هر کسیکه
که تابع شد هدایت مرا گمراه و شقی نمیشود در حدیث وارد است که هدایت ولایت
جناب امیر المؤمنین و اولاد انجناب است کسیکه تابع امر اینها بشود هدایت یافته است

کلام مجید سوره طه

ایه مبارکه و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا و نحشره یوم القیمة
اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیرا قال کذلک اتتک ایاتنا فنسیتها
و کذلک الیوم تنسی از جناب صادق علیه السلام روایتست در کتاب کافی که یعنی
خدا تعالی فرموده هر کس اعراض کند از ذکر من یعنی از ولایت علی بن ابیطالب علیه السلم پس بدرستیکه
که معیشت او تنگ میشود و محشور میکنیم او را در روز قیامت کور میگوید بخداوندا
چرا محشور کردی مرا کور و حال انکه من بینا بودم میفرماید همچنین ترک کردی تو ایات ما را که ائمه

کلام مجید سوره طه

باشند و فراموش نمودی همچنین امروز ما هم ترا فراموش میکنیم ایه مبارکه
و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بایات ربه و لعذاب الاخرة اشد و ابقی یعنی

همچنین جزا میدهیم آنکس را که اسراف کرده و ایمان نیاورده بآیات خدای خود هر اینه
عذاب آخرت سخت تر و دائمی است در کتاب کافی از جناب صادق علیه السلام روایت شده
که فرموده اند هر کس که بولایت امیر المؤمنین دیگری را شریک قرار بدهد و ایمان بآن
جناب نیاورد در عذاب آخرت است و مصداق این آیه مبارکه است و آیات بسیار که خداوند
عالم فرموده اشعار بائمه است سلام الله علیهم آیه مبارکه وأمر أهلك بالصلوة
واصطبر علیها لا نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى یعنی امر کن اهل خود را
بنماز و مداومت بکن بران ما از تو سؤال رزق نمیکنیم ما ترا روزی میدهیم و عاقبت
امر برای صاحب تقوی است در عیون اخبار از حضرت رضا علیه السلام روایتست که فرمود
ما را خداوند عالم ما را باین آیه مبارکه اختصاص داده و مخصوص فرموده امر فرموده ما را بنماز
کردن با جمیع امت بعد از آن مخصوص کرده ما را فرموده که اهل خود را بنماز امر کن بعد از
نزول این آیه مبارکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف می آوردند بدر خانه جناب
علی بن ابی طالب و فاطمه علیهما السلام در وقت نمازهای پنجگانه و میفرمودند الصلوة رحمکم الله
وما اکرم الله احدا من ذراری الانبیاء بمثل هذه الکرامة التی اکرمنا بها وخصنا
من دون جمیع اهل بیتهم یعنی حاضر شوید بنماز خدا شما را رحمت کند گرامی نداشته است
خداوند احدی را از ذریه انبیا مثل این کرامتی که خدا گرامی داشته است ما را بآن و مخصوص
کرده است ما را غیر از همه اهل بیت ایشان در حدیث دیگر هست که به همین قاعده آنحضرت
تشریف میبردند بخانه جناب علی علیه السلام تا اینکه از دنیا رحلت فرمودند آیه مبارکه
فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون از کتاب کافی نقل شده که روایت از حضرت باقر

علیه السلام

علیه السلام کفته شد با آنحضرت بدرستیکه کسانی که نزد ما میباشند کمان میکنند بدرستیکه
از این آیه که خدا فرموده فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون مراد علمای یهود و نصاری
هستند حضرت فرمودند در این هنگام میخوانند شما را بسوی دین خود پس بدست خود اشاره
بسینه مبارک نمودند که ما اهل بیت اهل الذکر هستیم نحن اهل الذکر و نحن المسئولون
آیه مبارکه وجعلنا من الماء کل شیء حی یعنی آفریدیم از آب هر چیز را که زنده است معنی
باطنی که بتواتر از علماء شیعه و سنیه تفسیر نموده اند عبارتست از جناب علی بن ابی طالب و ولایت
ظاهر این انجناب است علیه السلام که بولایت ایشان همه حیات دارند آیه مبارکه
وهدوا الی الطیب من القول وهدوا الی صراط الحمید صراط الحمید ولایت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است آیه مبارکه وبئر معطلة وقصر مشید اول آیه مبارکه
اینست فکاین من قریة اهلکناها وهی ظالمة فهی خاویة علی عروشها وبئر معطلة
وقصر مشید از جناب کاظم علیه السلام در کتاب کافی روایت شده بئر معطلة امام
صامت است و قصر مشید امام ناطق است صاحب تفسیر صافی بیان میکنند وجه اینکه بئر
معطله چرا کنایه از امام صامت و قصر مشید از امام ناطق برای اینکه امام صامت
منبع علمست که آن حیات ارواح مردم است با اینکه خفا دارد و پوشیده است مگر
بر کسیکه برود بسوی او چنانکه چاه منبع آبست که سبب حیات ابدان مردم است با اینکه
مخفی است مگر بر کسیکه برود بسوی او و پیدا کند او را و کنایه آورده شده است از سکوت
امام علیه السلام بتعطیل و گفته شده بئر معطلة بعلت عدم انتفاع مردم از او که منفعت
نمیبرند و قدر و شرف او را نمیدانند و علت کنایه امام ناطق بقصر مشید برای ظاهر بودن آن و علو

منصب ظاهری او است مرویست که قصر مشید کنایه از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و بئر معطله جناب فاطمه و فرزندان آنجناب است که حسن و حسین علیهما السلام باشد که موکل
ثقلین هستند و هر دو ایشان از ملک و حق خود معطل شده اند علی بن ابرهیم قمی ره
روایت کرده که آیه مبارکه بئر معطله و قصر مشید مثل است برای آل محمد صلی الله علیه و
آله که آب از آن برداشته نمیشود تا وقت ظهور آنجناب قصر مشید آن قصر بلند است
و آن مثل است برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام و برای ائمه سلام الله علیهم که اولاد
آنجناب‌اند و فضائل ایشان که منتشر است در همه عالم اینست که مشرفست و بلندی دارد
بر همه دنیا چنانکه خداوند عالم فرموده لیظهره علی الدین کله و چنانچه شاعر عربی در گفته
بئر معطلة و قصر مشرف مثل لآل محمد مستطرف فالقصر مجدهم الذی لا یرتقی
والبئر علمهم الذی لا ینزف یعنی چاه معطل که از او آب برداشته نمیشود و قصر بلند
مثال خوبیست از برای آل محمد پس قصر عبارتست از بزرگی ایشان که بلند نمیشود بسوی
ایشان و چاه علم ایشانست که آبان نکشیدن تمام نمیشود آیه مبارکه وما ارسلنا
من قبلک من رسول ولا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی از کتاب کافی نقل شده از
حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام مرویست که ولا محدث جزء آیه شریفه است و در
تتمه حدیثی که از جناب سید الساجدین علیه السلام مرویست مذکور است که محدث جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است متمم آیه مبارکه الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فینسخ
الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم الله آیاته والله علیم حکیم یعنی نفرستادیم ما پیش از
فرستادن تو رسولی و هیچ نبی را مگر چون آرزو کند میفکند شیطان در کار آرزوی او پس

زایل

زایل میکرد آنرا خدا تعالی یعنی محو میکند شیطان پس ثابت میکرد آنرا خدا تعالی آیات خود را
و خدا تعالی دانا است باحوال بندگان و حکیم است یعنی هر فعلی که کند بر وجه حکمت و مصلحت
باشد روایت شده از ابی عبد الله علیه السلام روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را
فقر عارض شد حضرت گرسنه بودند تشریف آوردند نزد یکی از انصار فرمودند آیا در نزد
تو طعام هست عرض کرد بلی یا رسول الله پس بزغاله ماده را ذبح کرد و بریان نمود بخدمت
حضرت آورد حضرت تمنا نمودند کاش جناب علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در اینجا
حاضر میشدند پس اولی و دومی حاضر شدند بعد از آن جناب امیر مؤمنان علیه السلام
تشریف آوردند بدان بود که این آیه مبارکه نازل شد وما ارسلنا من قبلک من رسول
ولا نبی ولا محدث الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فینسخ الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم
الله آیاته یعنی وقتیکه آنجناب خواهش و تمنا کرد که جناب امیر المؤمنین علیه السلام در
اینجا باشد القا کرد شیطان در امنیه آنحضرت یعنی در آنچه که تمنای حضرت بود که آن دو نفر
آمدند حضرت رسول را آرزوی حضرت امیر بود که میخواست جناب امیر تشریف بیاورد
شیطان اول آن دو نفر را باینجا رساند پس نسخ کرد خداوند عالم چیزی را که شیطان القا
کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام تشریف آوردند بعد از آنها ثم یحکم الله آیاته
یعنی خداوند عالم ثابت و محکم میکند بر خلق یعنی نص میدهد جناب علی بن ابیطالب علیه
السلام را آیه مبارکه و ان الله لهاد الذین آمنوا الی صراط مستقیم یعنی بدرستیکه
خداوند هر آینه هدایت کننده است کسانیرا که ایمان آورده اند بسوی صراط مستقیم
یعنی امام مستقیم بنا بر روایتی که جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد کرام آنحضرت

در سورهٔ حج

آیهٔ مبارکهٔ والذین کفروا وکذبوا بآیاتنا فاولئک لهم عذاب مهین در حدیث
معتبر وارد است کسانی که ایمان نیاورده‌اند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
وائمه از اولاد او علیهم السلام وتکذیب ایشان نمایند برای آنها عذاب خوار کننده هست
مراد از آیات ائمه علیهم السلام است آیهٔ مبارکه وجاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتبیکم

در سورهٔ حج

یعنی جهاد کنید در راه خدا چنانچه سزاوار جهاد باشد که خداوند شما را برگزیده است آن
جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چون از جنگ وجدال تبوک برگشتند
فرمودند رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر یعنی رجوع کردیم از جهاد اصغر
بسوی جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس ومخالفت کردن او وجهاد اکبر است در حدیث وارد است
که حضرت باقر علیه السلام فرمود که خداوند تعالی در آیهٔ مبارکه هو اجتبیکم ما اهل بیت را
قصد نموده نحن المجتبون یعنی ما هستیم برگزیدگان آیهٔ مبارکه ولو اتبع الحق اهواءهم

در سورهٔ مؤمنون

لفسدت السموات والارض ومن فیهن هرگاه تابع میشد حق خواهشهای ایشان را
هر آینه تباه وناچیز میشد آسمانها وزمینها وهر چه در آسمانها وزمینها است از ملائکه
وجن وانس وغیر آن از قوت حکایت شده که گفته‌اند است فساد آسمان نیامدن باران
وفساد زمین نروئیدن نباتات است ودر این حال فساد ناس هم حاصل میشود وتعبیر گفته است
که حق در این آیهٔ مبارکه جناب رسول خدا وجناب امیر المؤمنین صلی الله علیهما وآلهما است
که بی وجود ایشان آسمانها وزمینها فاسد وتباه میشد آیهٔ مبارکهٔ وانک لتدعوهم

در سورهٔ مؤمنون

الی صراط مستقیم در حدیث است یعنی الی ولایة امیر المؤمنین علیه السلام یعنی یا محمد دعوت
میکنی تو آنها را بسوی ولایت امیر المؤمنین واین مراد از صراط المستقیم است تمام آیه

مبارکه

مبارکه وان الذین لا یؤمنون بالآخرة عن الصراط لناکبون در حدیث است یعنی
عن الامام لناکبون یعنی کسانیکه ایمان بآخرت نیاورده‌اند وانکار نموده‌اند منهم اند از
امام هر آینه عدول کننده‌اند آیهٔ مبارکه ان الله یعلم ما یسرون وما یعلنون
انه لا یحب المستکبرین یعنی خداوند عز وجل میداند چیزی را که پنهان میکنند وچیزی را که
آشکار میکنند وبدرستیکه او سبحانه دوست نمیدارد متکبرین را در حدیث است که مراد

در سورهٔ نحل

از متکبرین کسانی‌اند که بر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام متکبر شدند یعنی از روی کبر رد کردند
خود منکر ولایت آنجناب شدند خداوند تعالی دوست نمیدارد آنها را آیهٔ مبارکه
الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی
زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله
لنوره من یشاء ویضرب الله الامثال للناس والله بکل شیء علیم یعنی خدا نور
آسمانها وزمینها است صفت نوریکه منسوب باو است مانند روزنه ایست در دیوار
که نهایش بخارج راه ندارد ومانند طاقچهٔ پیش بسته که در آن چراغی افروخته در قندیلی
است از آبگینه که مصباح در آن نورانی‌تر است آن آبگینه از غایت صفا ولطافت گویا
ستاره‌ایست بزرگ درخشنده آن چراغ که در آبگینه است افروخته شده در ابتدا از
روغن درخت با برکت بسیار نفع که آن زیتونست که در زمین مقدسه رسته است
نه در جانب شرق است از معموره ونه در طرف غرب از معموره نزدیک است روغن آن درخت
روشنی دهد بنفس خود واگرچه نرسیده باشد بآن آتش وروشنی افروده باشد بر روشنی

را. مینماید خدا بنور ثابت خود هر کرا میخواهد. و بیان میکند مثلها را برای مردمان
و خدا بهمه چیز داناست از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند
الله نور السموات والارض مثل نوره جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
کمشکوة آن سینه مبارکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است نور علم در انجا
بود است المصباح فی زجاجة چراغ عبارتست از شیشه علم آن رسول الله است که برگشته
است بسوی قلب جناب علی علیه السلام کویا قلب مبارک حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
زجاجه است الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
ولا غربیة یعنی لا یهودیة ولا نصرانیة از جناب صادق علیه السلام منقولست که
فرموده اند این کوکب دری جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که افروخته شده
از شجره مبارکه ابراهیمیه نه یهودیست و نه نصرانی یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه
نار از جناب صادق علیه السلام مرویست که نزدیکست که علم خارج شود از
دهن عالم آل محمد که جناب امیر المؤمنین و امامان از اولاد آنحضرت پیش از
انکه نطق کند بیان یعنی نور علم حضرت روشنی میدهند پیش از بیان نور علی نور
یعنی الامام فی اثر الامام آن امام بعد از امام است آیه مبارکه فی بیوت اذن
الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یعنی آن مشکوة در خانهائیست که خدا رخصت داده
که بلند شوند و ذکر کرده شود نام خدا در آن خانها مراد از بیوت بروایتی خانهای انبیا
و خانه علی بن ابیطالب صلوات الله علیه از آنها است در حدیث دیکر از جناب باقر
علیه السلام منقولست که قتاده یکی از بزرگان علمای اهل سنت است عرض کرد جعلت فداک

قسم

در سوره نور

قسم بخدا هر اینه بتحقیق نشستم در پیش روی فقها پس قلب من مضطرب نشد پیش
روی هیچیک از انها چنانکه مضطرب شد دلم در پیش روی تو حضرت فرمودند میدانی
در کجائی تو و کجا نشسته در مقابل بیوتی نشسته که خداوند عالم فرموده فی بیوت اذن
الله ان ترفع تا اخر ایه پس تو در انجائی و ما ان بیوتی هستیم قتاده عرض کرد صدقت
والله جعلنی الله فداک یا ابن رسول الله قسم بخدا مراد از بیوت خانهای کلی و سنکی
نیست بلکه شما اید آیه مبارکه واذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم
ان یقولوا سمعنا و اطعنا و اولئک هم المفلحون در حدیث وارد شده که مراد از
این ایه جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی چون خوانده شوند بکتاب خدا
و پیغمبر او تا حکم کند میان ایشان بوقت مخاصمه انکه کویند شنیدیم قولترا و فرمان
بردیم امر ترا و اکر چه حکم بر ما باشد نه برای ما و انکروه مؤمنان ایشانند
رستکاران و مراد از مفلحون انجنابست آیه مبارکه وعد الله الذین امنوا
منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من
قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا
یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون
وعده کرده است خداوند آنکسانیرا که ایمان اورده اند و عمل صالح نموده اند هر
اینه خلیفه کرداند خدا بتعالی ایشانرا در زمین یعنی بعد از پیغمبر چنانکه خلیفه کردانید
اوصیا را قبل از انها و هر اینه متمکن و ساکن سازد و با قوت کرداند خدا چنانکه
برای ایشان دین ایشانرا از دینی که بر کزیده است برای ایشان که اسلام است و

در سوره نور

در سوره نور

هرابنه تبدل دهد ایشان را پس از ترس ایشان از دشمنان ایمنی از انها دهد حالتیکه عبادت
کنند مرا و شریک قرار ندهند با من شیء را و هر کس بعد از ین وعده کافر شود پس انها
ایشانند فاسقان از کتاب کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایتست که
ایشان یعنی انانیکه خدا ان وعده را با ایشان نموده جناب امیر المؤمنین و امامان
از اولاد انجناب علیهم السلام است یعنی چون خداوند عالم اوصیا خود کرد اینها را ظاهر
بعد از رسول خود پس چنانکه قبل از انها اوصیا بعد از انبیای سلف را متمکن و
برقرار فرموده بود ایشان را نیز متمکن و خلیفه کرداند در کل روی زمین و مبدل کند
خوف ایشان را بامن که احدی در عبادت پروردگار مخالف ایشان نکند در اخر الزمان
در زمان ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه و سهل مخرجه و رجعت ائمه علیهم السلام چنانکه
ایه مبارکه هل ینظرون الا ان یاتیهم الله فی ظلل من الغمام تاویلش در رجعت است
مراد از غمام جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی انتظار نمیکشند مگر انکه
بیاید ایشان را امر خدا و سخط خدا در سایهای ابر یعنی جناب امیر المؤمنین علیه السلام
که غضب خدا است بر کفار و فجار متمم ایه مبارکه ومن کفر بعد ذلک فاولئک
هم الفاسقون و هر کسیکه بعد از ان منکر و کافر شود بولایت ایشان پس انهایند
فاسقان یعنی منکرین ولایت در ان وقت فاسقند ایه مبارکه یوم تشقق السماء
بالغمام ونزل الملائکة تنزیلا یعنی تشقق السماء بسبب طلوع الغمام منها یعنی شکافته
میشود اسمان بسبب طلوع ابر سفید از ان قبل از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که غمام جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایه مبارکه ویوم یعض

الظالم علی یدیه ویقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتی لیتنی لم
اتخذ فلانا خلیلا یعنی روزیکه میکزد ظالم دو دست خود را که اولی باشد میکوید
ایکاش با رسول خدا راهی پیدا شتم یعنی علی بن ابیطالب را اخذ میکردم امام مقتدا و
را دوست نمیگرفتم فلان و اورا اخبار تعبیر نموده ایه مبارکه لقد اضلنی عن الذکر
بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للانسان خذولا یعنی هر اینه بتحقیق کمراه کرد مرا دوست
او از ذکر خدا بعد از انکه امد بسوی من ذکر خدا و حکم شد که ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام را قبول کنم در حدیثست که ذکر ولایت انحضرت است ایه مبارکه هو الذی
مرج البحرین هذا عذب فرات وهذا ملح اجاج یعنی خداوند عالم انکسیست که
خالی کرده دو دریا را باینکونه که مشتبه نشوند بیکدیکر یکی شیرین و یکی شور و تلخ
از کتاب کافی حکایت شده که از ائمه علیهم السلام وارد شده که خداوند عالم نشان داد و عرضه
ما را بر دریاها هر کدام ولایت ما را قبول کردند شیرین و کوارا شد و هر یک که قبول
و منکر کردیدند شور و تلخ شدند ایه مبارکه هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله
نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا یعنی خدا انکسیست که خلق کرد از اب بشری را پس
او را نسب کرد اینند و داماد کرد و بود پروردگار تو دانا در کتاب مجمع و اینست
در احادیث معتبره شیخ وارد شده است که ایه مبارکه در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام
نازلست که انحضرت منسوب بود با جناب پیغمبر صلی الله علیه و اله بسبب صلب که پسر عموی
انجناب بود و از صلب عبد المطلب بودند و داماد بود بجهت دختر شان فاطمه سلام الله
علیهما حکایت شده از کتاب امالی با سناد معتبره که نسبت روایت داده بانس بن مالک

قاموس
مرج البحرین
وا مرجهما خلاهما لا
یلتبس احدهما بالآخر
فی المجمع
مرج البحرین یلتقیان
ای خلاهما لا
یختلط احدهما
فی شویهما فرقا
بالآخر

الظالم

میشود که از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرده جعلت فداك علی برادر تست
فرمودند بلی علی بن ابیطالب برادر من است عرض کرد فدای تو شوم بیان فرما که علی چگونه
برادر تست حضرت فرمودند خدای عزّ و جلّ خلق کرد آبی را در زیر عرش سیصد هزار
سال قبل از خلقت آدم و ساکن کرد آن را در میان لؤلؤ سبز فی غامض علمه الی
ان خلق آدم در غامض علم خود تا زمانیکه حضرت آدم را خلق کرد پس نقل نمود آن
آب را از آن لؤلؤ پس جاری نمود بصلب آدم و تا وقتیکه قبض روح آن حضرت نمود نقل کرد
آن را بصلب شیث پشت در پشت تا بصلب عبد المطلب بعد از آن منشعب کرد
خداوند عالم نصف آن را بصلب عبد الله و نصف دیگر را بصلب ابوطالب پس من از آن نصف
آب هستم و علی از نصف دیگر است پس علی بن ابیطالب علیه السلام برادر من است
در دنیا و آخرت آیه مبارکه ویعبدون من دون الله ما لا ینفعهم ولا یضرهم
وکان الکافر علی ربه ظهیرا یعنی عبادت میکنند غیر خدا چیزی را که نفعی و ضرری
بایشان نمیرسانند و بود کافر بر پروردگار خود ظهیر لفظ علی بمعنی ضرر است و
الظهیر بمعنی العون ای عونا علی ربه بالایذاء مثل قوله تعالی فان تظاهرا علیه ای
تعاونا یعنی عایشه و حفصه بایذاء النبی و [illegible] و کافر برب خود ظهیر است یعنی
هم پشت است بکافری مثل خود بر ضرر دین رب خود و در حدیث دیگر از قمی وارد
است که کافر در این آیه مبارکه دومی است که بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام ظهیر
بود یعنی و یعنی بر ضرر آن حضرت هم پشت بود با اولی آیه مبارکه والذین لا یدعون
مع الله الها آخر ولا یقتلون النفس التی حرم الله الا بالحق ولا یزنون ومن

یفعل

یفعل ذلک یلق اثاما یضاعف له العذاب یوم القیمة ویخلد فیه مهانا
الا من تاب وآمن وعمل عملا صالحا فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات و
کان الله غفورا رحیما یعنی هر کسی که زنا کند و قتل نفس نماید و با خدا خدای
دیگر را بخواند بر شرک و به بیند جزای بدکاری خود را و گویند اثام چاهی است در جهنم
اگر سنگی از کنار او رها کنند در مدت هفتاد سال در قعر آن رسد و دو چندان کرده
شود مر او را عذاب در روز قیامت و مخلد است در جهنم مگر کسیکه توبه کند و ایمان
آورد و بکند کارهای شایسته پس خداوند عالم گناهان ایشان را مبدل میکند
به نیکوئیها و هست خدا آمرزنده گناهان گناهکاران بتوبه و هست خدای تعالی
مهربان بایشان در کتاب امالی روایت شده است که از جناب محمد باقر علیه السلام
سؤال کرده شد از تفسیر این آیه مبارکه فرمودند آورده میشود مؤمن گناهکار یعنی
از شیعیان ما اهل بیت تا آنکه باز داشته میشود بموقف حساب در روز قیامت پس
خداوند عالم میباشد آنکسیکه مباشر و قیام مینماید بحساب او و مطلع نمیگرداند
بر حساب او کسیرا از مردم پس میشناساند باو گناهان او را تا وقتیکه اقرار نماید
به بدیهای خود میفرماید خدای تعالی مر نویسندگان اعمال را که مبدل کنید اعمال
شیعه اهل بیت را بحسنات و هویدا سازید حسنات را که کسی مطلع نشود بر
در آن هنگام خلایق میگویند ما کان لهذا العبد سیئة واحدة ابدا بود از برای
این بنده یک گناه بعد از آن امر میفرماید خداوند او را داخل بهشت کنند و اینست
یبدل الله سیئاتهم حسنات پس اینست تأویل آیه و این در گناهکاران از شیعیان

ما بخصوصه هست که گناهان ایشان را بدل به نیکوئیها میکنند و در حدیث
ابی یحیی اللیثی روایت است از امام محمد باقر علیه السلام فرموده اند در روز قیامت
خداوند عالم امر میفرماید حسنات دشمنان را بگیرند و بدوستان ما رد کنند و
گناهان شیعیان و محبان ما را گرفته بر دشمنان ما رد نمایند آیهٔ مبارکه
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا در سورهٔ فرقان
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا یعنی و دیگر عباد الرحمن آنانند که از درگاه پروردگار
ما بخش ما را از زنان ما و فرزندان ما کسیکه روشنی چشم ما باشد و بگردان ما را
برای پرهیزکاران پیشوا یعنی ما را چنان توفیق پرهیزکاری ده که شایستهٔ امامت
متقیان باشیم از کتاب جوامع نقل شده که جناب صادق علیه السلام فرموده ما را
خداوند قصد کرده است و در روایت دیگر وارد شده است که این آیه در شان ما
نازل شده و از مناقب نقل شده که این آیه مبارکه که مخصوص بجناب ولایتمآب که
اکثر دعای آنحضرت این بود رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ مراد از زوجه
جناب فاطمه علیها السلام است و از ذریات حسن و حسین علیهما السلام از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که آنحضرت فرموده قسم بخدا من هرگز اولادی نخواستم
خوش رو و خوش قامت ولکن من از خداوند سوال کردم اولادی که مطیع باشند مر
خدایتعالی را و خائف و ترسناک باشند از خدای عز و جل تا آنکه زمانیکه نظر کنم بسوی
او و حال آنکه مطیع باشد مر خدا را و از او خائف و وجل باشد چشم من روشن شود
معنی واجعلنا للمتقین اماما حضرت فرموده یعنی بگردان ما را برای متقیان امام و پیشوا

اقتدا

اقتدا نمایند بکسانیکه قبل از ما بوده اند پس اقتدا نمایند بما متقیان که بعد از ما باشند
در حدیث دیگر از قمی مرویست که جناب صادق علیه السلام فرموده که ما اهل
بیت آنانیم که این دعا را میکنیم و قمی فرموده که روایت شده در مدرستیکه ازواج ما
خدیجهٔ کبری است و ذریات ما فاطمهٔ زهرا است و قرة اعین حسن و حسین است و واجعلنا
للمتقین اماما جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین علیهم السلام است مؤلف گوید
یعنی مراد از لفظ متقین ائمه سلام الله علیهم خواهد بود و بنابر این دعا کننده حضرت
رسول صلی الله علیه و آله میباشد نه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آیهٔ مبارکه
وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ یعنی بگردان
برای من زبان راست یعنی زبان ثناگو و ثناخوان در میان پس آیندگان یعنی ثنای نیکو
نامی و آوازهٔ مرا جاری گردان بر زبان کسانیکه از پس من آیند و بگردان مرا از وارثان
بهشت پر نعمت را آخرت در حدیث از قمی وارد است که لسان صدق جناب ولایتمآب است
آیهٔ مبارکه وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ
مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ در شان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام نازل شده است جناب محمد باقر و جناب جعفر صادق علیهما السلام فرموده اند
مراد از لفظ انه ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایشان ولایتی که نازل شد
در روز غدیر خم برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام بلسان عربی او و چونکه لسان
قوم حضرت ختمی مآب عربی بود علی بن ابراهیم قمی از جناب صادق علیه السلام روایت کرده
در تفسیر آیهٔ مبارکه وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

در سورهٔ شعرا

در سورهٔ شعرا

در سورهٔ شعرا

خداوند عالم فرموده هرگاه نازل میکردیم قران را بر عجم جماعت عرب ایمان نمی آوردند
و بتحقیق که نازل کرد خداوند عالم قران را بر عرب پس عجم هم ایمان آوردند بقران پس
این آیهٔ مبارکه در فضیلت عجم است **آیهٔ مبارکه** وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَاخْفِضْ
جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ بر فرایت فتوی چون این آیه وافیهٔ الهدایه در مکه معظمه نازل شد جمع
نمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بنی هاشم را و ایشان چهل نفر بودند كُلُّ وَاحِدٍ
مِنْهُمْ يَأْكُلُ الْجَذَعَ وَيَشْرَبُ الْقِرْبَةَ فَاتَّخَذَ لَهُمْ طَعَامًا يَسِيرًا بِحَسَبِ مَا أَمْكَنَ
فَأَكَلُوا حَتَّى شَبِعُوا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ يَكُونُ وَصِيِّي
وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فَقَالَ أَبُو لَهَبٍ جَزْمًا سَحَرَكُمْ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَفَرَّقُوا
فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الثَّانِي أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفَعَلَ لَهُمْ مِثْلَ
ذَلِكَ ثُمَّ سَقَاهُمُ اللَّبَنَ حَتَّى رَوَوْا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَيُّكُمْ يَكُونُ وَصِيِّي وَوَزِيرِي
وَخَلِيفَتِي فَقَالَ أَبُو لَهَبٍ جَزْمًا سَحَرَكُمْ مُحَمَّدٌ فَتَفَرَّقُوا فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الثَّالِثُ
أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفَعَلَ لَهُمْ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ سَقَاهُمُ اللَّبَنَ
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّكُمْ يَكُونُ وَصِيِّي وَوَزِيرِي وَيُنْجِزُ
عِدَاتِي وَيَقْضِي دَيْنِي فَقَامَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ أَصْغَرَهُمْ سِنًّا وَأَحْمَشَهُمْ
سَاقًا وَأَقَلَّهُمْ مَالًا فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَنْتَ هُوَ معنی حدیث شریف
اینست که جناب رسول خدا صلی الله علیه جمع فرمودند بنی هاشم را و ایشان
چهل نفر بودند هر یك از آنها یك بچه یکساله را میخوردند و یك خیك آب می آشامیدند
پس آنحضرت طعام کمی و سهلی که ممکن بود برای ایشان فراهم آورد پس خوردند تا همه سیر

شدند پس حضرت فرمودند که وصی و وزیر و خلیفهٔ من میشود کی پس ابو لهب علیه اللعنه
گفت محمد شما را سحر کرده قطعاً پس متفرق شدند چون روز دویم شد حضرت جمع کرد
ایشان را و بهمان قسم نمود پس آشامانید شیر را بایشان تا آنکه سیر شدند باز فرمودند
کدام یك از شما وصی و وزیر و خلیفهٔ من می شود باز ابو لهب علیه اللعنه گفت محمد شما را
سحر کرده پس متفرق شدند پس چون روز سیم شد امر فرمودند جمع شدند و باز
بهمان نوع نمود پس آشامانید بایشان شیر را تا آنکه سیر شدند بعد از آن باز فرمود
کدام یك از شما وصی و وزیر و خلیفهٔ من میشود و وفا میکند بوعدهای من و ادا میکند
قرض مرا پس جناب امیر المؤمنین علیه السلام برخواست و حال آنکه کوچك ترین ایشان
بحسب سن و باریك ترین ایشان بود بحسب ساق و کمترین ایشان بود بحسب مال پس
عرض کرد یا رسول الله من هستم حضرت فرمودند تو هستی که خلیفهٔ من و وصی من
و وزیر من و وفا کننده بوعدهای من و ادا کننده قرض منست **آیهٔ مبارکه**
وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ یعنی حضرت سلیمان
گفت ای مردم آموخته شدیم زبان مرغها را و از هر چیز داده شدیم در کتاب
بصائر از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که آنحضرت فرمودند
با ابن عباس بدرستیکه خداوند عالم بما تعلیم فرمود زبان پرندگان را چنانکه بسلیمان
ابن داود تعلیم نمود و همچنین آموخت زبان هر جنبنده را که در زمین و دریا میباشد عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ وَقَعَ عَلَيْهِ وَرَشَانٌ عَلَى الْحَائِطِ وَهَدَلَا هَدِيلَهُمَا فَرَدَّ
عَلَيْهِمَا كَلَامَهُمَا سَاعَةً ثُمَّ نَهَضَا فَلَمَّا طَارَا عَلَى الْحَائِطِ هَدَلَ الذَّكَرُ عَلَى الْأُنْثَى سَاعَةً

ثم نهضا فسئل علیه السلام ما عند الطیر فقال کل شیء خلقه الله من طیر او
بهیمة او شیء فیه روح فهو اسمع لنا واطوع من ابن آدم ان هذا الورشان ظن
بامرأة فحلفت له ما فعلت فقال ترضی بمحمد بن علی علیه السلام فرضیا فاخبره
انه لها ظالم فصدقها از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که یک جفت
کبوتر سفید نزد آنحضرت از بالای هوا بر زمین فرود آمدند و آواز در دادند
او نر خود را پس حضرت رد کردند بانها کلام ایشان را ساعتی یعنی تا یکساعت جواب ایشان
فرمود پس پرها شدند و پریدند تا بر بالای دیوار کبوتر نر با ماده ساعتی گفتگو کرد پس
پرها شدند و پریدند پس از آنحضرت سؤال شد این مرغها چه بود و حکایت این پرندگان
چه پس حضرت فرمود هر چیزیکه خدا خلق کرده از پرنده و چرنده و یا چیزیکه صاحب روح
مطیع تر و شنونده تر است برای ما از بنی آدم بدرستیکه این کبوتر نر بزوجه خود گمان بد
کرده بود پس جفتش قسم خورد برای او که نکرده است چیزیرا که گمان کرده کبوتر گفت
راضی میشوی بحاکمه محمد بن علی علیهما السلام پس راضی شدند پس من خبر دادم او را که ظالم
است مر زوجه اش را پس تصدیق نمود زوجه خود را اخبار کثیره دراینمعنی وارد است
که طیور و سایر حیوانات تکلم با ائمه سلام الله علیهم و اطاعت و انقیاد ایشان مینموده اند
آیهٔ مبارکه قل الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی یعنی بگو حمد مر
خدا را است و درود بر بندگان او سبحانه آنانیکه ایشان را پسندیده است در
جوامع روایتست که ایشان آل محمدند که جناب علی و ائمه از اولاد طاهرین او صلوات
الله و سلامه علیهم میباشند آیهٔ مبارکه امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف

السوء

السوء و یجعلکم خلفاء الارض از جناب صادق علیه السلام مرویست که این آیه نازل شده است
در شان جناب قائم آل محمد صلی الله علیه و آله یعنی او قسم بخدا آنجناب مضطر است
که چون دو رکعت نماز گذارد در مقام ابراهیم علیه السلام و بخواند خدا را عز و
جل را مقرون باجابت نماید دعای او را خدا و بدیرا دور کند از او و خلیفه میگرداند
در روی زمین آنحضرت را آیهٔ مبارکه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم
دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بآیاتنا لا یوقنون یعنی چون واقع
شود گفتار کافران و وعده عذاب بسته برایشان بیرون آوریم برای ایشان جنبنده از
زمین سخن گوید با ایشان آنکه مردمان بودند بسخنان ما از وعده و وعید حشر و
نشر از سر یقین تصدیق بآن نمیکردند فقیر از جناب صادق علیه السلام روایت کرده
که روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بنزد جناب امیر المؤمنین علیه السلام تشریف
بردند در حالتیکه آنحضرت قدری از ریگ جمع کرده بر سر گذاشته در مسجد خوابیده
بودند جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت دادند آنحضرت را و فرمودند برخیز یا
دابة الارض بعضی از اصحاب عرض کردند جعلنا فداک بنامند بعضی از ما بعض دیگر را
باین اسم حضرت فرمودند لا والله نیست این اسم مگر مخصوص باو و اوست دابه ایکه
خدا ذکر فرموده تا آنجائیکه فرمودند یا علی چون آخر الزمان میشود خارج میکند خدا
ترا در احسن صورت و معک میسم تسم به اعداءک تا آخر حدیث و سم بسم داغ نهادنست
و میسم آلت داغ است یعنی در دست تو آلت داغ است که دشمنان خود را داغ مینهی
نشان میکنی از جناب صادق علیه السلام باز روایتست که شخصی از عمار بن یاسر سؤال

کرد که این آیه مبارکه ما را بسیار در بیم انداخته عمار فرمود کدام آیه عرض کرد این آیه
مبارکه وَأَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ دابة الارض چیست و کیست عمار جواب داد که
نمیخورم و نمی آشامم و نمیشنوم تا اینکه بتو نشان دهم پس عمار با آنشخص آمدند بخدمت
باسعادت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در حالتیکه آنحضرت خرما و مسکه تناول (بعنزه مست که میکند)
میفرمودند حضرت فرمودند ای ابا الیقظان بیا بخور پس عمار آمد و نشست و با آن
جناب مشغول بخوردن شد پس آنشخص تعجب کرد پس چون عمار برخواست و آنمرد برخواست
گفت سبحان الله تو قسم خوردی که نخوری و نیاشامی و نشنوی تا اینکه دابة الارض را
بمن نشان دهی عمار فرمود بتحقیق نمودم بتو دابة الارض را اگر دانا بودی میشناختی
آیه مبارکه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ (سوره نمل)
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ یعنی هر کس بیاید به نیکوئی پس از برای او
جزائیست بهتر از آن فعل نیکو و ایشان از هول عظیم در روز قیامت ایمنند و هر که
بکند خصلت بد را پس نگونسار کرده شود روهای ایشان در آتش در حدیث وارد
است که حسنه قسم بخدا که ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و سیئه
قسم بخدا پیروی دشمنان آنحضرت است در کتاب روضة الواعظین از جناب باقر علیه السلام
روایتست که حسنه ولایت و حب جناب امیر المؤمنین علیه السلام است سیئه عداوت
و بغض آنحضرت است و هیچ عمل با بغض و عداوت بلند و مقبول نمیشود آیه مبارکه (سوره نمل)
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ در حدیث وارد
است که آیات جناب امیر المؤمنین و ائمه از اولاد طاهرین آنجناب است تا آخر حدیث

قال

(قصص سوره) قال امیر المؤمنین علیه السلام وَاللهِ مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي یعنی قسم بخدا از من بزرگتر آیه
برای خداوند نیست آیه مبارکه إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ در شان جناب ابوطالب علیه السلام که پدر بزرگوار
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است در کافی از جناب صادق صلوات الله علیه روایت
شده که مثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که پنهان کردند ایمان را و کفر را ظاهر
نمودند صاحب تفسیر صافی میگوید جناب ابوطالب که ایمان خود را پنهان میکرد بجهة
آن بود که قدرتش زیادتر باشد بر نصرت و هواداری جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله فاتیهم الله اجرهم مرتین پس خداوند عالم داد ایشان را اجر دو مرتبه
یعنی دو اجر میدهند در احادیث وارد شده که شخصی بخدمت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام عرض کرد که تو در این مرتبه هستی که خدا تعالی بتو کرامت فرموده یعنی امیر مؤمنانی
و پدر تو ابوطالب در آتش جهنم معذب میباشد حضرت فرمودند مه فض الله فاک
یعنی ساکت شو خدا دهان ترا بشکند قسم بخدائیکه محمد را براستی مبعوث ساخت برحق
هرگاه پدر من هر گناهکار را بر روی زمین شفاعت کند هر آینه خدا قبول میفرماید
هر آینه پدر من در آتش جهنم معذب میباشد و حال آنکه پسر او قسیم النار والجنه است
یعنی این نخواهد شد مؤلف گوید بخیال این شخص نادان که ابوطالب در
ایام جاهلیت بوده ایمان در باطن نیاورده و در کفر بوده اعوذ بالله چنانکه در حدیث وارد
است بخدمت جناب صادق علیه السلام عرض شد که مردم گمان میکنند که ابوطالب
کافر بود پس حضرت فرمودند دروغ گفتند چگونه او کافر است و حال آنکه این بیت انشا

کرده است الم تعلموا انا وجدنا محمدا نبيا كموسى خط في اول الكتب اي هذا
الحكم ثبت في كتاب الاول اي اللوح المحفوظ يعني آيا ندانسته ايد شما بدرستيكه
ما محمد را يافته ايم پيغمبري مثل موسى نوشته شده است در كتاب اول كه لوح محفوظ
باشد در حديث ديگر وارد است كه چگونه ابوطالب كافر است وحال آنكه او ميگويد
اين كلمات منظومه را لقد علموا ان ابننا لا مكذب لدينا ولا يعبأ بقول الاباطل
هر آينه بتحقيق دانسته اند بدرستيكه پسر ما تكذيب كرده شده نيست نزد ما واعتنا
كرده نميشود بقولهاى باطل كافران وابيض يستسقى الغمام بوجهه ثمال اليتامى
عصمة للارامل يعني پاك دامن ونفس شريفيست كه طلب باران كنند بزرگى
روى آنجناب يعني بسبب بركت روى آنجناب طلب باران از خداوند ميشود وفرياد رس
متكفل يتيمان وحفظ نماى بيوه زنان يعني پشت وپناه يتيمان وبيوه زنان
ميباشد از جناب امام بحق ناطق جعفر بن محمد صادق عليه السلام روايت شده
است كه فرموده جبرئيل نازل شد بر رسول خدا صلى الله عليه وآله كه يا
محمد بدرستيكه پروردگار تو سلامت ميرساند وميفرمايد كه من حرام كردم آتش
جهنم را بر صلبى كه فرود فرستاده است ترا وبطنى كه ترا حمل كرده وكنار وحجريكه ترا نگا
داشته پس صاحب صلب پدرت كه عبد الله بن عبد المطلب است وآنچنان بطنى كه
ترا برداشته است پس آمنه بنت وهب است واما حجر يعني دامان پس دامان ابو
طالبست واين كنايه از تربيت است چون ابوطالب آنحضرت را تربيت كرد ومتكفل
امور آنحضرت بود از طفوليت تا بزرگ شدند آيه كريمه لا اله الا هو كل

شيء

در سوره قصص

شيء هالك الا وجهه يعني نيست خدايى جز او سبحانه هر چيز هالك ميشود مگر وجه
خدا مؤلف گويد كه خداوند جل وعلا منزه ومبرا است از اينكه در حقيقت وجه داشته
باشد بلكه دين او هلاك نميشود وهالك نميگردد وجه او كه ائمه هدى باشند آيات
ومظاهر حق هستند جناب صادق عليه السلام فرموده نحن وجه الله الذي لا يهلك
يعني جناب امير المؤمنين وساير امامان از اولاد طاهرين وجه الله ميباشند كه زايل
نميشوند يا از آنحضرت روايتست كه هر كس از طاعت خداوند ورسول وائمه سر
نپيچد وهر چه امر كنند قبول نمايد پس آن وجه خدا است كه هلاك نميشود حديث
ديگر وارد است كه وجه الله بالصراحه جناب امير المؤمنين واولاد آنجناب
مستطابست وعن الباقر عليه السلام في هذه الآية فيفنى كل شيء ويبقى وجه الله
والله اعظم من ان يوصف بالوجه ولكن معناه كل شيء هالك الا دينه ونحن
الوجه الذي يؤتى منه لن يزال آيه مباركه عنكبوت واقم الصلوة ان
الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله اكبر در احاديث وروايات وارد
است لكن صاحب تفسير صافي متوجه نشده كه صلوة ايشان بجناب امير المؤمنين عليهم
السلام است كه ولايت آنحضرت نهى ميكند از فحشا ومنكر از روايات ديگر كه مستفاد
شده اولى ودويمى است جناب امام محمد باقر عليه السلام فرموده نحن ذكر الله ونحن
اكبر يعني ما هستيم ذكر خدا وما هستيم بزرگتر آيه مباركه وما يجحد باياتنا
الا الكافرون يعني انكار نميكنند آيات ما را مگر كافران از علي بن ابرهيم قمي حكايت
شده كه گفته در ذيل اين آيه يعني ما يجحد بامير المؤمنين والائمة عليهم السلام الا

در سوره عنكبوت

در سوره عنكبوت

الکافرون یعنی انکار نمیکنند امیر المؤمنین و ائمه را مگر کفار آیهٔ مبارکه
بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم در کتاب کافی روایت کرده جناب
امام محمد باقر علیه السلام این آیهٔ مبارکه را تلاوت فرمودند و اشاره فرمودند
بسینهٔ مبارک خود بسوی سینهٔ مبارک خود یعنی آیات بینات در سینهای ائمه علیهم السلام
است که علم بایشان داده شده است آیهٔ مبارکه والذین جاهدوا فینا
لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین یعنی کسانیکه جهاد میکنند در راه ما هر آینه
هدایت میکنیم ایشانرا بسوی راه خود و بدرستیکه خدا هر آینه با نیکوکارانست از جناب
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که فرموده اند این آیهٔ مبارکه برای آل محمد و برای
شیعیان ایشانست یعنی کسانیکه جد و جهد کنند در راه ما ایشانرا بسوی ولایت آل محمد
که سبل ما هستند هدایت میکنیم پس آنکسان شیعیان خواهند شد و ائمه از آل محمد
سبل و راههای خدا هستند از کتاب معانی حکایت شده که از آنحضرت روایتست قال
امیر المؤمنین علیه السلام الا و انی مخصوص فی القرآن باسماء احذروا ان تغلبوا
علیها فتضلوا فی دینکم انا المحسن یقول الله عز و جل ان الله لمع المحسنین آیهٔ
مبارکه وله المثل الاعلی فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم یعنی برای خدا
مثل اعلی در آسمانها و زمینها و اوست عزیز و حکیم در عیون اخبار از آنحضرت امام رضا
علیه السلام مرویست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرمودند یا علی انت المثل الاعلی در روایت دیگر است که فرموده اند در آخر خطبهٔ نحن
کلمة التقوی و سبیل الهدی وله المثل الاعلی و در زیارت جامعهٔ کبیرهٔ جواد به فرموده اند

در سوره عنکبوت

در سوره عنکبوت

در سوره روم

الخ

السلام علی ائمة الهدی تا اینجا که میفرمایند و ورثة الانبیاء والمثل الاعلی آیهٔ
مبارکه فاقم وجهک للدین حنیفا در حنیفا اشاره است بسوی ولایت جناب امیر
المؤمنین علیه السلام بروایتی آیهٔ مبارکه انما یؤمن بآیاتنا الذین اذا ذکروا
بها خروا سجدا و سبحوا بحمد ربهم و هم لا یستکبرون تتجافی جنوبهم عن
المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ینفقون در کتاب علل از
جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت شده تا اینجا که میفرمایند نازل شده در
شان جناب علی بن ابی طالب علیه السلام و اتباع و شیعیان آنحضرت که در اول شب میخوابند
پس چون دو ثلث از شب گذشت با هر قدر که خدا خواسته باشد فزع و استغاثه و التجا
میکنند بسوی خدای خود در حالتیکه ترسان هستند از عذاب خدا و طمع دارند در
آنچیزیکه نزد خدا مهیا شده ظاهر مضمون آیهٔ مبارکه چنین نیست که تصدیق مینمایند آیات
ما آنچنان کسانیکه چون بخواطر ایشان آورده شود آیات ما می افتند بسجده و تسبیح مینمایند
با حمد پروردگار خود و ایشان تکبر نمیکنند کنار رود و دور میشود پهلوهای ایشان از
خوابگاه خود و میخوانند خدای خود را از روی خوف و طمع و انفاق میکنند از چیزهائیکه
ما بایشان روزی داده ایم آیهٔ مبارکه ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب
الاکبر لعلهم یرجعون یعنی هر آینه البته میچشانیم ایشانرا از عذاب ادنی که نزدیک
تر است بسوی عذاب اکبر که قیامتست شاید ایشان رجوع کنند در مجمع از حضرت صادق
علیه السلام روایت شده است که فرموده اند که جناب علی بن ابی طالب علیه السلام با
ولید بن عقبه مشاجره و مخاصمه نمودند و ولید فاسق ملعون گفت انا والله ابسط منک

در سوره روم

در سوره سجده

در سوره سجده

لنا

لساناً وأحدّ منك سناناً وأمثل منك جثواً في الكتيبة یعنی ان ملعون گفت من از
تو ابسط هستم از جهت زبان یعنی زبان دراز ترم از تو از جهت نیزه یعنی نیزه من از نیزه
تو تیزتر است و افضل هستم از تو از جهت ایستادگی بر نوک پا در میان لشکر بجهت
جنگ یعنی ایستادگی من در جنگ بیشتر از تو است اگر تو بتمام پا می ایستی من بنوک پا می
ایستم فقال له علی علیه السلام اسکت انما انت فاسق فانزل الله تعالی هذه الایة
یعنی پس بعد از آن جناب علی علیه السلام در جواب آن ملعون فرمودند ساکت شو
جز این نیست که تو فاسق هستی پس خدا تعالی این آیه را نازل فرمود افمن کان مؤمناً
کمن کان فاسقاً و آیات دیگر را در کتاب احتجاج جناب امام حسن مجتبی علیه السلام
از جمله چیزها اینکه در مجلس معویه فرموده این بود که به ولید ملعون فرمودند اما تو ای ولید
عقبه پس من ترا و الله ملامت نمیکنم اینکه تو دشمن میداری جناب علی علیه السلام را
و حال آنکه بتحقیق زد هشتاد تازیانه در وقتیکه تو شراب خورده بودی و پدر ترا
روز بدر کشته بدست مبارک خود در حالتیکه پدر تو محبوس بود یعنی دست بسته و
کاری نتوانست بکند با چگونه تو سب و دشنام میگوئی او را پس بتحقیق که خداوند عالم نام
فرموده مؤمن آنجناب را در ده آیه مبارکه از قرآن و ترا فاسق نام نهاده است قول خدای
عز و جل افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون صاحب تفسیر صافی فرموده که از جانب
از طریق خاصه و عامه بسر حد استفاضه رسیده است که سبب نزول این آیات که افمن
کان مؤمناً باشد تا آخر آیه مبارکه و کفی بقولهم من العذاب ولید بن عقبه علیه اللعنة است
آیه مبارکه واعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً یعنی عبادت

نمایند

نمایند خدا را و شریک قرار ندهید با او سبحانه چیزی را و بوالدین خود احسان نمائید
عیاشی از جناب صادق علیه السلام روایت کرده و همچنین امام محمد باقر علیه السلام
فرموده اند که مراد از والدین جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیهما
السلام است چنانکه در سایر اخبار نیز وارد است فرمودند انا و علی ابوا هذه الامة
یعنی من و علی هر دو پدر این امت هستیم یعنی هر دو بر این امت پدر رحیم ایم
آیه مبارکه ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه یعنی خداوند عالم در جوف یک شخص دو
قلب خلق نکرده است در کتاب مجمع وارد است که این آیه مبارکه که نازل کردید بجهت اینکه
ابو معمر حمید بن معمر بن حبیب ابن الفهری لعنهم الله مردی بود صاحب فطنت و ذکا و حفظ
و هرچه میشنید حفظ میکرد همیشه میگفت که در جوف من دو قلب است میفهمم هر
یک از این دو قلب بهتر از عقل محمد و قریش او را ذوا القلبین یعنی صاحب دو قلب نام
نهاده بودند پس چون روز بدر شد مشرکین فرار کردند و ابو معمر هم در نزد آنها بود
و فرار میکرد ابو سفیان بن حرب با او ملاقات نمود دید که یکی از کفشهای خود را بدست
گرفته و دیگری در پایش میکند گفت یا ابا معمر حال مردم چگونه است گفت فرار
کردند گفت ترا چه شده میگویی که یکی از نعلین خود در پا و یکی در دست در جواب گفت
نفهمیدم مگر آنکه دو نعلین در پای من است بعد از آن مردم فهمیدند که دارا دو قلب
نبود چرا که یکی از نعلین در دستش بود و دیگری در پایش او و نمیدانست فراموش کرده
بود جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده جمع نمیشود دوستی ما و دوستی
دشمنان ما در جوف هیچ انسانی بدرستیکه خداوند در جوف یکمرد دو قلب خلق نکرده است

با یکی دوست مدارد و با یکی دشمن بدارد تا محبت ما پس خالص میکردانند دوستی را
از برای ما چنانکه خالص میشود طلا با آتش هیچ کدر و غل و غش در آن نیست هر کس
هر کس اراده کند محبت ما را بسنجد و بداند پس امتحان نماید قلب خود را که اگر مشارکت
کرده در دوستی ما دوستی دشمنان ما را یعنی آنها را نیز دوست داشته از ما نیست و ما
از آنها نیستیم خداوند عالم و جبرئیل و میکائیل دشمن آنها است خدا تعالی دشمن
کافرین است آیهٔ مبارکهٔ النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم یعنی جناب
رسول الله صلی الله علیه و آله اولیست بمردم از نفسهای ایشان در همه امور آنها که
امر میکنند باصلاح و نجاح معموم مینمایند دنیا و آخرت آنها را چنانکه در حدیث صحیح
وارد است فرمودند در روز غدیر خم ایها الناس الست اولی بکم من انفسکم قالوا
بلی ثم اوجب لامیر المؤمنین علیه السلام ما اوجبه لنفسه علیهم من الولایة فقال
من کنت مولاه فعلی مولاه یعنی ای مردم آیا نیستم اولی بشما از خود شما عرض کردند
بلی بعد از آن واجب کردانید برای امیر المؤمنین علیه السلام آنچیزی را که واجب کرده
بود برای نفس خود از ولایت پس فرمودند بدانید من مولای هر کسم پس علی مولای او است
پس خداوند عالم جناب رسول خدا را پدر مؤمنین کردانید و لازم کرده مؤنه آنها را برادر
و تربیت یتیمان مؤمنین این حضرت بالای منبر تشریف بردند و فرمودند من ترک
مالاً فلورثته و من ترک دیناً او ضیاعاً فعلیّ و الیّ فالزم الله نبیّه للمؤمنین ما
یلزم الوالد و الزم المؤمنین من الطاعة ما یلزم الولد للوالد یعنی هر کس مالی بگذارد
بعد از خود برای وارث است و هر کس قرض بگذارد و یا عیال پریشان حال پس قرض ادا و کمر ذمه

من است و امر عیال او بکو من پس خداوند لازم کردانید بر رسول خود آنچه را که بر پدر
لازم است در حق ولد و لازم کردانید بر مؤمنین اطاعت نمودن او را از آنچه لازم است بر
اولاد پدر را همچنین لازم کردانید بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام و بر ائمه آنچه را بر
جناب رسول خدا لازم کردانیده بود جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
پدران این امت هستند بدلیل اینکه خدای تعالی فرموده آیه مبارکه و اعبدوا الله و
لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و الذین جناب رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما
السلام است در کتاب علل از جناب امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کردند چرا جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله بابو القاسم مکنی شد فرمودند که آنحضرت را فرزندی
بود قاسم نام از این سبب مکنی شد باین کنیه پس سائل عرض کرد ای فرزند رسول خدا
آیا مرا از اهل سزا رد میکنی حضرت فرمودند بلی آیا نمیدانی که رسول خدا فرمودند انا و
علی ابوا هذه الامة گفت بلی فرمودند آیا نمیدانی که رسول خدا پدر جمیع این امت و از
جمله امت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است عرض کرد بلی فرمودند آیا که نمیدانی
که علی قاسم نار و جنت است عرض کرد بلی فرمودند پس جناب رسول را صلی الله علیه و آله ابو
القاسم گفتند از جهت آنکه او پدر قاسم جنت و نار است عرض کرد معنی این چیست فرمودند
پدر نسبتیکه شفقت خصوصیت بر امت مثل پدر رضا است بر اولاد خود و افضل امت جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعد از پیغمبر شفقت جناب علی علیه السلام بر
امت مثل شفقت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود زیرا که او خلیفه و وصی
او است و امام است بعد از او پس آنجناب فرمودند انا و علی ابوا هذه الامة تا آخر حدیث

در کتاب کافی از سلیم بن قیس روایتست که من شنیدم از عبد الله بن جعفر الطیار که می
گفت من و حسن و حسین و عبد الله بن عباس و ام سلمه و اسامة بن زید در نزد معویه لعنه الله
بودیم در میان من و معویه کلامی گذشت گفتم باو که من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه
و اله که فرمود من اولی هستم بمؤمنین از نفسهای ایشان بعد از من علی بن ابی طالب که
برادر منست اولیست بمؤمنین از نفسهای ایشان پس بعد از شهادت او حسن بن علی
اولیست بمؤمنین پس بعد از آن حسین که پسر منست اولیست بمؤمنین از نفسهای ایشان
پس وقتی که شهید شود حسین پسر او علی بن الحسین اولیست فرمود یا علی زود باشد او را
ببینی و ملاقات کنی او را پس بعد از و پسر او محمد بن علیست که اولیست بمؤمنین از
نفسهای ایشان و فرمود که زود باشد که درک و ملاقات کنی او را یا حسین پس حضرت
کامل گردانیدند دوازده نفر عدد ائمه را که نه نفر از ایشان اولاد جناب علی امام حسین
علیه السلام میباشند عبد الله بن جعفر گوید طلب شهادت کردم از حسن و حسین و
عبد الله بن عباس و عمر بن ام سلمه و اسامة بن زید پس شهادت دادند برای من در
نزد معویه سلیم گفت که من شنیدم از سلمان و ابی ذر و مقداد که گفتند ما شنیدیم
این را از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله از جناب صادق علیه السلام مرویست
که فرموده ان النبی قال انا اولی بکل مؤمن من نفسه و علی اولی به من بعدی یعنی من
اولی هستم بر هر مؤمن از نفس خود و علی علیه السلام بعد از من اولی است بر این آیه
مبارکه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا یعنی
جز این نیست که خدا تعالی میخواهد ببرد از شما اهل بیت بدی و رجس را و طاهر گرداند

نماید

نماید پاک کردنی جناب امام محمد باقر علیه السلام فرمود که این آیه مبارکه نازل شد
در شان جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و جناب علی بن ابیطالب علیه السلام
و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهم السلام و نزول این آیه مبارکه
در خانه ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و اله شد پس خواند جناب رسول خدا
صلی الله علیه و اله جناب امیر المؤمنین را و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام
حسین علیهم السلام را بعد از آن پوشانید ایشان را بعبای خیبری که مال آنجناب بود بعد
از آن فرمودند اللهم هؤلاء اهل بیتی الذین وعدتنی فیهم ما وعدتنی اللهم
اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا یعنی خداوندا اینها اهل بیت منند آن اهل
بیت که تو وعده کردی در اینها چیزی را که وعده کرده بار الهایا ببر از ایشان رجس را و پاک
کن اینها را پاک کردنی ام سلمه عرض کرد یا رسول الله من هم با ایشان هستم حضرت فرمودند
بشارت باد ترا ای ام سلمه پس بدرستیکه تو بسوی خیر هستی یعنی برگشت امر تو بخیر است
و تو از خوبانی در حدیث دیگر فرمودند ای ام سلمه این آیه مبارکه نازل شد در خصوص
من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین و غیر داخل نیستند آیه مبارکه
ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله
بکل شیء علیما یعنی نیست محمد پدر احدی از شما مردان و لکن رسول خدا است و خاتم
النبیین است یعنی که نیست پدر کسی بر سبیل حقیقت که ثابت شود میان آنجناب امری
و میان دیگران آنچه که در میان پدر و فرزند ثابتست که مانع از مصاهرت باشد
یعنی نتواند زوجه کسی را که ادعای فرزندی او مینماید تزویج کند که مانع شود از تزویج

بلکه رسول الله و خاتم انبیا است از جناب رسول خدا در کتاب مناقب روایت کرده که
فرمود یا علی من خاتم انبیا هستم و تو خاتم اوصیا و جناب امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده اند که جناب محمد صلی الله علیه و آله خاتم هزار نبی است و من خاتم هزار وصی
و من مکلف شده ام بر چیزی که ایشان مکلف نشده اند آیهٔ مبارکه هو الذی یصلی
علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما یعنی خداوند
عالم و ملائکه او صلوات میفرستند بر شما تا خارج کنند شما را از ظلمات بسوی نور
ایمان حضرت صادق علیه السلام فرموده هر کس ده صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
خداوند صد صلوات بر او میفرستد و هر کس صد صلوات بفرستد خداوند عالم
ملائکه او عز و جل هزار صلوات میفرستند چنانکه خداوند عالم در آیهٔ مبارکه میفرماید
هو الذی یصلی علیکم و نیز مجمع از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود
صلت الملائکة علی و علی علی سبع سنین و ذلک انه لم یصل علینا احد غیری و غیره
یعنی صلوات فرستاد ملائکه بر من و بر علی بن ابیطالب علیه السلام هفت سال و آن
بجهت این بود که احدی غیر از من و غیر از علی نماز نمیکرد آیهٔ مبارکه ان الله و ملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما یعنی بدرستیکه
خدای تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر پیغمبر ای آنکسانیکه ایمان آورده اید صلوات
فرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی و سلموا تسلیما یعنی سلموا له بالولایة یعنی تسلیم
نمائید از برای آنجناب بنص اخبار در ولایت تسلیم نمائید از جناب صادق علیه السلام
سؤال کردند چگونه صلوات فرستیم فرمودند بگوئید صلوات الله و صلوات ملائکته

وانبیائه

و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه و علیهم و رحمة الله
و برکاته عرض کردند ثواب این نحو صلوات به پیغمبر چیست فرمودند الخروج من الذنوب
و الله کهیئة یوم ولدته امه یعنی خارج شدن است از گناهان بخدا قسم مثل روزی
که از مادر متولد شده باشد آیهٔ مبارکه یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون
یا لیتنا اطعنا الله و اطعنا الرسولا یعنی روزی هست که بگردد و منقلب شود
روی کفار در آتش از حالی بحال دیگر میگویند ای کاش اطاعت میکردیم خدا و رسول
خدا و رسول خدا را از علی بن ابراهیم قمی روایت است یعنی ولایت امیر المؤمنین را کاش
ما قبول میکردیم آیهٔ مبارکه و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا
السبیلا یعنی خداوندا بدرستیکه ما اطاعت کردیم سادات و بزرگان خود را ایشان
راه ما را گم کردند و ما را گمراه نمودند و بضلالت انداختند از قمی روایت است که این کنایه
است که غصب کردند حق آل محمد را که از طریق بهشت و سبیل حق گمراه شدند بسبیل
جناب امیر المؤمنین علیه السلام است آیهٔ مبارکه و من یطع الله و رسوله
فقد فاز فوزا عظیما یعنی هر کس اطاعت خدا و رسول خدا کند بتحقیق که رستگار میشود
رستگاری عظیم در کافی از جناب صادق علیه السلام روایت است که خداوند عالم
فرموده و من یطع الله و رسوله اطاعت خدا و رسول در قبول کردن ولایت علی
ابن ابیطالب و اولاد او مخصوص است و اینست رستگاری عظیم یعنی آیهٔ مبارکه انا عرضنا
الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان
انه کان ظلوما جهولا یعنی بدرستی که نشان دادیم امانت را بر آسمانها و زمینها و کوهها ابا

وامتناع نمودند از اینکه متحمل شوند از او ترسیدند از آن و انسان بار امانت را کشید بدرستیکه
که او ظلوم و جهول بوده است و در معانی و در عیون از جناب صادق صلوات الله علیه
روایتست که امانت ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است چنانکه در آیه
مبارکه دیگر وارد شده است ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی
بدرستیکه خدای تعالی امر فرموده است باینکه ادا نمائید امانتها را بسوی اهل آن و عیاشی
نمائید علی بن ابراهیم قمی نیز روایت کرده که امانت ولایت جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است یعنی امانت که امر و نهی باشد که خداوند عالم نمود بر آسمانها و
زمینها و بر کوهها پس ابا و امتناع نمودند از تحمل آن که قبول نمایند پس انسان که
اولی است حمل نمود و غصب کرد و ظلوم و جهول بود یعنی ظالم و جاهل بود و خون
این دو لفظ صفه مشبهه بمعنی اسم فاعل است در عوالی مذکور است که جناب مولای
متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام زمانیکه وقت نماز میرسید متزلزل میشد و
بر خود میپیچید و رنگ مبارکش تغییر میکرد پس عرض میکردند که چه میشود یا امیر
المؤمنین میفرمودند وقت نماز آمده و وقت امانتست که خداوند عالم بر کوهها
و بر آسمانها و زمینها تکلیف نمود و نشان داد ترسیدند مؤلف گوید نظر
باینمعنی امانت بنماز تفسیر شده و از جناب امیر المؤمنین علیه السلام تفسیر شده آیت
چنانکه گذشت در تفسیر ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر که صلوة عبارتست
از آنجناب پس بنا بر این بر گشتن این روایت بر روایت سابق و اینمعنی دیگر بنسبت
آیه مبارکه ویری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق یعنی با

در سوره سبا

محمد

با محمد میبینند کسانیکه داده شده اند علم را آنچنان علی که نازل شده است بسوی تو از پروردگار
تو که آن حق است از علی بن ابراهیم قمی حکایت شده که بسند معتبر روایت کرده که
آنجناب علیه السلام است چنانچه آنحضرت را نصب نمود کرده رسول خدا و آنچه که نازل کرده
است خدا بر رسول خود متمم آیه مبارکه و یهدی الی صراط العزیز الحمید یعنی راه مینماید
آنچه نازل شده بسوی راه خدا و ملک که غالبست بر همه ستوده بر نعم دنیویه و اخرویه بیان
صراط در دیباچه گذشته در آیات مبارکه هر جه لفظ صراط گذشت تاویل بجناب امیر
المؤمنین علیه السلام است که خود آنحضرت یا ولایت دوستی او آیه مبارکه و جعلنا
بینهم و بین القری التی بارکنا فیها قری ظاهرة و قدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و
ایاما آمنین یعنی گردانیدیم میان اهل سبا و اهل آن دهها که بکرم عمیم خود برکت دادیم
آن بکثرت آبها و درختها و زرعها دهها معموره آشکار متواصل بیکدیگر که از هر قریه
قریه دیگر را توان دید و تقدیر کردیم در آن دهها رفتن مردم را که کسی صبح از منزل
حرکت میکرد قیلوله را در منزل دیگر میکرد اگر عصر حرکت میکرد شب بمنزل دیگر میرسید گفتیم
که سیر کنید شبها و روزها در آن دهها در حالتیکه امان یافتگان باشید از دشمن و
درندگان بجهت کثرت خلق در آنجا از حضرت باقر علیه السلام مرویست که در حدیث حسن بصری
در معنی این آیه مبارکه فرموده اند بلکه خداوند عالم در خصوص ما در قرآن مجید مثلها
بیان فرموده فنحن القری التی بارک الله فیها یعنی ماییم آن قریهها آنچنانیکه خدا برکت داده
در آن و اینست قول خداوند عالم در آنکسیکه اقرار کنند بفضل ما از آنجائیکه امر کرده ایشان را
خداوند بسوی ما بیایند پس خداوند عالم فرموده و جعلنا بینهم و بین القری التی بارکنا

در سوره ابراهیم

فيها قرى ظاهرة يعني قرار داديم ميان ايشان يعني شيعيان و ميان امامان صلوات الله
عليهم كه تعبير از ايشان شده انها چنان بقراى مبارك كه قراى ظاهره را قراى ظاهره
رسولان هستند و النقلة عنا الى شيعتنا و فقهاء شيعتنا و نقل كنند كان از ما
بسوى شيعيان ما و فقهاى شيعيان ما و قول خداوند عالم كه فرموده و قدرنا فيها السير
پس سير مثل است براى علم كه سير كرده ميشود بان در نافلان و رسولان ليالى و اياما
كه فرموده سبحانه عز و جل مثل است براى چيزيكه سير ميكند از علم در شبها و روزها از ما
بسوى انها در حلال و حرام و فرايض و احكام در حاليكه ايمنند در انها زيرا كه اخذ كرده
اند انها را از معدن انچنان معدنيكه مامور شده اند اخذ كنند از ان معدن در حاليكه
ايمن باشند از شك و ضلال و منتقل شدن از حرام بسوى حلال يعني ايمن اند از انكه حلال
مبدل شود حرام باشد در كتاب كمال از جناب قائم عجل الله فرجه روايتست كه فرموده اند
در معنى اين ايه مباركه نحن والله القرى التي بارك الله فيها و انتم القرى الظاهرة يعني
قسم بخدا ما هستيم قريهائيكه بركت داده است خدا در انها و شما شيعيان ما قراى ظاهره
هستيد و اينه نقل شد در احتجاج ترجمه اين عبارت بود هر چند كه تكرار است ولى
خوش ايند بود كه الفاظ ان نقل شود و عبارت اينست فى الاحتجاج عن الباقر عليه السلام
بل فينا ضرب الله الامثال فى القرآن فنحن القرى التي بارك الله فيها و ذلك قول
الله عز و جل فيمن اقر بفضلنا حيث امرهم ان ياتونا فقال و جعلنا بينهم و بين
القرى التي باركنا فيها اى جعلنا بينهم و بين شيعتهم قرى ظاهرة و القرى الظاهرة
الرسل و النقلة عنا الى شيعتنا و فقهاء شيعتنا و قوله سبحانه و قدرنا فيها

السير

النقلة بضم نون بمعنى [illegible] است

السير فالسير مثل للعلم سير به فيها الليالى و اياما مثل لما يسير من العلم فى الليالى و
الايام عنا اليهم فى الحلال و الحرام و الفرائض و الاحكام امنين فيها اذا اخذوا
عن معدنها الذى امروا ان ياخذوا منه امنين من الشك و الضلال و النقلة
من الحرام الى الحلال ايه مباركه قل انما اعظكم بواحدة يعني اى پيغمبر بگو
بمردم كه موعظه ميكنم يعني نصيحت و ارشاد ميكنم شما را بيك خصلت عن الكافى و القمى
عن الصادق عليه السلام قال انما اعظكم بولاية على عليه السلام هى الواحدة التى
قال الله در كتاب كافى على بن ابرهيم قمى از جناب صادق عليه السلام روايت
كرده كه خداوند عالم فرموده انما اعظكم بولاية على و ولايت جناب على ان واحده است
كه خدا فرموده ايه مباركه اليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه
يعني بسوى خداوند بلند ميشود كلم الطيب و عمل صالح را بلند مينمايد از جناب صادق
عليه السلام روايتست كه كلم الطيب اينست كه مؤمن بگويد لا اله الا الله محمد
رسول الله على ولى الله و خليفة رسول الله فرمودند و عمل صالح اعتقاد است
بدل اينكه اين كلمات كه گفته حق است از نزد خدا و شكى نيست در ان از جناب
پروردگار عالميان از كتاب كافى حكايت شده كه از جناب صادق عليه السلام مروى
است كه در تاويل اين ايه مباركه فرموده ولايتنا اهل البيت و اومى بيده الى صدره
فمن لم يتولنا لم يرفع الله له عملا يعني ولايت ما اهل بيت است و اشاره فرموده باد
بسينه مبارك خود پس هر كس قبول ولايت ما نكند بلند نميفرمايد خداوند عالم از
براى او عمل نيكى را در احاديث ديگر هم وارد شده كه عمل صالح قبول كردن ولايت جناب

المؤمنین علیه السلام است که هیچ عملی بدون ولایت آنحضرت با ایمان نمیرود
مؤلف گوید چنانکه در زیارت جامعه وارد شده و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة
ولکم المودة الواجبة مثل آیه مبارکه والذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید
یعنی آنانکه مکر میکنند مکرهای بد را مراد مکرهای قریش است نسبت بحضرت رسالت
مر ایشانرا عذابیست سخت و در اخبار مرحوم فیض در تفسیر صافی فرموده که آیه مبارکه
شامل مکرهای اصحاب سقیفه است در رد نمودن وصیت رسول خدا صلی الله علیه و
آله را در نیابت خود و وصی جناب امیر المؤمنین علیه السلام و شامل هر مکر بدی که غیر از اینها
باشد مؤلف گوید چون بعضی تخصیص داده اند مکرها قریش نسبت بحضرت رسالت
مرحوم فیض در مقام رد این کلام فرموده لا اعموا آیه واضح است و محتاج به بیان نیست
آیه مبارکه انا ارسلناك بالحق بشیرا ونذیرا وان من امة الا خلا فیها نذیر یعنی
بدرستیکه ما فرستادیم ترا بدین حق که اسلام است در حالتیکه مژده دهند
بحق و ترسانند از عذاب و عقوبت و نبود هیچ از امم سابقه مگر اینکه گذشت در
میان ایشان ترسانند از کافی حکایت شده که از جناب باقر علیه السلام منقولست
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا نرفت مگر آنکه از برای آنجناب فرستاده
شد بجهت رسانیدن احکام بامت و ترسانیدن ایشان از عذاب خداوندی بود پس کی
گفته شود که نبود پس تحقیق که ضایع کرده خواهد بود جناب رسول خدا صلی الله علیه و
آله کسانیرا که از زمان در گمراهی پدران خود بودند تا زمان آنجناب یعنی چون بر حرص
کسی احکام خدا را بایشان نمیرساند پس ایشان ضایع و گمراه میشوند عرض شد بخدمت

فی سوره فاطر

حضرت

حضرت آیا کفایت نمیکند امت را قرآن بجهت گمراه نشدن امت حضرت فرمودند بلی اگر
بیابند از برای قرآن کسی را که تفسیر آن نماید عرض شد بخدمت آنحضرت که آیا حضرت رسول
صلی الله علیه و آله تفسیر نفرموده قرآنرا فرمود بلی از برای یکنفر تفسیر فرموده شأن و راز
برای امت واضح کرده اند و آن جناب علی بن ابیطالب علیه السلام آیه مبارکه
ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد
ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلك هو الفضل الکبیر یعنی بعد از آنکه ما کتاب
متقدمه را بر امم سابقه فرستادیم بمیراث دادیم قرآنرا با آنانکه برگزیدیم از بندگان
خود پس بعضی از بندگان برگزیده ستم کرده اند بر نفس خود و برخی از ایشان میانه روند
وجمعی دیگر از ایشان پیشی گیرنده اند به نیکوئیها بامر خدا و این توریه و اصطفاء اوست
بخشایش بزرگ و مرحوم فیض آیه را باین قسم معنی کرده پس فرموده بعد از آن بمیراث
دادیم کتاب را بآنکسانیکه برگزیدیم از عباد خود پس بعضی از ایشان ظالم بر نفس خود
شدند یعنی امام زمان خود را نشناختند و بعضی مقتصد شدند که امام خود را
شناختند و بعضی سبقت کردند بسوی خیرات باذن خدا که خود امام علیه السلام
باشد این است فضل کبیر از کتاب بصائر نقل شده که از جناب باقر علیه السلام روایت
شده که آیه مبارکه در شأن اولاد جناب علی و فاطمه علیهما السلام است در کافی
از آنجناب باز روایت شده که سابق بالخیرات امام است و مقتصد عارف بحق امام
است و ظالم بر نفس آنکسیست که امام خود را نشناسد و از کاظم علیه السلام
آنکه تلا هذه الآیة فقال نحن الذین اصطفانا الله تعالی و اورثنا هذا الکتاب فیه

فی سوره فاطر

نبیان کل شیء یعنی حضرت کاظم این آیه را خواند و فرمود پس ما آنکسانی هستیم
که بیشک نزد ایشان است ما را خداوند عالم و میراث داده بما این کتاب را که در او بیان
هر چیزی هست از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از این آیه مبارکه رضا
آنحضرت فرمودند در شان اولاد فاطمه علیها السلام است السابق بالخیرات امام
است و منهم مقتصد عارف بامام است و ظالم لنفسه آنکسیست که امام را
نشناسد در مناقب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده این آیه
مبارکه نازل شده در حق ما و در حق ذریه ما و از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرموده ایشان یعنی بندگان برگزیده آل محمدند از مجمع حکایت شده که از حضرت باقر
علیه السلام مرویست بعد از آنکه بیان ظالم لنفسه مقتصد مینمایند فرموده اند اما السابق
بالخیرات جناب علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهما السلام است و کسیکه از آل
محمد شهید شده و از سعد السعود حکایت شده که نیز از آنحضرت روایت شده که
سابق بالخیرات را بهمین نحو مینمایند که ذکر شد در مجمع از جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله مرویست که سابق بالخیرات پس داخل بهشت میشود بغیر حساب و اما مقتصد
پس حساب کرده میشود حساب یسیر یعنی آسان و اما ظالم بر نفس خود حبس میشود در مقامی بعد
از آن داخل بهشت میشود پس ایشانها کسانی هستند که میگویند الحمد لله الذی اذهب عنا
الحزن و عن سعد السعود عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث یذکر فیه ما اعد
الله لمحبی علی علیه السلام یوم القیمة قال فاذا دخلوا منازلهم وجدوا الملائکة
یهنؤنهم بکرامة ربهم حتی اذا استقروا قرارهم قیل لهم هل وجدتم ما وعد ربکم حقا

قالوا

قالوا نعم ربنا رضینا فارض عنا قال برضای عنکم و بحبکم اهل بیت نبیی حللتم داری
و صافحتکم الملائکة فهنیئا هنیئا عطاء غیر مجذوذ لیس فیه تنغیص فعندها قالوا
الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور یعنی از کتاب سعد السعود ذکر
حکایت شده که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست در حدیثیکه آنحضرت
منعم مینمایند در آن حدیث آنچه را خدا تعالی در روز قیامت برای محبین جناب امیر المؤمنین
علیه السلام مهیا فرموده آنحضرت فرموده چون محبین جناب امیر المؤمنین علیه السلام
داخل منازل خود میشوند می یابند ملائکه را که ایشان را تهنیت میگویند بسبب کرامی
داشتن خداوند ایشان را تا اینکه چون قرار گیرند در مقر خود گفته میشود مر ایشان را
که آیا حق و صدق یافتید آنچه را که پروردگار شما وعده داده بود شما را میگویند آری
ای پروردگار ما راضی و خشنود شدیم از تو پس تو راضی شو از ما خداوند عالم میفرماید
بسبب رضای من از شما و بسبب دوست داشتن شما اهل بیت حبیب و پیغمبر مرا نزول
نمودید در سرای من و مصافحه کردید با ملائکه من پس گوارا باد گوارا باد عطائیکه هرگز
قطع شدن و تمامی ندارد و نیست در آن کدورت و اوقات تلخی چنانچه نعیم دنیا آمیخته است
با غم و کدورت و نعمای آخرت چنان نیست تا اینکه معنی دیگر اینست که نیست در آن حرکت
و انتقالی پس از استماع این کلمات میگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن تا آخر آیه
آیه مبارکه ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا یعنی بدرستی که خداوند
نگاه میدارد آسمانها و زمینها را از جهت کراهت و نخواستن آنکه زائل شوند از اماکن خود
چون ممکن را در حال بقا ناچار است از نگاه دارنده در اکمال از حضرت رضا علیه السلام

تنغیص بغصة ساطلة بتنغیص
نکاهم در ...
تنغص ... علیه العیش
تنغصه و تعلیه ...
بغصاد ... بانغطر
تنغص ... و اضطراب
کا تنغض و تنغض ...
و لیکن بعید است
لفظ ... باشد

حدیث فرمود بنا یمسک السموات والارض ان تزولا یعنی بسبب مانگه داشته است خداوند
عالم آسمانها و زمینها را از اینکه برطرف شوند و از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقولست
که فرمودند لولا ما فی الارض منا لساخت باهلها یعنی هرگاه نمی بود کسی در روی زمین از ما
هر آینه فرو میبرد زمین اهلش را آیه مبارکه یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین
علی صراط مستقیم معنی یس اشاره برسول خدا صلی الله علیه و آله است را و اهل سواد
قران نظیر این اشارات گذشته است بعضی گفته اند معنی یس یا انسان است از
معانی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند و اما یس
پس اسمی از اسماء جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و معنیش یا ایها السامع الوحی است یعنی
ای شنونده وحی و از خصال حکایت شده که از حضرت باقر صادق علیه السلام حکایت
شده که فرمود بدرستی که برای جناب رسول خدا ده اسم است پنج اسم در قرآنست و
پنج در قرآن نیست آنچه در قرآنست محمد و احمد و عبد الله و یس و نون از مجالس حکایت
شده که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که در تفسیر قول خداوند
عزوجل در قران مجید سلام علی آل یس فرموده است یس محمد است و ما آل محمد هستیم
معنی آیه اینست ای محمد بحق قران محکم و استوار از نقص و عیب قسم بدرستیکه بیشک
و شبهه از جمله فرستاده شدگانی بر راه راست مؤلف گوید که در اول کتاب ذکر شده
که در هر جای قران که صراط مستقیم است ولایت جناب علی علیه السلام است آیه
مبارکه لقد حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون یعنی البته بتحقیق که راست شد
گفتار ما بعذاب بر اکثر ایشان پس ایشان ایمان نخواهند آورد بر صفت کفر مستقر

خواهند

خواهند گرفت مراد که داخل شده است در اکثر ایشان که راست شده است گفتار خدا
بعذاب ایشان کسانی اند که اقرار بولایت امیر المؤمنین نمیکنند کما روی انه قال الصادق
علیه السلام من لا یقرون بولایة علی امیر المؤمنین و الائمة من بعده یعنی آن کسانی
که اقرار نمیکنند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد امامان بعد از
آنجناب فهم لا یؤمنون فرمود یعنی ایمان نمی آورند بامامت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
و اوصیا بعد از آنحضرت پس چون اقرار نکردند مبتلا شدند بعقوبتها آنچنانکه ذکر فرموده است
خداوند عالم در آیه مبارکه بعد مؤلف گوید از این تفسیر امام علیه السلام مستفاد می
شود که در آیه سابقه که اصل اند ایشان هم از مخالف امیر المؤمنین علیه السلام
و قبول نکردن ولایت آنجناب بوده است و از ولایت هم غافل شدند چنانکه از خدا و رسول
غافل شدند چنانکه از خدا و رسول غافل میباشند آیه مبارکه انما تنذر من اتبع
الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم یعنی جز این نیست میترسانی
که نفع دهد کسی را که پیروی کند قرآن را و بترسد از خدای رحمن با آنکه از او پوشیده است
از امور آخرت پس بشارت ده او را بآمرزش گناهان و مزدی بزرگ در آن جهان از کافی
حکایت شده که در حدیث سابق وارد است که مراد از این آیه جناب علی بن ابی طالب
علیه السلام است یعنی او است که متابعت کرده است ذکر را که کلام خدا باشد و ترسیده است
از خدای رحمن بغیب پس رسول خدا مأمور است به بشارت دادن آنجناب را بمغفرت و اجر
کریم آیه مبارکه و کل شیء احصیناه فی امام مبین یعنی همه چیز را از نیک و بد
شمرده ایم و بیان کرده ایم او را در امام آشکار امام را مفسران تفسیر کرده اند امام مبین را بلوح محفوظ

و از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که فرمود انا والله الامام المبین ابین
الحق من الباطل ورثته من رسول الله یعنی منم بخدا قسم امام مبین که جدا میکنم حق را
از باطل میراث گرفتم انرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله از معانی الاخبار حکایت شده که از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که این جناب از پدر بزرگوار خود روایت
کرده صلوات الله علیهم اجمعین هنگامیکه نازل شد این آیه مبارکه وکل شیء احصیناه
فی امام مبین برد رسول خدا صلی الله علیه و آله اول و ثانی برخواستند و عرض کردند یا
رسول الله آن توریة است حضرت فرمودند لا بعد عرض کردند پس آن انجیل است
حضرت فرمودند لا عرض کردند پس آن قران است حضرت فرمودند لا پس در آن وقت
جناب امیر المؤمنین علیه السلام رو کرد بامد بسوی رسول خدا صلی الله علیه و آله
پس حضرت رسالت فرمودند که امام مبین اینست یعنی امیر المؤمنین بدرستی که او است
امامیکه احصا کرده است در او خدا علم هر شیء را عن الاحتجاج عن النبی صلی الله علیه
و آله فی حدیث قال معاشر الناس ما من علم الا علمنیه ربی و انا علمته علیا و
قد احصاه الله فی و کل علم علمت فقد احصیته فی امام المتقین و ما من علم الا
علمته علیا از کتاب احتجاج نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی
است در جمله از حدیث طولانی فرمود ای گروه مردم نیست هیچ علمی مگر آنکه تعلیم فرمود
انرا خداوند بمن و من تعلیم کردم انرا بعلی علیه السلام و بتحقیق که احصا کرده خدا
علم را در من و علوم را که دانستم تعلیم کرده شدم پس بتحقیق که احصا کردم او را در امام
متقیان و نیست هیچ علمی مگر آنکه تعلیم کردم انرا بعلی علیه السلام مؤلف گوید بنا بر

این

براین آیه وافیه الهدایه دلیلی است واضح بر انکه امام علیه السلام عالم است بجمیع اشیا بما
کان و ما یکون الی یوم القیمة و هیچ چیز برو مخفی و پوشیده نیست بتعلیم خدا جل و
علا آیه مبارکه وجاء من اقصا المدینة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین
یعنی آمد بشتاب از دورترین جاهای آن شهر یعنی از دروازه که نهایت آن شهر بود
مردی یعنی حبیب نجار که بسرعتی آمد تا رسید بنزد آن جماعت از روی مرحمت گفت ای
گروه من تبعیت کنید این فرستادگان را یعنی پیغمبران را از علی بن ابرهیم قمی روایتست که
آیه مبارکه نازل شده است در شان حبیب نجار تا آخر آیه مبارکه وجعلنی من المکرمین
بعضی گفته اند بدرستیکه از جمله کسانی بود که ایمان آورده بود بجناب محمد صلی
الله علیه و آله و حال آنکه میان او و میان محمد حضرت رسالت مآب ششصد سال
فاصله بود یعنی پیش از پیغمبر بود بششصد سال و بعضی گفته اند در غاری عبادت
میکرد خدا را پس وقتیکه خبر پیغمبرانیکه با انطاکیه فرستاده بودند که در آیات
سابقه حکایت شده رسید ظاهر کرد دین خود را بعد از آن میگفت ای قوم تابع شوید
رسولانی را که خدا فرستاده از مجالس حکایت شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه
و آله منقولست که فرموده صدیقون سه کس هستند حبیب نجار که مؤمن آل
یس است که میگفت یا قوم اتبعوا المرسلین و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی
طالب علیه السلام و این جناب افضل از ایشان است از جوامع نقل شده که از حضرت
رسالت مآب صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود پیشی گیرندگان امتها سه کس اند
که کافر نشدند بخدا یکچشم بهم زدن علی بن ابی طالب و صاحب یس و مؤمن آل فرعون

ایشانند صدیقون و علی بن ابی طالب افضل ایشانست از خصال نقل شده که از
آنجناب نیز روایتست که فرموده سه نفر هستند که کافر نشدند بوحی خدا بقدر
یک چشم بهم زدن مؤمن آل یس و علی بن ابیطالب و آسیه زن فرعون مؤلف معذرت
ذکر این احادیث در اینمقام میطلبد که چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر
بطریقه مرضیه خود که امور را بتدریج بیان میفرمودند آسانرا مقدم بر دشوار و
پست را بلند میداشتند در اظهار فضایل امیرالمؤمنین نیز بجهت عداوت و تعصب
صحابه با آنجناب بهمین رویه سلوک میفرمودند مراتبی که نسبت بدیگران در غایت
بلندی و نسبت با آنجناب پست بود بحسب اقتضای مقام مقدم داشته بیان میفرمودند
از ان قبیل است احادیث مذکوره که آنحضرت را در عداد دو صدیق قرار داده
حال آنکه چه نسبت است فضایل ایشانرا کاین حضرت را تا تفضیل تا اینکه حمل
مراد ازین تالیف فضل و عظمت آنجنابست نه اینکه آنحضرت در عداد خوبان
محسوب میشد متعرض ذکر این احادیث شده بعلت این بود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده افضلهم علی ایشان لفظ افعل التفضیل داعی و باعث شد که این
احادیث در اینجا مکتوب شود والا جز حضرت رسالت مآب هیچ مخلوقی برابری با
آنجناب بلکه با مخلصان او نمیکند آیه مبارکه وقفوهم انهم مسئولون خداوند عالم
میفرماید در موقف حساب نگهدارید ایشانرا بدرستیکه ایشانها باید سؤال کرده شوند علی
ابن ابرهیم قمی روایت کرده که از ولایت جناب امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرده می
شوند آیه مبارکه و ان من شیعته لابرهیم بدرستیکه از پیروان نوح علی نبینا

وعلیه

و علیه السلام هر آینه ابرهیم خلیل است در اصول شرع و طریق حق و ابتدا بدین و جفا
کشیدن تابع او بود در حدیث وارد است که حاصل آن اینست که چون خداوند جلیل ملکوت
آسمان و زمین را بابرهیم خلیل نمود و او بجانب عرش نگریست نوری عظیم دید گفت
خداوندا این چه نور است گفت نور حبیب و صفی من محمد صلی الله علیه و آله گفت در
جنب او نور دیگر میبینم گفت برادر و وصی او علی بن ابی طالبست گفت خداوندا نور دیگر
میبینم گفت برادر و وصی او علی بن ابی طالبست گفت خداوندا نور دیگر میبینم نزدیک آن هر دو
نور خطاب آمد که آن نور فاطمه زهرا است دختر سید انبیا و زوجه خیر الاوصیا و
بجهت این او را فاطمه نام نهادم که او دوستان خود را از دوزخ منع کند و باز دارد
همچنانکه مادر فرزند را از شیر باز گیرد گفت خداوندا دو نور دیگر میبینم
نزدیک ایشان فرمود که آن دو نور دو فرزند او بند حسن و حسین گفت پادشاها نه نور
دیگر میبینم که گرد ایشان درآمده است از چه کسانست گفت آن نه نور امامانست از
فرزندان حسین گفت خداوندا نورهای بسیار میبینم که گرد ایشان درآمده فرمود که آن
نورهای شیعیان و محبان علی اند و فرزندان او عرض کرد پادشاها علامت شیعیان آل محمد را
توان شناخت گفت به پنجاه و یک رکعت نماز گذاردن و انگشتری در دست راست داشتن
و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و پیش از رکوع قنوت خواندن و سجده شکر کردن
ابرهیم عرض کرد خداوندا مرا از شیعه علی و فرزندان او گردان خداوند عالم دعای او را
اجابت کرد و او را داخل شیعیان علی بن ابی طالب کرد آیند و رسول خود را ازین خبر داد و
فرمود که ان من شیعته لابرهیم آیه مبارکه سلام علی آل یاسین یعنی سلام بر محمد

و مکرمت بر الیاسین است گفته اند الیاسین نیز اسم الیاس است و اینجا از اخبار
متکثره ظاهر میشود که قرائت اهل بیت علیهم السلام است سلام علی آل یاسین
اشاره در سوره یس گذشت حدیث دیگر هم در این باب وارد است که آل یس آل محمد
صلی الله علیه و آله است از کتاب احتجاج حکایت شده که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
مرویست که فرموده بدرستیکه خداوند عالم جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را
باسم یس نامیده اینجا که میفرماید یس والقرآن الحکیم تا آخر آیه مبارکه یعنی اینکه
میدانست بدرستیکه منافقین از امت اسقاط میکنند سلام علی آل محمد را چنانکه
اسقاط کردند غیر این را از آیات دیگر و این حدیث نیز دلالت میکند قرائت اینجا
نیز سلام علی آل یاسین بوده نه الیاسین و نیز دلالت میکند بر اینکه مراد از آل یاسین
آل محمد صلی الله علیه و آله است چرا که اسم مبارک آنحضرت یس است چنانکه فرموده آیه
مبارکه و انا لنحن الصافون و انا لنحن المسبحون از جناب امام بحق ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام روایت است که فرموده ما اهل بیت بودیم نورهای صف کشیده
بر گرد عرش تسبیح میکردیم خدا را پس تسبیح میکردند اهل آسمان بان تسبیحیکه ما می
کردیم یعنی متابعت ما و مثل ما تسبیح میکردند بسبب تسبیح ما تا اینکه نازل شدیم بسوی
زمین پس تسبیح کردیم پس تسبیح کردند اهل زمین بتسبیح ما و انا لنحن الصافون و انا لنحن
المسبحون بدرستیکه ما هر آینه هستیم صف زنندگان با قدام در موقف طاعت و ما
هستیم تسبیح کنندگان مر خدا را و تنزیه نمایندگان از جمیع نالایق و ناسزا و در آیه
مبارکه ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل

تفسیر صافی فی الصافات

تفسیر صافی

المتقین

المتقین کالفجار آیا میگردانیم آنکسانیرا که ایمان آوردند و عمل صالح کرده اند مثل آنکسانی
که افساد کنندگانند در زمین از جناب صادق علیه السلام سؤال کردند از این آیه مبارکه
فرمودند آمنوا و عملوا الصالحات جناب امیر المؤمنین و اصحاب آنجنابست مفسدین فی
الارض حبتر و زریق و اصحاب این دو نامرد است متقین آیه مبارکه ام نجعل المتقین
کالفجار آیا میگردانیم پرهیزکاران را مثل گناهکاران نه همیشه مقابل یکدیگرند پس
متقین جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و فجار همان حبتر و زریق و زلام و اصحاب ایشان
مؤلف گوید که این سه لفظ که حبتر و زریق و زلام باشد چنانکه مرحوم فیض فرموده
کنایه از آن سه ملعون است لعنهم الله علیهم آیه مبارکه کتاب انزلناه الیک
مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب یعنی کتابیکه نازل کردیم از آن بسوی
تو برکت داده شده است تا تأمل و اندیشه نمایند در آیات آن کتاب یعنی تأمل در حقیقت
معانی آن بر وفق مراد حضرت باری تنزیل نمایند و تا اینکه پند پذیرند بمواعظ آن صاحبان
عقلهای پاکیزه از جناب صادق علیه السلام روایتست که مراد از ضمیر جمع در قول حقتعالی
که فرموده لیدبروا آیاته اشاره بر جناب امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام است و اولوا
الالباب که حقتعالی فرموده نیز اشاره بر ایشان سلام الله علیهم است احتمال اینکه
ایشان مراد از آیات باشند مناسب با فقره بعد که پس ایشان اولوا الالباب ندارد
بلکه این قرینه واضح است بر اراده احتمال اول پس ایشان اولوا الالباب نیز هستند و
محتمل است با قطع نظر از این حدیث که مراد از لفظ کتاب مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است چنانکه در اول کتاب گذشت آیه مبارکه قل هو نبؤ عظیم انتم عنه معرضون

تفسیر صافی

تفسیر صافی

یعنی یا محمد بگو اینچه مذکور شد از بیان عقوبتی وز قیامت و احوال اخرت خبر بزرگی
است و امری عظیم که شما اعراض کنندگانید از ان و تاویل ایت کرده جناب امیر المومنین علیه
السلام مراد است النبأ عظیم از حضرت باقر علیه السلام در کتاب بصائر روایت شده
که فرمود والله نبأ عظیم جناب امیر المومنین علیه السلام است از جناب صادق
علیه السلام مرویست که نبأ عظیم امامتست متمم ایه مبارکه ما کان لی من
علم بالملاء الاعلی اذ یختصمون معنی ایه مبارکه یعنی نبود مرا قبل از این زمان هیچ دانشی بگروه
گروه برتر یعنی ملائکه و ادم و ابلیس که ساکنان اسمان بودند وقتیکه گفت و شنید مخاصمه
میکردند ان یوحی الی الا انما انا نذیر مبین یعنی وحی کرده نمیشود بسوی من مگر جهت
اینکه جز این نیست که من ترساننده‌ام اشکارا از حضرت باقر علیه السلام مرویست
در حدیث طولانی که در کیفیت معراج حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از جمله
چیزیکه میفرمایند انست بعد از اینکه حضرت بمقام قرب الهی رسید و مورد توجه خطاب
محبوب گردید از مصدر جلال کوثر دلفزین وصال شد که یا محمد قلت لبیک یا رب قال
فیم اختصم الملاء الاعلی قال قلت سبحانک لا علم لی الا ما علمتنی قال فوضع یده
ای ید القدرة بین کتفی فوجدت بردها بین ثدیی قال فلم یسئلنی عما مضی و لا عما
بقی الا علمته فقال یا محمد فیم اختصم الملاء الاعلی قال قلت فی الکفارات و
الدرجات والحسنات و در حدیث اخر در المجمع عن النبی صلی الله علیه و آله قال
قال لی ربی أتدری فیم یختصم الملاء الاعلی فقلت لا قال اختصموا فی الکفارات
والدرجات فاما الکفارات فاسباغ الوضوء فی السبرات و نقل الاقدام الی

[illegible]

الجماعات

الجماعات وانتظار الصلوة بعد الصلوة واما الدرجات فافشاء السلام
واطعام الطعام والصلوة باللیل والناس نیام یعنی حق تعالی فرمود ای
محمد عرض کردم لبیک ای پروردگار من یعنی بر پا هستم به بندگی تو فرمود در چه
مجادله و گفت و شنید کردند گروه برتر حضرت رسالت عرض کرد تسبیح میکنم و دور
میدارم ترا از انکه غیر تو عالم باشد بامور غیبی هیچ دانشی نیست مرا مگر انچیزیکه تو تعلیم
داده مرا حضرت فرمودند پس از انکه بدرگاه احدیت این عرض کردم پس حقتعالی دست
قدرت را میانه دو شانه من نهاد پس یافتم خنکی انرا میان دو پستان خود حضرت
فرمودند پس نپرسید از من از چیزهای گذشته و نه از چیزهای اینده مگر انکه
دانستم او را پس فرمود یا محمد در چه مجادله کردند گروه برتر عرض کردم در کفارات
و درجات و حسنات و در حدیث دیگر در بیان کفارات و درجات از مجمع حکایت
شده که از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود که پروردگار من فرمود یا
محمد ایا که خبر مجادله میکردند گروه برتر عرض کردم نه فرمود مجادله کردند در کفارات و
درجات پس اما کفارات پس تمام ساختن وضو در صبحهای سرد است و برداشتن گامها
است بسوی جماعتها یعنی بسوی نماز جماعت و انتظار کشیدن وقت نماز دیگر بعد از نماز
نماز و اما درجات پس انها منتشر کردن سلام است یعنی بسیار سلام کردن و خورانیدن
طعام است بمستحقان و نماز کردن در شب در حالیکه مردم خوابیده اند پس گردیم
به تتمه حدیث سابق و اول قبوی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که خدا تعالی
بعد از ذکر کفارات و درجات که و الحسنات فرمود این کلماتست فقال لی یا محمد قد انقطع

اکملك وانقضت نبوتك فمن وصيك فقلت يا رب قد بلوت خلقك فلم ار
احدا من خلقك اطوع لي من علي عليه السلام فقال تعالى ولي يا محمد فقلت
اني قد بلوت خلقك فلم ار من خلقك احدا اشد حبا لي من علي بن ابي طالب
عليه السلام قال ولي يا محمد فبشره بانه راية الهدى وامام اوليائي و
نور لمن اطاعني والكلمة التي الزمتها المتقين من احبه فقد احبني ومن
ابغضه فقد ابغضني مع ما اني اخصه بما لم اخص به احدا فقلت يا رب
اخي وصاحبي ووزيري ووارثي فقال انه امر قد سبق انه مبتلى ومبتلى به مع
اني قد نحلته ونحلته ونحلته ونحلته اربعة اشياء عقدها بيده
ولا تفصح بها عقدها يعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود
در شب معراج خداوند عالم خطاب فرمود یا محمد بتحقیق منقطع شد اکل تو و
منقضی شود نبوت تو یعنی مرگ تو نزدیک شد پس کیست وصی تو پس عرض کردم یا
رب بتحقیق امتحان کردم خلق را پس ندیدم احدی را از مخلوق تو مطیع تر باشد
برای من از علی علیه السلام پس خداوند فرمود ولی یعنی برای من هم دوست تر از دی مطیع
تر از دی یعنی یا محمد پس گفتم خداوندا بتحقیق که من امتحان کردم خلق را پس
ندیدم احدی را که دوستی او زیادتر باشد از دوست داشتن علی بن ابی طالب مرا
خداوند عالم فرمود ولی یعنی برای من هم دوست تر از وصی تست یا محمد پس مژده ده
او را باینکه بدرستیکه او است علم هدایت و نشانه راه نمودن من خلق را و امام
اولیای من و نور روشنی است برای کسی که اطاعت کند مرا و کلمه ایست که لازم کردم متقین

او را بر متقین هر کس او را دوست دارد پس بتحقیق مرا دوست داشته است و هر کس
او را دشمن بدارد پس بتحقیق مرا دشمن داشته است با اینکه من بدرستی مخصوص میگردانم
او را بچیزیکه مخصوص نگردانیدم بان احدی را پس من گفتم یا رب برادر و صاحب و وزیر
و وارث من است پس خدا فرمود بدرستیکه ان امریست که بتحقیق در علم من گذشته است
بدرستیکه او امتحان کرده شد و مردم امتحان کرده میشوند با او با اینکه بدرستی من
بتحقیق عطا کردم او را و عطا کردم او را و عطا کردم او را و عطا کردم او را چهار چیز که
عقد ان چهار چیز در دست او است ظاهر نمیشود با دست او و عقد ان چهار چیز
گویند اگرچه این عبارت درست معلوم نمیشود بنظر فهم خود و لکن احتمال میدهد با اینکه
خداوند عالم فرمود که عقد ان چهار چیز در دست جناب امیر المؤمنین علیه السلام است
و ظاهر نمیشود با دست او یعنی از جمله اسرار است که انحضرت ظاهر نمیکند ان چهار چیز را
والله العالم هر کس مطالعه نماید با انصاف فهم خود استخراج معنی نماید ایه مبارکه
ولا یرضی لعباده الکفر وان تشکروا یرضه لکم یعنی نمیپسندد مر بندگان خود را
کفر و کفران و اگر شما ان نمایند و اگر سپاس داری کنید مر نعمت ایمان و غیران به پسندد
از برای شما از کتاب محاسن حکایت شده که در حدیث که فرموده اند کفر در این ایه مخالفت
کردن با ائمه علیهم السلام است و شکر ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و معرفت ایشان است
ایه مبارکه قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون انما یتذکر اولوا الالباب
یعنی ایا برابر باشند کسانیکه عالم اند و میدانند با کسانیکه عالم نیستند جز این که پند
میشوند صاحبان عقول از کافی حکایت شده که از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که

ثبت که ما هستیم الذین یعلمون و دشمنان مایند والذین لا یعلمون و شیعیان
ما اولوا الالباب هستند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده خداوند
عالم ما و شیعیان ما و دشمنان ما را ذکر فرموده در این آیه افمن شرح الله صدره
للاسلام فهو علی نور من ربه یعنی آیا پس کسیکه گشاده است سینهٔ او را و فراخ کرده
است دل او را برای قبول اسلام پس آنکس که سینهٔ او وسیع است بر روشنی معرفت
است از پروردگار خود عن روضة الواعظین عن النبی صلی الله علیه و آله انه قرء
هذه الایة فقال ان النور اذا وقع فی القلب انفسح له و انشرح قالوا یا رسول الله فهل
لذلک علامة یعرف بها قال التجافی عن دار الغرور والانابة الی دار الخلود
والاستعداد للموت قبل نزوله یعنی از روضة الواعظین نقل شده که از جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که آنحضرت قراءت نموده این آیهٔ مبارکه
را پس فرمود بدرستیکه نور زمانیکه بتابد در قلب وسعت میابد و گشوده میشود
برای او عرض کردند یا رسول الله پس آیا برای آن علامتی هست که شناخته شود
بان فرمود کناره گرفتن از دار غرور و بازگشت نمودن بسوی سرای خلود و برگشتن از
معاصی بسوی طاعات و حسناتیکه موجب دخول در بهشت میشود و مهیا شدن از
برای موت قبل از نازل شدن آن قمی گفته که این آیهٔ مبارکه در شان جناب علی بن ابی
طالب علیه السلام نازل شده یعنی شرح کرد خداوند عالم سینهٔ مبارک آنجناب را برای
اسلام پس او است بر روشنی معرفت از پروردگار خود صاحب این صفات و علامات
که جناب ختمی مآب صلی الله علیه و آله فرمودند و جماعت عامه ذکر کرده اند که آیهٔ مبارکه

در شان جناب علی و حمزه علیه السلام نازل شد آیهٔ مبارکه ضرب الله مثلا رجلا
فیه شرکاء متشاکسون و رجلا سلما لرجل هل یستویان مثلا الحمد لله بل
اکثرهم لا یعلمون از علی بن ابرهیم قمی حکایت شده که گفته این مثلی است که خداوند
عالمیان فرموده برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام و برای شریکهای آنجناب که
ظلم کرده اند بانحضرت و غصب نموده حق او را تا آنجائیکه گفته و رجلا سلما لرجل
امیر المؤمنین علیه السلام خالص است برای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و
اله ظاهر مضمون آیهٔ مبارکه اینست که بیان کرده خداوند عالم مثلی را برای مشرکان و
موحدان اما از برای مشرکان مثل زده مردی را که در او شریکان باشند یعنی بنده را که
مولای متعدد داشته باشد که مخالفت کننده باشند با هم بجهت بدخوئی و با هم
نسازند در شرکت آن بنده پس هر شریکی او را کاری فرماید و آن کار را تمام ناکرده
شریکی دیگر کاری با او رجوع کند و او هیچکدام را باتمام نتواند رساند و شریکان ازو
بجهت این راضی نباشند و اما از برای موحدان میفرماید مردی را که واو رسته باشد
از شریکان و خالص باشد برای مردی یعنی بنده که مخصوص کی مولی باشد و او را در
انجاح مقاصد و مرام خشنود تواند ساخت آیا مساوی باشند این دو بنده از روی
شباهت و صفت یعنی البته مانند یکدیگر نباشند همه ثنا و ستایش مر خدای راست
که شریک ندارد چه او منعم بالذات و مالک علی الاطلاق است بلکه اکثر ایشان نمیدانند
حقیقت این معنی را و بجهت فرط عناد غیری را با او شریک میسازند از معانی نقل شده
که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود و انی مخصوص فی القرآن

بأسماء أحدثوا أن تغلبوا عليها فتضلوا في دينكم أنا السلم لرسول الله يقول الله
عز و جل رجلا سلما لرجل يعني بدرستی من مخصوصم در قرآن باسمهای چند كه حذر
نماييد از اينكه غالب شويد آن اسما يعني آن نامها را نام خود بنام كسان ديگر قرار بدهيد
پس گمراه ميشويد در دين خود محتملست كه تغلبوا بصيغه مجهول باشد يعني بترسيد
از اينكه مغلوب شويد بر آنها يعني فريب كسانی را بخوريد كه آنها را نامهای پيشوايان
گمراه خود قرار ميدهند والله العالم پس آنحضرت فرمودند منم كه بخلوص تمام بخدمت
كاری حضرت رسالت اقدام مينمايم كه خداوند عالم ميفرمايد رجلا سلما لرجل
يعني مردی كه خالص باشد برای مردی رجل اول عبارتست از جناب امير المؤمنين عليه
السلام است و رجل ثانی آنحضرت رسول صلی الله عليه و آله در مجمع نيز از آنحضرت
روايت شده كه فرمودند انا ذلك الرجل السلم لرسول الله يعني منم آن مردم كه بخلوص
تمام در خدمات حضرت رسول صلی الله عليه و آله اهتمام مينمايم از كافی نقل شده
كه از حضرت باقر عليه السلام روايت است كه فرمود اما الذي فيه شركاء متشاكسون فلان
فلان الاول يجمع المتفرقون في ولايته و هم في ذلك يلعن بعضهم بعضا و يبرء
بعضهم من بعض و اما رجل سلم لرجل فانه فلان الاول حقا و شيعته اما آن
كسانيكه در او شركاء و متنازع هستند فلان اول است يعني ظالم اول جمع شدند كسانی
كه پراكنده بودند در ولايت او يعني هر كسی بخيالی و هوای نفسی متابعت او نمودند و
ايشان در ولايت او خلافها و لعن ميكنند بعضی برخی ديگر را و بيزاری ميجويند برخی از
بعضی ديگر و اما آن مرديكه خالص است از برای مردی ديگر پس بدرستی كه او فلان اول

است يعني امام اول بر حق كه جناب امير المؤمنين عليه السلام و شيعيان آن جناب
است منتهم آيه مباركه انك ميت و انهم ميتون ثم انكم يوم القيمة عند ربكم
عتاب
تختصمون يعني ای پيغمبر بدرستيكه متصفی بصفة مرگ و بدرستيكه كفار كه
نيز ميرايد يعني بازگشت تو و ايشان بمرگ پس از موت بدرستيكه شما ای مؤمنان
و كافران در روز قيامت نزد آفريدگار خود خصومت خواهيد كرد در امور دين از
قمی حكايت شده كه گفته يعني جناب امير المؤمنين عليه السلام خصومت مينمايد
با كسانيكه حق آنحضرت را غصب كرده‌اند در روز قيامت در نزد خدا آيه مباركه
قل يا عبادي الذين اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب
جميعا انه هو الغفور الرحيم يعني بگو ای محمد كه خدا ميفرمايد ای بندگان من آنانكه
اسراف كردند بارتكاب ذنوب كبيره بر نفسهای خود يعني افراط نموده‌اند و از حد در گذشته
اند معاصی را نوميد نشويد از رحمت خدا بدرستيكه خدا تعالی ميآمرزد همه گناهها
از صغيره و كبيره و اگرچه از حد حصر متجاوز باشد بدرستيكه خدا تعالی است
آمرزنده گناهان و مهربان بر بندگان از قمی روايت شده كه آيه مباركه مخصوص
بشيعيان جناب علی بن ابيطالب عليه السلام نازل است يعنی كه هر كس از شيعيان و محبان
آنحضرت افراط در جنايت و اسراف در معصيت بكند خداوند عالم می‌آمرزد جميع گناهان را
عن الكافي عن الصادق عليه السلام لقد ذكركم الله في كتابه اذ يقول يا عبادي
الذين الآية قال والله ما اراد بهذا غيركم از كتاب كافی حكايت شده كه از حضرت
صادق عليه السلام و ليست كه بشيعيان خود فرمودند هر آينه بتحقيق ذكر كرده است خدا

شما باد از کتاب خود اینجا که میفرماید یا عبادی الذین اسرفوا انا اخوانه والله اراد
نفرمود از این خطاب مستطاب خدا تعالی غیر از شما را یعنی هر چند خطاب بصورت
شامل همه بندگان میشود ولی مراد بخصوص شما هستید آیه مبارکه ان تقول نفس از سوره زمر
یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله یعنی بجهت کراهت نخواستن آنکه گوید نفسی در
دیدن عذاب ای ندامت و پشیمانی من بر آنچه تقصیر کردم در جانب خدا یعنی در حق
او و یاد امر او و یاد در طلب قرب جوار او از کافی نقل شده که از حضرت کاظم علیه
السلام مروی است که در این آیه فرموده اند جنب الله جناب امیر المؤمنین علیه السلام
است و همچنین آنکسانیکه بعد از انجناب از اوصیا او بوده اند از کمال از عیاشی نقل
شده که از جناب باقر روایت کرده که آنحضرت فرموده است نحن جنب الله یعنی ماییم
آن طریقیکه منتهی میشود بجانب خدا که مقام رضا است آیه مبارکه وسیق الذین
اتقوا ربهم الی الجنة زمرا حتی اذا جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها از سوره زمر
سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین یعنی برانند بلطف و ملایمت کسانی را که
پرهیز کردند از عذاب پروردگار خود بسلامتی و ایمنی بسوی بهشت فوج فوج بر تفاوت
مراتب ایشان در شرافت و علو طبقه تا چون بیایند بسوی بهشت و کشوده شده باشد
درهای آن پیش از رسیدن ایشان بان تا انتظار کشودن آن نکشند و میگویند مر ایشان را
خازنان بهشت سلام باد بر شما پاک بوده اید در دنیا از معاصی و یا آنکه پاکیزه شده اید بمغفرت
قبل از دخول بهشت پس در آیید در بهشت جاوید ماندگان از کتاب خصال نقل شده که
از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که روایت میفرمایند از پدر بزرگوار

خود که آنجناب از جد خود روایت میفرماید که آنحضرت از جناب امیر المؤمنین علیه السلام
روایت فرموده که بهشت را هشت در است از یک در آن داخل میشوند پیغمبران و صدیقان
و از یک در داخل میشوند شهدا و صالحین و از پنج در دیگر داخل میشوند شیعیان و
محبان ما پس در حالتیکه ایستاده ام بر صراط همیشه دعا میکنم و میگویم رب سلم شیعتی
ومحبی وانصاری واولیائی ومن تولانی فی دار الدنیا خداوندا سالم گردان شیعیان
و محبان و یاوران و دوستان مرا و آنکسانی که مرا ولی خود گرفته اند در دار دنیا
پس ناگاه ندائی از میان نهای عرش برسد که قد اجبت دعوتک وشفعت فی شیعتک یعنی
بتحقیق مستجاب گردانیدم دعای ترا و شفاعت ترا قبول کردم در خصوص شیعیان
تو و شفاعت میکنند هر کس از شیعه من و هر کس که تولای من نموده و یاری من کرده و جنگ
کرده کسانی را که با من جنگ کرده بفعل یعنی شمشیر کشیده با دشمن من جنگ کند یا بقول
یعنی در اثبات حقیقت من مجادله و گفتگو کرده باشد هفتاد نفر از همسایهها و اقربای از سوره مؤمن
خود و از یک در دیگر بهشت داخل میشوند سایر مسلمین که شهادت میدهند بر وحدانیت
خدا تعالی و نباشد در دلهای ایشان بقدر سنگینی مثقال ذره از بغض و عداوت ما اهل
اهل بیت آیه مبارکه ان الذین کفروا ینادون لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم
اذ تدعون الی الایمان فتکفرون عن القمی ان الذین کفروا یعنی بنی امیه الی الایمان
یعنی الی ولایة علی علیه السلام از قمی نقل شده که مراد از قول خدا تعالی ان الذین
کفروا بنی امیه است و مراد از ایمان در قول حق تعالی اذ تدعون الی الایمان ولایت علی
علیه السلام است ترجمه ظاهر آیه اینست بدرستیکه آنانکه کافر شدند ندا کرده میشوند بغض خدا

وتصدیق ننمودند بنبوت خاتم الانبیاء ندا کرده شوند یعنی که بدوزخ در آیند با نفسهای
اماره خود دشمنی آغاز کرده زبان بعتاب و ملامت بگشایند که چرا در زمان اختیار ایمان
نیاوردیم وملائکه ایشانرا ندا کنند که هر آینه دشمنی خدا مر شما را بزرگتر است از دشمنی
شما مر نفسهای خود را در آن زمان و خدا شما را دشمن گرفت وقتیکه خوانده میشدید بسوی
گرویدن بخدا و رسول پس شما منکر میشدید بآن آیهٔ مبارکه شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ
نُوحاً وَالَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَمَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَمُوسَی وَعِیسَی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشَاءُ
وَیَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ یعنی بیان کرد و روشن ساخت حق تعالی از برای شما از دینی
که بآن متمسک شوید و راه یابید بر آنچه وصیت کرده بود بآن نوح پیغمبر را و آنچیزیکه
وحی کرده بود بسوی تو و آنچه امر کرده بود بآن ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم پیغمبران را
از اصول دین و مضمون آن وصیت اینستکه اقامه کنید و بپا دارید دین را که ایمان
است بآنچه تصدیق بآن واجب است از اصول دینیه و متفرق و پراکنده مشوید یعنی اختلاف
مکنید در اصول دین و بزرگ و گران است بر مشرکان آنچه میخوانی ایشانرا بسوی آن از توحید و اخلاص
و نفی شریک از خدا تعالی نزدیک گرداند بسوی آنچه تو میخوانی ایشانرا از دین اسلام هر کرا
میخواهد یعنی پسندیده میکند و برمیگزیند از آنکسانیکه مطیع اند و راه مینمایند بتوفیق
و ارشاد بدین حق هر کرا که بازگردد بحق و رجوع کند بسوی وی از قمی روایت شده که گفته
که ایشان ائمه هستند که خداوند عالم اختیار کرده و برگزیده ایشانرا از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که فرمود أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ اینکه بپای دارید دین را مقصود و مراد

در لفظ

لفظ دین امام علیه السلام است در آیهٔ مبارکه وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کنایه از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است یعنی متفرق و مختلف نشوید در آنحضرت که اختلاف نکنید در ولایت
آنجناب مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ مِنْ وِلَایَةِ عَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلَامُ یعنی آنچه که میخوانی ایشانرا از
ولایت جناب علی علیه السلام وَمَنْ یَشَاءُ نیز کنایه از علی علیه السلام است از کافی
نقل شده که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که فرمود نَحْنُ الَّذِینَ شَرَعَ اللَّهُ
لَنَا دِینَهُ فَقَالَ فِی کِتَابِهِ شَرَعَ لَکُمْ یَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحاً یعنی ما ائیم
آنکسانیکه بیان و روشن کرده است خداوند کریم برای ما دین خود را پس فرموده در
کتاب مجید خود که بیان و روشن کرده است خدا برای شما ای آل محمد از دین آنچیزی را
که وصیت کرده بآن نوح را تا آخر حدیث آیهٔ مبارکه وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ از قمی نقل شده که گفته است یعنی متفرق نشدند بسبب نادانی
ولکن ایشان متفرق شدند بسبب چیزیکه آمد بسوی ایشان و شناختند و از پی حسد
بردند بعضی بر بعضی و ظلم کردند بعضی بر بعضی زمانیکه دیدند تفضیل را در حضرت
رسالت جناب امیر المؤمنین علیه السلام را بر ایشان بامر خدای عز و جل پس متفرق
شدند در مذاهب و اخذ کردند رأیهای و هواهای خود را از کتاب کافی نقل شده که از
جناب امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردند از معنی آیهٔ مبارکه اللَّهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ
یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ فرمود ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که هر کرا
خواست ولایت آنحضرت را روزی او گرداند یعنی ظاهر آیه اینست که خدا مهربانست به
بندگان خود روزی میدهد هر کرا میخواهد بر حسب مصلحت پس مخصوص مینماید هر یک

از بندگان را بنوعی از بعثت و صنفی از مکرمت که مقتضی حکمت او باشد آیهٔ مبارکه مَن کانَ یُرِیدُ حَرثَ الآخِرَةِ نَزِد لَهُ فی حَرثِهِ وَمَن کانَ یُرِیدُ حَرثَ الدُّنیا نُؤتِهِ مِنها وَما لَهُ فِی الآخِرَةِ مِن نَصِیبٍ یعنی هر که باشد اراده کند در دنیا کشت زار را یعنی عملی که موجب ثواب آخرت او باشد بیفزاییم مر او را در کشت زار او یعنی بدهیم عوض او را از ده تا هفتصد و زیاده بر آن و هر که باشد که بخواهد کشت دنیا را یعنی مقصود اصلی او از آن حصول منفعت دنیویه باشد بدهیم او را نصیبی از دنیا و نیست او را در سرای آخرت هیچ بهره در تتمهٔ حدیث سابق وارد است که حرث آخرت معرفت و ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و ائمه از اولاد آنحضرت تا آخر حدیث یعنی هر کس عارف بآن باشد خداوند عالم می افزاید بر ثواب او آیه مبارکه قُل لا اَسئَلُکُم عَلَیهِ اَجراً اِلّا المَوَدَّةَ فِی القُربی یعنی بگو نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدی مگر طلب میکنم از شما دوستی ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی همین توقع دارم که خویشان نزدیک مرا دوست دارید و تعظیم ایشان را از جملهٔ واجبات شمرید از مجمع از ابن عباس روایتست که گفت چون این آیه مبارکه نازل شد بخدمت جناب رسول صلی الله علیه و آله عرض کردند که فدایت شوم کیستند آنها که خدا امر فرموده ما را بدوستی ایشان فرمود جناب علی و فاطمه و اولاد این دو بزرگوار صلوات الله علیهم هستند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که در آل حم عسق یعنی در وسط سوره آیتی نازل شد در شان ما که هر که حفظ مودت ما نکند از اهل ایمان نباشد و در بعضی نسخ چنین است حفظ نمیکند مودت ما را مگر هر مؤمن بعد از آن این آیه مبارکه را خواندند و از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله

روایت

روایتست که فرمود اِنَّ اللهَ خَلَقَ الاَنبِیاءَ مِن اَشجارٍ شَتّی وَخُلِقتُ اَنا وَعَلِیٌّ مِن شَجَرَةٍ واحِدَةٍ وَاَنا اَصلُها وَعَلِیٌّ فَرعُها وَفاطِمَةُ لِقاحُها وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ ثِمارُها وَاَشیاعُنا اَوراقُها فَمَن تَعَلَّقَ بِغُصنٍ مِن اَغصانِها نَجا وَمَن زاغَ هَوی وَلَو اَنَّ عَبداً عَبَدَ اللهَ بَینَ الصَّفا وَالمَروَةِ اَلفَ عامٍ ثُمَّ اَلفَ عامٍ ثُمَّ اَلفَ عامٍ حَتّی یَصیرَ کَالشَّنِّ البالی ثُمَّ لَم یُدرِک مَحَبَّتَنا اَکَبَّهُ اللهُ عَلی مَنخِرَیهِ ثُمَّ تَلا هذِهِ الآیَةَ قُل لا اَسئَلُکُم عَلَیهِ اَجراً اِلَّا المَوَدَّةَ فِی القُربی یعنی بدرستیکه حقتعالی خلق کرد انبیا را از اشجار مختلفه و خلق شدیم من و علی از شجرهٔ واحده و منم اصل آن شجره و علی فرع آن و فاطمه شکوفه اوست و حسن و حسین میوه های آن و شیعیان ما برگهای آنند پس هر کس متمسک شود بشاخی از شاخهای آن نجات می یابد و هر کس رو گرداند و منحرف شود از آن بهلاکت ابدی رسد و هر گاه بنده ای عبادت کند خدای تعالی را در میان صفا و مروه هزار سال بعد از آن هزار سال دیگر بعد از آن هزار سال دیگر تا اینکه از کثرت عبادت مانند مشک کهنه کوچکی که پوسیده گردد پس از ذکر این اوصاف با همه آن بنده محبت ما را نیافته باشد حقتعالی او را نگونسار برو و بینی او بیندازد در آتش پس حضرت رسالتپناه این آیه مبارکه را تلاوت کردند قُل لا اَسئَلُکُم عَلَیهِ اَجراً اِلَّا المَوَدَّةَ فِی القُربی در حدیث دیگر از قرب الاسناد نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام روایتست چون نازل شد آیهٔ مبارکه قُل لا اَسئَلُکُم عَلَیهِ اَجراً تا آخر آیه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادند پس فرمودند ایها الناس بدرستیکه خدای تعالی بتحقیق فرض و واجب کرده است برای من بر شما فرضی را آیا پس شما ادا کنندگان هستید

هستند کسی از انها جواب انحضرت را نداد پس حضرت از گفتن باز ماندند یعنی سکوت کرد
پس چون فردا شد ابستادند پس فرمودند مثل انچه دیروز فرمودند پس باز کسی جواب نداد پس در روز
سیم ایستادند و فرمودند مثل انچه در دو روز گذشته فرموده بودند پس باز کسی سخن
نیامد پس فرمودند ایها الناس این واجب از طلا و نقره و خوردنی و اشامیدنی نیست که نمیکنید
پس بر همان بما و بیان کن او را داد راین هنگام در این حال فرمودند بدرستیکه خدای تعالی
نازل فرموده این ایه مبارکه را قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی پس عرض
کردند اما این را یعنی مودت را یکی قبول کردیم جناب امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده پس بخدا قسم وفا نکرد بان مگر هفت نفر سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و جابر
ابن عبد الله الانصاری و غلام حضرت که ثبیته نام داشت و زید بن ارقم سلام الله علیهم
ایه مبارکه ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور یعنی
هر کس که کسب کند نیکی را یعنی چیزیکه مورد ثواب باشد می افزائیم مر او را در ان
حسنه نیکوئی یعنی مضاعف سازیم ثواب ان حسنه را بدرستیکه خدا امرزنده است
مر سیئات بندگان را و جزا دهنده است طاعت مطیعان را بتوفیه ثواب و تفضیل دادن
بر ایشان زیاده بر قدر استحقاق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمودند
اند بدرستیکه این ایه مبارکه نازل شده در حق ما که اهل بیتیم و اصحاب کسا هستیم
یعنی ایه تطهیر در حق ما نازل شده و در شان ما اهل بیت نازل شده از جناب امام
حسن مجتبی علیه السلام منقولست که در اثنای خطبه فرمود که منم از ان اهل بیتی
هستم که حق سبحانه و تعالی واجب کرده است مودت ایشان را بر هر که مسلمانست پس در

[illegible]

کتاب مجید عز من قائل فرموده قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی
ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور فرمودند پس اقتراف
بر حسنه دوستی ما اهل بیت است از حضرت باقر علیه السلام منقولست که
فرموده اقتراف تسلیم است برای ما راست گفتن بر ما است و اینکه دروغ نگویند
بر ما یعنی دروغ از زبان ما نسازد از جناب سید الشهداء علیه السلام مرویست
که فرمودند جمع شدند مهاجران و انصار و بخدمت جناب رسول خدا صلی الله
علیه و اله امدند پس عرض کردند یا رسول الله خرج شما سنگین است بجهت کذران
خود و کذران کسیکه وارد میشوند بر شما از دور و نزدیک و بایدکه ایشان را
مهمان کنی و اینست اموال ما با خونهای ما پس حکم کن انچه خواهی و در این حال نیکو
کار و مزد داده شده خواهی بود زیرا که پیشکش ما را قبول کرده بجشش انچه را میخواهی
بحشش و نکه دار انچه را میخواهی نکه داری هیچ باکی و حرجی بر تو نیست حضرت فرمودند
پس خداوند عالم حضرت روح الامین را بر پیغمبر فرو فرستاد پس بگوای محمد لا اسئلکم
علیه اجرا الا المودة فی القربی یعنی ان تودوا قرابتی یعنی که از شما نمیخواهم مزدی را
مگر دوستی ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی اینکه دوست دارند خویشان نزدیک را
بعد از من تا اخر حدیث ایه مبارکه ما کنت تدری ما الکتاب ولا الایمان ولکن جعلناه
نورا نهدی به من نشاء من عبادنا یعنی یا محمد نبودی که بدانی قبل از وحی که چیست
است قران یعنی قبل از انزال قران علم بان نداشتی و نمیدانستی دعوت کردن با ایمان
با شرایع و احکام ان عالم نبودی و اگر چه قبل از بعث بوسیله دلایل عقلیه باصول

[illegible]

[illegible]

ایمان عالم بودی ولکن کردانیدیم ما کتاب را با ایمان روشنائی که راه نمائیم بآن هر کس را
که بخواهیم از بندگان از قمی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده در این فقره از آیهٔ مبارکه ولکن جعلناه نوراً فرمود یعنی علی علیه السلام را
نور کردانیدیم و جناب علی آن نور است که راه نمائی کرده خلایق عالم را بآن نور هر کرا
هدایت کرده است از خلق خود آیهٔ مبارکه انک لتهدی الی صراط مستقیم حضرت
فرمودند در تأویل این آیه یعنی تو امر میکنی بولایت علی و تدعوا الیها و علی هو الصراط
المستقیم ظاهر آیهٔ مبارکه بدرستیکه تو هر آینه بوسیلهٔ وحی ما میخوانی مردمانرا
بسوی راه راست حضرت باقر میفرمایند یعنی امر میکنی مردمانرا بولایت علی علیه السلام
میخوانی ایشانرا بسوی جناب علی علیه السلام است صراط مستقیم آیهٔ مبارکه
صراط الله الذی له ما فی السموات وما فی الارض من شیء وائمته علیه یعنی
راه راست خدائیکه مر او راست آنچه در آسمانها و زمینها است از روی خلقت و
ملکیه حضرت فرمودند قصد کرده خدا تعالی با این آیه علی علیه السلام را یعنی صراط خدا
آنچنان صراطی که مر او راست آنچه در آسمانها و زمینها است یعنی آنچه در آسمانها و
زمینها است مر علی راست که مقصود از صراط است بعلت آنکه بدرستی خدا آنجناب را
خازن کردانید بر آنچه در آسمانها و زمینها است از موجودات و امین خود قرار داد آنجناب را
بر آنها آیهٔ مبارکه وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی بدرستیکه قرآن در اصل سورهٔ زخرف
همه کتابها که نزدیک ما است یعنی لوح محفوظ که منتسخ جمیع کتب منزله است و محفوظ
از تغییر و تبدیل هر آینه علی برتر و بزرگوار است و غالب بر مقصدها از روی اعجاز و فرط فصاحت محکم

کرده

کرده شده است از تطرق نقصان و عروض نسخ بر آن ام الکتاب لوح محفوظ است که آن
اصل کتب سماویه است از معانی حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت است
که مراد از آیهٔ مبارکه وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم جناب امیر المؤمنین علیه
السلام است و مراد از ام الکتاب سورهٔ فاتحه است و معنی اینکه آنحضرت در سورهٔ فاتحه
است که در آن نوشته شده است در آنجائیکه میفرماید اهدنا الصراط المستقیم
مراد از صراط مستقیم جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و معرفت او و از جمله آیات
آیهٔ مبارکه وجعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون و ظاهر این دلالت دارد
اینکه کردانید ابراهیم توحید را یعنی کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله را یا کلمهٔ انی بریء مما
تعبدون الا الذی فطرنی خداوند کلمهٔ توحید را کلمهٔ پاینده در عقب خود یعنی در
میان فرزندان و نسلهایش همهٔ اولاد او به یکتا خود در توحید و اخلاص و تبری از شرک
سید الساجدین
رجوع کنند لکن از اکمال حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت است که
فرمودند در شأن ما نازل شد این آیهٔ مبارکه وجعلها کلمة باقیة فی عقبه و امامت
در عقب جناب امام حسین علیه السلام است یعنی در فرزندان آنجناب است تا روز
قیامت از معانی و مناقب و مجمع حکایت شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
مثل این روایت شده از کتاب مناقب نقل شده که مروی است از جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله سؤال نمودند از این آیهٔ مبارکه فرمودند امامت در عقب حسین است خارج میشود از
صلب او نه نفر از ائمه منهم مهدی هذه الامة یعنی از ایشان است مهدی این امت که حضرت
صاحب الامر عجل الله فرجه باشد در تتمهٔ آیهٔ مبارکه که لعلهم یرجعون است فرموده

سوره زخرف

از قراریکه نقل شده یعنی الائمة یرجعون الی الدنیا یعنی خداوند قصد کرده است ائمه
را که ایشان رجوع میکنند بسوی دنیا آیه مبارکه فاستمسک بالذی اوحی الیک
انک علی صراط مستقیم پس چنگ در زن بانچه وحی کرده شده است بسوی تو از آیات
احکام اوامر و نواهی و ملازم آن باش بدرستیکه تو بر راستی که اصلا کجی ندارد
قمی از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که انجناب فرموده اند انک علی
ولایة علی و علی هو الصراط المستقیم یعنی یا محمد تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط
مستقیم است وانه لذکر لک ولقومک وسوف تسئلون یعنی بدرستیکه آن در
یعنی قران هر آینه شرف و عزتیست مر ترا و مر گروه ترا و زود باشد که پرسیده شوید
ای بندگان از قیام نمودن بحق آن و تعظیم کردن احکام آن عن الکافی والقمی عن الباقر
علیه السلام نحن قومه و نحن المسئولون از کافی و قمی از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که فرموده ما ییم قوم جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما ییم مسئولون یعنی پرسیده شدها
از قیام نمودن بحق ما و تعظیم کردن ما و ولایت ما و در حدیث دیگر وارد شده
که جناب صادق علیه السلام فرموده ایانا عنی و نحن اهل الذکر و نحن المسئولون یعنی
ما را خدای عز و جل قصد کرده از این آیه مبارکه که ما اهل بیت اهل ذکر هستیم و ما ییم
پرسیده شدها آیه مبارکه ولما ضرب ابن مریم مثلا اذا قومک منه یصدون وقالوا
ءالهتنا خیر ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون ان هو الا عبد انعمنا
علیه وجعلناه مثلا لبنی اسرائیل ولو نشاء لجعلنا منکم ملائکة فی الارض یخلفون
و چون زده شد به پسر مریم مثلی یعنی ابن زبعری چون عیسی را مثل زد و مجادله کرد با تو

بپرستی

به پرستش ترسایان او را آنگاه قوم تو یعنی کفار قریش از آن مثل آواز بلند بر داشتند
و آغاز فرح و خوشحالی کردند و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا عیسی هر گاه او حصب جهنم
باشد گو ایشان نیز باشند نزدند این مثل را برای تو مگر برای خصومت کردن و
استهزا نمودن بلکه ایشان در جمیع احوال گروهی اند شدائد الخصومة و حریص بر جدال
نیست عیسی مگر بنده که انعام نهادیم بر او بمنصب رسالت و با فرزند ناوی پدر گردانیدیم
او را آیاتی عجیب که مثل جاری است مر فرزندان یعقوب را یعنی ولادت او بدون پدر
قصه ایست که در غرابت مثلی است جاری شده در میان بنی اسرائیل پس بجهت تنبیه
بر کمال قدرت خود میفرماید که اگر خواهیم یعنی اگر حکمت و مصلحت ما تقاضا کند هر
آینه گردانیدیم بدل از شما فرشتگان یعنی شما را هلاک سازیم و بدل شما فرشتگان
بیافرینیم تا ایشان در زمین از پی شما در آیند یعنی خلیفه شما باشند عن الکافی
عن ابی بصیر قال بینا رسول الله ذات یوم جالس اذ اقبل امیر المؤمنین علیه السلام
فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله ان فیک شبها من عیسی بن مریم لولا
ان تقول فیک طوائف من امتی ما قالت النصاری فی عیسی بن مریم لقلت فیک
قولا لا تمر بملاء من الناس الا اخذوا التراب من تحت قدمیک یلتمسون بذلک
البرکة قال فغضب الاعرابیان والمغیرة بن شعبة وعدة من قریش معهم فقالوا
ما رضی ان یضرب لابن عمه مثلا الا عیسی بن مریم فانزل الله علی نبیه ولما ضرب
ابن مریم مثلا الی قوله لجعلنا منکم الحدیث از کافی حکایت شده که از ابی بصیر
روایتست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی در اثنائیکه نشسته بودند

جناب امیر المؤمنین علیه السلام ذکر شریف او رد ند پس جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمودند بدرستیکه در تو شباهتی از عیسی بن مریم است هرگاه
نمیترسیدم اینکه بگویند در حق تو گروهها یکه از امت من اند بچیزی را که گفتند نصاری
در حق عیسی بن مریم هر اینه میگفتم در حق تو قولی را که گذر نکنی بگروهی از مردم مگر
آنکه بردارند خاک را از زیر پاهای تو بجهت اینکه مطلبند برکت را از آن خاک
یعنی بجهت تبرک پس غضبناک شدند آن دو اعرابی یعنی آن دو نادان و مغیرة بن شعبه و
چند نفر از قریش لعنهم الله که با آنها بودند پس گفتند راضی نشد رسول خدا صلی الله علیه
بیان نماید مثلی را برای پسر عم خود مگر اینکه مثل زد برای پسر عم خود عیسی بن مریم را
یعنی او را شبیه نکرد مگر بعیسی بن مریم و این در نظر انها عجیب بود زیرا که عیسی بن مریم
را بسیار بلند مرتبه میدانستند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را صاحب همچو
مقام نمیدانستند پس این بود نازل کرد خداوند این آیه مبارکه را ولما ضرب بن مریم
از قمی نقل شده که از جناب سلمان رضی الله عنه روایت کرده که فرمود در اثنائی
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب خود نشسته بودند که
ناگاه فرمودند بدرستیکه داخل میشود بر شما در این ساعت شبیه عیسی بن مریم پس
بیرون رفت بعضی از کسانیکه نشسته بود با رسول خدا صلی الله علیه و آله تا اینکه
او باشد آنکسیکه داخل میشود و صحبت حضرت رسالت که شباهت بعیسی علیه السلام
بوده باشد در حق او صادق آید پس داخل شد جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس آمد بر
بعضی یاران خود را گفت که آیا راضی نشد محمد صلی الله علیه و آله باینکه تفضیل دهد علی

را بر ما یعنی باینقدر از تفضیل اکتفا نکرده تا اینکه ترجیح از بمرحله نموده او را شبیه نمود
بعیسی بن مریم بخدا قسم هر اینه خداهای ما که بودیم پرستش میکردیم انها را در ایام
جاهلیت افضل است از وی پس خداوند عالم نازل فرمود در آن مجلس این آیه مبارکه را
ولما ضرب بن مریم مثلا اذا قومک منه یصدون و قالوا ءآلهتنا
خیر ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون ان هو الا عبد انعمنا علیه
وجعلناه مثلا لبنی اسرائیل فمحی اسمه عن هذا الموضع یعنی چون زده شد
به پسر مریم مثلی یعنی فرمودی که جناب امیر المؤمنین شبیه بعیسی است ناگاه قوم تو
از این گفته تو فریاد میکنند آیه چنین نازل شده پس تحریف کردند او را و گفتند آیا
خداهای ما بهتر است یا آن عیسی که مماثل علی علیه السلام است بلکه خدایان ما
از عیسی بنابراین بهتر خواهند بود مثل نزدند این مثل را بر تو مگر برای خصومت
و استهزاء و جدل بلکه آنها گروهی هستند خصومت کنندگان و نیست علی مگر بنده
که نعمت دادیم بر او و گردانیدیم او را مثل بنی اسرائیل جناب سلمان میفرمایند پس محو
کردند منافقان اسم حضرت امیر المؤمنین را از این موضع یعنی اسقاط کردند از مناقب
نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود داخل میشود
از این در مردی که شبیه ترین خلق است بعیسی بن مریم پس داخل شد علی علیه السلام پس
منافقین خندیدند از این قول بعد از آن این آیه مبارکه نازل شد ولما ضرب بن مریم مثلا
از مجمع حکایت شده از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتی است که روزی آمدم بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس یافتم او را در میان گروهی که از قریش بودند پس

نظر فرمودند پس بعد از آن فرمودند یا علی چه بینی که مثل تو در این امت مثل
عیسی بن مریم است دوست داشتند قومی او را و افراط کردند در دوست داشتن او
پس هلاک شدند و دشمن داشتند قومی او را و افراط کردند در بغض و پس هلاک شدند
و اقتصد فیه قوم فنجوا و قومی میان رو گردیدند در حق عیسی پس نجات یافتند پس این را
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند گران آمد بر آنها که در خدمت آنحضرت
بودند و خندیدند و گفتند تشبیه میکند او را به انبیا و رسل پس بعد از آن این آیه
مبارکه نازل گردید و لما ضرب ابن مریم مثلا الی آخره و عن التهذیب فی دعاء یوم الغدیر
المروی عن الصادق علیه السلام فقد اجبنا داعیک النذیر المنذر محمدا
صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک الی علی بن ابی طالب علیه السلام الذی
انعمت علیه و جعلته مثلا لبنی اسرائیل انه امیر المؤمنین و مولیهم و ولیهم
الی یوم القیمة یوم الدین فانک قلت ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه
مثلا لبنی اسرائیل یعنی از تهذیب نقل شده در دعای غدیر که از حضرت صادق
علیه السلام روایت شده است و از جمله فقرات اینست پس تحقیق اجابت کردیم
خواننده از جانب ترا که نذیر و منذر است یعنی ترساننده از عذاب محمد صلی الله علیه
و آله که بنده و رسول تست بسوی علی بن ابی طالب علیه السلام که انعام کرده برو و او را
مثل کرده برای بنی اسرائیل که او امیر المؤمنین و مولی و ولی ایشانست تا روز قیامت
که روز جزا است پس بدرستی که فرموده ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه مثلا
لبنی اسرائیل الی آخره ذکر معنی آیه مبارکه گذشت آیه مبارکه دیگر و انه لعلم للساعة

فلا

فلا تمترن بها و اتبعون هذا صراط مستقیم یعنی بدرستی که عیسی علی نبینا و علیه
هر آینه آنچیزیست که بآن دانسته شود نزدیک شدن قیام قیامت چه نزول او از
آسمان یکی از شرائط قرب قیامتست پس شک مکنید و جدال منمائید بآمدن قیامت و
پیروی کنید مرا اینکه شما را بآن دعوت میکنم و این راه راستست از علی بن ابرهیم قمی
نقل شده که گفته است پس خدا تعالی ذکر کرده است شرف و بزرگی امیر المؤمنین
علیه السلام را و گفته است انه لعلم للساعة هذا صراط مستقیم یعنی امیر المؤمنین
علیه السلام دانسته میشود بآنجناب نزدیک شدن قیامت مؤلف گوید ممکنست
که اشاره باین باشد که در ظهور صاحب الامر حضرت رجوع خواهند کرد و رجوع
آنجناب از علامات نزدیکی قیامتست آیه مبارکه قال انکم ماکثون لقد
جئناکم بالحق و لکن اکثرکم للحق کارهون یعنی مالک دوزخ در جواب ایشان
بعد از هزار سال گوید بدرستی که شما درنگ کنندگانید یعنی جاوید مانندگان
در دوزخ نخواهید برآمد و نه تخفیف عذاب از شما خواهد گشت حق تعالی بعد از
جواب مالک بایشان گوید بتحقیق آوردیم بسوی شما یعنی فرستادیم سخن راست و درست
را بر زبان پیغمبران خود و لکن اکثر شما سخن حق را ناخواهان و از آن کراهت داشتند
بجهت آنکه با باطل در راحت بودید از قمی روایت شده که گفته لقد جئناکم
تا آخر کلام خدا است نه کلام مالک دوزخ و مقصود از لفظ بالحق یعنی بولایت
امیر المؤمنین علیه السلام و لکن اکثرکم للحق کارهون یعنی کراهت داشتید ولایت
امیر المؤمنین علیه السلام را و مراد از حق در این دو مکان ولایت جناب امیر المؤمنین

همه جا آنحضرت از حق جدا نیست و نیز حق از آنحضرت منفک نیست الحق مع علی و علی
مع الحق آیه مبارکه حم والکتاب المبین انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا
منذرین فیها یفرق کل امر حکیم یعنی سوگند بحکمت و حکم و حمایت و ملک و مجد
و منت و باین کتاب و شرح و هویدا بدرستیکه ما فرستادیم او را در شب با برکت و
عظمت بدرستی که ما هستیم بیم کنندگان بندگان بانزال قرآن در شبی که از جمله
برکات آن اینست که در آن بیان کرده و فیصل داده شود هر کاری که حکم داده شده است
در همه سال از قیمت ارزاق و غیر آن از جناب موسی کاظم علیه السلام روایت است
که نصرانی از آنحضرت سؤال کرد از تفسیر این آیه مبارکه در باطن پس آنحضرت فرمودند
اما حم پس محمد صلی الله علیه و آله است که آن در کتاب هود است نازل شده که
بر او و آن منقوص الحروف است یعنی حروف آن ناتمام است زیرا که یک میم و دال
از لفظ محمد کم است و اما الکتاب المبین پس آن جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام
است و اما لیلة پس فاطمه علیها السلام است و اما قوله فیها یفرق کل امر حکیم
یقول یخرج منها خیر کثیر فرجل حکیم و رجل حکیم و رجل حکیم فقال الرجل
صف لی الاول والآخر من هؤلاء الرجال فقال ان الصفات تشتبه ولکن
الثالث من القوم اصف لک ما یخرج من نسله وانه عندکم لفی الکتب التی
نزلت علیکم ان لم تغیروا و تحرفوا و تکفروا و قدیما ما فعلتم الحدیث معنی آیه
مبارکه فیها یفرق کل امر حکیم یعنی جدا میشود هر امر حکیم در آن لیله مبارکه خلاصه
میفرماید که از حضرت فاطمه علیها السلام بیرون می آید خیر کثیر پس حضرت فرمودند

ان

ان خیر کثیر مرد حکیمی و مرد حکیمی و مرد حکیمی است پس گفت آن نصرانی بیان کن از
برای من رجل اول و رجل آخر از این مردان و این حضرت فرمودند بدرستیکه صفات
شباهت بیکدیگر دارند یعنی نظیر هم میباشند و متشابه هستند سیمی از این قوم را
بیان میکنم برای تو آنکسی را که از نسل او بیرون می آید و بدرستی که او در نزد شما است
هر آینه در کتابهای شما که نازل شده بر شما اگر تغییر نداده و تحریف نکرده باشید انکار
ننمائید و از فعلهای این کار را کرده اید تا آخر حدیث آیه مبارکه یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا
ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم روزیکه دفع نکند هیچ دوستی
و خویشی از دوست و خویش خود را از عذاب و نه آن دوستان و خویشان یاری کرده
شوند از جانب دوستان خود در دفع عذاب مگر کسیکه خدا رحم کرده باشد او را و بعفو کردن
از او و اذن شفاعت دادن در حق او بدرستی که خدا تعالی غالب است بر تعذیب شخصی که
در حق او عصیان نموده باشد پس اراده تعذیب علی هیچکس را یارای آن نباشد که
او را از عذاب الهی برهاند بدرستی که او است مهربان بر هر که اطاعت او کرده باشد
از کتاب کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایت شده که خواندند
بر آنحضرت این آیه کریمه پس فرمودند نحن والله الذی رحم الله نحن والله الذی استثنی
الله لکنا نغنی عنهم یعنی ما ایم قسم بخدا آنکسانیکه رحم میکند خدا او را ما ایم قسم بخدا
آنکسانیکه خدا تعالی استثنا کرده که فرموده الا من رحم یعنی خدا ما را رحم کرده پس ما بتوانیم
دفع عذاب از دوستان خود نمائیم بشفاعت کردن هرچند دوستی هیچکس از فرزند
فایده بحال کسی ندارد ولکن ما دفع میکنیم عذاب را از دوستان خود و دوستی ما نفع می بخشد

نظیر

می باشد

برای ایشان ایضاً از آنحضرت روایتست که استثنا نکرده است خداوند تعالی احدی
را از اوصیا انبیا و نه از اتباع ایشان مگر امیر المؤمنین علیه السلام و شیعه آنجناب
پس فرموده در کتاب خود سبحانه و گفته او حق و صدق است یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئًا
وَلَا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ یعنی بذلک علیاً و شیعته که جناب علی بن ابی طالب
و شیعه آنحضرت را قصد کرده بکلمه الا من رحم آیه مبارکه ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْكَرِيمُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ
مُتَقَابِلِينَ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ مضمون آیه اولی آنست که خدا تعالی برو
سبیل تمسخر و استهزا میفرماید مر ان عاصی را که نزد قوم خود عزیز و مکرم بود که بچش
مدرستیکه تو بودی ارجمند نزد قوم خود و بزرگوار بزعم و گمان خود مرویست که ابوجهل
بحضرت رسالت گفت که میان این دو کوه که محیط اند کسی از من ارجمند تر و بزرگوار تر نیست
پس تو و خدای تو توانائی ندارید که ضرری بمن رسانید چون روز قیامت رسد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله بر سبیل استهزا باو گویند ای عزیز و کریم بچش این عذاب
جهنم را بجهنم و عقاب الیم را تتمه آیه مبارکه إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ الی آخره یعنی بدرستی
که پرهیزکاران در جایگاه ایمن باشند در بوستانها و نهرها از اشجار و چشمها جاری می
پوشند جامها را از سندس و استبرق سندس از حریر نازکتر است و استبرق از آن قدری
غلیظتر است مُتَقَابِلِينَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ یعنی در حالتیکه در برابر یکدیگر نشسته
باشند تا بدیدار یکدیگر انس گیرند و قرین میسازیم ایشانرا بحور عین یعنی بزنان سفید روی
و لطیف اندام و گشاده چشم که حدقه آن در نهایت سیاهی باشد و سفیدی آن بغایت سفیدی

از کا

از کافی حکایت شده که از جناب امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود زمانیکه
خداوند عالم داخل میکند اهل بهشت را به بهشت و اهل جهنم را بجهنم و میفرستد خداوند
عالم علی بن ابی طالب علیه السلام را پس آنحضرت هر کس را بجای خود از بهشت منزل میدهد
یعنی تعیین مکان هر کسی بجای خود از بهشت منزل میدهد یعنی تعیین مکان هر کسی در
بهشت با آنجنابست پس آنحضرت تزویج میکند ایشانرا پس علی علیه السلام بخدا قسم
آنکسیست که تزویج میکند اهل بهشت را در بهشت و راجع نیست این امر بسوی احدی غیر از
آنجناب کرامتی و فضیلتی است از خدا تعالی که تفضیل داده علی بن ابی طالب را و منت گذاشته
بان بر آنحضرت از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرموده هر مؤمن تزویج میکند
در بهشت هشتصد باکره را و هزار ثیبه و زوجه از حور عین سوره مبارکه الَّذِينَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ یعنی کسانیکه کافر شدند و اعراض کردند از
راه خدا اعمال ایشانرا خدا تعالی باطل کرد پس از علی بن ابرهیم قمی ره روایتست که نازل
شد آیه مبارکه در اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب کسانیکه مرتد شدند بعد
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و غصب نمودند حق اهل بیت آنحضرت را و اعراض نمودند
از جناب امیر المؤمنین علیه السلام و از ولایت ائمه صلوات الله علیهم خداوند باطل
کرد انها اعمالیکه پیش گذشته بود از ایشان با رسول خدا از جهاد و یاری کردن آنحضرت
یعنی اعمالیکه از ایشان سر زده بود در زمان حضرت رسالت پناه پس همه آنها بعلت
شنیع نابود و نیست شد آیه مبارکه وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ یعنی کسانیکه ایمان آوردند

سوره زخرف

در سوره محمد

وعمل صالح نمودند وایمان آوردند بانچیزیکه نازل شده است بر محمد صلی الله علیه واله
وانست حق وثابت از پروردگار ایشان بپوشاند خدا ودر گذرد از انها آنچه که متصف
باین صفات اند گردارهای بد ایشانرا وبصلاح آورد حال ایشانرا قمی روایت کرده که نازل
شده در شان ابوذر وسلمان وعمار ومقداد که عهد را نقض نکردند ومعنی قول خدای
تعالی وآمنوا بما نزل علی محمد یعنی ثابت وباقی ماندند بر ولایت جناب امیر المومنین
علیه السلام آیه مبارکه یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت
اقدامکم ای آنانکه ایمان آورده اید اگر یاری نمائید خدای را یعنی دین او ورسول خدا
ووصی رسول را یاری میکند خدای تعالی شما را تا بر ایشان غالب شوید واستوار سازد
قدمهای شما را در قیام بحقوق اسلام ومجاهده با کفار تتمه آیه مبارکه والذین
کفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم
آنکسانیکه نگرویدند پس لغزیده شدند وبسر در آمدند در معرکه جهاد لغزیدنی شدید و
بسر در آمدنی که مر ایشانرا حاصل بود وگمراه نمود وناچیز ساخت اعمال ایشانرا یعنی اصلا اجر
وثوابی بران مترتب نگردانید وان گمراه وناچیز ساختن عملهای کفار بسبب این است که ایشان
کراهت داشتند آنچیزیکه نازل کرده بود خدا بر پیغمبر خود از قران وامر بتوحید وبا احکام
شریعت که از جمله آنها ولایت علی علیه السلام است پس باطل وضایع کردانید خداوند
عملهای ایشانرا ومجرد قرار داد القمی قال نزل جبرئیل علیه السلام علی محمد صلی الله
علیه واله بهذه الآیة هکذا ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله فی علی علیه السلام الا
انه کشط الاسم فاحبط اعمالهم یعنی علی بن ابرهیم قمی در تفسیر آیه مبارکه فرموده که

[در سوره قتال] [تعس — یعنی هلاکت و انحطاط] [احبط] [کشط] [illegible]

فرمود

فرمود آورد جبرئیل علیه السلام بر پیغمبر صلی الله علیه واله این آیه را چنین یعنی باین
طور کرهوا ما انزل الله فی علی علی بن ابرهیم فرموده هیچ تغییری در آیه مبارکه نداده اند
مگر اینکه اسم علی برداشته شد چونکه برداشتند اسم علی را پس خدا ونابود وضایع و
باطل نمود عملهای ایشانرا وعن المجمع عنه قال کرهوا ما انزل الله فی حق علی علیه السلام
از مجمع نقل شده که در حدیث است که کراهت داشتند آنچیزی را که خدا تعالی نازل کرده
در حق علی علیه السلام آیه مبارکه ذلک بان الله مولی الذین آمنوا الطف
یعنی الذین ثبتوا علی امامة امیر المومنین علیه السلام یعنی آنچه مذکور شد از ذلالت
وعقوبت کافران ونصرت وشوکت مومنان بسبب آنستکه خدای تعالی دوست انکسانی
است که ایمان آوردند وناصر ومعین ایشان بوده از قمی نقل شده که معنی قول حق تعالی
الذین آمنوا آنست که استوار ماندند بر امامت جناب امیر المومنین علیه السلام
وان الکافرین لا مولی لهم یعنی بسبب آنستکه کافران را هیچ دوستی نیست مر ایشانرا
یعنی آنها دوستی ندارند که یاری ایشان کنند وعذاب از ایشان باز دارند نظر بتفسیر سابق
که منقول از علی بن ابرهیم بود مراد از کافرین منکرین امامت جناب علی بن ابیطالب علیه
السلام است آیه مبارکه ذلک بانهم قالوا للذین کرهوا ما انزل الله سنطیعکم فی
بعض الامر والله یعلم اسرارهم یعنی آن تسویل وامهال بسبب آنستکه یهودان و
منافقان مر آنانرا که کراهت داشتند از آنچه فرو فرستاده است خدا از قران واحکام
اسلام یعنی یهودان با اهل کفر گفتند یا مشرکان با جماعتی دیگر از اهل شرک گفتند بر سبیل
زود باشد که فرمانبری شما را در بعضی کارها وخدا میداند پنهانی ایشانرا که افشا میکنند

[در سوره قتال] [در سوره قتال]

از جناب صادق علیه السلام روایتست در بیان این آیه مبارکه فرمود که فلان و فلان
اول و ثانی باشد که مرتد شدند از ایمان در واگذاشتن ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده است والله نازل شده است در شان این دو نفر و اتباع ایشان که انها مرادند از
ظاهر و باطن آیه و اینست قول خدای عز و جل نقولیکه فرود آورد جبرئیل از جانب حق
بر محمد صلی الله علیه و آله قالوا للذین کرهوا ما نزل الله فی علی سنطیعکم فی بعض
الامر قال دعوا بنی امیة الی میثاقهم الا یصیروا الامر فینا بعد النبی و لا یعطونا
من الخمس شیئا و قالوا ان اعطیناهم ایاه لم یحتاجوا الی شیء و لم یبالوا ان لا یکون
الامر فیهم فقالوا سنطیعکم فی بعض الامر الذی دعوتمونا الیه و هو الخمس
ان لا نعطیهم منه شیئا و الذی نزل الله ما افترض علی خلقه من ولایة امیر
المؤمنین علیه السلام و کان معهم ابو عبیدة و کان کاتبهم فانزل الله ام
ابرموا امرا فانا مبرمون ام یحسبون انا لا نسمع سرهم و نجویهم یعنی گفتند
مر انها را از منافقین که کراهت داشتند چیزی را که در شان جناب علی علیه السلام
نازل شده زود باشد که اطاعت کنیم شما را در بعضی کارها یعنی انچه را بگوئید در
مخالفت علی بن ابیطالب علیه السلام با شما موافقت نمائیم آنحضرت فرمودند که خواندند
آن دو مرتد و یاوران ایشان اولاد امیه را بر میثاق و پیمان خود براینکه قرار داد
پیمان خلافت را بما اهل بیت نگذارند بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و بما از
خمس چیزی ندهند و گفتند هر گاه ما بایشان که اولاد رسول صلی الله علیه و آله هستند
خمس را بدهیم محتاج نمیشوند بچیزی و باک ندارند پس که خلافت نبوده باشد در میان

ایشان

ایشان پس بنی امیه گفتند زود باشد که اطاعت کنیم شما را که از خمس چیزی بایشان
ندهیم و مخالفت نمائیم و در آن چیزیکه خدا واجب گردانیده است بر خلق خود از ولایت
امیر المؤمنین علیه السلام یعنی در این دو چیز اطاعت شما میکنیم که خمس را ندهیم و نگذاریم که
خلافت با امیر المؤمنین برسد و بود همراه ایشان ابو عبیده و او نویسنده این عهد و پیمان
بود پس خدای تعالی نازل فرمود آیه را که مضمونش اینست یا محکم کردند امری را یعنی عهد
پس بدرستیکه ما محکم کنندگانیم آیا گمان میکنند که ما نمی شنویم آنچه پنهان میکنند
و در تنهائی با یکدیگر میگویند نه چنین است حال آنکه فرستادگان ما نزد ایشان هستند
و مینویسند آنچه در تنهائی میگویند یعنی با این حال چگونه ما نمیشنویم آیه مبارکه و لو نشاء
لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنهم فی لحن القول یعنی هر گاه بخواهیم هر اینه
بنمائیم ایشان را یعنی علامت و نشانها پیدا کنیم بر اینها پس هر اینه بشناسی اینها را بعلامتی
که دیده شود از ایشان و البته میشناسی اینها را در لحن قول یعنی در اسلوب کلام و
میل دادن او را از تصریح بمراد بسوی تعریض یعنی گوشه زدن و توریه نمودن یعنی کلامی گفتن
که ظاهری داشته باشد و خلاف آنرا خواستن عن الامالی عن امیر المؤمنین علیه السلام
قال قلت اربع کلمات انزل الله تعالی تصدیقها فی کتابه قلت المرء مخبوء تحت لسانه
فاذا تکلم ظهر فانزل الله تعالی و لتعرفنهم فی لحن القول ذا امالی صدوق و حکایت
شده که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که فرمود من چهار کلام گفتم
که خداوند جل شانه فرو فرستاد تصدیق مرا یعنی مطابق آن چهار کلام من فرمود یکی
از انها اینست که مرد مخفی و مستور است در زیر زبان خود پس چون سخن گوید آشکار

و في بعض النسخ

ای فی اسلوبها و لحنها الکنه لا لجهة تعریض بود

ظاهر میشود انچه در دل او است از خوبی و بدی یعنی خداوند عالم نیز همین مضمون را نازل
کرده است که فرموده است و لتعرفنهم فی لحن القول یعنی هر اینه میشناسی تو ای پیغمبر
انها را در لحن قول و از طریقه گفتگوی ایشان یعنی قول ایشان میشناسی که موافقند یا منافق
و عن المجمع عن ابی بصیر الخدری نحن لحن القول بغضهم علی بن ابی طالب علیه السلام قال
و کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله ببغضهم علی بن ابی طالب
علیه السلام قال و روی مثل ذلک عن جابر بن عبد الله الانصاری و عن عبادة
ابن الصامت قال کنا نبور اولادنا بحب علی بن ابی طالب علیه السلام فاذا رأینا
احدهم لا یحبه علمنا انه لغیر رشدة از مجمع نقل شده که از ابی بصیر روایتست که مراد از
لحن القول که خداوند فرموده بغض ایشان است جناب علی بن ابیطالب را و گفته است که بودیم
ما میشناختیم منافقین را در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به دشمنی ایشان با علی
ابن ابی طالب علیه السلام و مثل این حدیث از جابر بن عبد الله الانصاری روایت شده و از
عبادة بن صامت منقول است که گفته است که بودیم ما امتحان میکردیم اولاد خود را
بدوستی جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس هرگاه میدیدیم یکی از انها را که آنجناب را دوست
نمیدارند میدانستیم که او حلال زاده نیست و از زنا بعمل امده از جمله آیه مبارکه
الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله یعنی کسانیکه کافر شدند و باز داشتند قوم خود را
بقهر و اغوا از راه خدا از قمی منقول است که گفته است مراد از سبیل الله جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است که هر کس باز دارد قوم خود را از آنجناب متهم آیه مبارکه و شاقوا
الرسول من بعد ما تبین لهم الهدی لن یضروا الله شیئا و سیحبط اعمالهم یعنی و مخالفت

زولد لرشدة و یکسر ضد الزنیة قاموس

[illegible]

کردند

کردند و معانده نمودند با رسول خدا از پس انکه روشن و ظاهر شده بود مر ایشان را راه
راست از قمی حکایت شده که گفته معانده با رسول با این شد که ترک کردند رسول خدا را صلی
الله علیه و آله و سپردند او را بر بدند در باب اهل بیت و بعد از انکه پیمان گرفته بود
ان منافقین را برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام هرگز ضرر نتوانند رسانند خدا
را چیزی یعنی کفر و صد ایشان ضرری بخدا نخواهد رسانید و زود باشد که باطل گرداند
خدا کردارهای ایشان را بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک
الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر یعنی بدرستیکه فتح کردیم برای تو ای محمد صلی الله علیه
و آله فتحی روشن و گشوده هویدا تا اینکه بیامرزد خدا برای تو آنچه گذشته است پیش از
فتح یا پیش از وحی از گناهان تو یعنی از ترک ندب یا ترک اولی و آنچه از پس ان واقع شده از
مجمع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که چون این آیه مبارکه
نازل گردید بحضرت فرمودند هر اینه بتحقیق نازل گردید بر من آیه که ان محبوبتر است بسوی
من از دنیا و آنچه در وست مؤلف گوید چه این آیه مبارکه مشتمل بر امرزش شیعیان جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است زیرا که مذهب اهل حق انستکه انبیا و اوصیا معصوم اند
از گناهان صغیره و کبیره چه پیش از وحی و چه بعد از ان پس بنابرین مراد گناهان شیعیان ایشانست
چنانچه در روایت بعد مذکور و مسطور است چون آنحضرت از وفور مهربان تر از پدر و مادر است
بر امتان و شیعیان جناب علی علیه السلام از اینجهت بود شادی آنحضرت چنانکه در دعای
ابو حمزه ثمالی مسطور است الهی ان ادخلتنی النار ففی ذلک سرور عدوک و ان ادخلتنی
الجنة ففی ذلک سرور نبیک و انا والله اعلم ان سرور نبیک احب الیک من سرور

عدوّ له یعنی خداوندا اگر تو مرا داخل آتش نمائی دشمن تو که شیطان باشد شاد میشود و
هرگاه مرا داخل بهشت نمائی پیغمبر تو شاد میشود و من قسم بخدا میدانم که شاد شدن دوست
تو دوستتر و خوشتر است بسوی تو از شاد شدن دشمن تو و از تفسیر قمی حکایت شده که از
جناب صادق علیه السلام روایت است که پرسیده شد از آنحضرت از معنی این آیه پس
فرمودند برای رسول خدا صلی الله علیه و آله گناهی از صغیره و کبیره نبود سهل است که
هرگز معصیتی بخواطر شریف نگذرانیده و لکن خداوند عز و جل گناهان شیعیان جناب
امیر المؤمنین علیه السلام را بر آنجناب بار کرده یعنی آنحضرت گناهان ایشان را بگردن
گرفتند پس آمرزیده شد گناهان را برای آنحضرت آیه مبارکه لقد رضی الله عن المؤمنین
اذ یبایعونک تحت الشجرة یعنی هر آینه بتحقیق راضی شد خدا از مؤمنین در آنکه بیعت
نمودند در زیر درخت سمره از تفسیر قمی حکایت شده که از جناب صادق علیه السلام روایت
کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام بمعاویه علیه اللعنة نوشت انا اول من
بایع رسول الله تحت الشجرة یعنی من اول کسی بودم که بیعت کرد با رسول خدا صلی الله علیه و آله
در تحت شجره و آن شجره درختی بود اسمش سمره که شجره طلح باشد و آن درختی است بزرگ و پرخار
و حاصل قصه بیعت آنستکه چون جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه بیرون
شدند بعزم مکه معظمه بحدیبیه رسیدند و آنجا هست نزدیک مکه با آن درختی که در
زیر آن بیعت کردند توقف فرمودند و عثمان را برسالت بمکه فرستادند نزد کفار قریش که من
بنای جنگ با شما ندارم و بزیارت بیت الله آمده ام پس قریش عثمان را نگاه داشتند و خبر
برسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان رسید که عثمان را کشتند پس آنحضرت فرمودند که آنان

سفر

سفر نمیکردیم تا با ایشان جنگ نکنیم و آنجناب مردم را به بیعت خواندند پس برخاستند
و رفتند بسوی شجره سمره که مشهور است پس تکیه بر او دادند و مردم با آنجناب بیعت کردند
بر اینکه جنگ کنند با مشرکان و فرار نکنند و وعده اطاعت دادند تا هنگام قتل ایشان و
عدد ایشان هزار و پانصد نفر بودند و یا هزار و سیصد نفر آیه مبارکه فانزل الله
سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و الزمهم کلمة التقوی یعنی پس خداوند نازل کرد
بر رسولش و مؤمنین طمانینه و آرامش خود را و لازم کرد ایشان خدای تعالی سخنی که سبب پرهیزکاری
است از مجالس حکایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که بدرستیکه
علی بن ابی طالب علیه السلام نشانه هدایت است و امام اولیای من است و روشنی است
برای کسانیکه اطاعت من کنند و او است کلمه که الزام کرده ام او را بر متقین از خصال
روایتست که ائمه سلام الله علیهم فرمودند نحن کلمة التقوی و سبیل الهدی یعنی ما
هستیم کلمه تقوی و سبیل الهدی و عن التوحید عن امیر المؤمنین علیه السلام فی
خطبة انا عروة الله الوثقی و کلمة التقوی یعنی از کتاب توحید حکایت شده که از جناب
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که در خطبه فرمود که منم عروة الوثقی یعنی دست
آویز محکم خدا و کلمة التقوی یعنی سخنی که سبب پرهیزکاری است هستم و فی الاکمال عن الرضا
علیه السلام فی حدیث له و نحن کلمة التقوی و العروة الوثقی در کتاب اکمال از جناب امام
رضا علیه السلام روایتست که ما هستیم کلمه تقوی و عروة الوثقی آیه مبارکه سیماهم
فی وجوههم من اثر السجود یعنی علامت ایشان در رویهای ایشان است یعنی علامت در رویهای
ایشان ظاهر و هویدا است از نشانه سجده کردن و این مستلزم کثرت سجود ایشان است و

اینکه امام زین العابدین علیه السلام بذو الثفنات مشهور گشته بجهت همین است
زیرا که از زیادی عبادت و سجده نمودن پیشانی آنحضرت ثفنات بعمر پیدا شده بود یعنی پینه
بسته بود مثل پینه اشتر و لهذا آنحضرت بصاحب ثفنات معروف شده و بروایت ضحاک
اثر سجود زردی روی است از خشیت خدا از سوره مبارکه انا فتحنا لک است این آیه

در سوره فتح

وعد الله الذین آمنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظیما عن الامالی
عن النبی صلی الله علیه وآله انه سئل فیمن نزلت هذه الآیة قال اذا کان یوم
القیمة عقد لواء من نور ابیض ونادی مناد لیقم سید المؤمنین ومعه الذین
آمنوا وقد بعث الله محمدا صلی الله علیه وآله فیقوم علی بن ابی طالب علیه السلام
فیعطی الله اللواء من النور الابیض بیده تحته جمیع السابقین الاولین من المهاجرین
والانصار لا یخالطهم غیرهم حتی یجلس علی منبر من نور رب العزة ویعرض الجمیع
علیه رجلا رجلا فیعطی اجره ونوره فاذا اتی علی آخرهم قیل لهم قد عرفتم موضعکم
ومنازلکم من الجنة ان ربکم یقول لکم عندی لکم مغفرة واجر عظیم یعنی الجنة
فیقوم علی بن ابی طالب علیه السلام والقوم تحت لوائه معهم حتی یدخل الجنة
ثم یرجع الی منبره ولا یزال یعرض علیه جمیع المؤمنین فیاخذ نصیبه منهم الی الجنة
ویترک اقواما علی النار معنی آیه شریفه است که وعده کرد خداوند عز وجل آنانرا
که ایمان آورده اند بخدا ورسول وکردند کارهای شایسته از ایشان یعنی از آنانکه صفت
ذکر یافته اند آمرزش گناهان ومزدی بزرگ وبی پایان از کتاب امالی نقل شده که روایت
است از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله بدرستیکه آنحضرت پرسیده شد که این آیه

مبارکه

مبارکه در حق که نازل شده فرمودند چون روز قیامت شود منعقد شود علمی از نور
انور یعنی روشنی خوش ومنادی ندا میکند که باید برخیزد سید آقای مؤمنین و با او باشند
آنانکه ایمان آورده اند وبتحقیق که برانگیخت خدای تعالی جناب محمد صلی الله علیه وآله
پس برمیخیزد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام پس میدهد خدای تعالی علمی که از
نور سفید است بدست مبارک آنحضرت که در زیر آن علم میباشند جمیع سابقین
اولین از مهاجرین وانصار که هیچ یکی با ایشان مخلوط نیست یعنی درمیان ایشان
بیگانه از دین و فرقه نیست تا اینکه می نشیند آنجناب بر منبری که از روشنی پروردگار
عزت وغلبه است نشان داده میشود همه ایشان بر آنحضرت پس بهریکی مزد و روشنی اش را
میدهد پس چون زمانیکه بآخر ایشان رسد گفته میشود مر ایشانرا که بتحقیق شناختید
موضع ومنازل خود را از بهشت بدرستیکه پروردگار شما میفرماید شما را که در نزد من
برای شما مغفرت واجر عظیم است پس برمیخیزد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام در حالتیکه
آن گروه که مرد خویش گرفته اند که در زیر علم آنحضرت هستند با ایشان یعنی آنحضرت
با ایشان برمیخیزد تا اینکه داخل بهشت شود بعد از آن برمیگردد آنجناب بسوی منبر خود
و همیشه نشان داده میشود بر آنحضرت جمیع مؤمنین پس آنحضرت میگیرد قسمت خود را از
ایشان یعنی دوستان آنجناب در قسمت او محسوب میشوند پس میبرد ایشانرا به بهشت
وا میگذارد گروهان چندی را بر آتش یعنی کسانی را که از قسمت او خارجند و دوست او
نیستند ومیگذارد دشمنانش را در آتش ولنعم ما قیل علی حبه جنة قسیم النار

در سوره حجرات

والجنة آیه مبارکه یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا ان تصیبوا

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید اگر بیاید بسوی شما فاسقی که بیرون رونده باشد از فرمان
خدا بخبری پس بیاورد بخبری تا آنکه معلوم تان آن خواطر نا باشد پر تفحص و تجسس کنید و بشناسید پیروی
صدق و کذب آنرا تا نشاید و بمجرد اخبار وی مبادرت بعمل و قول وی مکنید روی ان النبی بعث
ولید بن عقبة فی صدقات بنی المصطلق و کان بینه و بینهم احنة فلما سمعوا به
استقبلوه فحسبهم مقاتلیه فرجع و قال لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
ارتدوا و منعوا الزکوة فهم بقتالهم فنزلت و یؤیده هذه الروایة ما فی الاحتجاج
عن الحسن المجتبی فی حدیث قال و اما انت یا ولید بن عقبة فو الله ما الومک
ان تبغض علیا و قد جلدک فی الخمر ثمانین جلدة و قتل اباک صبرا بیده یوم بدر
ام کیف تسبه فقد سماه الله مؤمنا فی عشر آیات من القرآن و سماک فاسقا و
هو قوله ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا یعنی روایت شده اینکه جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرستاد ولید بن عقبه برای گرفتن صدقات و زکوة بنی المصطلق و میان ولید و آن قوم
پیش از اسلام کینه بود پس چون شنیدند آمدن او را باستقبال او آمدند پس و گمان کرد
که ایشان بجنگ او بیرون آمده اند پس برگشت و بخدمت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد
که این قبیله از دین برگشتند و زکوة ندادند پس آنحضرت عزم کردند که با ایشان جنگ
نمایند پس این آیه مبارکه نازل شد و تقویت میکند این روایت را آنچه در احتجاج از
حضرت امام حسن مجتبی روایت شده در حدیث طولانی از آنجمله چیزیکه میفرماید و اما تو
ای ولید پسر عقبه قسم بخدا ملامت نمیکنم ترا که چرا دشمن داری علی علیه السلام را و حال آنکه
بتحقیق هشتاد تازیانه زده است ترا بجهت شرابی که خورده بودی و پدر ملعون ترا دست بسته

کشته است بدست مبارک خود در روز بدر پس چگونه سب و ناسزا میگوئی تو با جناب
پس بتحقیق که خدای تعالی در ده آیه از قرآن او را مؤمن نام نهاده و ترا فاسق نام نهاده است
و در اینجا ترا فاسق نام نهاده میفرماید ان جاءکم فاسق تا آخر آیه پس از این حدیث نیز مستفاد
میشود که این آیه شریفه در شان آن ملعون نازل شده آیه مبارکه و اعلموا ان
فیکم رسول الله لو یطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم و لکن الله حبب الیکم الایمان
و زینه فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان یعنی و بدانید ای مؤمنان
آنکه در میان شما است فرستاده خدا اگر فرمان برد شما را یعنی اگر رسول خدا قبول
کند قول شما را و برای شما عمل کند در بسیاری از کارها هر آینه برنج افتید و هلاک
شوید و لیکن خدای تعالی دوست گردانیده است بسوی شما ایمان را که تصدیق بقلب بخدا
و رسول و بجمیع ما جاء به النبی و آراسته است ایمان را در دلهای شما و مکروه گردانیده است
بسوی شما پوشیدن و مخفی داشتن حق را و بیرون رفتن از طاعت مفروضه را و نافرمانی از
روی عناد و طغیان را از کافی و تفسیر قمی حکایت شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
روایتست که آیه مبارکه حبب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم مراد از ایمان جناب امیر
المؤمنین است و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان یعنی اول و ثانی و ثالث از جمله
آیه مبارکه انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا
باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون یعنی جز این نیست که مؤمنون
از روی حقیقت آنکسانی هستند که ایمان آورده اند بخدا و رسول او سبحانه و بخلوص قلب
تصدیق نمودند پس شک نکردند و بدل بعد از اقرار بزبان شک نکرده اند و جهاد نموده اند

فی سورة ق

بمالهای خود یعنی بر اهل غیر انفاق کردند و بنفسها ایشان یعنی مرتکب قتال اهل حق شدند
در راه خدا انکرون ثومنا مجاهد ایشانند راستکویان در ادعای ایمان علی بن ابراهیم
قمی ره روایت کرده که آیه مبارکه در شان مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام
نازل شده آیه مبارکه اَلْقِیا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفّارٍ عَنِیدٍ یعنی بیندازید در جهنم کافر را
ستیزه کننده در امر حق را از قمی منقولست که گفته خطاب بجناب محمد و بجناب علی صلی الله
علیهما شده که لفظ القیا را به تثنیه فرموده یعنی خداوند عالم در روز قیامت بان دو بزرگوار
میفرماید که بیندازید در جهنم هر کس که عناد و منکر شما و اهل بیت شما است و ابن بعقوب از
جناب صادق علیه السلام است که فرمود علی قسیم الجنة والنار وعن السجاد عن
ابیه عن جده امیر المؤمنین قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله ان الله تبارک
وتعالی اذا جمع الناس یوم القیمة فی صعید واحد کنت انا وانت یومئذ عن
یمین العرش ثم یقول الله تبارک وتعالی لی ولک قوما فالقیا من ابغضکما و
کذبکما فی النار از جناب سید السجاد علیه السلام مرویست که از پدر بزرگوار خود
روایت فرمود که ایشان هم از پدر خود جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت
کرده که آنحضرت هم فرمود که جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود یا علی خداوند عالم
زمانیکه جمع میفرماید همه مردم را در روز قیامت در روی یک زمین من و تو در آن روز در سمت
راست عرش میباشیم پس خداوند عالم حکم میفرماید من و ترا که برخیزید هر دو و بیندازید
در جهنم هر کسی را که دشمنی کرده است با شما و تکذیب کرده شما را عن الامالی قال نزلت فی
وفیک یا بن ابیطالب از امالی منقولست که جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند که

آیه

در سوره والذاریات

آیه مبارکه اَلْقِیا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفّارٍ عَنِیدٍ در حق من و در حق تو نازل شده ای پسر ابوطالب
پس آیه مبارکه مَنّاعٍ لِلْخَیْرِ مُعْتَدٍ مُرِیبٍ یعنی بسیار منع کننده مر خیر را یعنی باز دارنده
مال او حقوق واجبه و درگذرنده از حدود الهی و معاداتشان نماینده با اهل آن بسیار شک
ارنده در دین خدا و در روز جزا و سایر خیرها که پیغمبر خدا قرار داده از قمی منقولست
که گفته مناع آن ملعون دومی است لعنة الله و خیر ولایت جناب علی بن ابیطالب علیهما
السلام است و حقوق آل محمد صلی الله علیه وآله و چون اول کتابت فدک را نوشته که
رد کنند آنرا بجناب فاطمه علیها السلام دومی منع نمود پس او درگذرنده است از حد و
شک کننده آنکسیست که قرار داد با حق تعالی خدای دیگر و گفتا و اینها را کفر ورزیدند
با خداوند یکه قرار داد از برای شما امامت و حسن را آیه مبارکه وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ
وَالْاِنْسَ اِلّا لِیَعْبُدُونِ یعنی نیافریدیم جماعت جن و آدمیان را مگر بعلت اینکه عبادت کنند
و به پرستند مرا بر وجه اختیار نه بطریق اجبار از علل الشرایع منقولست که از جناب
امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که جناب امام حسین علیه السلام بیرون
آمدند بر اصحاب خود پس فرمودند ایها الناس بدرستی که خدا تعالی خلق نکرده بندگان
مگر اینکه او را بشناسند پس چون او را شناختند پرستش کنند او را و چون پرستش
او نمودند بی نیاز میشوند به بندگی او از عبادت و بندگی هر کس که جز او است فقال له
رجل یا بن رسول الله بابی انت وامی فما معرفة الله قال معرفة اهل کل زمان امامهم
الذی یجب علیهم طاعته یعنی شخصی بخدمت حضرت عرض کرد یا بن رسول الله پدر و
مادرم فدای تو باد معرفت خدا چیست بجناب فرمودند شناختن اهل هر زمان امام

خود را که واجب است بر ایشان فرمان برداری و اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن
الرحیم والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم و ما غوی میفرماید یعنی قسم بستاره چون
طلوع کند و بلند بر آید و یا هبوط کند و غروب کند هوی ببد و معنی آمده بنا بر اول
مشتق از هوی است و بنا بر ثانی مشتق از هوی بضم ها گمراه نشد مصاحب شما آنکه
اهل قریش یعنی محمد صلی الله علیه و آله بجهت تبلیغ رسالت و خطا نکرد در آنچه بشما رسانید
یعنی براه صواب گفت و بامر باطل مرتکب نشد در مجالس از ابن عباس روایت است
که نماز عشا را شبی با جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آوردیم پس چون سلام
نماز را گفتند روی مبارک را بسوی ما کردانیدند پس فرمودند زود باشد که ستاره
از آسمان حرکت کرده بزمین فرود می آید مقارن طلوع صبح پس میافتد در خانه یکی
از شماها پس بخانه هر کدام که آن ستاره افتاد پس آن وصی و خلیفه من است و امام
بعد از من چون نزدیک صبح شد هر یک از ما نشسته در خانه خود انتظار میکشید افتادن
ستاره را و کسیکه طمعش بیشتر از همه آنگروه بود در اینکه در خانه او بیفتد پدر من عباس
ابن عبد المطلب بود پس چون فجر طلوع کرد ستاره حرکت کرد از هوا از آسمان و بیامد پس در
خانه جناب علی بن ابیطالب علیهما السلام افتاد پس جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمودند علی را که یا علی قسم بخدائیکه مبعوث کرده است مرا به پیغمبری هر آینه بتحقیق ثابت
و برقرار شد برای تو وصیت و خلافت و امامت بعد از من پس منافقان گفتند که عبد الله
ابن ابی و اصحاب او لعنهم الله هر آینه بتحقیق که محمد گمراه شد در دوستی پسر عم خود یعنی
دوستی حضرت امیر المؤمنین باعث این شد که حضرت رسالت گمراه شد و خطا کرده و

نمیگوید

نمیگوید در شان پسر عم خود مگر از روی هوا و خواهش نفس یعنی آنچه که او زیاد دوست
دارد اینها را از پیش خود میگوید پس خدا تعالی این آیه مبارکه را نازل فرمود والنجم اذا
هوی ما ضل صاحبکم و ما غوی و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی یعنی قسم
بآفریننده ستاره که ساقط شد که گمراه نشد محمد صلی الله علیه و آله یعنی در محبت علی بن
ابیطالب علیه السلام و خطا نکرد در آن که فرمود و سخن نمیگوید از روی هوا و خواهش نفس آنچه را
در شان علی میگوید و نیست نطق او مگر وحی که فرود آمده بسوی او عن الامالی عن النبی صلی
الله علیه و آله قال لما عرج بی الی السماء و دنوت من ربی عز و جل حتی کان بینی و بینه
قاب قوسین او ادنی فقال لی یا محمد من تحب من الخلق قلت یا رب علیا قال
فالتفت یا محمد فالتفت عن یساری فاذا علی بن ابی طالب علیه السلام از امالی صدوق علیه
الرحمه منقولست که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمودند چون
بلند کرده شدم بسوی آسمان و نزدیک شدم به پروردگار خود تا آنکه میان من و خدا تعالی
قاب قوسین بود یعنی مقدار دو ذراع بنا بر تفسیر بعضی یا بقدر گرفتنگاه از کمان تا سر او
که برگشته که جای بستن زه باشد بنا بر تفسیر دیگر که از وحی نقل شده تا اینکه از آنهم
نزدیک تر پس خداوند عالم فرمود یا محمد از مخلوق من کرا دوست میداری عرض کردم
پروردگارا علی را خدا تعالی فرمود پس ملتفت شو یا محمد پس ملتفت شدم دیدم از طرف
چپ خود پس ناگاه دیدم که از یسار من علی بن ابیطالب که ایستاده از کافی منقولست که
از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که در آخر حدیثی آنحضرت فرمودند
والله ما جاءت ولایة علی من الارض و لکن جاءت من السماء مشافهة یعنی بخدا قسم

ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از زمین نیامده ولکن از آسمان آمده در حالتیکه رو برو
از خدا شنید یعنی بی وساطت جبرئیل در شب معراج آنحضرت مامور شدند باینکه امیر المؤمنین را
صاحب اختیار امت کردانند امید بسیار ما کذب الفؤاد ما رای یعنی دروغ نگفته دل جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله آنچه را که دید مخصوص بعینه در شب معراج افتمارونه علی ما یری افتماری
یعنی افتجادلونه علیه من المراء وقرء افتمرونه ای افتغلبونه فی المراء او افتجحدونه
وعلی التضمین معنی الغلبة یعنی آیا مجادله میکنید ای معاندان قریش پیغمبر را آنچه که می بیند
پیغمبر در شب معراج از آیات عظیمه و مخلوقات عجیبه بنابر قرائتی که افتمرونه خوانده
شده یعنی آیا غلبه میکنی او را در مجادله یا اینکه معنی اینست آیا انکار میکنید در حالتیکه
علیه کنند کانید بر او وعن القمی انه سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن ذلک
الوحی فقال اوحی الی ان علیا سید المؤمنین وامام المتقین وقائد الغر المحجلین
واول خلیفة یستخلفه خاتم النبیین فدخل القوم فی الکلام فقالوا امن الله او
من رسوله فقال الله جل ذکره لرسوله قل لهم ما کذب الفؤاد ما رای ثم رد علیهم
افتمارونه علی ما یری فقال لهم رسول الله صلی الله علیه و آله قد امرت فیه بغیر هذا
امرت ان انصبه للناس فاقول هذا ولیکم من بعدی و انه بمنزلة السفینة یوم
الغرق من دخل فیها نجی و من خرج عنها غرق یعنی از قمی منقولست که پرسیده
شد از رسول خدا از این وحی که در آیه مبارکه فاوحی الی عبده ما اوحی که چه بود آن
وحی خدا وند عالم آنجناب فرمودند وحی شد بسوی من بدرستیکه علی بن ابی طالب سید
المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین است یعنی کشاننده مؤمنانیکه ما

اسبابی

اسبابی هستند که پیشانی و چهار پای ایشان سفید است یعنی نور از مواضع
سجود ایشان ساطع است و اول خلیفه است که جانشین خود میکردانند او را خاتم النبیین
پس آن گروه منافقان داخل در میان کلام شدند یعنی در این کلام آنحضرت عرض کردند
آیا این فرمایش از خدا است یا از رسول خدا پس خداوند عالم این آیه مبارکه را نازل فرمود
ما کذب الفؤاد ما رای پس ذکر کرد بر آن منافقین که اینکلام را از روی بی اعتقادی
تصدیق آن کنند پس فرمود افتمارونه علی ما یری یعنی دروغ نگفته است فؤاد
پیغمبر آنچه را دید آیا پس انکار و مجادله میکنید بر او بچیزی که می بیند فقال لهم
رسول الله صلی الله علیه و آله فقد امرت بغیر هذا امرت ان انصبه للناس
فاقول هذا ولیکم من بعدی و انه بمنزلة السفینة یوم الغرق من دخل فیها
نجی و من خرج عنها غرق پس فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بتحقیق
که من بغیر از این نیز مامور شده ام هر آینه مامور شده ام بر اینکه نصب کنم علی را
برای مردم پس بگویم که این یعنی علی بن ابی طالب صاحب اختیار شما است بعد از
من بدرستیکه او بمنزله کشتی است در روز غرق شدن هر کس داخل شد در آن
نجات می یابد و هر کس خارج شد هلاک و غرق شد آیه مبارکه لقد رای من آیات
ربه الکبری یعنی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج هر آینه بتحقیق
دید از نشانهای قدرت پروردگار خود که بزرگترین نشانها بود از کافی منقول
است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که نیست برای خداوند عالم
آیتی که بزرگتر از من باشد و منم آیه کبری و اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم

الرحمن

الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان یعنی خداوند بسبب بخشایش که
و رحمت او بهمه چیز قرار رسیده آموخته است قرآن را بحبیب خود بیافرید جنس انسان را و بیاموخت
او را یعنی بنی آدم را بیان کردن ما فی الضمیر بنطق و کتابت و نیز از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده پرسیده شد از معنی خلق الانسان فرمودند که آن جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است پرسیده شد از معنی علمه البیان فرمودند که بیاموخت
خدا با آن جناب بیان هر چیز را که مردم محتاج بآن میشوند والسماء رفعها ووضع
المیزان یعنی و برداشت آسمان را بنا بالای زمین بی ستون بنا له ذاته و بیافرید در میان مردمان
ترازو و کنایت از آسمان آنچیز را که بآن وزن و مقدار اشیا معلوم میشود چون ترازو
در تتمه حدیث سابق که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که سماء جناب رسول
خدا صلی الله علیه و اله است که او را بسوی خود بلند کرده و میزان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام است که خدا تعالی او را برای خلق خود نصب کرده و پرسیده شد از معنی
الا تطغوا فی المیزان ای لا تعصوا الامام یعنی معصیت امام را نکنید پرسیده شد از معنی
واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان فرمودند یعنی اقیموا الامام بالعدل ولا تبخسوا الامام
حقه ولا تظلموه یعنی بر پا بدارید امام عادل را یعنی پیروی کنید و متابعت او نمائید و او را
بر جائیکه خدا قرار داده برای و بنشانید و کم مکنید حق او را و ظلم منمائید باو و میزان درینجا
تفسیر امام است فبای آلاء ربکما تکذبان یعنی بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود را
تکذیب مینمائید از فوق منقولست که گفته است خطاب بشما ظاهر الجن و انس است و در
باطن فلان و فلان است که مخاطب اند عن الصادق علیه السلام انه قال قال الله فبای

التفسیر

التفسیر تکفران بمحمد ام بعلی صلی الله علیهما وعن الکاظم فی خبر مرفوعا بالنبی ام بالوصی صلی الله علیهما والهما
یعنی منقولست که پرسیده شد از امام جعفر صادق علیه السلام از معنی این آیه شریفه
فرمودند خداوند عالم فرموده پس بکدام یک از دو نعمت خدا کافر میشوید آیا بمحمد صلی الله
علیه و اله یا بجناب علی علیه السلام کافر میشوید و انکار مینمائید یعنی آیا انکار نبوت
پیغمبر را مینمائید یا انکار ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را از کافی هم منقولست که
آیا به نبی کافر میشوید و انکار مینمائید یا به وصی رب المشرقین و رب المغربین یعنی
خدای بخشاینده و آفریدگار دو مشرق است برای آفتاب یکی مشرق صیفی و یکی مشرق شتوی
و پروردگار دو مغرب است برای شمس یکی تابستان و دیگری زمستان از جناب امام جعفر
صادق علیه السلام روایتست که مراد از مشرقین جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین
علیهما السلام است و مغربین جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهما السلام است
مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای آلاء ربکما تکذبان یخرج منهما
اللؤلؤ والمرجان یعنی رها کرد و جاری فرمود دو دریا را یکی شیرین و خوش و دیگری
شور و تلخ در حالتیکه بیکدیگر میرسند و سطوح آنها بیکدیگر مماس میکنند و آن بحر فارس
و روم است در میان آنها حاجزی و پرده ایست از قدرت خدا که بسبب آن افزونی نمیجویند
بر یکدیگر و هیچکدام بر یکدیگر غالب نمیشوند بممازجه و ابطال خاصیت یکدیگر و بسبب این
حاجز عذوبت دریای عذب بممازجه دریای تلخ باطل نمیشود و هر یک در حد خود بر قرارند
پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید بیرون می آید از هر یک و دریا مروارید
و مرجان از عمق منقولست که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که

مرج البحرین ای ارسل البحرین قبل بحر الفارس و بحر الروم ظاهرا

جناب امیر المؤمنین علیه السلام و جناب فاطمه علیها السلام دو بحر هستند یعنی دو دریا
هستند عمیق که تعدی نمیکنند یکی از آنها بر صاحب خود که خارج شده از آنها لؤلؤ و مرجان
که جناب حسن و جناب حسین علیهما السلام باشند و از مجمع منقولست که از حضرت
سلمان فارسی سلام الله علیهم و سعید بن جبیر و سفیان الثوری روایت شده است که
بحرین جناب علی و فاطمه سلام الله علیهما و برزخ جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
و لؤلؤ و مرجان جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام است خاتمه سوره مبارکه
تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام یعنی بزرگست اسم پروردگار تو از حیثیت
دلالت آن بر ذات اقدس و سبحانه خداوندی که او را ثابتست جمیع صفاتی که مستلزم کمال
ذات او است و مبرا است از هر صفتی که موجب نقص عزت کبریا باشد از فقیه منقولست که
از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که آنجناب فرمودند نحن جلال الله و کرامته التی اکرم
الله تبارک و تعالی العباد بطاعتنا و محبتنا یعنی ما جلال و کرامت خدا تعالی هستیم که گرامی داشته
است بندگان را بطاعت و محبت ما از کافی منقولست که از جابر بن عبد الله روایتست
که گفت مادامیکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله سوره مبارکه الرحمن را خواندند
مردم ساکت شدند و سخنی عرض نکردند و چیزی نگفتند پس آنحضرت فرمودند الجن کانوا
احسن جوابا منکم لما قرئت علیهم فبای آلاء ربکما تکذبان قالوا لا بشیء من خواص قرائت
آلاء ربنا نکذب یعنی جماعت جن از شما بهتر هستند که جواب دادند زمانیکه این آیه
مبارکه برای جماعت خوانده شد بنابراینکه قرئت بصیغه مجهول مفرد مؤنث غایب باشد یا
اینکه قرئت باشد یعنی خواندم برای ایشان بنابراینکه معلوم متکلم باشد گفتند لا بشیء

من الاء

ثواب سوره واقعه

من آلاء ربنا نکذب یعنی هیچ نعمتی از نعمتهای پروردگار خود تکذیب نمیکنیم جناب امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند هر کس سوره الرحمن را بخواند و نزد هر آیه از قول خدا تعالی
فبای آلاء ربکما تکذبان بگوید لا بشیء من آلائک رب اکذب اگر در شب بخواند و پس از آن
بمیرد شهید مرده و اگر در روز بخواند و پس از آن بمیرد شهید مرده در سوره مبارکه اذا
وقعت الواقعه آیه مبارکه و السابقون السابقون اولئک المقربون فی
جنات النعیم یعنی پیشی گیرندگان با ایمان و طاعة بعد از ظهور حق کسانی اند که حال
ایشان در سبقت بر تو واضح و مآل ایشان بر تو لایح است پس احتیاج به بیان احوال
ایشان نباشد آنگروه سابقان نزدیک کرده شده اند از روی درجه و مرتبه یعنی درجه
ایشان نزدیک است بعرش خدا در بوستانها با انواع نعم و کرامت یعنی ایشان در اعلی
درجات جنان و ارفع مراتب آن خواهند بود و از فقیه منقولست که گفته سابقون
کسانی هستند که پیشی گرفته داخل بهشت میشوند بیحساب از امالی منقولست که روایت
شده از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد از این آیه مبارکه آنحضرت
فرمودند جبرئیل بمن خبر داد که جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و شیعه او سبقت
گیرندگانند بسوی بهشت و نزدیک بخدا بسبب گرامی داشتن او ایشان را با آنکه معنی اینست
که مقرب و نزدیک اند بکرامت خدا تعالی از خصال منقولست که از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام روایتست که فرمود و السابقون السابقون اولئک المقربون در شان من
نازل شده است عن المجمع عن الباقر علیه السلام السابقون اربعة ابن آدم المقتول و
سابق امة موسی و هو مؤمن آل فرعون و سابق امة عیسی و هو حبیب النجار و السابق

فی امة محمد صلی الله علیه واله وهو علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام یعنی
از مجمع منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام منقولست که السابقون
چهار است اول فرزند آدم هابیل مقتولست وسابق امة موسی که آن مؤمن آل فرعون
است وسابق امت عیسی وان حبیب نجار است وسابق در امت محمد صلی الله علیه واله
علی بن ابیطالب علیه السلام است آیة مبارکه واصحاب الیمین ما اصحاب الیمین یعنی
یاران دست راست چه اند یاران دست راست ایشان یعنی این تعجبست از عظمت بزرگی
ایشان از تفسیر منقولست که گفته که یمین جناب امیر المؤمنین علیه السلام واصحاب او یاران
یمین شیعه آنجناب است آیة مبارکه وفاکهة کثیرة لا مقطوعة ولا ممنوعة یعنی
ومیوهای بسیار از هر جنسی که باشد نه بریده باشد و نه فانی گشته یعنی در هیچ زمان
انقطاع نیابد بخلاف میوهای دنیا که در بسا هی در فصلی باشد دون فصلی و نه منع
کرده شده یعنی او را از خورنده هیچ نوع منع نکنند بخلاف میوهای دنیا و از حضرت رسالت
صلی الله علیه واله منقولست که هیچ میوه از درخت بهشت نچینند که از موضع آن دو
مثل آن روییده نشود عن النبی صلی الله علیه واله لما دخلت الجنة رأیت فی
الجنة شجرة طوبی اصلها فی دار علی علیه السلام از تفسیر منقولست که از جناب رسول
صلی الله علیه واله روایت کرده که آنحضرت فرمودند چونکه داخل شدم به بهشت دیدم
در بهشت درخت طوبی را که بیخ آن در خانه علی بود فرمودند که وما فی الجنة قصر
ولا منزل الا وفیها فنن منها اعلاها اسقاط حلل من سندس واستبرق یکون للعبد
المؤمن الف الف سفط فی کل سفط مأة الف حلة ما فیها حلة تشبه الاخری

الغفن بالضم وتحتین الناحیة والجانب

علی الوان مختلفة وهو ثیاب اهل الجنة وسطها ظل ممدود وفی عرض الجنة
وعرض الجنة کعرض السماء والارض اعدت للذین آمنوا بالله ورسله یسیر
الراکب فی ذلک الظل مسیرة مأتی عام فلا یقطعه وذلک قوله وظل ممدود و
اسفلها ثمار اهل الجنة وطعامهم متدلل فی بیوتهم یکون فی القضیب
منها مأة لون من الفاکهة مما رأیتم فی دار الدنیا ومما لم تروه وما سمعتم به
وما لم تسمعوا مثلها وکلما یجتنی منها شیء نبتت مکانها اخری لا مقطوعة و
لا ممنوعة یعنی و نیست در بهشت قصری و نه منزلی مگر اینکه در آن جانبی از آن
درخت هست در بالای آن درخت سبدهای حلهای از سندس و استبرق میباشد
وحله دو بالا پوش را گویند که آستر داشته باشد وسندس حریر نازک و استبرق حریر
غلیظ است فرمودند میباشد از برای بنده مؤمن هزار هزار سبد و هر سبد
صد حله است نیست در این حلها حله که شبیه بدیگری باشد رنگهای مختلف دارد
یعنی دو تای از آنها بیک رنگ نیست و آن حلها رختهای اهل بهشتست و در وسط آن
درخت سایه است که کشیده شده بمقدار عرض بهشت وعرض بهشت مثل عرض آسمان
و زمین است آن بهشتی که مهیا شده است برای آنانیکه ایمان آورده اند بخدا و رسول
او و آن سایه مستطیل است که راه میرود سواره در آن سایه بمقدار رفتن دویست
سال راه و باخر او نمیرسد و آن سایه اینست که خدا فرمود وظل ممدود و در پایین آن
درخت میوهای اهل بهشت و طعام ایشان میوها یکه او یزانست در خانهای ایشان
میباشد در هر شاخه از آن درخت صد رنگ از میوه از آن میوه که دیده اید در دنیا و از

این چیزها بشکند نمی آید در آن و چیزیکه شنیده آید از او و نشنیده آید مثل آنرا و هرچه
چیده شود چیزی از آن میوه ها بروید در جای آن میوه دیگری و هرگز تمام نشدند آرد و
کسی از آن ممنوع نمیشود بخلاف میوه های دنیا که در دنیا درختان و خطرها حفظ آن
میکنند و از مردمان منع میکنند و بسبب بعد و محافظت از آن ممنوع میشوند عن الاحتجاج
عن الصادق علیه السلام انه سئل عمن قالوا ان اهل الجنة یاتی الرجل
منهم ثمرة یتناولها فاذا اکلها عادت کهیئتها قال نعم ذلک علی قیاس السراج
یاتی القابس فیقتبس منه فلا ینقص من ضوئه شیئا وقد امتلأت منه الدنیا
سراجا از احتجاج منقولست که روایت کرده اند که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیده شد که از کجا ممکن است این چیزیکه میگویند یعنی بچه دلیل میتوان تصدیق
نمود بآنچه میگویند که بدرستیکه اهل بهشت هرگاه می آید مردی از ایشان بسوی میوه
پس تناول مینماید از آن پس چون میخورد آنرا بر میگردد که میوه بجای خود مثل صورت اول
حضرت فرمودند بلی چنین است این ثمره درخت باندازه چراغ است یعنی مثل آنست کم
می آید روشنی گیرنده بسوی آن و اخذ روشنی میکند یعنی چراغ دیگر از او روشن میکنند
پس هیچ چیز از روشنی آن چراغ کم نمیشود در حالتیکه همه دنیا از آن مملو از چراغ شده
باشد مثلا روشن شود هزار چراغ از فتیله آیه مبارکه ما افاء الله علی
رسوله من اهل القری فلله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل
یعنی آنچه باز گردانید خدا بر پیغمبر خود از اموال و املاک اهل دهها که بحرب گرفته نشد
یعنی قریه های بنی نضیر پس مر خدا راست و مر پیغمبر او را و منصرف در سهم اول را بحضرت

در بیان خمس

که بزرگوارند مصلحت صرف نمایند و مر صاحبان خویش و نسبت بحضرت نبوی را یعنی بنی
وی که ائمه معصومین اند علیهم السلام و مر اطفال بی پدران محتاج از آل محمد
و مر درویشان را که از ایشان باشند و بر قوت سال قادر نباشند و مر درماندگان
بان که استطاعت نداشته باشند که بشهر خود روند و فیء آنست که از کفار
بمسلمانان منتقل شود بدون قتال عن الکافی عن امیر المؤمنین علیه السلام نحن و
والله الذین عنی الله بذی القربی الذین قرنهم الله بنفسه و نبیه الحدیث یعنی
از کافی نقل شده که از جناب امیر المؤمنین سلام الله علیه روایتست که فرموده
اند بخدا قسم ما آنکسانی هستیم که قصد فرموده خداوند عالم از لفظ ذی القربی
آنانیکه قرین و نزدیک نموده بانفس خود و با نبی خود تا آخر حدیث آیه مبارکه
ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة یعنی اختیار میکنند بر نفس خود
دیگری را در راه خدا و اگرچه در حالتیست که هست ایشانرا احتیاج و فقر با آنچه ایثار
میکنند ایثار عبارتست از آنکه کسی محتاج باشد بچیزی و دیگری را مستحق آن بیند
از خود باز گیرد و بدو بخشد از امالی صدوق منقولست که روایتست که شخصی آمد بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس شکایت نمود بسوی آنجناب از گرسنگی پس
حضرت را فرستادند بسوی خانه های زوجات خود تا شاید چیزی برای این مرد تحصیل کنند
پس در جواب گفتند که در نزد ما چیزی بغیر از آب نیست پس حضرت رسالت فرمودند
کیست برای این مرد امشب یعنی اطعام این مرد را که امشب بجا آورد میکند پس
جناب امیر المؤمنین عرض کرد منم برای او هستم یعنی من اطعام او مینمایم یا رسول الله

در تفسیر خبر

پس آنجناب تشریف آوردند بخانهٔ جناب فاطمه علیها السلام و فرمودند یا بنت رسول
الله در نزد تو چیزی هست یا نه فقیر بایشان عرض کرد در نزد ما چیزی بغیر از قوت
امشب لکن ما ایثار میکنیم و مقدم میداریم بر خود مهمان را آنجناب همان قوت را
بفقیر دادند فرمودند ای دختر محمد صلی الله علیه و آله بچهها را بخوابان و چراغ را خاموش
کن و امشب را گرسنه مانند پس چون حضرت علی علیه السلام داخل در صبح شد همان
صبح زود بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله آمد حکایت را بعرض شریف رسانید
پس از آن مجلس برنخاست تا اینکه خدای تعالی این آیهٔ مبارکه را نازل فرمود و یؤثرون علی
انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی دیگران را بر نفس خود شان اختیار و مقدم میدارند
هر چند بر خود شان فقر و احتیاج باشد در حدیث دیگر وارد است که شبی رسول خدا از نماز
شام و خفتن فارغ شد مردی از میان صفوف برخاست و گفت ای مهاجر و انصار مرد غریبم
مرا طعام دهید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که ذکر غربت مکن که دلم را
اندوهگین ساختی بعد از آن فرمود غریبان چهار اند یکی مسجدی که در میان قومی باشد که
در آن نماز نکنند دوم مصحفی که در خانه باشد و از آن تلاوت نکنند سیوم عالمی که در
میان جماعتی باشد و ایشان تفقد او و جستجوی وی ننمایند چهارم اسیری که از اهل اسلام
در میان کفار باشد پس گفت کیست که مؤنهٔ این مرد را کفایت کند امیر المؤمنین علی علیه السلام
برخاست و دست سائل را گرفت و بحجرهٔ طاهرهٔ فاطمه علیها السلام رفت و گفت ای دختر رسول در کار این
مهمان نظری کن جناب فاطمه علیها السلام عرض کرد یا ابن عم طعامی اندکست و حسن و حسین گرسنه
و تو هم روزه داری پس فرمود آنرا حاضر کن پس آورد حضرت طعام را پیش مهمان گذاشتند و با

خود

خود گفت اگر من طعام بخورم مهمان را کافی نباشد و اگر من نخورم مهمان خجالت میکشد پس
دست دراز کردند و چنان باز نمودند که چراغ اصلاح میکنم و او را خاموش کردند
و جناب فاطمه را فرمودند که در روشن کردن چراغ تعلل نما و دیر روشن کن و خود دهان
مبارک را میجنبانید و چون فارغ شدند جناب فاطمه علیها السلام چراغ را روشن کرده بنا و دید
و طعام همچنان بر جای خود باقی بود حضرت امیر فرمودند با آن فقیر چرا نمیخوری عرض کرد
خوردم و سیر شدم پس جناب امیر و فاطمه و حسن و حسین روحی لهم الفداء و فضه و همسایگان
از آن طعام خوردند و هنوز باقی بود روز دیگر آنحضرت بخدمت جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد وی را گفت یا علی دیشب چگونه گذرانیدی عرض کرد بخیر و خوبی پس
آنجناب حکایت شب گذشته را جمیعا بجناب امیر المؤمنین علیه السلام باز گفتند جناب
امیر عرض کرد یا رسول الله که ترا اعلام کرد فرمودند یا علی جبرئیل بمن نازل کردید و از
جانب خدای تعالی این آیه را آورد و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة از احتجاج
منقولست که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند قوم را بعد از مردود
دو تهی در حدیثیکه شمارش مناقب خود میفرمایند شما را بخدا قسم میدهم آیا در میان شما هست
کسیکه در شان او این آیه نازل شده باشد غیر از من عرض کردند یا علی در شان غیر تو نازل
نشده آیهٔ مبارکه لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون
یعنی یکسان نیستند نزد خدا یاران دوزخ که نفس خود را خوار ساخته بکسب معاصی مستحق آتش
شدند و اصحاب بهشت که در استکمال نفس خود کوشیده سزاوار جنت گشتند یاران بهشت
یعنی ساکنان آن ایشانند رستگاران یعنی از عذاب جحیم باز رسته و در نعیم مقیم پیوسته اند

عیون منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که فرموده بدرستیکه
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه مبارکه را تلاوت کردند پس فرمودند که اصحاب
جنت آنکسیست که اطاعت من کند و تسلیم امر نماید برای علی بن ابیطالب بعد از من و اقرار
کند بولایتشان و اصحاب نار آنکسیست که راضی نشود و انکار کند بولایتشان و بشکند بیعت
و بیعتشان را و با او مقاتله و جنگ نماید بعد از من اول سوره منافقین بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاءک المنافقون قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله والله
یشهد ان المنافقین لکاذبون یعنی ای پیغمبر چون زمانیکه منافقان بسوی تو
بیایند و گویند شهادت میدهیم بدرستیکه تو رسول خدائی و منافق نیستیم و بدل
و زبان رسالتترا معتقدیم خدا میداند که تو رسول او هستی چرا او فرستاده است و
خدا شهادت میدهد بدرستیکه منافقان هر اینه دروغگو باشند در گواهی خود
پس شهادتشان دروغ باشد از کافی نقل شده که از جناب امام موسی کاظم علیه السلام
روایتست که فرموده بدرستیکه خدای تعالی کسانی را که متابعت رسول او را در ولایت وصی
علی بن ابیطالب علیه السلام منافقین نام گذاشته و قرار داده کسی را که انکار نماید
امامت وصی او را مانند کسیکه انکار رسالت محمد صلی الله علیه و آله نماید و نازل کرده
بجهت بیان این مطلب قرآنی را و مؤلف گوید چنانکه قرآن اسم همه آیاتست بعضی آیات قرآن
نیز مینامند که فی الحقیقه قرآن نام آنچیزیست که از آسمان جبرئیل آورده برای حضرت
رسول چه یک آیه و چه همه آیات پس خدای تعالی فرمود این آیه مبارکه را یا محمد اذا جاءک
المنافقون بولایة وصیک قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله و

الله یشهد ان المنافقین لکاذبون یعنی یا محمد زمانیکه بسوی تو بیایند منافقان در
ولایت وصی تو و گویند شهادت میدهیم بدرستیکه تو رسول خدا هستی و خدا می
داند تو رسول او هستی و خدا شهادت میدهد بدرستیکه منافقان در ولایت علی بن ابیطالب
هر اینه دروغگو باشند تا آخر حدیث آیه مبارکه اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا
عن سبیل الله یعنی فرا گرفتند منافقان سوگندان خود را که بدروغ میخورند سپر یعنی
انرا وقایه خود ساختند تا از قتل و اسیر ایمن شوند پس باز میدارند مردم عوام را به شهادت
باطله از راه حق که طریق اسلام است در تتمه حدیث سابق که از حضرت کاظم علیه السلام
روایت شد فرموده بعد از این آیه والسبیل هو الوصی انهم ساء ما کانوا یعملون
ذلک بانهم آمنوا برسالتک و کفروا بولایة وصیک فطبع الله علی قلوبهم فهم لا
یفقهون یقول لا یعقلون بنبوتک و اذا قیل لهم ارجعوا الی ولایة علی یستغفر
لکم النبی من ذنوبکم لووا رؤسهم قال الله و رایتهم یصدون عن ولایة علی و
هم مستکبرون علیه الحدیث یعنی سبیل الله همان وصی است بدرستیکه اینها یعنی منافقین
بد عملیست که میکنند از اظهار ایمان و خلاف آن بسبب انکار ولایت و منع مردمان
از راه خدا که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده این قول ایشان که شاهد است
بر بدی اعمال بسبب آنست که ایشان گرویدند برسالت تو پس نگرویدند بولایت وصی
تو پس مهر نهاد بر دلهای ایشان خدای تعالی تا بسبب این علامت ملائکه ایشانرا از اهل
ایمان امتیاز کنند و برایشان لعن کنند پس اینها نمیفهمند و نمیدانند نبوت ترا چه حقیقت
تصدیق بنبوت و دانستن آن مستلزم است که تصدیق نمایند بجمیع آنچه او میفرماید که از

جانب خدا است و با وصف این انکار ولایت وصی او چگونه جمیع مثبتین با قرار نبوت او
و تعقل این پس در حقیقت آنان که منکر ولایت اند منکر نبوت نیز هستند که چون گویند
منافقان را رجوع نمائید بسوی ولایت علی تا آمرزش طلبد برای شما پیغمبر از گناهان شما
بپیچند سرهای خود را یعنی رو بگردانند و سر بتابند چنانکه کسی از امر مکروهی رو
بگرداند و سر را بحرکت در آورد و بجهت اینست که خداوند عالم فرموده و می بینی تو ایشانرا
که اعراض میکنند از ولایت علی علیه السلام و ایشان گردنکشانند و تکبر میکنند بر آنجناب
آیهٔ مبارکه هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن یعنی او آنکسیست که بیافرید
سورهٔ تغابن
شما را ای آدمیان و از عدم بوجود آورد پس بعضی شما ایمان نیاوردند بخالقیت و وحدانیت
دهریان و مشرکان و برخی ایمان آوردند بخالقیت و وحدانیت او را چون اهل
ایمان خلاصه معنی این است که خدا آنکسیست که بر شما تفضل نموده اصل نعم خود را که
آن خلقت است و ایجاد از عدم و بجهت این واجب است بر شما که بنظر صحیح تفکر نمائید در نعمت
و معرفت او آنکسیست که خلق کرده است شما را بعضی از شما کافر شدید و بعضی ایمان
آوردید از کافی و قمی نقل شده که مرویست که از جناب صادق علیه السلام پرسیده
شد از معنی این آیه مبارکه پس فرمود خدای تعالی شناخته است ایمان خلایق را بولایت
ما و کفر ایشانرا بترک ولایت ما روزیکه پیمان گرفت برایشان در صلب حضرت آدم و حال
آنکه ایشان ذرات بودند یعنی در عالم ذر که اخذ کرد میثاق و عهد ولایت ما را هر کس که
سورهٔ تغابن
قبول کرد ولایت ما را شناخت که او مؤمن است و هر کس قبول نکرد و انکار نمود شناخت
که او کافر است آیه مبارکه فآمنوا بالله و رسوله والنور الذی انزلنا یعنی پس ایمان

بخدا

بخدا و رسول او و بنوریکه نازل کرده ایم از قمی نقل شده که گفته است نوریکه خداوند عالم
فرموده جناب امیر المؤمنین علیه السلام است از کافی نقل شده که از امام موسی کاظم
علیه السلام روایتست الامامة هی النور و ذلک قوله تعالی آمنوا بالله و رسوله والنور
الذی انزلنا قال النور هو الامام یعنی نور همان امام است و اینست معنی قول حق تعالی
که فرموده ایمان بیاورید بخدا و رسول او و بنوریکه ما نازل کرده ایم باز حضرت فرموده
نور او امام علیه السلام است مرویست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام سؤال
کردند از این آیه مبارکه فرمودند آن نوریکه خدا فرموده بخدا سوگند ائمه اند هر آینه نور
امام و روشنی او در دلهای مؤمنان روشن تر است از آفتاب روشن کننده در روز
سورهٔ تحریم
و ایشان یعنی ائمه روشن میگردانند دلهای مؤمنانرا و مستور میکند حق سبحانه نور ایشان
از هر کس که میخواهد او را عذاب میکند پس تاریک میشود دلهای ایشان و فرا میگیرد
آنها را آن ظلمت تاریکی آیه مبارکه فان الله هو مولیه و جبرئیل و صالح المؤمنین
والملائکة بعد ذلک ظهیر یعنی پس بدرستیکه خدا او است یار و مددکار پیغمبر و
جبرئیل نیز یار و مددکار او است و مردیکه صالح جمیع مؤمنان است و برگزیده اهل ایمان و
پیشوای متقیان یعنی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز یاری دهنده او است و فرشتگان
آسمان و زمین بعد از نصرت خدا و جبرئیل و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هم پشت و مدد
کار و معاون وی اند یعنی با وجود آنکه خدا و جبرئیل و صالح مؤمنین ناصر او است و
جمیع ملائکه نیز یاری دهنده او نیز اند از قمی نقل شده که از جناب امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده که صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است از مجمع نقل شده که از آن حضرت

نیز وارد است که فرموده هر اینه بتحقیق جناب رسول صلی الله علیه و آله در روز غدیر جناب
امیر المؤمنین علیه السلام را باصحاب بمردم شناسانید انما یکبار در روز غدیر خم فرمودند
من کنت مولاه فعلی مولاه و اما مرتبه ثانیه پس آن در وقتی بود که این آیه مبارکه
نازل گردید فان الله هو مولاه وجبریل وصالح المؤمنین پس گرفتند دست مبارک
جناب امیر المؤمنین علیه السلام را و فرمودند ایها الناس هذا صالح المؤمنین یعنی ای
مردم این علی صالح مؤمنین و بهترین ایشانست و در حدیث وارد است که اسما
بنت عمیس گفته از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودی و صالح المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام است صاحب مجمع گفته که روایت وارد شده از
طریق عامه و خاصه اینکه مراد از صالح مؤمنین جناب علی علیه السلام است آیه
مبارکه افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم یعنی آیا کسی که
میرود در حالتیکه فرو افتاده است بر روی خود یعنی نگونسار میرود و بجهت این در روی افتادن
پیش و پس و راست و چپ در را نمیبیند و نیز رهی نیابد و بر روی می افتد راه یافته تر است
یا آنکسیکه میرود در حالتیکه راست ایستاده است و همه جانب خود را مشاهده میکند و
بجهت آن سالم است از بسر در آمدن و بر رو افتادن و واضحتر راه راست که رساننده
او است بمقصد منقولست عن الکاظم علیه السلام سئل عن هذه الآیة فقال
ان الله ضرب مثلا من حاد عن ولایة علی علیه السلام کمن یمشی مکبا علی وجهه لا یهتدی
لامره وجعل من تبعه سویا علی صراط مستقیم والصراط المستقیم امیر المؤمنین یعنی
از کافی نقل شده که مرویست که از حضرت کاظم علیه السلام پرسیده شد از معنی این آیه

پس

پس فرمودند رسیتکه خدا زده است مثل کسی را که میل و اعراض کرده از ولایت جناب
علی علیه السلام باینکه مثل کسیست که نگونسار و بر رو بر رو راه نیابد بسوی امر خود
یعنی بسوی امر خود یعنی بسوی مصلحت خود که او را سبب نجات باشد و قرار داده است کسی را که
متابعت و پیروی او نماید راست ایستاده و واقع بر راه راست و صراط مستقیم جناب
امیر المؤمنین علیه السلام است آیه مبارکه فلما راوه زلفة سیئت وجوه
الذین کفروا وقیل هذا الذی کنتم به تدعون پس آن هنگام که ببینند وعده را در
حالتیکه آن نزدیک باشد و مشاهده ایشان شود زشت گردانیده روی ها آنانکه کافر
شده اند که گفته شود یعنی مومنان بایشان گویند که این آنست که پیوسته بآن طلب میکردید
و تعجیل و توقع آن میکردید عن الکافی عن الباقر علیه السلام هذه نزلت فی امیر المؤمنین
واصحابه الذین عملوا ما عملوا یرون امیر المؤمنین علیه السلام فی اغبط الاماکن
لهم فیسیء وجوههم ویقال هذا الذی کنتم به تدعون الذی انتحلتم یعنی از کافی
منقولست که از حضرت باقر علیه السلام مرویست که این آیه نازل شد در حق امیر المؤمنین
علیه السلام و همکنان او و یعنی آنهائیکه خود را مقابل حضرت میدانستند و کردند
آنچه کردند از تقدم بر آنحضرت و محاربه با او میبینند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
در جائیکه غبطه میبرند بآن بیش از همه جاها پس از مشاهده این حال زشت میشود روها
و گفته میشود مر آنها را این آنکسیست که بود بدادعا مینمودید بخود و را برای خود آن کسی
است که نام او را بخود بستید یعنی لفظ امیر المؤمنین نامی بود که خدا مخصوص آنجناب کرده است
و شما آن را نام خود قرار دادید که مردم شما را بآن بخوانند و از مجمع منقولست که از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام روایتست که فرموده پس چون به بینند مکان علی بن ابیطالب علیه
السلام را از پیغمبر صلی الله علیه و اله در روز قیامت یعنی قرب منزلت او را بجناب پیغمبر
صلی الله علیه و اله زشت و منکر میشود رویهای انها که کافر شدند از ثقات نقل شده که
گفته چون روز قیامت شود و نظر میکنند دشمنان جناب امیر المومنین علیه السلام بسوی
انجناب و نظر میمایند بسوی انچه خداوند عالم بانجناب عطا فرموده از کرامت و منزلت شریفه
عظیمه و زدست و لواء حمد است و بر سر حوض کوثر اب میدهد دوستان و شیعیان
خود و منع میفرماید دشمنان را از ان اب سیاه میشود رویهای دشمنان انحضرت پس گفته میشود
برانها هذا الذی کنتم به تدعون منزلته و موضعه و اسمه یعنی اینست انکس که
بودید در دار دنیا ادعا مینمودید منزلت او و جای او و نام او را یعنی جای و منزلت
او و نام مبارکش که امیر المومنین باشد بر خود قرار میدادید و ادعا میکردید پس منزلت
او که خلافت باشد غصب نمودید و نام او را بخود گذاشتید که مردم شما را امیر المومنین
بخوانند ایه مبارکه قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین یعنی
ای پیغمبر بگو ایا چه میبینید در اینکه اگر بگردد اب شما یعنی اب چاه زمزم و اب بئر میمون
حضرمی که هم مشرب شما اند فرو رفته بزمین چنانکه دلو و دست بان نرسد پس کیست
برای شما ابی ظاهر چنانکه همه کس ببیند و سهل باشد تناول ان عن الرضا انه قال
ان اصبح امامکم غائبا فمن یاتیکم بامام مثله از ثقات منقولست که گفته است ایا
چه می بینید اگر بگردد امام شما غائب از شما پس کیست که بیاورد برای شما امامی که مثل او
باشد یعنی خداوند عالم مثل زده امام زمان او شبیه فرموده غیبت انجناب را باب چاهی که فرو

رود چنانکه نه دست و نه دلو بان رسد و امام ظاهر را بمآء معین تشبیه نموده انتظام
است و همه کس میبیند و سهل التناولست مرویست که پرسیده شد از حضرت باقر
علیه السلام از تاویل این ایه پس فرمود چون نیابید امام خود را پس نبینید او را پس چیست
انکاری که میکنید و نیز از انحضرت مرویست که فرمود این ایه کریمه نازل شده در امام قائم
عجل الله فرجه خدا میفرماید اگر غائب شود امام شما از شما یعنی از دیدهای شما پنهان شود که
ندانید او در کجا است پس کیست انکه بیاورد برای شما امام ظاهری که بیاورد برای شما
خبرهای اسمانها و زمینها را و حلال خدا و حرام او را برساند بشما تا اخر حدیث ایه مبارکه
وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون
و ما هو الا ذکر للعالمین یعنی بدرستی که نزدیک بود انکسانیکه کافر شدند هر اینه
بلغزانند و بیفکنند ترا و هلاک کنند بچشمهای خود هنگام که میشنیدند قران میخواندی
و میگفتند از غایت حیرت بدرستی که این مرد دیوانه است که حرفی عادتا از و صادر میشود
انکه نیست قران مگر پندی و موعظه مر عالمیان را یا نیست محمد صلی الله علیه مگر شرف
عالمیان مرویست که جناب پیغمبر صلی الله علیه و اله در مسجد نشسته قران تلاوت می
فرمودند و ان جماعت بر در مسجد ایستاده انتظار میکشیدند تا حضرت از مسجد بیرون اید
تا اوا سبب چشم افتی رسانند جبرئیل این ایه اورد و گفت یا رسول الله این ایه را تلاوت فرما
تا از چشم زخم ایشان ایمن مانی حضرت این ایه بخواندند و بر خود دمیدند و از مسجد بیرون
امدند چون چشم انها بر انجناب افتاد کور شدند و بر و در افتادند و حضرت بسلامت گذشتند
از کافی و فقیه نقل شده که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مرویست اینکه گذر

جناب بمسجد غدیر افتاد نظر فرمودند بسوی جانب چپ مسجد پس فرمودند اینجا موضع قدم
مبارک جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشد آنوقتیکه میفرمودند مَن کُنتُ
مَولاهُ فَعَلیٌّ مَولاهُ یعنی هرکس را من مولای اویم پس علی بن ابیطالب علیه السلام مولی
او است بعد از ان نظر فرمودند بجانب دیگر مسجد پس فرمودند این موضع خیمهٔ ابی فلان
و فلان و سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیدة الجراح لعنهم الله پس چون دیدند دست مبارک
جناب امیر المؤمنین علیه السلام را بلند فرمود یعنی او را نشان بمردم میدهد و این
کلام را بزبان معجزبیان میفرمایند مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلیٌّ مَولاهُ برخی از انها ببعضی گفتند که
به بینید دو چشم او را که گردش میکند گویا این دو چشم چشمهای دیوانه میباشد یعنی حضرت
رسالت پناه بنقلد اهتمام که در امر علی بن ابی طالب علیه السلام مینماید از روی هوا نگیست
نه از روی عقل دلیل بر این دو چشمهایش بگردش افتاده مانند دیوانگان بعد از ان جبرئیل
نازل شد و این آیهٔ مبارکه را اورد وَاِن یَکادُ الَّذینَ کَفَروا الی اخر از نیز منقول است که در
معنی لَمّا سَمِعُوا الذِّکرَ گفته است که چون خبر داد حضرت رسالت انها را بفضائل جناب امیر المؤمنین
علیه السلام وَما هُوَ یعنی امیر المؤمنین اِلّا ذِکرٌ لِلعالَمینَ یعنی مگر شرف برای عالمیان
بخصوص این آیهٔ مبارکه برای دفع چشم زخم بسیار مؤثر است و از بسیاری از روایات مستفاد
میشود که چشم بد مؤثر است و از انجمله اینست که اِنَّ العَینَ لَتُدخِلُ الرَّجُلَ القَبرَ وَالجَمَلَ
القِدرَ یعنی چشم بد مرد را داخل قبر و اشتر را داخل دیگ میکند آیهٔ مبارکه وَتَعِیَها
اُذُنٌ واعِیَةٌ یعنی نگه دارد این پند را گوش نگهدارنده که نفع گیرد از انچه شنود و تفکر
ان نماید و بعمل خیر اقدام کند آورده اند که این آیهٔ مبارکه در شان جناب علی بن ابیطالب

علیه السلام نازل شده از کافی نقل شده که از جناب صادق علیه السلام روایتست که
چون این آیهٔ شریفه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند هِیَ اُذُنُکَ یا
علی یعنی آن گوش که خدا در وصف او فرمود اُذُنٌ واعِیَةٌ گوش تست یا علی در حدیث
دیگر است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود رسول
خدا صلی الله علیه و آله مرا در بر خود کشید و مرا بر سینهٔ خود چسبانید و فرمود
که یا علی مرا خدا تعالی امر فرموده که ترا نزدیک خود خوانم و دور نگردانم و ترا تعلیم نمایم و
فی روایةٍ لَمّا نَزَلَت قالَ اَللّهُمَّ اجعَلها اُذُنَ عَلیٍّ ثُمَّ قالَ عَلیٌّ عَلَیهِ السَّلامُ فَما
سَمِعتُ شَیئاً مِن رَسولِ اللهِ فَنَسیتُهُ وَزادَ فی اُخری وَما کانَ لی اَن اَنسی یعنی که در روایتی
وارد شده که چون این آیهٔ مبارکه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرگاه
احدیت عرض کردند بار الها ان گوش را که وصف فرمودی گوش علی بگردان جناب امیر المؤمنین
علیه السلام میفرمایند پس از این دعا که حضرت رسالت فرمود پس نشنیدم چیزی را از
جناب رسول خدا که پس از شنیدن او را فراموش کرده باشم و در روایت دیگر این فقره
را زیاد فرمود و سزاوار نبود مرا اینکه فراموش کنم زیرا که دعا آنحضرت در حقم شد
آیهٔ مبارکه اِنَّهُ لَقَولُ رَسولٍ کَریمٍ وَما هُوَ بِقَولِ شاعِرٍ قَلیلاً ما تُؤمِنونَ وَ
لا بِقَولِ کاهِنٍ قَلیلاً ما تَذَکَّرونَ تَنزیلٌ مِن رَبِّ العالَمینَ وَلَو تَقَوَّلَ عَلَینا
بَعضَ الاَقاویلِ لَاَخَذنا مِنهُ بِالیَمینِ ثُمَّ لَقَطَعنا مِنهُ الوَتینَ فَما مِنکُم مِن
اَحَدٍ عَنهُ حاجِزینَ یعنی بدرستیکه قران هر اینه گفتار رسولیست بزرگوار از نزد خدا
که اینرا بندگان میخوانند که نه خود برمیبافد و نیست قران سخن شاعر چنانکه ابوجهل و

اتباع او از کفار و منافقان میگویند اندک تصدیق میکنند انرا و نسبت قران بسحر کسی
که از روی سحر اخبار میکند بمغیبات چنانکه عتبه و اتباع او میگویند اندک متذکر میشوند
باین و معجزه را از شعر و کهانت اشتباه نمیکنند که قران فرستاده شده است بمحمد صلی الله
علیه و آله از نزد پروردگار عالمیان بواسطه جبرئیل و اگر افترا کند محمد صلی الله علیه
و آله و بدروغ به بندد بر ما بعضی سخنان را چنانکه گمان شما است هر اینه بگیریم از وی دست
راست او را پس ببریم از و رگ دل او را که متصل است بگردن تا بن تصور هلاک او است یعنی
او را بکیفر بقوت او را بقتل رسانیم پس نیست از شما هیچکس یعنی نیستید همه شما از قتل
او منع کنندگان از کافی نقل شده که از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایتست که
مراد از انه لقول رسول کریم آنست که جناب رسول خدا در ولایت جناب علی بن ابیطالب
علیه السلام مبغوضها بد بدرستی که نقل شده که ان هر اینه گفته جبرئیلست از جانب
خدا تعالی حضرت کاظم علیه السلام فرمودند که منافقان گفتند که بدرستی محمد دروغ
می بندد بر پروردگار خود و امر نفرموده است خدا او را باینکه میگوید در حق علی علیه السلام
پس خدا تعالی بجهت تکذیب آن ملعونان قرانی فرستاد پس فرمود ان ولایة علی تنزیل من
رب العالمین بدرستی که ولایت علی فرستاده شده است از نزد پروردگار عالمیان
پس خواندند باقی آیات را از ولو تقول علینا تا حاجزین پس فرمودند این بگرد بعد
از انست که مناسب مقام بود که ترجمه میشود و آیه اینست و انه لتذکرة للمتقین
و انا لنعلم ان منکم مکذبین و انه لحسرة علی الکافرین و انه لحق الیقین فسبح باسم
ربک العظیم یعنی و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب هر اینه پندیست مر پرهیزکاران را

بحمایند

چه ایشانند که بان منتفع میشوند نه غیر ایشان و بدرستی که ما هر اینه میدانیم که
بعضی از شما ای مردمان تکذیب میکنید حضرت رسالت را در انچه در حق علی علیه السلام
میفرماید و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام سبب حسرتست بر کافرین و فاسقینکه
ثواب کسانیکه تولای انجناب نموده اند ببینند و بدرستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام
هر اینه محض حق و راستست و بیگمان که هیچ شکی در ان نیست که از نزد خدا تعالی نازل
شده است پس شکر کن پروردگار خود را که بزرگست آن پروردگاری که بخشیده است بتو
این فضیلت یعنی امامت را که علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد او که ذریه رسول
خدا هستند بخشیده فضیلتیکه برسول خدا داده او را بجهت این امر بشکر فرمود و از عیاشی
منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند چون جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله دست مبارک جناب امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتند پس اشکارا
کردانیدند ولایت انجناب را فلان و فلان با همدیگر گفتند که قسم بخدا نیست این از جانب خدا
و نیست این مگر چیزیکه میخواهد صاحب شرف و عزت کرداند بسبب ان پسرعم خود را پس خداوند
عالم نازل فرمود این ایه مبارکه را ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین
ثم لقطعنا منه الوتین تا اخر ایات که گذشت یعنی هرگاه محمد بدروغ ببندد بعضی از خود
سخنها را که در اظهار ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد هر اینه بگیریم از وی دست
راست او را پس ببریم از و رگ دل او را که متصلست بگردن یعنی محمد صلی الله علیه و آله
از پیش خود و بخواهش و میل نمیگوید که علی بن ابیطالب صاحب ولایتست خلیفه است بحق
بعد از نبی هرگاه محمد چنین امری را از خود در بیاورد و آنرا نسبت بما دهد و بما به بندد هر

ایشان را بقوت وقدرت بقتل رسانیم دروغ میگوید فلان وفلان ودرست وراست
میگوید محمد صلی الله علیه وآله میگوید مکرر از جانب خداوند عالم که علی را خدا نصب فرموده
واخذ کرده میثاق ولایت او را اللهم العن فلانا وفلانا اول سوره مبارکه معارج
بسم الله الرحمن الرحیم سأل سائل بعذاب واقع للکافرین لیس له دافع یعنی
درخواست خواهنده عذابی فرود آینده برای کافران که از ایشان نیست مر آن عذاب را دفع کننده
وباز دارنده از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که جناب رسول خدا
صلی الله علیه وآله جناب شاه ولایت مآب را در روز غدیر خم منصب خلافت داده اند
وقائم مقام وخلیفه خود کردانیدند ودر حق او فرمودند که هر کس که من مولای او
وصاحب تصرف در امور او هستم پس علی مولای او وصاحب تصرف در امور دین او است این
خبر چون باطراف عالم منتشر وکوش زد جمیع بشر کردید حارث بن نعمان فهری لع
بر ناقه خود نشسته متوجه مدینه کردید تا بحضرت رسول صلی الله علیه وآله رسید با مجادله
کند چون بمجلس آنحضرت در آمد دید که مجلس از مهاجر وانصار مملو بود کفت یا محمد تو ما را
بکلمه شهادت دلالت کردی از تو قبول کردیم وبه نماز وبپا داشتن نمازهای پنجکانه دعوت
نمودی قبول کردیم با اینها همه راضی نشدی تا اینکه دست این پسر را کرفتی وکفتی من کنت مولاه فعلی مولاه این
کار را بامر خدا کردی یا آنحضرت فرمودند قسم بخدا اینکه بغیر از او خدائی نیست هر چه در حق
علی کفته ام وبمردم رسانیده ام بحکم خدا بوده نه باندیشه وتدبیر من چون حارث این
سخن را شنید روی خود از آن قبلة السلام بر کردانید وبرخواست وکفت خدایا اکر
محمد میکوید در حق علی کفته ام وبمردم رسانیده ام اکر راستست بر امر تست برما سنک ببار

بجز

چون آن ملعون این را کفت فی الفور سنکی از آسمان بر سرش خورد واز دبرش بیرون
رفت وبدرک اسفل سیافی در رسید خدا این آیه مبارکه نازل کرد که سأل سائل بعذاب
واقع آیه مبارکه رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین و
المؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا یعنی ای پروردکار من بیامرز مرا واز زلت
اولی وترک مندوب بعفو فرما وبیامرز پدر مرا وپدرش ملک بن متوشلخ ومادرش شمخا
بنت انوش وابن هر دو از صلحا واهل ایمان بودند وبیامرز هر کسی را که در آید در خانه
من در حالتیکه مؤمن بود وبیامرز مردان مؤمن وزنان مؤمنه را که قبل از من بوده اند وبعد
از من پیدا شوند تا روز قیامت ومیفزا ستمکاران را یعنی کافران را در کفر که از حد در کذشته
اند مکر هلاکت وعقوبت را وآنکه نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام روایتست
یعنی الولایة من دخل فی الولایة دخل فی بیت الانبیاء یعنی مقصود از لفظ بیت ولایت
است هر کس داخل شود در ولایت داخل شده است در خانه پیغمبران یعنی خانه نبوت از
خشت وکل نیست بلکه خاندان ولایت واوصیا اوست پس هر که در آید در ولایت اوصیا
داخل خانه انبیا است وشمول دعای نوح علی نبینا وعلیه السلام خواهد بود ودر جلد دیگر مجلسی
علیه الرحمه روایت کرده است که مراد از بیت بیت معمور است یعنی خانه آباد که عزت
کرامت اسلام وایمانست پس هر که ولایت ایشان اختیار نماید داخل آباده ایشان کرده
دعای که حضرت نوح علیه السلام دعا نموده شامل وی میشود که پروردکارا بیامرز هر که
داخل بیت شود یعنی داخل ولایت اهل بیت رسول خدا شود وبعضی کفته اند مراد خانه محمد
صلی الله علیه وآله است در حقیقت آنهم داخل ولایت اهل بیت علیهم السلام شده است

در سوره جن

آیهٔ مبارکه فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا یعنی پس هر که گردن نهاد حکم خدا را
پس انکرو‌ه کردن نهادکان قصد کردند راه راست را از فتحی نقل شده که از جناب امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که مراد از من اسلم کسانی اند که اقرار بولایت
ما کرده اند متم آیهٔ مبارکه واما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا یعنی اما بیرون روندگان
از طریق حق پس باشند در آخرت مر دوزخ را هیمه که باینها دوزخ افروخته میشود
این آیهٔ مبارکه بملاحظهٔ آیهٔ سابقه دلالت دارد باینکه دلالت حضرت امیر المومنین علیه السلام
با قاسطین مقاتله و جنگ فرموده حتی اینکه از او صاف خاصهٔ آنحضرت قاتل الناکثین و
القاسطین والمارقین است از همهٔ اینها مستفاد میشود که مراد از این آیه بیزدشمنان جناب
علی بن ابی طالب علیه السلام باشند آیهٔ مبارکه وان لو استقاموا على الطريقة
لاسقیناهم ماء غدقا یعنی و دیگر وحی کرده شده است بمن که اگر مستقیم شوند اهل مکه
بر طریقه یعنی بر افضل طریق که دین اسلام است هر اینه بدهیم و بیاشامانیم ایشان را
آب بسیار مراد از آن سعت رزق وکثرت مال و منال که لازم باران است از حضرت
صادق علیه السلام روایت که در معنی لاسقیناهم فرموده که هر اینه بخشیم انها را
علم بسیاری که یاد میگیرند آنرا از ائمه صلوات الله علیهم و عن الکافی عن الباقر علیه السلام
یعنی لو استقاموا علی ولایة امیر المومنین علی علیه السلام والاوصیاء من ولده و
قبلوا طاعتهم فی امرهم ونهیهم لاسقیناهم ماء غدقا یقول لاشربنا قلوبهم الایمان
از کافی منقول است که از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت یعنی اگر مستقیم شوند
بر ولایت جناب امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام و اوصیا که از اولاد او هستند

وقبول

در سوره جن

وقبول نمایند اطاعت ایشان را در امر و نهی و در معنی لاسقیناهم فرموده که یعنی هر اینه بیاشامانیم
بدلهای ایشان ایمان را آیهٔ مبارکه ومن یعرض عن ذکر ربه یسلکه عذابا صعدا
یعنی هر کس اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آورد خدا او را در عذابی سخت که
فوق طاقت او است عن القمی عن ابن عباس قال ذکر ربه ولایة علی بن ابی طالب علیه السلام
از قمی نقل شده که از ابن عباس روایت کرده که گفته مراد از ذکر پروردگار ولایت جناب
علی بن ابی طالب علیه السلام است هر کس اعراض نماید و روگرداند از ولایت آنحضرت
خداوند عالم عذاب سخت و شاق میکند او را که طاقت نداشته باشد آیهٔ مبارکه
وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا یعنی و دیگر وحی کرده شده است بمن بدرستیکه
مسجدها برای خدا است مخوانید بغیر از خدا کسی را یعنی غیر او را در آنها پرستش مکنید
از کافی منقول است که از جناب صادق علیه السلام و عیاشی از جناب امام محمد تقی جواد
علیه السلام و قمی هم مثل این حدیث از جناب امام رضا علیه السلام و از کافی نیز
منقول است که از جناب کاظم علیه السلام مثل این روایت شده که فرموده اند صلوات
الله علیهم اجمعین بدرستیکه مراد از مساجد اوصیا و ائمه هستند و در حدیث وارد شده
است شرک بر خدا انکار ولایت جناب علی بن ابیطالب علیه السلام است که دیگری را
بر او ترجیح میدهند و خدا هرگز نخواهد بخشید آنها را آیهٔ مبارکه قل انما ادعوا
ربی ولا اشرك به احدا قل انی لا املك لكم ضرا ولا رشدا یعنی بگو ای محمد جز این نیست
که میخوانم پروردگار خود را و شریك قرار نمیدهم با او سبحانه احدی را بگو ای محمد بدرستی
که من مالك نیستم از برای شما دفع ضرری را و نه رسانیدن خیر و صلاح یعنی بغیر از خدا

احدی و لا اضع ضرر و رسانندهٔ خیر نیست بلکه من مامورم بتبلیغ رسالت و مبعوث بدین
اسلام و هدایت و ارشاد نه بغیر آن از کافی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایت
شده است که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندند مردم را بسوی ولایت علی بن ابی طالب
علیه السلام پس جمع شدند طایفهٔ قریش و گفتند یا محمد ما را واگذار از این تکلیف پس
حضرت فرمودند که گذشتن از این تکلیف مفوض است بسوی خدا یعنی اختیار این امر با من
نیست چون این تکلیف از جانب خدا است گذشتن از این تکلیف هم با خدا است و تفویض
این امر هم بسوی من نشده که من بگذرم پس آنحضرت را متهم ساختند یعنی گمان کردند که از جانب
خود میگوید و خود میل دارد و اگر رای آنجناب تعلق بگیرد که این تکلیف را از ما بر دارد میشود
و هر آینه بر میدارد و با این حال که او را متهم ساختند بیرون رفتند نزد آنجناب پس نازل
فرمود خدا تعالی این آیهٔ مبارکه را قل انی لا املک لکم ضرا و لا رشدا یعنی بگو بمردم که
من مالک خیر و ضرر نیستم یعنی صاحب اختیار نیستم در این امر که بتوانم از جانب خود
ولایت علی علیه السلام را لازم گردانم تا اینکه از جانب خود نفع آن کنم بلکه حکم از جانب
خدا شده که علی بن ابی طالب علیه السلام را ولی و خلیفه قرار بدهم و تتمهٔ آیهٔ مبارکه که در
سورهٔ جن است قل انی لن یجیرنی من الله احد و لن اجد من دونه ملتحدا الا بلاغا
من الله و رسالاته یعنی بگو ای محمد که کسی هرگز زینهار ندهد مرا و پناه خود نگیرد مرا از عذاب
خدا احدی یعنی اگر خلاف قول و امر خدا را بکنم و او بخواهد که مرا بضرری رساند از ضرر
و انواع ابتلا کسی مرا حمایت نتوان کرد و از آن نجات نتواند داد و نمییابم هرگز بجز او ملجا و
پناهی که روی بدان آوردم و از آن بلیه نجات یابم الحاصل پیغمبر خود را فرمود که بگو من مالک

رغ

نفع و ضرر نیستم برای شما مگر رسانیدن که از جانب خدا تعالی است و پیغامهای او یعنی
ادای احکام که بمن ارسال فرموده از کافی نقل شده که از امام موسی کاظم علیه السلام
روایتست که آنحضرت چنین تلاوت فرمودند که الا بلاغا من الله و رسالاته فی علی قیل هذا
تنزیل قال نعم یعنی مگر رسانیدن که از جانب خدا است و پیغامهای او و سخنانیکه در باب
جناب علی بن ابیطالب علیه السلام بمن ارسال شده عرض شد بخدمت آنحضرت که این آیهٔ شریفه
بهمین قسم نازل شده است یا آنکه معنی باطن آیه است آیهٔ مبارکه و من یعص الله و رسوله
فان له نار جهنم خالدین فیها ابدا یعنی و هر کس نافرمانی کند خدا را در پرستش او و رسول
او را در امر و نهی پس بدرستی که برای او است آتش جهنم در حالیکه جاوید بوده باشند در آن
همیشه در تتمهٔ حدیث سابق وارد شده که آنحضرت فرمودند مراد اینست که کسی که عصیان
خدا و رسول نماید در ولایت جناب علی بن ابی طالب علیه السلام که اشد معاصیست از برای
او است آتش دوزخ در حالیکه جاوید بوده باشند همیشه یعنی خلود در آتش دوزخ مؤلف گوید
مخالفت بر خدا و رسول در ولایت جناب مولای متقیان علیه السلام کفر است و شرک بخدا است چنانکه
در مقام خود ذکر شده بدیهی است کافر هم از اهل دوزخ است انکار بر ولایت آنحضرت اشد
مقام آن از معصیت بالاتر است چرا که هر معصیت را حد و مرتبه هست که بتوبه اصلاح میشود
منکرین ولایت را چه جای توبه است که خداوند هرگز نخواهد گذشت پس مقام کفر است بلکه
باعتقاد حقیر کفار را جای ترحم و احتمال تخفیف است و لکن مبغضین جناب امیر المؤمنین علیه السلام
را رحم و تخفیف نیست تتمهٔ آیهٔ مبارکه حتی اذا راوا ما یوعدون فسیعلمون من اضعف ناصرا و
اقل عددا یعنی تا وقتیکه ببینند آنچه وعده داده میشدند پس زود باشد که بدانند چون

عذاب موعود را ببینند از گروه مؤمن و مشرک که کیست ضعیف‌تر از جهت یاور و مددگار
و کیست کمتر از روی عدد یعنی عدد یاران که کمتر خواهد بود و در تتمه حدیث سابق وارد
شده که آنحضرت فرمودند که مقصود از این کلام حضرت قائم عجل الله فرجه میباشد و از قمی
منقولست که گفته مراد حضرت قائم عجل الله فرجه و امیر المؤمنین علیهما السلام است یعنی
خواهند دانست که این دو بزرگوار ضعیف‌ترند از جهت یار و کمترند از روی عدد یا ظالمان
آل محمد و آیه مبارکه عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول سوره جن
یعنی او است داننده پوشیدها پس آشکار نسازد و مطلع نگرداند بر غیبی که مخصوص است
بعلم او احدی را مگر آنکس را که پسندیده و برگزیده باشد از فرستادها یعنی مگر رسول خود را از حضرت
ثامن الائمه اولیا جناب امام رضا علیه السلام منقولست که فرمودند حضرت ختمی مآب صلی الله
علیه و آله نزد خدا پسندیده و برگزیده است و ما یعنی ائمه وارثان آن رسولیم که هستیم که خدای تعالی
مطلع کرده او را بر آنچیزیکه میخواهد از غیب خود پس ما دانستیم هرچیزیکه بود و میباشد تا
روز قیامت و آیه مبارکه فلا صدق و لا صلی و لکن کذب و تولی ثم ذهب الی اهله یتمطی سوره قیامت
یعنی پس تصدیق نکرد و نماز نکرد بر رسول یا بقرآن یا اینکه صدقه نداد از آنچه واجب مال او بود
و لکن تکذیب کرد او را و برگشت از او پس رفت بسوی کسان خود و میخرامید از روی افتخار
که من تکذیب کرده‌ام و برگشته‌ام از محمد و تابع او نشده‌ام از قمی نقل شده که گفته است سبب
نزول این آیه مبارکه آنست که بدرستی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندند مردم را
بسوی بیعت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر خم پس چون تبلیغ نمودند مردم را
و خبر دادند ایشان را از زبان علی بن ابیطالب علیه السلام آنچه را خواست خبر کند و بگوید

آنرا

از آن مردم برگشتند پس تکیه کرد معاویه علیه الهاویه بر مغیرة بن شعبه و بر ابو موسی
اشعری بعد از آن دو کرده میخرامید بجانب کسان خود و میگفت ما اقرار نمیکنیم برای علی بن
ابیطالب علیهما السلام و تصدیق نمیکنیم گفته محمد صلی الله علیه و آله را پس از آن خدای عز
و جل نازل فرمود در شان آن ملعون این آیه مبارکه را فلا صدق و لا صلی و لکن کذب و
تولی ثم ذهب الی اهله یتمطی تمام آیه مبارکه اولی لک فاولی ثم اولی لک فاولی یعنی پس
سزاوار است مر ترا ای کافر معاند شدت هلاکت در دنیا پس سزاوار است مر ترا عذاب در قبر
پس نیک باشد ترا هول قیامت پس نهایت سزاوار است ترا خلود در دوزخ زیرا که تو
قول محمد را تکذیب کردی پس بعد از نزول این آیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله بالای منبر رفتند و
حال آنکه میخواستند بیزاری بجویند از آن ملعون پس خدای تعالی نازل فرمود لا تحرک به لسانک
لتعجل به یعنی مجنبان ای محمد باظهار برائت از آن ملعون زبان خود را تا تعجیل کنی برسوا کردن
آن ملعون پس حضرت ساکت شدند و نام نحس آن ملعون را بر زبان جاری نکردند از مجمع البیان نقل
شده که مرویست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله دست ابو جهل علیه اللعنه را گرفتند
پس فرمودند اولی لک فاولی ابو جهل گفت یا محمد بچه چیز مرا میترسانی تو و خدای تو هیچ
نمیتوانید کاری بمن بکنید بدرستیکه من عزیزترین اهل این وادی یعنی اهل مکه هستم
پس خدای تعالی همانطور که حضرت رسول با ابی جهل فرموده بودند نازل کرد و بروایتی پس حضرت
رسول صلی الله علیه و آله ابو جهل را در بطحا دیدند (بعد از نزول این آیه) و جامه‌اش بگرفت و این فرمایش فرمودند و آن
ملعون آن جواب را داد و چون روز بدر شد و آن ملعون قوت قریش و ضعف لشکر جناب
پیغمبر صلی الله علیه و آله را دید هیچ شک نکرد در این که ایشان بر پیغمبر غالب میشوند دیدی

بر پیغمبر غالب شوند روی برسول کرد و گفت پس ازین و زخدای خود را میترسیت که ترا
ذلیل کرد اینک چون جنگ بهم در پیوست خداوند ابوجهل ملعون را مغلوب ساخت
و قریش شکست خوردند عبد الله که مردی پیر بود در کمال ضعف و ناتوانی میان کشتگان
می گشت هر کرا رمقی یافت میکشت چنانکه از عبد الله مرویست که گفت ابوجهل را
دیدم در آن معرکه در میان کشتگان افتاده بود پای او را گرفتم و از میان کشتگان بیرون
آوردم و پای بر پشتش نهادم چشم باز کرد مرا دید گفت پای بر بلندی نهادهٔ گفتم
ای ملعون باین حالت رسیدی و ترک تکبر نمیکنی گفت یا عبد الله میدانم تو مرا میکشی و لیکن
ترا سه وصیت میکنم قبول کن اول آنکه محمد را بگو که در جهان از تو دشمن تر نداشتم
دوم آنکه مرا بشمشیر من بکش سیم آنکه سر مرا از سینه ببر نزد محمد صلی الله علیه و آله
ببر تا او را خوش آید گفتم بخدا که خدا ترا دشمن دارد از آنکه تو محمد را دشمن داری و الله
که بغیر از شمشیر خود ترا نکشم زیرا که شمشیر عبد سنگین و خوار بود در نظر ابوجهل و
سرت را از بیخ ببرم تا از همه کس حقیر تر باشی پس گفت سرش را بریدم و خواستم که بردارم
قوت نداشتم ریسمانی بر سرش بستم و میکشیدم تا بنزدیک رسول خدا آوردم حضرت
مرا ببهشت بشارت داد و خدا را شکر کرد و فرمود که هر امتی را فرعونی بوده است و
فرعون امت من ابوجهل بود سورهٔ دهر بسم الله الرحمن الرحیم هل اتی علی الانسان
الی آخرها در شان جناب علی بن ابی طالب و فاطمه علیهما السلام نازل شده بنا بر روایت ابو حمزه
ثمالی چنانکه در مجمع البیان نسبت باو داده و صاحب مجمع گفته که روایت کرده اند
خاص و عام یعنی شیعه و سنی بدرستی که ابانا زینبوره که اول آن قول حق تعالی است ان

سورهٔ هل اتی

الابرار تا اینجا که فرموده و کان سعیکم مشکورا نازل شده در بارهٔ جناب علی بن ابی
طالب و جناب فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خادمه ایشان بود و همین اخبار است
که روایت شده از ابن عباس و مجاهد و ابی صالح تا اینجا کلام صاحب مجمع است و صاحب
خلاصة المنهج گفته که باید دانست که باتفاق جمیع اهل حق که امامیه اند و معظم اهل سنت
این آیه که ان الابرار بوده باشد تا آنچه بعد از این است در شان حضرت امیر المؤمنین علی و فاطمه
و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خادمه ایشان بود نازل شده و از جمله آنها ثعلبی که
از اعاظم اهل سنت باسانید خود شان در تفسیر خود بر این توجیه آورده که این شریفه
ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا تا آخر بلکه تمام سوره در شان اهل بیت
کرام علیهم السلام نزول یافته معنی آیه مبارکه یعنی بدرستی که نیکوکاران بندگان کرمان
بر دارند می آشامند در آخرت از جام خمری که باشد آمیزش او ممزوج و مخلوط است
کافور یعنی بوی کافور آمیخته شده با آن خمر که در آن جام است او را خوشبو کرده و کافور
بهشت بر خلاف کافور دنیا است و این معنی را بعضی گفته اند و مرویست که کافور چشمه
ایست در بهشت خوشبو و سفید آیهٔ مبارکه یوفون بالنذر و یخافون یوما
کان شره مستطیرا و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا انما
نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا یعنی وفا میکنند بنذر که در او طاعت
کنند و میترسند از روزیکه هست بلای او یعنی شدت و هول آن فاش و آشکارا همه
اهل عصیان و طغیان رسیده و بجمیع اقطار منتشر گشته و میدهند خوردنی را و نفقه
میکنند او را بر دوستی او درویش بینوا را و طفل کوچک بی پدر را و اسیر را که بدار الحرب

سورهٔ هل اتی

کرهنه باشند بعد از ان حق تعالی از خلوص نیت ایشان خبر میدهد که جز این نیست میخورانیم
شما را ای اهل استحقاق این طعامها را برای رضای خدا نمیخواهیم از شما پاداش و مکافات
بران و نه شکرگذاری چه در احسان منت نهادن و توقع جزا کردن ثواب را باطل میکند صاحب
خلاصة المنهج گفته که در سبب نزول این آیه مبارکه ذکر کرده اند که در بعضی ایام جناب امام
حسن و جناب امام حسین علیهما السلام مریض شدند حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
با جمعی اصحاب بعیادت ان دو نور دیده مرتضی و میوه دل زهرا رفتند و بحضرت شاه اولیا
فرمود که یا ابا الحسن از برای دو نور دیده خود نذری کن تا حضرت قاضی الحاجات ایشانرا
شفا دهد و لباس صحت و عافیت بر ایشان بپوشاند پس ان سید اوصیا نذر فرمود
اگر حق تعالی فرزندانم را شفا دهد سه روز روزه بدارند چون انحضرت نذر فرمود
حضرت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و خادمه ایشان فضه نیز موافقت فرمودند
و چون حق تعالی لباس عافیت بر ایشان پوشانید عزیمت کردند که بنذر خود قیام نمایند
نیت روزه نمودند حضرت فاطمه سلام الله علیها در روز اول یکصاع جو آرد کرده و
پنج قرص نان پخت و چون شب آمد نماز شام ادا فرمودند و طعامی که مهیا ساخته بودند
حاضر کردند که افطار کنند ناگاه آوازی بگوش ایشان رسید که السلام علیکم
یا اهل بیت محمد من مسکینی هستم از مساکین و محتاج و گرسنه ام مرا طعامی دهید
تا حق تعالی شما را از موائد جنت محظوظ گرداند پس میر اوصیا و سید اسخیا قرص
خود را باو تصدق فرمود و اهل بیت همه بان مقتدا اقتدا نمودند در آنشب با بحال
افطار فرمودند و فضه نیز قرص خود را تصدق نمود روز دوم حضرت فاطمه بر همچو روز

اول

اول پنج قرص مهیا ساخت و چون شب در آمد خواستند که افطار کنند ناگاه آوازی امد
بگوش ایشان رسید که یا اهل بیت محمد یتیمی هستم بر در سرای شما گرسنه مرا طعام دهید
پس شاه اوصیا قرص خود را باو تصدق فرمود و اهل بیت و فضه نیز همه بمتابعت او کردند
و در آنشب نیز با آب افطار نمودند و در روز سیم آنسیده طاهره پنج قرص دیگر پخت و چون
خواستند که افطار کنند ناگاه آوازی بگوش ایشان رسید که من اسیری هستم از
اسیران محمد صلی الله علیه و آله و گرسنه ام مرا طعامی دهید تا حق تعالی شما را از خوان
حظ کامل و نصیبی شامل ارزانی فرماید شاه اولیا قرص خود را داد و فاطمه و حسن و حسین
سلام الله علیهم نیز قرصهای خود را بان اسیر بخشیدند و در آنشب نیز با آب افطار نمودند
روز چهارم میر اولیا و امیر و سرادست حسن مجتبی و حسین سید الشهدا را گرفته بخدمت
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند و ان دو نور دیده زهرا از جوع میلرزیدند
چون چشم مبارک انحضرت رسالت بایشان افتاد فرمود یا ابا الحسن این معصومان چه حال
دارند که چنین ضعیف و ناتوان شده اند شاه اولیا صورت حال را بعرض سرور انبیا
رسانید انحضرت بجانب خانه نور دیده خود فاطمه علیها سلام روان شدند و چون بحجره
طاهره زهرا در آمد دید که حضرت فاطمه در مصلای خود نشسته مشغول عبادتست و
از بی قوتی و گرسنگی شکم او به پشت چسبیده پس انحضرت قرة العین خود را باین حالت
دیده آه از نهاد مبارکش بر آمد گفت واغوثاه یا الله اهل بیت محمد میمیرند از جوع
یعنی ای خداوند عالمیان اهل بیت پیغمبر تو از گرسنگی میخواهند مرد پس جبرئیل از جانب
ملک جلیل در رسید و گفت یا محمد بگیر این را و خوش باش بان کرامتی که خدای تعالی در حق

و من سوره هل اتی

اهل بیت تو فرموده است و سورهٔ هَلْ اَتٰی عَلَی الْاِنْسَانِ حِیْنٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَکُنْ شَیْئًا
مَذْکُوْرًا تا اخر باختصاص بدانست بمود معنی ایه مبارکه بنا بر انچه منقولست از تفسیر اهل
بیت که مراد از انسان علی بن ابی طالب علیه السلام است و هل استفهام و بمعنی نفی است
نه بمعنی تحقیق چنانکه سایر مفسرین تفسیر کرده اند است که هیچ زمانی نگذشت که جناب
امیر المؤمنین علیه السلام در ان زمان مذکور نشود بلکه همیشه معروف و مذکور
بود و چگونه چنین نباشد که نام شریفش با نام خدا و رسول او بر پایهٔ عرش و بر در بهشت
نوشته باشند پیش از خلق عالم از مناقب خوارزمی منقولست که از جابر بن عبد الله
انصاری نقل شده که پیغمبر فرمود بر در بهشت نوشته است لا اله الا الله محمد رسول
الله علی بن ابی طالب اخو رسول الله پیش از انکه خلق کند اسمانها و زمینها را بدو هزار
سال و ثوبة بن ثولست نزول این سوره در حق اهل بیت باجماع امامیه و جمهور سنیه
چنانکه مذکور شد ایهٔ مبارکه وَسَقٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُوْرًا و بیاشاماند پروردگار
ایشان شرابی پاک از دنس و ارجاس و پاک کننده از غل و حسد و سایر صفات ذمیمه
وارد شده است که دو چشمه هست در بهشت که هر دو مختص اهل بیت است که ان
کافور و زنجبیل است و انرا سلسبیل خوانند و شراب طهور نیز از ایشانست و در
تفسیر ایهٔ سابقه گذشت که کافور چشمه ایست بسیار سفید و روایت شده که درب در
اینجا یعنی در این ایه مبارکه بمعنی سید است چنانکه خداوند عالم در سوره مبارکه یوسف
فرموده اُذْکُرْنِیْ عِنْدَ رَبِّکَ که جناب یوسف در زندان بان شخص که از انجا خلاص شدنی
بود و صاحب املاک میشد فرمود که مراد از رب سید خود که پادشاه و عزیز مصر است ذکر کن و بیاد

او

و من سوره والمرسلات

او یعنی سعی کن در خلاص من و مراد از رب که در ایه مبارکه وَسَقٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا
طَهُوْرًا جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی اب سید اهل ایشان است و سید ایشان علی
ابن ابی طالب صلوات الله علیه که ساقی اهل بهشت است چنانکه گفته اند رَبِّ هَبْ لِیْ
مِنَ الْمَعِیْشَةِ سُؤْلِیْ وَاعْفُ عَنِّیْ بِحُبِّ اٰلِ رَسُوْلٍ وَاسْقِنِیْ شَرْبَةً بِکَفِّ عَلِیٍّ سَیِّدِ
الْاَوْلِیَاءِ زَوْجِ بَتُوْلٍ اخر همین سوره مبارکه یُدْخِلُ مَنْ یَّشَاءُ فِیْ رَحْمَتِهٖ یعنی داخل
میکند خدا بتعالی هر کس را که بخواهد در بخشش خود از کافی منقولست که از حضرت
موسی کاظم علیه السلام روایتست فی رحمته یعنی فی ولایتنا رحمت خدا ولایت
ائمه هدی است هر کس که داخل ولایت شود داخل رحمت خدا است ایه مبارکه
وَیْلٌ یَّوْمَئِذٍ لِّلْمُکَذِّبِیْنَ اَلَمْ نُهْلِکِ الْاَوَّلِیْنَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْاٰخِرِیْنَ کَذٰلِکَ نَفْعَلُ
بِالْمُجْرِمِیْنَ یعنی ویل کلمه عذابیست در ان روز مر تکذیب کنندگان را بر روز فصل بعد ان در
نهد بد کفار میفرماید که ایا ما هلاک نکردیم پیشینیان را چون قوم نوح و عاد و ثمود که تکذیب
انبیا کردند پس ما از پی ایشان در اوردیم هلاک پسینیان را که نظیر ایشانند چون کفار
مکه و ان فعل بد ربود و غلو و تخطی و غیر آن همچنین مثل این در امیکنیم همه گناه کاران
کافی نقل شده که از جناب موسی کاظم علیه السلام روایتست که خدای تعالی فرموده یا محمد ویل
باشد مرانها یکه تکذیب کردند بانچه وحی کردیم بسوی تو از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و فرموده
که اولین انانی هستند که تکذیب کردند رسولان را در طاعت اوصیا فرموده که مراد از مجرمین
کسانی اند که جرم و تقصیر نمودند در حق ال محمد صلی الله علیه و اله و مرتکب شدند از وصی ان حضرت
انچه را مرتکب شدند یعنی غصب خلافت انحضرت کردند و بروی را با انجناب بیعت کرفتند و ستم

ظلمها بکند با حضرت نمودند و آنچه خواهش داشتند از آنجناب کردند أبیه و هیا کله ان
المتقین فی ظلال و عیون و فواکه مما یشتهون یعنی بدرستی که پرهیزکاران از شرک و عصیان
در سایه درختان بهشتند و در کنار چشمهای آب در نعمتها میوهها از آنچه آرزو و اشتها کنند
عن الکافی عن الکاظم علیه السلام فی هذه الآیة قال نحن والله و شیعتنا لیس علی ملة
ابرهیم غیرنا و سائر الناس منها برء او از کافی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام روایتست
که در معنی این آیه فرمودند قسم بخدا مراد از گفته خدای تعالی درین آیه ما و شیعیان ما هستیم
بر ملت ابرهیم علیه السلام غیر از ما و باقی مردم از ملت ابرهیم بری و بیزارند یعنی ازان بیرونند
اول سوره نبأ بسم الله الرحمن الرحیم عم یتساءلون عن النبإ العظیم الذی هم فیه مختلفون
عم در اصل مرکبست از عن و ما استفهامیه نون را قلب بمیم نمودند و در میم ما ادغام کردند
و الف ما را حذف کردند عم شد و این استفهام برای تفخیم شان آنچیزیست که ازان تساءل
میکنند یعنی از چه میپرسند از خبر بزرگی یکدیگر را سوال میکنند از آنچیزیکه ایشان در ان اختلاف
کنند کاشند عن الکافی عن الصادق علیه السلام فی هذه الآیة قال النبأ العظیم الولایة
یعنی از کافی منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایتست که نبأ عظیم ولایتست و عن البصائر
سئل عن تفسیر عم یتساءلون فقال هی فی امیر المؤمنین علیه السلام یقول ما لله
عز و جل آیة اکبر منی و لا لله نبأ اعظم منی مرویست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام
سوال کردند از تفسیر عم یتساءلون عن النبأ العظیم آنحضرت فرمودند که این آیه در بارهٔ
جناب امیر المؤمنین ع است و بود امیر المؤمنین که میفرمودند نیست مر خدای تعالی را آیتی بزرگتر
از من و خبری عظیم تر از من و عن العیون عن الرضا علیه السلام عن ابیه عن آبائه عن الحسین بن علی علیهم

قال

قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی یا علی انت حجة الله و انت باب الله و انت
الطریق الی الله و انت النبأ العظیم و انت الصراط المستقیم و انت المثل الاعلی
عیون منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که از پدر بزرگوار خود
و او از پدران مهتر و ایشان از جناب امام حسین ع روایت کرده اند که آنجناب فرمود که حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند یا علی توئی حجت خدا و توئی در وصول بحق تعالی
یعنی کسی که بجز تو نباید نمیتواند بکرامات خدا رسید بلکه جز هلاک کنبرای او چیزی نیست
و توئی راه بسوی خدا و توئی خبر بزرگ و توئی راه راست و توئی مثل بلند عن الکافی فی خطبة
الوسیلة لامیر المؤمنین علیه السلام انا النبأ العظیم و عن قلیل ستعلمون ما توعدون
از کافی نقل شده که در خطبهٔ وسیله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده تحقیق که
منم نبأ عظیم و اندک زمانی زود باشد بدانید آنچه را که وعده داده میشوید و ایضا مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند انا النبأ العظیم فیّ اختلفتم و علی ولایتی تنازعتم و عن ولایتی
رجعتم بعد ما قبلتم و ببغیکم هلکتم بعد ما بسیفی عن الکفر نجوتم یعنی منم خبر
بزرگ که در من اختلاف کردید و بر خلافت من منازعت نمودید و از ولایت من رجوع کردید
پس از آنکه قبول کردید و بتعدی و ستم خود هلاک گشتید بعد از آنکه بشمشیر من از کفر نجات
نجات یافتید و در غدیر دانستید مرتبهٔ خلافت و ولایت مرا پس حق تعالی رادع منکر باید کفار
از تساءل و وعید منکران ایشان انها را چنانکه منکر نبایدند کلا سیعلمون یعنی چنانست که ایشان
میگویند بلکه زود باشد که بدانند نزد نزع جان کندن حقیقت آنچه در ان اختلاف میکنند
در ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام منقولست که حافظ ابو نعیم اصفهانی که یکی از اکابر اهل سنت

روایت کرده از رسول که حضرت رسالت فرموده اند مراد از نبأ عظیم ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام است
که خلایق را در قبور از آن سؤال میکنند و هیچ میتی نیست در شرق و غرب و بر و بحر مگر آنکه منکر و نکیر او را
سؤال بکنند از ولایت علی بن ابیطالب نیز از او سؤال کنند فطوبی للمصدق بولایته و
الویل للمکذب بولایته پس خوشا بحال کسی که بولایتش تصدیق کند و وای بر آن منکر
معاندی که از ولایتش بی بهره باشد آیهٔ مبارکه یوم یقوم الروح والملئکة صفا
لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا یعنی روزیکه بایستند روح و فرشتگان بایستند
در حالتیکه صف زدگان باشند روح فرشتهٔ است موکل بر ارواح و از ابن عباس منقول است
که گفته مخلوقی از آن بزرگتر نیست و در قیامت او تنها در صفی باشد و باقی ملائکه در صفی
و او در بزرگی برابر همه باشد و از عین المعانی نقل شده که در آن مسطور است که مقام روح
در آسمان چهارم است و هر روز دوازده هزار تسبیح میگوید و از هر تسبیح او ملکی خلق
میشود و در زیر بعضی خبر آمده است که با ملائکه صف میکشند و سخن نگویند در باب شفاعت
مگر کسیکه اذن داده باشد او را خدای بخشاینده که آن شخص ماذون شفاعت کننده عاصیان
خواهد شد و گفته باشد آنکس گفتاری بصواب که آن گویندهٔ لا اله الا الله باشد یعنی اهل
توحید باشد که ملائکه و مؤمنان اند از مجمع منقول است که از حضرت صادق علیه السلام و از علی
ابن ابراهیم قوم که او نیز از آنجناب روایت کرده و از کافی منقول است که از حضرت کاظم علیه السلام مرویست
که فرموده اند نحن والله المأذونون لهم یوم القیمة والقائلون صوابا قیل ما تقولون
اذا تکلمتم قال نمجد ربنا ونصلی علی نبینا ونشفع لشیعتنا ولا یردنا ربنا یعنی ما ائمه بخدا قسم
آنانکه اذن داده شده ایشان را در روز قیامت و ما ائمه گویندگان گفتاری صواب و درست

کردند

سورهٔ نبأ

کردند چه میفرمائید شما فرموده اند و بزرگوار که ما تمجید میکنیم پروردگار خود را و صلوات
میفرستیم بر پیغمبر خود و شفاعت میکنیم برای شیعیان خود و رد نمیشود شفاعت خدای تعالی ما را
اجابت میفرماید و رد نمیکند آیهٔ مبارکه یوم ینظر المرء ما قدمت یداه ویقول الکافر یا
لیتنی کنت ترابا یعنی روزیکه میبیند شخص آنچه را که در دست او پیش فرستاده است عمل خیر و
شر و در آن روز کافر میگوید ایکاش من خاک می بودم از کتاب علل منقول است که از ابن
عباس پرسیده شد که چرا جناب رسول صلی الله علیه و آله علی را مکنّی بابو تراب نمود ابن عباس گفت
لانه صاحب الارض وحجة الله علی اهلها بعده وله بقاؤها والیه سکونها یعنی
بعلت آنکه علی بن ابیطالب علیه السلام صاحب زمین و حجت خدا است بر اهل زمین بعد از حضرت
رسالت و برای اوست بقای زمین و بسوی اوست سکون و قرار آن یعنی بآنجناب مطمئن و
برقرار است منزل بمنزلی قال ولقد سمعت رسول الله یقول انه اذا کان یوم القیمة
ورأی الکافر ما اعد الله تبارک وتعالی لشیعة علی من الثواب والزلفی والکرامة قال
یا لیتنی کنت ترابا ای من شیعة علی وذلک قول الله عز وجل ویقول الکافر یا لیتنی
کنت ترابا ابن عباس میگوید همراهی بحقیقت که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم
که میفرمود چون روز قیامت شود کافر میبیند آنچه را خدای تعالی مهیا فرموده برای شیعیان علی
از ثواب و منزلت و کرامت میگوید ایکاش من خاک میبودم یعنی شیعهٔ علی علیه السلام میبودم در حدیث
دیگر وارد شده است که در جنگ احد جناب امیر مؤمنان در روی خاک نشسته بود جبرئیل از
جانب رب جلیل نازل شد بابو تراب خطاب کرد تفصیل این قصه گنجایش این کتاب ندارد در
سورهٔ تکویر آیهٔ مبارکه وما هو علی الغیب بضنین وما هو بقول شیطان رجیم فاین تذهبون

در سورهٔ نبأ

در سورهٔ تکویر

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ یعنی نیست محمد که بر غیب و چیزهای که شنیده
که بر او وحی میشود بخیل که شما را تعلیم ندهد و از شما بپوشاند و نیست قرآن سخن دیو رانده شده
که باستراق سمع از سکنه آسمان غالب بیان شده باشد یعنی حضرت رسالت مانند کاهنان نیست
که آنچه میگویند از اخبار شیاطین که استراق سمع میکنند میگیرند بلکه جبرئیل امین و پیدا یعنی سخن بدین
درستی و راستی بیان اغراض میکنید چرا نسبت آن میکنید بسحر و کهانت نیست قرآن مگر پندی میدهند
مر عالمیان را یا نیست محمد مگر شرف اهل علم و این موعظه مر کسی راست که خواهد از شما مستقیم
شود در راه خدا و پیروی حق کند از قمی منقولست که از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
که در معنی فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ فرموده کجا این تذهبون فی علی یعنی کجا میگریزید از ولایت علی بن ابی طالب
و در معنی إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ فرموده لمن اخذ میثاقه علی ولایته یعنی قرآن پندیست مر
کسی را که گرفته است از وی پیمان بر ولایت آنجناب و در معنی لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ فرموده اند
مستقیم شود در طاعت علی و ائمه بعد از وی علیهم السلام منهم آیه مبارکه وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
و نخواهید شما هدایت یا استقامت را باختیار مگر اینکه خدا بخواهد از شما که پروردگار عالمیان
است از حضرت کاظم علیه السلام مرویست بدرستیکه خدا گردانیده دلهای ائمه را صلوات الله علیهم
محل اراده خود پس چون بخواهد خدا چیزی را میخواهند آنرا ایشان و اینست معنی قول خدا که
فرموده و ما تشاءون تا آخر آیه مبارکه در سوره انفطار است كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ وَإِنَّ در سوره انفطار
عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ یعنی تکذیب میکنید بروز جزا و بدرستی بر شما یعنی بر کردار و گفتار
شما هر آینه نگاهبانانند از ملائکه نه آنست که باز دارنده باشند از کفر و عصیان بلکه بزرگانند که در نزد
خدای تعالی نویسندگانند شب و روز نامه اعمال و احوال شما را يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ میدانند آنچه

که

که میکنید از نیک و بد از قمی منقولست که گفته است در معنی تکذبون بالدین برسول الله و
امیرالمؤمنین ع یعنی تکذیب میکنید برسول خدا و امیرالمؤمنین ع اینست معنی تکذیب بروز جزا در حدیث
وارد است که چون بنده که طاعت کند فرشته دست راست که موکل نوشتن اعمال حسنه است
شاد میشود و بتعجیل تمام یکی را ده بنویسد و چون معصیت کند هر دو دلتنگ میشوند و ملک دست چپ
که موکل نوشتن سیئه است خواهد بنویسد ملک دست راست گوید توقف کن و او تا هفت
ساعت توقف نماید تا شاید که بنده پشیمان شود اگر در این مدت توبه نکرد فرشته دست راست
گوید الان بنویس که جاهل بنده ایست در حدیث دیگر وارد است که هر کس بعد از معصیت اینکلمات را
بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ملکی که نویسنده سیئات است معصیت او را در سوره مطففین
نویسد و اگر توبه نکرد و نادم نشد و اینکلمات را بر زبان جاری نکرد فرشته دست راست
گوید بنویس که جاهل بنده ایست بعد از آن مینویسند اعمال ناقص را بدرگاه خداوند عالم تا
آخر حدیث آیه مبارکه در سوره مطففین است إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ
وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ یعنی بدرستیکه آنانکه شرک آورده اند هستند از کسانیکه
ایمان آورده اند میخندیدند و چون میگذرند بر آن مؤمنان غمزه میکنند بچشمها یعنی اشاره بهم مینمایند
باستهزا از قمی منقولست که گفته است مراد از إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا اول و ثانی و کسانی هستند
که پیروی ایشان کرده اند و تابع شده اند آنها چشمک میزنند برسول خدا از کشاف و از شیخ طبرسی روایت
کرده که روزی جناب امیرالمؤمنین علیه السلام با جمعی از فقرای مسلمانان میگذشتند جمعی منافقان
سخریه نمودند بایشان و بخندیدند و بچشم طعن و اشارتها کردند پس برگشتند بسوی یاران خود

در سوره بروج

پس گفتند دیگر اصلع یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلم را او آنحضرت را اصلع میگفتند بجهت
آنکه پیش سر آنجناب که بالای پیشانی باشد مو نداشت پس از آن گفتند بر آنجناب خندیدیم هنوز
آنجناب بمسجد رسول صلی الله علیه و آله نرسیده بودند که این آیه نازل شد که منافقان تا آنکه
سخنان بر مؤمنان میخندیدند اول سوره مبارکه بروج بسم الله الرحمن الرحیم والسماء
ذات البروج والیوم الموعود وشاهد ومشهود یعنی قسم باسمانی که صاحب برجها است و قسم
بروز وعده داده شده که روز قیامت است و قسم بشاهد و مشهود قتل اصحاب الاخدود یعنی
کشته شد و هلاک گشتند صاحبان شکافها در زمین یعنی جماعتی که خندقها در زمین کندند
و پر از آتش میکردند بجهت تعذیب ذریت مؤمنین از مجمع منقولست که از جناب امام حسن مجتبی علیه السلم
مرویست که بعد رسیدی از آنجناب پرسیده شد از این آیه پس فرمودند اما شاهد پس آنجناب پیغمبر است
و اما مشهود پس روز قیامت است آیا نشنیده کلام خدا را که میفرماید یا ایها النبی انا ارسلناک
شاهدا و مبشرا و نذیرا و نیز فرموده و ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود و از
کافی و معانی نقل شده که از حضرت صادق علیه السلم مرویست در وقتیکه از آنجناب پرسیده شد
از معنی شاهد و مشهود در جواب فرمود که جناب پیغمبر و امیر المؤمنین علیهما السلم میباشند یعنی
شاهد جناب رسول و مشهود جناب امیر المؤمنین علیه السلم است خدا تعالی قسم یاد فرموده باینها
که اصحاب اخدود هلاک شدند از عیاشی منقولست که او باسناد خود از ابو جعفر روایت کرده
که جناب امیر المؤمنین علیه السلم شخصی را بسوی اسقف نجران یعنی بسوی رئیس نصاری و عالم ایشان
که در نجران بود فرستادند و او را از اصحاب اخدود سوال کردند و قصه اینها را بآنجناب اخبار
نمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمودند نه چنین است که تو گفتی لیکن زود باشد که من خبر دهم

از قصه

در سوره غاشیه

از قصه اینها بدان بدرستیکه حق تعالی مردی حبشی را برسالت بحبشه فرستاد اینها پس تکذیب
او کردند و با او جنگ نمودند پس با اینها مقاتله و جنگ نمود پس بعضی اصحاب او را کشتند و او را
با بعضی از یاران او اسیر کردند و گودالی بنا کردند یعنی آنرا پر از آتش نمودند و همه مردمان را
بگرد آن جمع کردند و بایشان گفتند هر کس که بدین ما است و تابع امر ما است باید بیکنار
رود و هر کس که بدین اینجماعت یعنی خدا پرستان است باید خود را در میان این آتش اندازد پس اهل
ایمان دست همدیگر را گرفتند و خود را در میان آتش انداختند و زن مؤمنه با طفل یکماهه آمد
بکنار آتش خواست که خود را در آتش اندازد دلش بر آن کودک بسوخت و خواست که برگردد
کودک یکماهه گفت بمادر که مترس و مرا و خود را در میان این آتش بینداز و بدرستیکه این
شفقت قسم بخدا در راه خدا کم است و رحمت ندارد پس زن خود را با آن کودک در آن آتش
انداخت و آن کودک از جمله کودکانی بود که در گهواره تکلم نمودند یعنی در طفولیت سخن گفتند
حق تعالی آن مجرمان و طاغیان را هلاک نمود و لعنت کرد ایشان را و فرمود قتل اصحاب الاخدود الی آیه
مبارکه ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم یعنی بدرستیکه بسوی ما است یعنی بحکم ما است
بازگشت اینها پس بدرستیکه بر ما است شمار اعمال ایشان در محشر این آیه جامع وعده پیغمبر است و وعید
کفار از کافی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست چونکه روز قیامت میشود
و جمع میکند خداوند عز و جل اولین و آخرین را برای فصل خطاب یعنی خطابیکه جدا کننده است میانه
حق و باطل یعنی برای حکم بجو خوانده میشود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس پوشانیده میشود
حله سبزیکه روشن میکند میانه مشرق و مغرب را و پوشانیده میشود جناب امیر المؤمنین علیه السلم
مثل آن و پوشانیده میشود حضرت رسالت صلی الله علیه و آله کلکونی که روشن میشود بجهت آن مشرق و مغرب

ومغرب و پوشانیده میشود شاه ولایت مثل ان حله پس ان دو بزرگوار در زانو میشوند با امر پروردگار
پس از ان ما خوانده میشویم پس حواله میشود بسوی حساب مردم و شمار اعمال ایشان پس بحق قسم
بخدا داخل میکنیم اهل بهشت را در بهشت و اهل اتش را در اتش مؤلف گوید که تفسیر این حدیث شریف که
وان در بالای پوشش است تا جایی که استر باشد و عن الکاظم علیه السلام الینا ایاب
هذا الخلق و علینا حسابهم فما کان لهم من ذنب بینهم و بین الله تع حتمنا علی
الله فی ترکه لنا فاجابنا الی ذلک وما کان بینهم و بین الناس استوهبناه منهم و
اجابوا الی ذلک وعوضهم الله عز وجل از جناب کاظم علیه السلام روایتست که بسوی ماست
رجوع این خلق و بر ماست حساب ایشان پس انچیزیکه باشد برای انها از گناهانیکه میان ایشان و
میان خداوند است حتم میکنیم بر خداوند یعنی ابرام میکنیم در سوال از خداوند در گذشتن
خدا از گناهان برای خاطر ما پس قبول میفرماید این را وانچه میان ایشان و میان مردم است یعنی
حق الناس است خواهش میکنیم از مردم که ببخشند بایشان و قبول میکنند این را و خدا
عوض میدهد بایشان از ان حقی که بخشیده اند مؤلف گوید که مراد از مردم شیعیان ائمه
مردم عن الامالی عن الصادق علیه السلام قال اذا کان یوم القیمة وکلنا الله بحساب شیعتنا
فما کان لله سئلنا الله ان یهبه لنا فهو لهم وما کان لنا فهو لهم یعنی از امالی نقل
که از حضرت صادق ع مرویست که چون روز قیامت شود امر کرده میشود بشمار عملهای شیعیان
ما را بما پس انچیزیکه بوده باشد از برای خدا خواهش میکنیم از خدا اینکه ببخشد حق خود را
بایشان برای خاطر ما پس این حق برای ایشان است و انچیزیکه از برای ما است یعنی حق ما است پس
ان مال ایشانست ایه مبارکه در سوره بلد والذین کفروا بایاتنا هم اصحاب المشئمة علیهم نار

مؤصده

مؤصدة یعنی انکسانیکه کافر شده اند بایات و نشانهای ما یعنی بدلائلی که نصب کرده ایم بر
حقانیت ما ایشان اصحاب شومت که ایشانرا از جانب شمال عرش بدوزخ برند وانها اهل شامت
و نکبت هستند اتشی که پوشیده باشد یعنی نیران در که درانجا معذب باشند و بطبقیها
مضبوط سازند و دریچه که درانجا موج زند و خبث و وجع و دود باشد دراینجا نه اینکه دود بیرون شود
پس نا امید باشند از راحت و اسایش و دایم معذب بعذاب نیران از قبیل منولک
گفته مراد از الذین کفروا انانند که مخالف امیر المؤمنین علیه السلام بودند و گفته اند اصحاب
مشئمه دشمنان ال محمد اند ایه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم والشمس وضحیها
والقمر اذا تلیها یعنی قسم بافتاب عالمتاب و روشنی و درخشندگی ان در زمانیکه بلند شود
و بموضع چاشت شده و ضوء او منبسط گردد و بماه جهانبان چون پیروی افتاب میکند یعنی طلوع
میکند بعد از غروب ان از کافی و قمی نقل شده که از جناب صادق صلوات الله علیه روایت
کرده اند شمس جناب رسول صلی الله علیه و اله است که بانجناب واضح کرده است خدا برای مردم
دین ایشانرا و قمر جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که تالی جناب رسول صلی الله علیه
و اله است و انحضرت دمیده علم را از جناب امیر المؤمنین علیه السلام تا اخر حدیث ایه مبارکه
قد افلح من زکیها وقد خاب من دسیها یعنی بتحقیق که رستگار شد هرکه پاکیزه کرد نفس
خود را از دنس رذائل کفر و معصیت و نشو و نما داد او را بمعرفت و طاعت و بتحقیق که بی بهره ماند
هرکه نفس خود را بجهالت و ضلالت پامال کرده و مرتبه او را بفسق و معصیت ناقص
کرده از جناب صادق ع روایتست که مراد از من زکیها جناب امیر المؤمنین ع است که خدا
او را پاک کرده و من دسیها اول و دوم اند که ان منصب عظیم و دو دیگر است که غصب کردند

تا اولی هنگامیکه مالید دست خود را بر سر او در تفسیر آیه مبارکه که در سوره شمس
فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللهِ نَاقَةَ اللهِ وَسُقْیَاهَا یعنی پس گفت مر ایشان را فرستاده خدا یعنی
حضرت صالح که دست بدارید ناقه خدا را یعنی ناقه که خدا بقدرت کامله خود او را از سنگ بیرون
آورده و کرامت کرده بشما و منع مکنید شرب آب او را یعنی مانع شرب آن مشوید در روزیکه نوبت او است تا عذاب بشما
نرسد از مجمع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود مر جناب امیر
المؤمنین علیه السلام را که فرمود یا عَلِیُّ مَنْ اَشْقَى الْاَوَّلِینَ قَالَ عَاقِرُ النَّاقَةِ قَالَ صَدَقْتَ
قَالَ فَمَنْ اَشْقَى الْآخِرِینَ قَالَ لَا اَعْلَمُ یَا رَسُولَ اللهِ قَالَ الَّذِی یَضْرِبُکَ عَلَى هٰذِهِ وَاَشَارَ
اِلَى یَافُوخِهِ یعنی یا علی شقی‌ترین اولین کیست عرض کرد آنکسیکه ناقه صالح را پی کرد و ظلم
نمود حضرت فرمودند که راست گفتی یا علی پس فرمودند شقی‌ترین آخرین کیست یعنی پسینیان
عرض کرد نمیدانم یا رسول الله فرمود آنکسیست که ضربت بزند بر اینموضع پس اشارت فرمودند
بر تارک مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام از مجمع منقولست که از جناب صادق
مرویست که هرکس بسیار نماید تلاوت سوره والشمس و واللیل و والضحی و الم نشرح در روز
یا در شب باقی نمی‌ماند چیزی که در حضور او باشد مگر آنکه شهادت میدهند در روز قیامت
برای او حتی موی او و پوست او و گوشت و خون و رگ او و پی او و استخوانهای او و جمیع آنچه
زمین بر او برداشته است و خدای تعالی فرماید که قبول کردم شهادت شما را برای
خود گواه باشید که این شهادت را برای او و ببرید او را ببهشتهای من تا آنکه منزل بگیرد از آنها هر جا که
دوست دارد پس بدهید باو بهشت را که نعمتهای بهشت از من و فضلی که شامل او شده است
گوارا باشد این نعمتها بر بنده من اول سوره مبارکه لیل بسم الله الرحمن الرحیم وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشَى

والنهار

وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلَّى یعنی قسم بشب چون بپوشد آفتاب را یا روشنی روز را و قسم بروز چون آشکارا
گردد بزوال ظلمت شب یا مستبین گردد بطلوع آفتاب وَمَا خَلَقَ الذَّکَرَ وَالْاُنْثَى یعنی و قسم بصانع
عظیم القدرة که بیافرید نر و ماده را یعنی آدم و حوا را از مناقب منقولست که از جناب امام
محمد باقر روایتست که مراد از لفظ الذکر جناب امیر المؤمنین و از لفظ والانثى جناب
فاطمه علیهما السلام است از تفسیر قمی منقولست که از جناب باقر علیه السلام مرویست که
فرمود لیل در اینجا دومیست لعنه الله کنایه که بپوشید آفتاب ولایت که اشاره بر جناب امیر
المؤمنین علیه السلام است بپوشانید در دولت خود ایشان دولتیکه مستمر شده برای
آن ملعون بر آنحضرت و جناب امیر المؤمنین علیه السلام خبر میکرد دولتها را تا آنکه
آنحضرت منکر دید در آن دولت باطل تا بکند رد و تمام شود و مراد از لفظ وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلَّى
جناب قائم از ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است چون بر پا شود یعنی ظهور نمود بامر
خلافت و حکومت قیام نماید غلبه کند بر دولت باطل یعنی روشنی حقیقت را و بزداید ظلمت
دولت باطل را بعد از آن فرمود که قرآن زده شده است و دان مثلها برای مردم و پیغمبر خود را
مخاطب ساخته و توجیه کلام را بسوی او نموده و ما را نیز مخاطب نموده پس نمیدانند آنرا کسی غیر از ما
آیه مبارکه فَاَنْذَرْتُکُمْ نَارًا تَلَظَّى لَا یَصْلَاهَا اِلَّا الْاَشْقَى الَّذِی کَذَّبَ وَتَوَلَّى یعنی میترسانم
شما را باتشی که زبانه در زند و ملتهب شود در نمی‌آید در آن آتش بطریق دوام و لزوم
مگر بدبخت‌تر و شقی‌تر که تکذیب کرد حق را و رو گردانید از اطاعت حق از جناب صادق
مرویست که در مقام ذکر این آیه فرمود که در جهنم وادیست که در آن آتشیست که در نمی‌آید
آن مگر بدبخت‌ترین مردم که آن فلانست که تکذیب کرد جناب رسول خدا صلعم را در باره جناب علی

ابیطالب

ابی طالب و رو کردانیده از ولایت جناب امیر آیه مبارکه وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى یعنی و هر اینه
زود باشد که بدهد ترا پروردگار تو پس خشنود شوی از آن و این وعده ایست شامل بر جمیع امت
با وعطا فرماید در دنیا و آخرت مرویست که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که در روز قیامت
مرا چندان شفاعت دهند که گویم حسبی حسبی یعنی بس است و راضی شدم مقرر است که
آنحضرت راضی نخواهد شد که یکی از امت وی در دوزخ باشد و نیز از امام جعفر صادق ع
مرویست که جد من از زمان راضی نخواهد شد که هیچ موحد در دوزخ بماند در حدیث
است که داخل شد رسول خدا صلعم بر صدیقه کبری در حالی که بر او کسائی بود از پشم شتر
و او دستاس میکرد بدست خود و شیر میداد فرزند خود را پس حضرت رسالت پناه گریان
اشک شد چون سیده نساء این صورت دید پس فرمود آنحضرت قبول کن تلخی دنیا را
که بسرعت میگذرد با آنکه بشنوی تلخی دنیا را بعوض شیرینی آخرت پس تحقیق که خدای تعالی
فرموده بشارت میدهم این آیه که وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى سوره مبارکه انشراح أَلَمْ نَشْرَحْ
لَكَ صَدْرَكَ یعنی یا محمد آیا گشاده نگردانیدیم برای تو سینه ترا تا مناجات حق و دعوت
خلق و غم امت و اعبای رسالت در وی گنجد یا دل ترا گشایش ندادیم که هرچه از اسرار و حکمت
بر تو وارد شود تواند ضبط نماید یا منشرح ساختیم از علوم و حکمت و حفظ قرآن
و نیز منقولست که بعد از أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ گفته است بعلی فجعلناه وصیک یعنی آیا
گشاده نگردانیدیم برای تو سینه ات را بسبب علی بن ابیطالب ع پس گردانیدیم علی را وصی تو
تا آخر آنچه گفته است آیه مبارکه فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ یعنی پس چون فارغ
شدی از تبلیغ رسالت پس رنج کش در مراسم عبادت تا چون از نماز فارغ شوی حمد کن در

دعا یعنی مشغول دعا و تعقیب باش و بدعای پروردگار خود پس رغبت کن در همه اوقات
و هرچه خواهی از او خواه نه غیر او از ثقتی منقولست که روایت کرده از جناب صادق علیه السلام
که فرموده اند فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ نُبُوَّتِكَ فَانْصَبْ عَلِيًّا وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ یعنی پس چون فارغ
شدی از تبلیغ رسالت پس نصب کن علی را برای خلافت و وصی خود گردان و بسوی پروردگار حق
پس رغبت کن در این امر یعنی نصب آنحضرت برای خلافت رغبت و میل بسوی خدا است چون رضای
حق و میل او سبحانه و امر او با این است از کافی منقولست که از جناب صادق ع روایتست
در جمله حدیثی میفرماید که خداوند عالم فرمود فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ عَلَمَكَ وَأَعْلِنْ وَصِيَّكَ
فَأَعْلِمْهُمْ فَضْلَهُ عَلَانِيَةً فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ الی آخر الحدیث یعنی
چون فارغ شدی از رسالت پس نصب کن علم خود را و ظاهر و آشکارا نما وصی خود را پس معلوم
کن فضل او را ظاهر یعنی برای همه کس بی آنکه از کسی پنهان بماند پس جناب پیغمبر صلعم فرمودند
هر که من مولای اویم پس علی مولای او و آقای او است تا آخر حدیث سوره مبارکه والتین
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ یعنی
قسم با انجیر و زیتون و قسم بطور سینا یعنی کوهی که محل مناجات حضرت کلیم بود و قسم
بدین شهر که امان دهنده اهل مکه است از ضوایع و حوادث و حافظت هر که در او
داخل شود تخصیص این هر دو میوه بقسم از جمیع میوه ها بجهت آنست که انجیر میوه خوبیست
و لطیف سریع الهضم کثیر النفع و ملین طبع و محلل بلغم و رمل مثانه را زایل میکند و ظاهر
منهما یکلینین او در حدیث آمده که قطع بواسیر کند و نقرس را برطرف میکند زیتون هم میوه هم
نان و خورش است و هم دوا و روغن از دکبه المنافع از علی بن ابراهیم قمی منقولست که گفته

الّتِینِ رسول الله و الزیتون امیر المؤمنین و طور سینین الحسن و الحسین و هذا
البلد الامین الائمة سلام الله علیهم یعنی تین جناب رسول الله ص و زیتون جناب
جناب امیر المؤمنین ع و طور سینین جناب امام حسن ع و امام حسین ع است و هذا البلد
الامین ائمه سلام الله علیهم است و در روایت دیگر در مناقب خوارزمی از جناب امام
موسی کاظم ع که تین و زیتون جناب امام حسن و امام حسین ع و طور سینا علی بن ابیطالب
و هذا البلد الامین جناب محمد مصطفی صلعم سوره لقد خلقنا الانسان فی احسن
تقویم ثم رددناه اسفل سافلین یعنی هر اینه بتحقیق خلق کردیم انسان را در نیکوتر تعدیل
و راست کردنی در شکل و صورت و تسویه اعضا یعنی مخصوص کردانیدیم او را از میان حیوانات
با نتصاب قامت و حسن صورت و اعتدال المزاج و کمال نفس و نطق و تمیز و رای و تدبیر و استجماع
خواص مکونات با فزودیم او را مظهر اتم و اکمل و محلی اعم و اشهر که حامل امانت الهی و منبع
فیض نامتناهی تواند بود بعد از آن بسبب عدم شکر گذاری او بر نعمت خلعت قویمه و صورت سویه
حسنه همیشه باز گردانیدیم او را بزیر ترین همه زیرتران از موجودات یعنی او را در دوزخ برد که در
درکتیم عن المناقب عن الکاظم علیه السلام ه لـ الانسان الاول ثم رددناه اسفل
سافلین ببغضه امیر المؤمنین علیه السلام یعنی از مناقب منقولست که از جناب
امام موسی کاظم ع مرویست که مراد از انسان اولیست لع خداوند عالم او را باز کردانید
با سفل درکات دوزخ بسبب دشمنی او با جناب امیر المؤمنین علیه السلام الا الذین آمنوا
و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون مگر آنکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای
شایسته و شائسته پس برای ایشانست اجر غیر ممنون مزد نابریده و کم ناشده مراد از نعیم دائم

بهشت

بهشتست در تتمه حدیث از مناقب منقولست که مقصود از آیه مبارکه جناب امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب است فما یکذبک بعد بالدین پس چه چیز ترا بر تکذیب یا رد ای منکر بعث بعد
از این دلائل واضحه و براهین ساطعه بر روز جزا و دین و گفته شده است که خطاب به پیغمبر
یعنی که تکذیب میکنند ترا ای محمد ص پس از ظهور دلائل واضحه بر آنکه او اسلام است مشغول
است از حدیثیکه در مناقب وارد شده است که تفسیر نموده دین را بولایت جناب علی بن ابی
طالب یعنی چه چیز بر تکذیب میکند ترا بعد از دلائل و علامات محکمه بولایت علی بن ابیطالب
سوره علق بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من
علق اقرأ و ربک الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم یعنی یا محمد ص
قرآن را در وقتیکه افتتاح کننده باشی یا استعانت کننده باشی بنام پروردگار خود آن
خدائیکه بیافرید جمیع کائنات و مخلوقات را و بیرون آورد از کتم عدم بوجود بکمال قدرت و
توانائی خود آفرید جنس انسان را از خون جامد و بسته بعد از آنکه نطفه بوده و
باز تکرار میفرماید اقرأ را بجهت مبالغه که بخوان قرآن را اول امر است بقرائت برای
خود و دوم برای تبلیغ بامت و پروردگار تو بزرگتر است از همه بزرگان و کرم بخشاینده
هم یعنی که هست از جانب او است آنکسیست آن خدائیکه آموزانید نوشتن را بقلم تا علم را
قید کنند و غائبان را بنامه آگاهی دهند گر بیاموز مردمان بخط محتاج چند متعهد
اول کسی که خط نوشت ادریس بود علم الانسان ما لم یعلم تعلیم نمود جنس انسان را آنچه نمیدانست
از امور دین و دنیا بنصب دلائل و خلق قوی و انزال آیات از حقی منقولست که از جناب امام
باقر ع روایت کرده که فرموده یعنی آموخت جناب علی بن ابیطالب را از کتابت برای محمد را

که ممد است پیش از آن سورهٔ قدر بسم الله الرحمن الرحیم إنّا أنزلناه فی لیلة القدر
وما أدراک ما لیلة القدر یعنی بدرستی که ما نازل کردیم قرآن را از لوح محفوظ بدنیا
در شب قدر و چه چیز ترا دانا کرد اینکه تا بدانی چیست شب قدر یعنی ابتدای نزول آن در شب
قدر بود با تمام قرآن در آن شب از لوح محفوظ باسمان دنیا آمد و روح الامین در
مدت بیست و سه سال آیه آیه و سوره سوره بحسب مصالح آورده و این قول منسوب بمعظم
مفسران است از معانی الاخبار منقولست که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که جناب فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن فرموده یا علی آیا میدانی معنی شب قدر چیست عرض
کردم یا رسول الله نمیدانم پس فرمودند بدرستیکه خدای تعالی مقدر فرموده در آن شب
آنچه کائن و باشنده است تا روز قیامت پس هر چه بود مقدر فرموده در آن شب ولایت
تو و ولایت ائمه از اولاد تو تا روز قیامت آیه مبارکه تنزل الملائکة والروح فیها باذن
ربهم من کل امر سلام یعنی فرود آیند فرشتگان بزمین و فرود آید روح که ملک
بزرگیست و اعظم از جبرئیل و جمیع ملائکه است نظر بحدیثیکه وارد شده بدرستیکه
روح بزرگتر است از جبرئیل و بدرستیکه جبرئیل از جمله فرشتگانیست که در آن شب
نازل میشود و از قمی منقولست که گفته است تنزل الملائکة وروح القدس علی
امام الزمان ویدفعون الیه ما قد کتبوه یعنی فرود آیند فرشتگان و جبرئیل بر امام
زمان و بخدمت حضرت میدهند آنچه را که بتحقیق نوشته اند یعنی بنظر آنحضرت میرسانند
آنچه مکتوب و مقدر شده از ثواب الاعمال و مجمع منقولست که از حضرت باقر علیه السلام روایتست
که فرمود من قرء انا انزلناه فی لیلة القدر یجهر بها کان کالشاهر سیفه فی سبیل الله

ومن قرأها سرا کان کالمتشحط بدمه فی سبیل الله ومن قرأها عشر مرات محا الله عنه
الف ذنب من ذنوبه یعنی هر کس سورهٔ انا انزلناه را بخواند پس جهر کند بان یعنی بلند
بخواند میباشد مانند کسیکه برهنه کننده است شمشیر خود را در راه خدا برای جهاد
شمشیر کشد و هر کس این سوره مبارکه را آهسته بخواند میباشد مانند کسیکه در دست
و پا زننده است در خون خود در راه خدا و هر کس ده مرتبه این سوره مبارکه را بخواند محو
میفرماید خدای تعالی از او هزار گناه از گناهان او آیه مبارکه ان الذین کفروا من اهل الکتاب
والمشرکین فی نار جهنم خالدین فیها اولئک هم شر البریة یعنی بدرستیکه آنکسانیکه
کافر شدند از اهل کتاب که یهود و نصاری اند و از مشرکین که عبدهٔ اصنام باشند در آتش
جهنم باشند در روز قیامت در حالتیکه جاوید باشند در آن آنگروه ایشانند بدترین
آفریدگان منقولست از قمی که گفته است آنانکه کافر شدند آنکسانی هستند که خداوند
عالم نازل فرمود بر ایشان قرآن را پس مرتد شدند و کافر گشتند و نافرمانی جناب امیر المؤمنین
نمودند آیه مبارکه ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة یعنی آنکسانیکه
ایمان آورده اند و کردند عملهای شایسته و پسندیده آنگروه ایشانند بهترین مخلوقات
و آفریدگان از امالی نقل شده که از جابر بن عبد الله مرویست که گفت بودیم نزد پیغمبر
پس جناب علی بن ابیطالب علیه السلام رو کرده تشریف آوردند پس فرمود پیغمبر خدا قد اتاکم اخی ثم
التفت الی الکعبة فضربها بیده ثم قال والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته لهم الفائزون
یوم القیمة ثم قال انه اولکم ایمانا معی واوفاکم بعهد الله واقومکم بامر الله واعدلکم
فی الرعیة واقسمکم بالسویة واعظمکم عند الله مزیة یعنی بتحقیق آمد بسوی شما برادر من

بعد از آن نظر بسوی کعبه نمودند پس دست مبارک را بدیوار آن زدند پس فرمودند
قسم بآنکسیکه جان من در قبضهٔ قدرت اوست بدرستیکه این یعنی علی بن ابیطالب و
شیعیان آنجناب همه ایشانند رستکاران در روز قیامت بعد از آن فرمودند که او
اول شما است از روی ایمان با من و وفا کننده‌ترین شما است بعهد و پیمان خدا و ایستاده‌
ترین شما است بامر خدا و عادلترین شما است در میان رعیت و قسمت کننده‌ترین شما بسویه
یعنی هیچیک از شما مثل او یکسان نمیتوانید قسمت نمائید و بزرگترین شما است نزد خدا تعالی
زیادتی
بحسب قسمت و مرتبت جابر میگوید پس از آن این آیه وافیه الهدایه نازل شد که ان الذین تا آخر
و آخر حدیث در دو حدیث دیگر از ابن عباس روایت شده که چون این آیه مبارکه نازل شد
حضرت رسالت پناه خطاب کرد به شاه اولیا و فرمودند یا علی مراد بخیر البریه تو و
شیعه تو و چون حق تعالی در روز قیامت خلق را برانگیزانند در آن روز تو و شیعه تو
از خدا خشنود و راضی باشید و حق تعالی نیز از شما خشنود باشد یا علی در آن روز دشمنان تو
محشور شوند و حال آنکه ایشان مغضوبان و مقهوران باشند سوره زلزله بسم الله الرحمن الرحیم
اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها یومئذ
تحدث اخبارها یعنی چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی که مقرر است برای وی نفخه
اولی یا ثانیه و چون بیرون آورد زمین بارهای گران اجسام را و اثقال خود را از دفاین و
اموات و کنوز هر چه در آنست از خود و میگوید در آن وقت یعنی کافر منکر بعث و یا همه
آدمیان بعد از مشاهدهٔ این حال از روی تعجب و تفکر گویند که چیست مر زمین را که بنوعی
خود را اشکارا میکند و اینهمه متزلزل شده در آن روز و سخن گوید زمین بزبان حال یا آنکه

حق تعالی

حق تعالی با وقوت تکلم دهد تا سخن در آید و گوید خبرهای خود را یعنی خبر دهد [illegible] بسبب جنبیدن
و اضطراب و بیرون آوردن مدفونات چیست و یا خبر دهد از عملهای که هر یک از مکلفان
که بر بالای آن کرده باشند از خیر و شر از قبیل منقولست که گفته است انسان جناب امیر
المؤمنین ع است یعنی در زمان حرکت بین بجهت خطاب بزمین میفرماید که چه میشود
ترا که مضطرب هستی و زمین باذن و قدرت حضرت رب العالمین با حضرت سخن میگوید
و خبر میدهد آنحضرت را از سبب زلزله و سایر خبرهای خود چنانکه منقولست از خرایج که
از حضرت باقر ع مرویست بدرستیکه این سوره مبارکه خوانده شد نزد امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود انا الانسان وایای تحدث اخبارها یعنی منم انسان که خدا فرموده و مرا
خبر میدهد زمین خبرهای خود را عن العلل عن تمیم بن حاتم قال کنا مع علی حیث توجهنا
الی البصرة قال فبینما نحن نزول اذا اضطربت الارض فضربها علی علیه السلام
بیده الشریفة و قال لها ما لک ثم اقبل علینا بوجهه الکریم ثم قال لنا اما
انها لو کانت الزلزلة التی ذکرها الله عز و جل فی کتابه العزیز لاجابتنی و لکنها
لیست بتلک از کتاب علل نقل شده که از تمیم بن حاتم روایتست که ما همراهی جناب
مولای متقیان امیر المؤمنین علی ع بودیم از زمانیکه بسوی بصره روانه شدیم میگوید که
در اثنائیکه فرود آمده و منزل کرده بودیم ناگاه زمین بلرزه در آمد و حرکت نمود پس جناب
امیر المؤمنین علیه السلام دست مبارک خود را بر زمین زدند و فرمودند چه میشود ترا که در
لرزی بعد از آن ما را مخاطب ساخته فرمودند یا آنکه بر زمین خطاب فرموده آگاه باشید
بدرستیکه این زلزله هرگاه آن زلزله بود که خدای عز و جل ذکر نموده در کتاب عزیز خود هر آینه

جواب مسیاد بمن و لکن این زلزله از زلزله نیست در حدیث دیگر از جناب فاطمه علیها
وارد شده که فرموده اند رسید مردم زلزله در زمان ابی بکر و ملتجی شدند بمردم
و پناه آوردند بسوی ابی بکر و عمر پس یافتند ان هر دو را که بیرون امده اند در خانه
که التجا کننده اند بسوی جناب علی بن ابیطالب ع پس مردم هم به تبعیت انها امدند تا
اینکه رسیدند بدر خانه انجناب فخرج ع غیر مکترث لما هم فیه فمضی و اتبعه
الناس حتی انتهی الی تلعة فقعد علیها و قعدوا حوله و هم مضطرب ینظرون الی
حیطان المدینة ترتج جائیة و ذاهبة فقال لهم علی علیه السلام کانکم قد
هالکم ما ترون قالوا و کیف لا یهولنا و لم نر مثلها قط قال فحرک شفتیه
ثم ضرب الارض بیده الشریفة ثم قال ما لک اسکنی فسکنت باذن الله یعنی
پس بیرون امد جناب علی علیه السلام در حالتیکه هیچ باک نداشت بجهت امر انچه را
که مردم بودند در ان از واهمه و بدون اینکه اضطراب و وحشت کند پس روانه شدند
و مردم در عقب انجناب میرفتند تا انکه رسیدند به تلی پس در انجا نشستند و مردم
هم بگرد انحضرت نشستند و حال انکه ایشان نظر میکردند بسوی دیوارهای شهر مدینه که
تکان میخورد و حرکت میکرد در حالتیکه پیش می امد و پس میرفت پس حضرت فرمودند
گویا شما ها را ترسانیده است انچه میبینید عرض کردند چگونه نترساند ما را و حال
انکه چنین چیزی و هابله ندیده بودیم هرگز پس لبهای مبارک را انحضرت حرکت دادند
و بعد از ان دست شریف خود را بزمین زدند و فرمودند چه میشود ترا ساکن شو و از
حرکت باز ایست پس ساکن و برقرار شد باذن خدا پس تعجب نمودند بیشتر از تعجب اولشان

او فتیکه بیرون امد انحضرت و هیچ باک و واهمه نداشت خالت اضطراب خود را می
دیدند از اطمینان انحضرت در تعجب بودند و چون این کرامت را مشاهده نمودند تعجب ایشان
زیاده شد انجناب فرمودند مر ایشان را پس بدرستیکه شما تعجب کردید از این عمل من عرض
کردند بلی فرمود من ان مردی هستم که خدا تعالی در ایه مبارکه فرموده اذا زلزلت الارض
زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان ما لها پس منم ان انسان که میگوید
بزمین که مر ترا چیست ما لک یومئذ تحدث اخبارها یعنی چیست مر ترا که ارام نمی گیری
ان زمان خبرهای خود را میدهد بمن از مجمع نقل شده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده
که ایا میدانید خبرهای زمین چیست عرض کردند که خدا و رسول او بهتر عالم و دانا ترند
فرمودند خبرهای زمین اینست که شهادت و گواهی میدهد بر هر مرد و زن با چیزیکه کردند
اند بر پشتان یعنی بر بالای ان از خوب و بد و میگوید چنین و چنان کردند در فلان روز
فلان عمل نمودند پس اینست خبرهای زمین سوره ✻ والعادیات بسم الله الرحمن الرحیم
والعادیات ضبحا فالموریات قدحا فالمغیرات صبحا یعنی سوگند باسبان دونده غازیان
که بوقت دویدن نفس زنند نفس زدنی با آواز که نه صهیل بود پس سوگند به بیرون ناورندگان
اتش از سنگ بسمهای خود یعنی اسبان که سم بر سنگ زنند و از ان اتش جهد چنین اتش
زدنی که مثل اتش زنه بیرون اید پس سوگند باسبان غارت کننده در وقت صبح سعید
دم مراد راکبان اسبان که غارت کننده اموال اعدا اند و چون سبب غارت کردن عدو
اسبان اند پس گویا که انها غارت کنانند و غارت بمعنی سر زده امده یعنی سوگند باسبان
شتابکننده در رفتار بوقت غارت کردن مروی است از حضرت صادق ع و جمعی کثیر

بیان العادیات سوره

که سبب نزول این سوره مبارکه فرمودند که جماعتی اعراب از بنی سلیمه بنزدیک مکه آمدند
و در وادی رمله جمع شدند و میخواستند که شبیخون بیاورند بر حضرت رسالت پناه ص و
بر مسلمانان زدی رسانند آنحضرت علم را با بوبکر دادند و او را با جمعی از اهل اسلام
بمحاربه امر فرمودند چون او با آن لشکر بوادی رسیدند آنها آغاز جنگ کردند
او نیز رسید و رو بهزیمت نهاد و از هزیمت او جمعی از مسلمانان بقتل آمدند حضرت
روز دیگر علم را بعمر دادند و نیز رفت و رو بهزیمت نهاد باز گروهی از مسلمانان را
بقتل رسانیدند حضرت بسیار متألم و اندوهناک شدند فرمودند که شاه اولیا
سید اوصیا را بخوانید چون جناب امیر المؤمنین علیه السلام حاضر شدند فرمودند
یا علی این علم را بگیر و بجانب رمله متوجه شو و اولیا جمعی در خدمت حضرت روانه شدند
حضرت در اول صبح خود را بآن جماعت رسانیدند و آغاز جنگ کردند بعنایت و قوت الهی و
برکت انفاس حضرت رسالت پناه روزگار را بر آن قوم تیره و سیاه کردند و بر ایشان
غالب شدند و بعضی را مقتول ساختند و برخی را اسیر کردانیدند متوجه شهر مدینه شدند
جناب خاتم انبیا و سرور دو سرا باستقبال سید اولیا بیرون آمد و جناب امیر المؤمنین
از مرکب پیاده شدند و رکاب آنحضرت را بوسه دادند و حضرت رسالت پناه دعا فرمودند
و از غایت فرح فرمودند یا علی اگر مرا اندیشه امت نبودی که ناگاه در شان تو غلو کنند و در
محبت تو مبالغه نمایند چنانکه امت عیسی در حق او غلو نمودند و گمراه گشتند هر آینه در شان
تو امروز بر وجهی سخن میگفتم که هر جا که میگذشتی خاک اقدام ترا بر میداشتند و از آن استشفا
مینمودند یا علی بر مرکب خود سوار شو که خدا و رسول از تو راضی شدند بعد از آنکه این غلبه

جو بر

[illegible]

جناب امیر المؤمنین علیه السلام بر بنی سلیم ظاهر شد آمد این سوره نازل شد والعادیات ضبحا
آیه مبارکه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی پس هر آینه البته پرسیده شوید در
آن روز بوقت محاسبه از نعمتها که بدان مشغول شده اید و از عبادات دست کشیده اید پس
معنی اینست که ای گروه مکلفان پرسیده خواهید شد از هر نعمتی که بشما داده ام از
در روضة الواعظین نقل شده که روایتست که فرمودند از پنج چیز سؤال میکنند از سیری شکم
و آب سرد و از لذت خواب و از سایهای مسکنها و از قرارگاهها و از اعتدال خلق که خوش
صورتی و حسن خلقت باشد از جناب صادق ع روایت کرده و دیگری نیز که از آنجناب سؤال
کردند که جعلت فداک شنیده که در روایت وارد شده که حضرت صادق ع فرمود با بو حنیفه
که رسیده است مرا یعنی شنیده ام اینکه تو تفسیر میکنی نعیم را در این آیه مبارکه و لتسئلن
یومئذ عن النعیم بطعام طیب و لذیذ و آب سرد خوشگوار در روزهای گرم تابستان
گفتار این جناب فرمودند لو دعاک رجل و اطعمک طعاما طیبا و سقاک ماء باردا
ثم امتن علیک به الی ما کنت تنسبه قال الی البخل قال ایبخل افیبخل الله تعالی
قال فما هو قال حبنا اهل البیت یعنی هرگاه که مردی بخواند ترا بضیافت و بخوراند ترا
طعام لذیذ و طیب و بنوشاند ترا آب سرد بعد از آن منت گذارد بر تو بسبب این ضیافت
که خود دعوت کرده بود چنین مردی را بچه نسبت میدهی ابو حنیفه عرض کرد نسبت بخیل میدهم
او را حضرت فرمودند یا پس خدا تعالی را نسبت بخل داده است یا اینکه ما خدا را نسبت بخل
میدهیم یا اینکه کرده است عرض کرد پس از چه سؤال میکنند فرمودند محبت ما اهل البیت
موقوف کردند شاید مراد این باشد که ما نعمتهای خدا و نیک هستیم و از ما سؤال میکنند پس

هر که محبت ما را داشته باشد شکر نعمت بجا آورده و هر که محبت ما را نداشته باشد کفران
نعمت نموده مستحق عقاب الهی خواهد بود یا اینکه محبت ما نعمتی است و مردم را از آن
سؤال میکنند پس هر که دارای آن است بر آن باکی نیست و هر که آن را نداشته در محل عقوبت
خداوندی مخلد خواهد بود و این معنی در غایت ظاهر از معنی حدیث است لیکن خلاف ظاهر معنی
آیه است چه ظاهر آیه آنست که از نعمتی که خدا داده است سؤال میفرماید نه از نعمت
محبت که نداده است با آنکه دارای آن نیست پس چگونه از آن سؤال مینماید لکن در
فرمایش امام همه کس این را نمی فهمد و توجیه مؤمن چه مخالف پس معنی اول انسب است بظاهر آیه هر چند خلاف
ظاهر حدیث است و بالجمله در هر دو صورت محبت اهل بیت بر کافه موجودات نعمت عظیمی است
و خدا تعالی سؤال خواهد فرمود چه نعمت ولایت و محبت اهل البیت بزرگتر از نعمت است و این
از تحت مضمون آیه مبارکه خارج نیست چنانکه ائمه سلام الله علیهم فرموده اند نحن
المسئولون و این تفسیرها بود که ذکر شد سورة العصر بسم الله الرحمن الرحیم والعصر
ان الانسان لفی خسر یعنی قسم بعصر هر پیغمبری یا بعصر پیغمبر ما که افضل اعصار است
و یا بصاحب عصر که زکات روی یا بنماز عصر که صلوة وسطی است بر هر نفس بر خود قسم اینست
بدرستیکه انسان همه در زیانکاریست از کمال منقولست که از جناب صادق
روایتست که فرموده عصر در اینجا عصر خروج جناب قائم علیه السلام است و در معنی ان
الانسان لفی خسر فرموده که مقصود خدا از انسان زیانکار دشمنان ما اهل بیت اند
آیه مبارکه الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر
مگر کسانیکه ایمان آورده اند و کردند کارهای نیکو و وصیت نموده اند یکدیگر را

سوره عصر

ثابت و راست

و راست از اعتقاد حق و عمل خیر باشد عقلا و شرعا انکار آن و وصیت نموده اند یکدیگر را
بصبر بر تحمل مشاق طاعت و معصیت از رفیق تر منقولست که از جناب صادق روایت کرده
که فرموده اند بیان کرده از زیانکاری که همه افراد انسان اند از آن مبتلا بر کرده که خود را از آن
از زیانکاران خواستگان اینکه فرموده ان الانسان لفی خسر الا الذین امنوا مقصود حق تعالی
کسانی نمیباشند که ایمان آورده اند بولایت حضرت امیرالمؤمنین و مراد از و تواصوا
بالحق یعنی وصیت نموده اند اولاد و بازماندگان خود را بولایت و وصیت نموده اند با تو
نموده اند بر آنکه خدا تعالی فرموده در تمام حدیث است و که منقول از کمال الدین مروی است از حضرت
صادق علیه السلام بود پیغمبر میفرماید در تفسیر الا الذین امنوا یعنی مگر کسانیکه ایمان آوردند بولایت
ما و عملوا الصالحات میفرماید بخشش کردن مالیکه محتاج باشند برادران دینی خود
که و تواصوا بالحق فرموده اند یعنی وصیت نموده اند با امامت و تواصوا بالصبر فرموده یعنی
بعترت پیغمبر صلی الله علیه وآله و مراد از عترت آنجناب چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است
که فرموده منم و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین و عترت بنا بر اینچه در لغت تفسیر
شده اولاد صلبی شخص را گویند و خویشان نزدیک را نیز گویند سورة الکوثر بسم الله الرحمن الرحیم
انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شانئک هو الابتر یعنی بدرستیکه ما
عطا کردیم تو را ای محمد خیر بسیار که آن اولاد و اعقاب بیشمارند و کثرت نسل و ذریه اطهار
فاطمه زهرا صلوات الله علیها یعنی خاطر شریف را اندوهگین مگردان که ما تو را کثرت ذریه
در عقب و نسل که در زمین هیچ بقعه و خطه نماند که فرزندان تو در آنجا نباشند صاحب
المنهج گفته که این قصه مشهور است که بعد از شهادت امام مظلوم ابی عبدالله الحسین علیه السلام بغیر از امام

زین العابدین ع از ذکور اهل بیت او کسی نمانده بود حق تعالی ابجاز وعده خود فرمود از نسل
او همه عالم را پر کرد اینند منبر نماید چون خیر دنیا و اخرت را بتو کرامت فرمودیم پس نماز
کذار از برای پروردکار خود یعنی مدا و مت کن بر ان خالص از برای خدا بجهت شکر کذاری
کثرت نعم تو و قربان کن شتر را که خیار اموال عربست و تصدق نما بر محتاجان بدرستیکه
دشمن بدارنده تو یعنی عاص بن وایل او استم بریده و منقطع از خیر و نسل و ذریت بعضی از
عامه کفته اند که مراد ازین نماز که خدا فرموده نماز عید اضحی است و مراد از نحر کشتن هدی
و اضحیه است الحاصل ان جوابیست که بمکه میبرند بجهت قربانی و اضحیه کوسفندیست که وقت چاشت
عید قربان قربانی میکنند و از مجمع نقل شده که از جناب صادق ع روایت شده که در
تفسیر نحر فرموده هو رفع یدیک حذاء وجهک یعنی بلند کردن دو دست تا مقابل
روی خود یعنی در وقت کفتن هر تکبیر نماز دستها را بمحاذی روی بلند کردن معنی نحر است
از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که چون نازل شد این سوره مبارکه جناب
رسول خدا ص بجبرئیل فرمودند چیست این کشتن و نحر کردنی که مرا بان امر فرموده
پروردکار من جبرئیل عرض کرد نحر کردن قربانی مراد نیست لیکن خدا تعالی امر میفرماید
ترا که چون مهیا تکبیرة الاحرام شدی اینکه بلند کنی دستهای خود را هرکاه تکبیر کوئی
و هرکاه رکوع کنی و هرکاه سر از سجده برداشتی پس بدرستیکه این نماز ما و نماز جمیع اهل
اسمانهای هفتکانه است پس بدرستیکه برای هر چیزی زینتی است و زینت نماز بلند
کردن دستها است در وقت هر تکبیر از کتاب امالی منقولست که از ابن عباس روایت شده که
چون نازل شد بر رسول خدا ص سوره انا اعطیناک الکوثر جناب علی بن ابیطالب عرض کرد یا رسول

الله

الله چیست ان کوثر حضرت فرمودند یا علی کوثر نهریست که خدا تعالی کرامی و عطا فرموده
مرا بان جناب امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد یا رسول الله بدرستی که این نهر شریف
است تعریف کن انرا برای ما و بیان فرمودند نعم یا علی الکوثر نهر یجری تحت عرش الله
تعالی ماؤه اشد بیاضا من اللبن واحلی من العسل والین من الزبد حصاه الزبرجد
والیاقوت والمرجان حشیشه الزعفران ترابه المسک الاذفر قواعده تحت عرش الله
عز وجل ثم ضرب رسول الله ص علی جنب امیر المؤمنین علیه السلام وقال یا علی هذا النهر
لی و لک و لمحبیک من بعدی یعنی حضرت فرمودند یا علی کوثر نهریست که جاری میشود در
زیر عرش خدا تعالی ابش از شیر سفیدتر است و از عسل شیرینتر و از مسکه نرمتر است و
ریکهای ان از زبرجد و یاقوت و مرجانست و علف خشک ان زعفرانست و خاک ان
مشک بی نهایت خوبی بیخهای ان در زیر عرش خدای عز وجل است بعد از ان دست
مبارک خود را به پهلوی مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام زدند و فرمودند یا علی
این نهر برای من و برای تست و برای دوستان تو بعد از من اللهم اجعلنا من محبیه سوره
الاخلاص بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن
له کفوا احد ای محمد انکس که او را بپرسیدی او است خدای مستجمع صفات کمال یکانه یعنی
متوحد بذات منفرد بصفات که شریک ندارد و خدا تعالی معبود بحق و پناه همه نیازمندان
و محتاجانست و بی نیاز از غیر خود بیش و نخورده و نیوشد و نزاد یعنی بیرون نیامد از وچیزی
کثیف که ان ولد است و سایر اشیا کثیفه که از مخلوق بیرون می اید و نه چیزی لطیف چون
نفس و منبعث نشود از و عوارض چون پینکی زدن و خواب و سستی و غم و اندوه و خوشحالی

وخنده وگریه وترس وامید ومیل ودلتنگی وگرسنگی وسیری وغیر آن یعنی منعا لہست
از انکه متولد شود وبیرون اید از وی اشیاء کثیفه ولطیفه وزاده نشد یعنی بیرون نشد
از وی چیزی همچنانکه اجزاء کثیفه از وی بیرون می اید از عناصر چون یعنی مانند حصول حیوان از
حیوان وروئیدنیها از زمین وابها از چشمها ومیوها از درختها وهمچنانکه اشیاء
لطیفه از مرکز خود بیرون می اید چون دیدن از چشم وشنیدن از گوش وبوئیدن از
بینی وچشیدن از دهان وسخن از زبان وتمیز ومعرفت از دل وآتش از سنگ ونیست
ونبوده مر او را همتا ومماثل هیچکس یعنی او را مثلی ونظیری وشبیهی در ذات وصفات
نیست در تفسیر این سوره مبارکه بسند صحیح وارد شده واز توحید نقل شده که از
حضرت صادقه روایتست که فرمودند بدرستی که یهودان پرسیدند از جناب رسول خدا
پس در مقام سوال عرض کردند یا رسول الله وصف کن خدای خود را ونسبت ده برای او را
تا ما بدانیم پس آنحضرت در مقام جواب سه روز درنگ فرمودند وانها را جواب ندادند
پس نازل شد این سوره مبارکه قل هو الله احد تا اخر سوره ونیز از توحید نقل شده که از
حضرت باقر علیه السلام مرویست در تفسیر این ایه که فرمودند قل یعنی ظاهر نما آنچه را که ما بتو وحی
فرستاده ایم وخبر داده ایم ترا بان بواسطه جمع وتألیف حروفی که خوانده ایم انها را برای تو تا
اینکه راه بیابد بسبب این حروف کسی که فرا دارد گوش خود را که از ان بشنود واو حاضر باشد
مبهم خود لفظ هو اسمی است که کنایه اورده شده واشاره کرده شده بسوی غایب یعنی
پنهان پس ها آگاه کردنست بسبب معنی ثابت ولفظ واو اشاره است بسوی پنهان از حواس همچنانکه
گفته هذا اشاره است بسوی حاضر نزد حواس وسبب این آن بود بدرستیکه کفار شناسند

خدایان خود را بحرف اشاره که لفظ هذا بود باشد پس گفتند هذه الهتنا المحسوسة
المدرکة بالابصار فاشر انت یا محمد الی الهک الذی تدعوا الیه حتی نراه وندرکه و
ناله فیه یعنی اینها خدایان ما هستند که دیده میشوند ومدرک میشوند بچشمها پس
اشاره بکن تو ای محمد بسوی خدای خود آنخدائیکه میخوانی مردم را بسوی [illegible]ا اینکه ما به بینیم او را
ودرک کنیم وی را ومتحیر نباشیم در او بیچاره پس فرستاد خدای تبارک وتعالی سوره قل هو
الله احد را پس ها ثابت کرد این بنیت مر ثابت را وواو اشاره است بسوی غایب از درک
ودیدن چشمها وشنیدن بگوشها وچشیدن بزبانها وبوئیدن بدماغها ومالیدن
باعضا وجوارح یعنی با دست مالیدن معلوم نمی شود وبدرستیکه خدای تعالی بلند
تر از انستکه مدرک شود بحواس بلکه او درک کننده دیدها است وخلق کننده حواس یعنی
قوای مدرکه است پس فرمود لفظ الله یعنی ان معبودیست که متحیر شده اند در یافتن او
از ذات وحقیقت او واحاطه کردن بچگونگی او یعنی دانستن کامل بچگونگی کیفیت او وچنانکه
عربها میگویند اله الرجل اذا تحیر الرجل فی شیء فلم یحط به علما وله اذا فزع الی
شیء مما یحذره ویخافه والاله هو المستور عن حواس الخلق الله از اله مشتق گشت
بمعنی تحیر چنانکه عرب گویند اله الرجل یعنی متحیر شد مرد در امری پس دانائی کامل
حاصل نکنند بان زیرا که خدا تعالی را کسی احاطه نتوانند کند وصاحبان عقول کامله
در ذات وی تحیر دارند ومیگویند وله یعنی پناه اورد بسوی چیزی از انچه حذر میکنند
میکنند ومیترسند از ان یعنی عقول واوهام اولیا وارباب بصیرت در معرفت حقیقت ان
ترسان ولرزانند از انکه ما آنچه را پرستش میکنیم وسبحانه نباشد ونشناختند دیگری را

عبادت ... [illegible] ... يعنى

از قواى مدركه ايشان چه قواى ظاهره چه قواى باطنه و واحد و واحد يكى معنيست

وان يكتا نيست كه نظير و مانندى غير او را نيست در معنى توحيد اقرار است بيكانكى

وان جدائى و دورى از هر چيزيكه غير او است و واحد آنكسيست كه جدا است چنانكه

جدائى كه بر انگيخته نميشود بچيزى يعنى منضم نميشود بچيزيكه بنوعى هر يك چيز شوند مانند

سكنجبين كه پس از انضمام سركه و انگبين يكچيز شده بعد از ان فرمودند و از بحجت

استكه ميكويند بناى عدد يكى ميشود يعنى بيكى عدد حاصل ميشود و خود يكى از عدد نيست

زيرا كه عدد اطلاق نميشود بر يكى بلكه عدد اطلاق ميشود بر دو پس معنى قول خدا تعالى فرمود

الله احد ان معبوديكه خلق متحير ميشوند از ادراك او و بيجا و احاطه بچگونگى او عز و جل

يكتا است در خدائى و معبوديت خود و متعاليست از صفات آفريدگان خود يعنى او بزرگ

تر و بلند تر از انست كه دارای صفات بندگان كه در جنب جلالت و كبريائى او كه عدم صرف

ولاشئ محض اند بوده باشد حضرت باقر ع كه خبر داده اند از بزرگوار خود جناب حسين بن

على صلوات الله عليهم روايت فرموده كه الصمد كسيست كه او را جوف نباشد يعنى ميان

تهى نباشد صمد آنكسيست كه بنهايت سيادت بوده باشد بزرگى و شرف و صمد آنچنان كسى

است كه نميخورد و نميآشامد كه نسبت اكل و شرب زاده شود صمد آنكسيست كه نخوابد صمد

آنچنان دائميست كه هميشه بوده و هميشه خواهد بود و حضرت فرمودند كه محمد بن حنفيه

فرزند ارجمند جناب امير المؤمنين عليه السلام كه ميفرمود صمد آنكسيست كه قائم بذات خود

بوده و از غير خود بى نياز باشد و گفته است غير او كه صمد يعنى كسيكه بلند است از كمن

دن

دست يعنى ... [illegible] ... صمد آنكسيست وصف كرده نميشود بتغاير يعنى چيزى در مقابل او

كه گفته شود او غير از نيست و اين غير از واست چه كسى در مقابل و نيست همه اشياء در جنب او

سبحانه معدوم صرف اند باز فرمودند الصمد سيد و مولا نيست مطاع يعنى لازم الاطاعة

چنان مطاعى بالاتر از و كسى نيست كه امر و نهى كند او را باز فرمودند كه پرسيده شد از جناب

على بن الحسين از معنى الصمد پس فرمودند صمد كسيست كه شريك ندارد و از و محفوظ نميشود

هيچ چيز تا اينجا كلام آنحضرت بود بعد از ان راوى ميكويد كه زيد بن على ميكويد صمد آنكسيست

كه هرگاه خواسته باشد چيزى را بگويد مر او را كه باش موجود شو پس باشد و موجود شود

و بريخ و زحمت نيفكند و بر ان گران نيايد تا كه هدا شدن هيچ چيز و صمد آنكسيست كه

اظهار و ايجاد كرده همه آنها را بى نمونه پس گردانيد آنها را ضدهاى يكديگر و شكلهاى مختلفه

همه را جفت جفت خلق كرد چنانكه نر و ماده در حيوانات قرار داد و خود جدا است سبحان

الذى خلق الازواج كلها تا آنكه مخالفى يا شكلى يا مثلى داشته باشد از جناب صادق ع

مرويست كه جماعتى از جناب امام محمد باقر ع از چند مسئله پرسيدند پس آنجناب جواب مسائل

آنها را فرمود پس از آنجناب سؤال نمودند از معنى الصمد پس حضرت فرمودند تفسير آن در خودش

يعنى معناى آن همراه لفظش ميباشد الصمد پنج حرفست الف دليل است بر اثبات او چنانكه

فرموده شهد الله انه لا اله الا هو و اين تنبيه و اشاره است بر غائب بودن او از

ادراك حواس و لام دليلست بر الهيت او بدرستيكه او الله است و الف و لام مدغم اند در لفظ

ظاهر نميشوند در زبان و شنيده نميشوند در گوش و در كتابت ظاهر هستند اين دو لفظ علامت

دليل هستند بر اينكه الهيت او بسبب لطافتش پوشيده است و درك نميشود بحواس بلطف خاص منه

کرد درک نمیشود با حواس و بزبان بیان کنند در نمی آید و بگوش شنونده شنیده نمیشود
زیرا که الله آنکسیست که متحیر شده اند آفریدگان از حقیقت و فهمیدن آن و چگونگی بقوای
حسیه بقوت واهمه نیز چنین است فهمیده شود بحس تا بوهم بلکه او موجد اوهام و خالق
حواس اینهمه و چیزی نیست که ظاهر میشود الف و لام وقت نوشتن تا دلیل باشد بر
اینکه خدای تعالی هویدا ساخته پروردگاری خود را در ایجاد خلق و مرکب کردن و نمودن
روحهای ایشان و لطیفست در جسدهای ایشان که کثیفاست پس هرگاه نظر کند بنده بسوی
نفس خود نمی بیند روح خود را چنانکه لام الصمد ظاهر نمیشود و در نمی آید در حاسه
از حواس پنجگانه خود که عبارت از سامعه و باصره و شامه و ذائقه و لامسه است پس
هرگاه نظر کند بسوی نوشته آشکار میشود برای شخص انچه پنهان بوشیده است و نازک پس هر
زمان که فکر کنند بنده در حقیقت خالق و چگونگی او سبحانه متحیر میشوند تا و احاطه
کند فکر او بچیزی که صورتی برای خود زده هستی نبندد زیرا که عز و جل آفریننده صورتهاست
پس چون نظر کند بسوی مخلوق خدا ثابت و واضح میشود برای او بدرستیکه خدای عز و جل
خالق ایشانست و ترکیب کننده روحهای ایشانست با جسدهای ایشان اما صاد پس دلیلست
بر اینکه خدای عز و جل صادق و راستگو است قول و کلام او صدق است و کلامش راست
و خواننده است بندگان خود را بسوی پیروی صدق و وعده صدق فرموده تا رضد و را
یعنی بهشت را اما میم دلیل بر ملک او است انه الملك الحق یعنی بدرستیکه او است پادشاه
بحق که همیشه بوده و همیشه خواهد بود و ملک او زوال ندارد و تا همیشه در ملک خود اما
دال پس دلیل بر دوام ملک عز و جل است که آن متعال عن الكون و الزوال بل هو عز و جل مكون

الکائنة

الکائنات الذی کان بتکوینه کل کائن یعنی او همیشه بلند است از کون و زوال بلکه
مکون جمیع کائناتست که بقدرت و بتکوین او عز و جل جمیع کائنات و مخلوقات موجود
و ثابتست کذلك الله ربی کذلك الله ربی بعد از آن فرمودند هر گاه می یافتم برای علم خود
امتحان علمی که خدا تعالی بمن عطا فرموده حاملانی یعنی کسانیکه حامل آن علم باشند هر آینه
نشر و پهن میکردم توحید و اسلام و ایمان و دین و شرایع را از معنی صمد چگونه میشود
این از برای من و حال آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیافت برای علم خود حمله
حتی آنکه در بالای منبر تنفس آه و درد از دل میکشیدند و منبر فرمودند سلونی قبل ان
تفقدونی فان بین الجوانح منی علما جما هاه هاه الا لا اجد من یحمله الا
و انی علیکم من الله الحجة البالغة فلا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من
الاخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور ثم قال لنا فرع الحمد لله الذی من علینا
و وفقنا لعبادة الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
و جنبنا عبادة الاوثان حمدا سرمدا و شکرا واصبا یعنی جناب امیر المؤمنین
در بالای منبر آه میکشیدند و منبر فرمودند سؤال کنید از من پیش از آنکه مرا نیابید
و بدانید پس بدرستیکه میان دو پهلوهای من علم بسیار بسیار است آه آه آگاه باشید که نمی یابم
کسی را که حامل این علم باشد بدرستیکه من برای شما حجت بالغه هستم پس دوستی نکنید
گروهی که غضب کرده خدا تعالی بر آنها بتحقیق مأیوس شده اند از نفع آخرت چنانکه مأیوس شده اند
کافران از صاحبان قبرها چرا اعتقاد آنها اینست که مردها زنده نشوند بعد از آن تمام
محمد باقر فرمودند حمد مر خدای را که منت گذاشت بر ما و موفق گردانید ما را بجهت

عبادت احد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد و دور کرد مارا از
عبادت بتها حمد الهی و شکر همیشه این محلی بود از تفسیر سوره توحید که ذکر شد در
که تفصیل سوره مبارکه زیاده از حد و احصا است مؤلف گوید که معنی توحید
اقرار بولایت جناب علی بن ابیطالب است زیرا که ذات اقدس خداوندی جل شانه
را منکری نیست و اختلافی در میان مخلوق در وجود صانع واقع نیست چنانکه در
آیه مبارکه فرموده قل افی الله شک فاطر السموات و الارض پس مشرک و موحد را
هر ذوی عقول را مجال شک و انکار نیست و فی الحقیقه منکر ولایت آنجناب مشرک
و کافر است و در بعضی فقرات زیارت جامعه کبیره فرموده اند و من حاربکم مشرک
و من جحدکم کافر و در تفسیر آیه مبارکه ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر
ما دون ذلک یعنی بدرستیکه خدا نمی بخشد اینکه شریک قرار بدهند برای او عز و جل
و می بخشد سوای شرک را معنی شرک انکار ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است
که خداوند هرگز نخواهد آمرزید از آنچنانچه در سابق همین تفصیل مذکور شد و در
حدیث قدسی است که می آمرزم هر کس را طاعت کند علی را هر چند معصیت من کرده
باشد و نمی آمرزم کسی را که معصیت او کند هر چند اطاعت من کند پس منکر جناب
علی بن ابیطالب علیه السلام مشرک و کافر است و هر کس اقرار بر آنجناب دارد
مؤمن و موحد است توحید در حقیقت ولایت جناب علی بن ابیطالب است
نظر بفهم مؤلف حقیر بقدر امکان آیاتیکه در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام
نازل شده در این رساله بطریق اختصار مانند در رؤیا و نیز سنه تالیف را و ذاکر

چه جمیع آیات قرآنی در شان و منزلت آنجناب است چنانچه خود آنجناب در حدیثی
فرموده اند هر چه در قرآن مجید است در فاتحة الکتاب
است و هر چه در او است در بسم الله الرحمن
الرحیم است و هر چه در او است در
نقطه با است و من
آن نقطه
هستم

صدق و بلغ مولینا امیر المؤمنین اللهم زد محبته فی قلوبنا و امتنا فی محبته و احشرنا معه بحق محمد
کتبه العبد الذلیل الاثیم عند الغنی اشنی الاحول و خلاف اللبانی فی غایة الاستعجال محمد رضا الخوانساری

بسعی و اهتمام سرکار رفیع شعار عمدة الحاج
جناب سلالة الاطهار حاجی سید علی
سلمه الله تعالی صورت انطباع یافت
۱۲۷۳

و سعادت سرمدی موهبت است تمام همت بر فهم اشارات حکما مقصود دارد و تمامی همت بکشف رموز
علما مصروف کرده اند و از طبیب سبا و دار الشفای طریقت مفرح غمزدای حقیقت التماس نماید تا برکت معالجات
حکمای روحانی از علت آمیزش جهل و نادانی برهد نظم داروی تربیت از پیر طریقت بستان کادمی از علت نادانی
روی اگر چند پریچهره و زیبا باشد نتوان دید در آیینه که نورانی نیست عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند مرد اگر هست بجز عالم
ربانی نیست

باب دهم در بیان جزای عمل بطریق مکافات است

دابشلیم از روی نیاز بیدپای حکیم را دعا گفت و فرمود که شنیدم داستان فریبنده و کامجوی و آن
مثلی است مرد خردمند را از آنچه میان ملوک و خدمتکاران ایشان افتد از خلاف و خیانت و عفو و عفو
و مراجعت و تجدید عنایت و مزید عقیدت مردم امین و کافی جهت نظام ممالک در ترتیب مصالح و غلو
ناکردن در جانب باطل و معترف شدن بسخن حق و صواب فواید این حکایات از حد حساب بیرون بود
اکنون بیان فرماید داستان کسی که از برای صیانت حال و رعایت نفس خویش از ایذا دیگران و رسانیدن
مضرت بجانوران باز نه ایستد و پند خردمندان در گوش نگیرد لاجرم مثل آنچه از او صادر شده از او
گرفتار گردد حکیم فرمود که بایذا حیوانات اقدام نماید مگر جاهلی که میان نور خیر و ظلمت شر و فایده نفع و
غائله ضر فرق نتواند کرد و بحکم جهالت در بادیه ضلالت سرگردان شده از عواقب اعمال غافل شده
و نظر بصیرتش از خواتیم امور قاصر مانده بجنبه مکافات بینا نگردد اما آنکه بدیده سرش بکحل الجواهر توفیق ازلی
منور است و گلشن دلش بروایح ریاحین عنایت لم یزلی معطر هر چه بخویشتن نپسندد در باب هیچ
خودی چگونه روا دارد مصرع مپسند بکس آنچه بخود نپسندی و بباید دانست که هر کردار را جزائی مقرر است
و هر آینه بارباب آن برسد و بتاخیری که در میان افتد مغرور نباید شد که بفحوای ان الله یمهل و لا یهمل
شاید امهالی لیکن اهمالی نخواهد بود و سه روزه مهلت را مجال است و اندیشه نایافتن جزا و سزای خود
محال هر تخمی که در مزرعه عمل بکارند بسی بر نیاید که بر آن بردارند پس هر که طلب نیکونی دارد باید که تخم
نیکی بکارد نظم خواهی که ترا اسیچ بدی ناید پیش تا بتوانی بدی مکن از کم و بیش چون نیک و بد تو
میگردد باز بنگر که چه کار میکنی در حق خویش و اگر کسی خواهد که بدکرداری خویش را بمکر و تلبیس پوشیده
و زرق و شعبده خود را در لباس نیکوکاران جلوه دهد تا بجدی که مردمان بر وی ثنا گویند و ذکر مح

در انظار



